

به نام خدا



فصلنامه

پژوهش‌های تجربی حسابداری "نشریه علمی"

سال یازدهم، شماره ۳۹، بهار ۱۴۰۰

این فصلنامه "نشریه علمی" طبق نامه شماره ۳/۱۸۱۶۵۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از شماره سوم با درجه علمی _ پژوهشی منتشر می‌شود.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: سید علی حسینی

سر دبیر: علی رحمانی

عضو هیئت تحریریه	دانشگاه	درجه علمی	رشته
امید پورحیدری	دانشگاه شهید باهنر کرمان	استاد	حسابداری
حمید پورجلالی	دانشگاه هاوایی ایالات متحده امریکا	استاد	حسابداری
رضوان حجازی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
علی رحمانی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
ذبیح اله رضایی	دانشگاه ممفیس ایالات متحده امریکا	استاد	حسابداری
حسین سجادی	دانشگاه شهید بهشتی	استاد	حسابداری
غلامرضا سلیمانی امیری	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
بیتا مشایخی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری
ساسان مهرانی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری
سعید همایون	دانشگاه گاول سوئد	دانشیار	حسابداری
حسن یزدی فر	دانشگاه سالفورد انگلستان	استاد	حسابداری

ویراستار علمی و ادبی: نازنین بشیری منش

ویراستار انگلیسی: الهه ابراهیمی

صفحه آرا: خدیجه اسفندی

کارشناس نشریه: اعظم پاک خصال

چاپ و صحافی: کارگاه گرافیک رامتین

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن و نمابر: ۸۸۲۱۲۵۷۸

تارنما: <http://jera.alzahra.ac.ir>

رایانامه: jera@alzahra.ac.ir

این فصلنامه با همکاری انجمن علمی حسابداری مدیریت به چاپ می رسد.

خط مشی انتشار مجله

فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری نشریه‌ای علمی است که با رسالت توسعه دانش و پژوهش حسابداری در کشور، به انتشار مقاله‌های پژوهشی* در حوزه حسابداری مبادرت می‌کند. مقالات با رویکرد تجربی/آرشیوی، آزمایشی، بین رشته‌ای/انتقادی، بازارپایه، پیمایش و مدل سازی که از ویژگی اصالت و نوآوری برخوردار باشند، در اولویت بررسی و انتشار خواهند بود. مهم ترین حوزه‌های مورد تأکید برای انتشار مقاله‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. پژوهش‌های تجربی حسابداری در بازار سرمایه و بازار پول
۲. پژوهش‌های تجربی در حسابرسی و اطمینان بخشی
۳. پژوهش‌های تجربی در گزارشگری مالی و راهبری شرکتی

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله‌ها

مقاله‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیئت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقاله به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن B Nazanin با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیك و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ سانتی متر قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره

گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت مقاله‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار مقاله

۱-۲. **صفحه جلد مقاله:** این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل مقاله؛

- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛

- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛

- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. **صفحه اول مقاله:** عنوان و چکیده مقاله به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف مقاله، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی:

< <http://www.aeaweb.org/jel/guide/jel.php> > قابل دسترسی است.

۳-۲. **صفحه دوم تا انتهای مقاله:** این بخش باید در بردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛

- مروری بر پیشینه (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛

- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان

بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛

- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛

- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛

- فهرست منابع.

- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌ها در متن مقاله از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

- نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی‌نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.

- هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود.

در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون‌متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۴-۲. **مقاله:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه)

۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۴. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود. - در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله‌ای که زودتر (قدیمی‌تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۵/۰ سانتی متر می‌باشد.

۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آنها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره (۱)) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین

ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در نگاره‌هایی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی‌نوشت و محتوای پی‌نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

فهرست مطالب

- نقش تعدیل گر ساختار مالکیت بر رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود..... ۱
مهدی خزایی، حسن زلّقی، عباس افلاطونی
- بررسی اثر ریسک نرخ تورم و ریسک خاص شرکت بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت:
رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته..... ۲۳
مهدی مرادی، سیده عصمت پرهیزکار ملک آباد
- تأثیر تفاوت‌های فردی بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی حساب‌رسان..... ۵۳
سید محمد مشعشعی، سید عباس هاشمی، داریوش فروغی
- تأثیر اغواگری مدیریت و انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود و ارتباط کمیته
حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس..... ۷۵
محمد رضا نیک بخت، غلامرضا سلیمانی امیری، منصور مومنی، امیرحسین حسین پور
- طراحی مدل علل زمینه‌ای ایجاد کننده بلوغ حرفه‌ای حساب‌رسان مبتنی بر رویکرد نظریه داده
بنیاد..... ۱۰۵
محمود ابوالقاسمی، محمدرضا عبدلی، حسن ولیان، فرهاد دهمدار
- ارتقای سطح اثربخشی معیارهای رقابتی شرکت‌ها بر اساس تکنیک‌های حسابداری مدیریت
استراتژیک از طریق تحلیل‌های درخت تصمیم و تئوری راف توسعه یافته..... ۱۳۷
کریم نخعی، حسن یزدی فر، مهدی فغانی
- خوانایی متن صورت‌های مالی و استراتژی‌های حساب‌رسان در مواجهه با ریسک حسابرسی..... ۱۶۹
نازنین بشیری منش، امین صمیمی
- شناسایی و تعیین قابلیت پایش مستمر ریسک‌های مالی و غیرمالی صنعت دارو در حسابرسی
داخلی..... ۱۹۳
جواد شکرخواه، جعفر باباجانی، احسان حمزه
- بررسی واکنش بازار به کیفیت کار شرکای حسابرسی..... ۲۱۷
مسعود طاهری‌نیا، محسن رشیدی، آیت عموزاده، زهرا منصوری
- شاخصه‌های حسابداری سرمایه انسانی مبتنی بر رویکرد ارزش‌گذاری غیر پولی (مورد مطالعه:
بانک ملی ایران)..... ۲۴۱
داریوش دموری، مهدی سبک‌رو، سیدمحمدناصر رضوی حیدری

نقش تعدیل‌گر ساختار مالکیت بر رابطه قابلیت

مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود

مهدی خزایی^۱، حسن زلّقی^۲، عباس افلاطونی^۳

تاریخ دریافت: ۰۶ / ۱۲ / ۹۶

تاریخ پذیرش: ۳۰ / ۰۳ / ۹۷

مقاله پژوهشی

چکیده

قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری به شمار می‌رود که می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی از قبیل انگیزه‌های مدیریت و مدیریت سود قرار گیرد. از سوی دیگر، ساختار مالکیت یکی از مباحث مطرح در حوزه حاکمیت شرکتی است که بر جنبه‌های مختلف شرکت تأثیرگذار است. هدف این پژوهش بررسی نقش تعدیل‌گر ساختار مالکیت بر رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود است. برای دستیابی به این هدف، ۱۲۰ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوی رگرسیون چندگانه و داده‌های ترکیبی (با کنترل اثرات سال‌ها و صنایع) استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با مدیریت سود اقلام تعهدی رابطه منفی و معناداری دارد. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش حاکی از آن است که افزایش سطح مالکیت نهادی موجب تضعیف رابطه معکوس قابلیت مقایسه و مدیریت سود می‌شود. این نتیجه را می‌توان به این صورت تفسیر کرد که هر چه سطح مالکیت نهادی بیشتر باشد، تأثیر منفی مدیریت سود بر قابلیت مقایسه کمتر است. نتایج آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت تأثیر معناداری بر رابطه بین قابلیت مقایسه و مدیریت سود ندارد.

واژه‌های کلیدی: قابلیت مقایسه، مدیریت سود، ساختار مالکیت.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, G14

10.22051/jera.2018.19475.1968:DOI

^۱ استادیار حسابداری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، (m.khazaei@basu.ac.ir)^۲ استادیار حسابداری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، (نویسنده مسئول)، (zalaghi@basu.ac.ir)^۳ استادیار حسابداری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، (A.Aflatooni@basu.ac.ir)<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری، قابلیت مقایسه علاوه بر اتکا بر اطلاعات حسابداری یک شرکت، بر اطلاعات حسابداری سایر شرکت‌های مشابه نیز وابسته است (ایمهوف و همکاران، ۲۰۱۷). نسبت به سایر ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری، قابلیت مقایسه حسابداری نقش مهم‌تری در تصمیم‌گیری‌های اعتباردهندگان و سهامداران ایفا می‌کند (سو و همکاران، ۲۰۱۸). مقالات متعددی در زمینه تأثیر قابلیت مقایسه بر سایر متغیرهای حسابداری از قبیل سبک حسابرس (محمدی خشوئی و همکاران، ۱۳۹۴)، آگاهی بخشی قیمت سهام (مهرورز و مرفوع، ۱۳۹۵) و ضریب واکنش سودهای آتی (فروغی و قاسم‌زاد، ۱۳۹۴) انجام شده است. با این حال، پژوهش‌ها در زمینه تأثیرپذیری قابلیت مقایسه از سایر عوامل حسابداری بسیار اندک بوده که این موضوع خود انگیزه‌ای برای انجام پژوهش حاضر است.

قابلیت مقایسه به صورت مستقیم متأثر از استانداردهای حسابداری است. با این حال، استانداردهای حسابداری به تنهایی توانایی تعیین خروجی گزارشگری مالی را نداشته و عوامل اقتصادی، ویژگی‌های صنعت و انگیزه‌های سازمانی نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند (فرازیس و همکاران، ۲۰۱۴). یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر قابلیت مقایسه، مدیریت سود است؛ چرا که مطابق دیفرانکو و همکاران (۲۰۱۱) عملکرد سیستم حسابداری انعکاس وقایع اقتصادی است. این عملکرد حسابداری، که در قالب سود گزارش می‌شود، محصول مستقیم سطح مدیریت سودی است که شرکت درگیر آن است (راس و همکاران، ۲۰۱۶). پژوهش‌های تجربی پیشین نیز حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین قابلیت مقایسه و مدیریت سود حسابداری هستند (راس، ۲۰۱۶؛ سان، ۲۰۱۶؛ کاوادا، ۲۰۱۴؛ کیا و صفری گرایلی، ۱۳۹۶).

از جمله عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود، ساز و کارهای حاکمیت شرکتی، از قبیل ساختار مالکیت است؛ چرا که تفاوت موجود در نحوه مالکیت شرکت‌های سهامی بر شدت هزینه‌های نمایندگی تأثیر می‌گذارد. به صورت کلی، یکی از اهداف حاکمیت شرکتی کاهش تعارض منافع بین ذینفعان شرکت است. عموماً این تصور وجود دارد که ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌تواند به تغییر رفتار شرکت‌ها منجر شود. این قضیه به دلیل نوع فعالیت‌های نظارتی است که

سرمایه‌گذاران مختلف انجام می‌دهند (استا، ۱۳۹۰). از جنبه نظری، ساختار مالکیت هم می‌تواند برای مدیریت سود انگیزه ایجاد کند و هم می‌تواند مدیریت سود را کنترل کند. نتایج پژوهش‌های پیشین حاکی از وجود رابطه معنادار بین ساختار مالکیت شرکت و سطح مدیریت سود است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۵؛ مهدوی و تقوی، ۱۳۹۴؛ استا، ۱۳۹۰). لذا با توجه به رابطه معنادار مدیریت سود با قابلیت مقایسه، در این پژوهش فرض می‌شود که ساختار مالکیت شرکت می‌تواند رابطه بین مدیریت سود و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را تعدیل کند.

تأثیر ساختارهای حاکمیت شرکتی بر افزایش کیفیت گزارشگری مالی، موضوعی است که در سال‌های اخیر در تدوین قوانین و شرایط پذیرش بورس‌های بزرگ دنیا نیز مورد توجه قرار گرفته است (مشایخی و محمدآبادی، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر ابتدا به صورت تجربی بررسی می‌شود که چگونه فعالیت‌های فرصت‌طلبانه مدیر، میزان قابلیت مقایسه آن شرکت نسبت به سایر شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سپس نقش تعدیل‌گر ساختار مالکیت بر رابطه بین مدیریت سود و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی می‌شود.

اطلاعات با قابلیت مقایسه پایین موجب می‌شود که سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های خود دچار مشکل شوند، که این موضوع خود باعث ناکارایی بازار و قیمت‌گذاری نادرست اوراق بهادار می‌شود. با وجود اهمیت موضوع قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، پژوهش‌های تجربی در این زمینه بسیار محدود است. از جمله دلایل این امر آن است که قابلیت مقایسه یک مفهوم نسبی یا مقایسه‌ای بوده و مانند سایر ویژگی‌های حسابداری یک معیار مطلق یا مستقل نیست. با توجه به موارد فوق این پرسش‌ها در بازار سرمایه کشور مطرح است که آیا مدیریت سود بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تأثیر دارد و آیا رابطه مزبور تحت تأثیر ساختار مالکیت شرکت قرار دارد یا خیر. به منظور یافتن پاسخی به این پرسش‌ها پژوهش حاضر انجام شده است. بهبود کیفیت گزارشگری مالی، از قبیل قابلیت مقایسه، ریسک اطلاعاتی سرمایه‌گذار را از طریق بهبود برآوردها در مورد جریان‌ات نقدی آتی شرکت کاهش داده و منجر به کاهش هزینه سرمایه شرکت می‌گردد (ایمهورف و همکاران، ۲۰۱۷). در ادامه، مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌ها، روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش ارائه می‌گردد و در پایان نیز در خصوص نتایج پژوهش بحث می‌شود.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

قابلیت مقایسه و مدیریت سود

پژوهشگران حسابداری، صورت‌های مالی را ترسیم وقایع اقتصادی با استفاده از ارقام حسابداری می‌دانند (دیفرانکو و همکاران، ۲۰۱۱). با این برداشت، زمانی دو شرکت صورت‌های قابل مقایسه‌ای خواهند داشت که نحوه این ترسیم یکسان باشد. به بیان دیگر، اگر شرکت‌ها ارقام حسابداری یکسانی را برای وقایع اقتصادی یکسان و ارقام حسابداری متفاوتی را برای وقایع اقتصادی متفاوت گزارش کنند؛ صورت‌های مالی قابل مقایسه خواهند بود. از طریق رعایت ویژگی‌های کیفی بنیادین اطلاعات مالی می‌توان تا حدی به قابلیت مقایسه دست یافت. به عنوان مثال، زمانی که شرکت‌های مختلف برای انعکاس رویدادی یکسان، ویژگی ارائه صادقانه را رعایت کنند؛ درجه‌ای از قابلیت مقایسه به دست می‌آید. با این حال، یک رویداد اقتصادی می‌تواند به صورت صادقانه، اما به روش‌های مختلف ارائه گردد. مجاز دانستن روش‌های حسابداری متفاوت برای انعکاس یک رویداد اقتصادی یکسان، قابلیت مقایسه را کاهش می‌دهد (هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، ۲۰۱۰).

به طور کلی، عدم قابلیت مقایسه می‌تواند ناشی از اصول پذیرفته شده عمومی حسابداری، نحوه به کارگیری این اصول توسط شرکت‌ها و ساختار معاملات باشد. شرکت‌ها می‌توانند ساختار معاملات خود را به نحوی تنظیم کنند که ویژگی‌هایی را نشان دهد که منجر به روش حسابداری موردنظر گردد. شرکت‌ها می‌توانند رویه‌های حسابداری متفاوتی که توسط استانداردهای حسابداری مجاز دانسته شده را انتخاب کنند یا درباره برآورد اقلام تعهدی قضاوت کنند. چنین انتخاب‌هایی می‌تواند موجب پایین آمدن قابلیت مقایسه شود (کیم و همکاران، ۲۰۱۳). از لحاظ نظری، عملکرد سیستم حسابداری انعکاس وقایع اقتصادی است. این عملکرد حسابداری که در قالب سود حسابداری گزارش می‌شود، محصول مستقیم سطح مدیریت سودی است که شرکت درگیر آن است. بنابراین، در یک شرکت، سطح بالای مدیریت سود باعث تضعیف رابطه بین وقایع اقتصادی و ارقام گزارش شده در صورت‌های مالی می‌شود و این امر موجب کاهش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بین شرکت‌های مختلف خواهد شد. در صورتی که سایر شرکت‌ها نیز درگیر مدیریت سود باشند، کاهش قابلیت مقایسه تشدید خواهد شد (راس و همکاران، ۲۰۱۶).

نتایج پژوهش‌های پیشین نیز رابطه معکوس قابلیت مقایسه و مدیریت سود را تأیید می‌کنند. سان (۲۰۱۶) دریافت که افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با کاهش مدیریت سود حسابداری و افزایش مدیریت سود واقعی رابطه دارد. راس و همکاران (۲۰۱۶) با بررسی عوامل تعیین‌کننده قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، به رابطه منفی و معنادار قابلیت مقایسه و مدیریت سود حسابداری اشاره کردند. کاوادا (۲۰۱۴) نیز رابطه بین قابلیت مقایسه و اقلام تعهدی غیرعادی را بررسی کرد. نتایج وی حاکی از این است که شرکت‌هایی که قابلیت مقایسه حسابداری پایین‌تری دارند، دارای اقلام تعهدی بیشتری هستند. در پژوهش‌های داخلی شگری دوغ آبادی و مرادی (۱۳۹۸) با بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و واقعی به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای مذکور رابطه معناداری وجود ندارد. با این حال، کیا و صفری گرایلی (۱۳۹۶) در پژوهشی مشابه با سان (۲۰۱۶)، با بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، مدیریت سود اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی یافتند که بین قابلیت مقایسه و مدیریت سود تعهدی یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد. با توجه به مبانی نظری و پیشینه مطرح شده، در این پژوهش ابتدا رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود حسابداری بررسی می‌شود. بدین منظور، فرضیه اول به شکل زیر ارائه می‌گردد:

فرضیه اول: بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود حسابداری رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

نقش ساختار مالکیت بر رابطه مدیریت سود و قابلیت مقایسه

موضوع ساختار مالکیت و تأثیر آن بر ابعاد مختلف شرکت، به عنوان یکی از مسائل با اهمیت در ادبیات حاکمیت شرکتی مطرح است. منظور از ساختار مالکیت، مشخص کردن بافت و ترکیب سهامداران یک شرکت است (خدادای و همکاران، ۱۳۹۳). در بحث ساختار مالکیت، موضوعی که جلب توجه می‌کند حضور روزافزون سرمایه‌گذاران نهادی و حقوقی به عنوان مالکین شرکت‌ها و تأثیری است که حضور فعال این گروه بر نحوه حکمرانی سازمان‌ها و همچنین عملکرد آن‌ها می‌تواند داشته باشد (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷).

در پژوهش‌های پیشین تأثیر ساختار مالکیت بر قابلیت مقایسه به ندرت بررسی شده است. تنها پژوهشی که تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر قابلیت مقایسه را بررسی کرده است، پژوهش زینالی و همکاران (۱۳۹۶) است. زینالی و همکاران (۱۳۹۶) تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی (از قبیل مالکیت نهادی) بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با تأکید بر مراحل چرخه عمر شرکت را بررسی کردند. نتایج آنان نشان داد که مالکیت نهادی تأثیر مثبت و معناداری بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی دارد. پژوهش‌های متعددی در حوزه نقش ساختار مالکیت بر سایر ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی انجام شده است. نصرالهی و عارف منش (۱۳۸۹) با بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی یافتند که وجود سرمایه‌گذاران نهادی در ساختار مالکیت شرکت‌ها، موجب بهبود ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی، شامل ارائه صادقانه، مربوط بودن، و به موقع بودن می‌شود. آنان همچنین بیان کردند که تمرکز مالکیت موجب تضعیف ویژگی‌های کیفی مزبور می‌شود. ابراهیمی کردلر و اعرابی (۱۳۸۹) نیز یافتند که تمرکز مالکیت موجب بهبود ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی شامل مربوط بودن و قابل اتکا بودن می‌شود.

در مورد تأثیر ساختار مالکیت بر مدیریت سود پژوهش‌های بسیاری انجام شده و این موضوع یکی از پرسش‌های مطرح در پژوهش‌های حوزه حاکمیت شرکتی است. نگوین و همکاران (۲۰۲۰) رابطه ساختار مالکیت و مدیریت سود را در کشور ویتنام بررسی کردند. نتایج آنان نشان می‌دهد که مالکیت دولتی تأثیر مثبت و مالکیت مدیریتی تأثیر منفی بر سطح مدیریت سود دارد. پیوسیک و گنجی (۲۰۱۹) رابطه ساختار مالکیت و مدیریت سود واقعی را در کشور لهستان بررسی کردند. نتایج آنان حاکی از آن است که بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود واقعی رابطه‌ای به شکل حرف یو لاتین وجود دارد، به این معنی که یک نقطه بهینه برای سطح تمرکز مالکیت وجود دارد که در آن نقطه مدیریت سود حداقل است. المسلمانی و نیتن (۲۰۱۹) نیز پژوهش مشابهی را در کشور مصر انجام دادند. پژوهش آنان یک رابطه مثبت و معنادار بین مالکیت نهادی و سطح مدیریت سود را نشان داد. آلوز (۲۰۱۲) نیز رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود را در کشور پرتغال بررسی کرد. نتیجه پژوهش وی وجود رابطه منفی بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود را نشان می‌دهد. سلیم (۲۰۱۶) نیز رابطه بین مدیریت سود و ساختار مالکیت را در کشور اردن بررسی کرد. نتایج وی حاکی از آن است

که تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی می‌توانند در مهار مدیریت سود حسابداری موثر باشند. در پژوهش‌های داخلی، جعفری و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که رابطه منفی معناداری بین مالکیت نهادی و مدیریت سود وجود دارد. مهدوی و تقوی (۱۳۹۴) نیز یافتند که با افزایش درصد مالکیت نهادی، مدیریت سود کاهش می‌یابد. استا (۱۳۹۰) بیان کرد که رابطه منفی معناداری بین مالکیت نهادی و مدیریت سود وجود دارد. نتایج مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۸۸) نیز بیانگر وجود رابطه منفی بین سطح مالکیت نهادی و تمرکز آن با مدیریت سود است.

با توجه به تأثیر غیر مستقیمی که ساختار مالکیت بر مدیریت سود و انگیزه‌های مدیریت دارد، و همچنین رابطه مدیریت سود و قابلیت مقایسه، هدف این پژوهش بررسی نقش تعدیل‌گر ساختار مالکیت بر رابطه مدیریت سود و قابلیت مقایسه است. در این پژوهش ساختار مالکیت با استفاده از دو شاخص مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت مورد مطالعه قرار گرفته است. یکی از سازوکارهای تأثیر گذار بر حاکمیت شرکتی که اهمیت زیادی دارد، حضور سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان مالکان شرکت‌ها است. مالکیت نهادی به نسبت سهام عادی در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی اطلاق می‌شود. به عنوان شاخص دوم، تمرکز مالکیت نشان می‌دهد که چه میزان از کل سهام عادی یک شرکت معین در اختیار تعداد محدودی از مالکین است. با توجه به مبانی نظری پژوهش و پیشینه آن، فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شوند:

فرضیه دوم: مالکیت نهادی رابطه بین قابلیت مقایسه و مدیریت سود را تعدیل می‌کند.

فرضیه سوم: تمرکز مالکیت رابطه بین قابلیت مقایسه و مدیریت سود را تعدیل می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ نتایج از نوع کاربردی است و چون در انجام آن از داده‌های تاریخی استفاده می‌شود، از نظر زمانی گذشته‌نگر (پس‌رویدادی) محسوب می‌گردد. افزون بر آن، پژوهش حاضر از نوع توصیفی و همبستگی است چرا که وضعیت واحدهای تجاری را از نظر برخی متغیرها شرح می‌دهد و به دنبال بررسی شدت و جهت همبستگی بین متغیرهاست. برای محاسبه معیار سنجش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (روابط ۱ تا ۵) از تحلیل رگرسیون سری

زمانی و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش (مدل ۱)، از تحلیل رگرسیون چندگانه با داده‌های ترکیبی و کنترل اثرات سال و صنعت استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، نسخه ۱۴ نرم‌افزار استتا و نسخه ۹ نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری پژوهش، شامل تمام شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۱ ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ است که حائز شرایط زیر باشند:

۱. پایان سال مالی شرکت‌ها، ۲۹ اسفند هر سال باشد.
 ۲. نمونه از صنایع سرمایه‌گذاری مالی و بانک‌ها و بیمه‌ها نباشد. علت حذف چنین شرکت‌هایی متفاوت بودن ماهیت، استانداردهای حسابداری و قوانین حاکم بر آن‌ها در مقایسه با سایر شرکت‌ها است.
 ۳. در طول دوره زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
 ۴. داده‌های آن‌ها جهت محاسبه متغیرهای پژوهش، به طور کامل در دسترس باشد.
- از آن‌جا که متغیر قابلیت مقایسه، در بین شرکت‌های هر صنعت و جدا از سایر صنایع، تعریف و محاسبه می‌شود؛ پس از اعمال شرایط یاد شده، به پیروی از پژوهش فروغی و قاسم خانی (۱۳۹۴) صنایعی انتخاب شدند که حداقل شش شرکت در آن‌ها فعال باشد. در نهایت ۱۲۰ شرکت فعال در ۱۲ صنعت برای بررسی انتخاب شدند.

متغیرهای پژوهش و نحوه سنجش آن‌ها

متغیر وابسته (قابلیت مقایسه)

در این پژوهش، برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه حسابداری از مدل دیفرانکو و همکاران (۲۰۱۱)، که از رگرسیون سود-بازده برای برآورد ارتباط بین وقایع اقتصادی و خروجی سیستم حسابداری استفاده می‌کند، استفاده شده است. در این مدل، از بازده سهام به عنوان معیاری برای انعکاس واقعیت‌های اقتصادی و از سود حسابداری به عنوان معیاری برای انعکاس خروجی سیستم حسابداری استفاده شده است. طبق منطق این مدل، دو شرکت ۱ و ۲ زمانی

سیستم حسابداری قابل مقایسه‌ای دارند که مبالغ حسابداری مشابهی را برای وقایع اقتصادی مشابه و مبالغ حسابداری متفاوتی را برای وقایع اقتصادی متفاوت، گزارش کنند. دیفرانکو، کوتاری و وردی (۲۰۱۱) بیان می‌کنند که بازده سهام منعکس کننده وقایع اقتصادی و در واقع خلاصه‌ای از تغییر در ارزش سهام است و منعکس کننده تصمیمات سرمایه‌گذاران در خصوص تخصیص سرمایه است. برای محاسبه این معیار، ابتدا مدل (۱) با استفاده از ۱۱ دوره یک ساله به صورت سری زمانی برآورد می‌شود.

$$\text{Earnings}_{it} = \alpha_i + \beta_i \text{Return}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (\text{رابطه ۱})$$

که در آن، Earnings سود عملیاتی است که با ارزش بازار سهام ابتدای دوره، همگن می‌شود و Return بازده سالانه سهام است. افزون بر آن، i نماد شرکت و t نماد سال است. در رابطه (۱) ضرایب α و β نشان می‌دهند که چگونه وقایع اقتصادی در سود حسابداری شرکت منعکس می‌شوند. با فرض یکسان بودن وقایع اقتصادی (بازده)، برای سنجش میزان تشابه در عملکرد سیستم‌های حسابداری دو شرکت i و j در انعکاس رویدادهای اقتصادی، سود پیش‌بینی شده هر شرکت یک بار با استفاده از ضرایب برآورد شده همان شرکت و یک بار دیگر با استفاده از ضرایب برآورد شده شرکت‌های مشابه در آن صنعت به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$E(\text{Earnings}_{iit}) = \alpha_i + \beta_i \text{Return}_{it} \quad (\text{رابطه ۲})$$

$$E(\text{Earnings}_{ijt}) = \alpha_j + \beta_j \text{Return}_{it} \quad (\text{رابطه ۳})$$

که در آن‌ها، $E(\text{Earning})_{iit}$ سود مورد انتظار شرکت i با استفاده از تابع شرکت i و بازده سهام شرکت i در زمان t ، و $E(\text{Earning})_{ijt}$ سود مورد انتظار شرکت j با استفاده از تابع شرکت j و بازده سهام شرکت i در زمان t است. قابلیت مقایسه حسابداری بین شرکت i و شرکت j (Comp_{ij}) به صورت منفی میانگین قدرمطلق تفاضل بین سودهای برآورد شده با استفاده از توابع حسابداری شرکت i و شرکت j محاسبه می‌شود. شرکت i و شرکت j باید در یک گروه صنعتی یکسان باشند.

$$\text{Comp}_{ijt} = -\frac{1}{11} \times \sum_{1-10}^t |E(\text{Earnings}_{ijt}) - E(\text{Earnings}_{iit})| \quad (\text{رابطه ۴})$$

مقادیر بزرگ‌تر این شاخص بیانگر قابلیت مقایسه بالاتر بین شرکت i و شرکت j است. در نهایت، با میانگین‌گیری از تمامی ترکیب‌های Compiz، یک شاخص قابلیت مقایسه حسابداری در سطح هر شرکت محاسبه می‌گردد.

متغیرهای مستقل و تعدیل‌گر

مدیریت سود (EM): مدیریت سود در حسابداری، شامل تغییر گزارش‌های مالی جهت گمراه ساختن سهامداران درباره عملکرد اساسی سازمان یا تحت تأثیر قرار دادن پیامدهای قراردادی است که وابسته به ارقام حسابداری گزارش شده است (هیلی، ۱۳، ۱۹۹۹). در این پژوهش، مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری به‌دست آمده از مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) که در واقع شکل تعدیل شده مدل جونز است، اندازه‌گیری شده است.

(رابطه ۵)

$$TACC_{it} = \alpha + \beta_1 1/A_{it-1} + \beta_2 \Delta REV_{it} - \Delta REC_{it} + \beta_3 PPE_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن، $TACC_{it}$ کل اقلام تعهدی (معادل سود منهای جریان وجوه نقد عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌های ابتدای دوره)، RA_{it-1} معادل نسبت معکوس کل دارایی‌ها در ابتدای دوره، $\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}$ معادل تفاضل تغییرات درآمد فروش منهای حساب‌ها و اسناد دریافتی تقسیم بر کل دارایی‌های ابتدای دوره، PPE_{it} نسبت اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات بر کل دارایی‌های ابتدای دوره و ROA_{it} نسبت بازده دارایی‌ها معادل سود خالص بر کل دارایی‌ها است

تمرکز مالکیت (Concentration): تمرکز مالکیت دلالت بر آن دارد که چه میزان از کل سهام یک شرکت معین در اختیار تعداد محدودی از مالکین می‌باشد. در این پژوهش، به پیروی از حساس یگانه (۱۳۹۴)، به منظور محاسبه این متغیر از شاخص هرفیندال-هیرشمن^{۱۴} استفاده می‌شود. شاخص مزبور از مجموع مجذور درصد سهام متعلق به سهامداران شرکت‌ها به دست می‌آید.

$$HHI = \sum_{i=1}^N s_i^2 \quad \text{(رابطه ۶)}$$

در این رابطه Si درصد سهام تحت تملک سهامدار i در شرکت J است. حاصل که بین صفر تا یک بوده، هر چه قدر به ۱ نزدیک تر باشد، بیانگر تمرکز بیشتر، و برعکس، هر چه این شاخص به صفر نزدیک تر باشد، نشان‌دهنده عدم تمرکز خواهد بود. به دلیل این که برخی از شرکت‌های مورد بررسی، میزان مالکیت کمتر از ۵ درصد را در گزارش‌های مالی خود افشا نکرده‌اند، این شاخص برای درصد مالکیت بزرگتر و مساوی ۵ درصد محاسبه می‌شود.

میزان مالکیت نهادی (INST): مطابق تعاریف ارائه شده در پژوهش‌های ستایش و صالحی‌نیا (۱۳۹۴) و رحمانی و همکاران (۱۳۸۹)، برای محاسبه میزان مالکیت نهادی مجموع درصد سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و شرکت‌های دولتی در نظر گرفته می‌شود.

متغیرهای کنترلی

در این پژوهش، متغیرهای کنترلی با بررسی نتایج پژوهش‌های پیشین مانند ژانگ (۲۰۱۲) و ونگ (۲۰۱۶) و همکاران (۲۰۱۶) به شرح زیر انتخاب شده‌اند:

نوسان بازده دارایی‌ها (RVol): از دید استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی، هر چه نوسانات بازده دارایی‌ها طی سال‌های مختلف بالاتر باشد، آنان ریسک بیشتری را متحمل شده و در نتیجه بازده بالاتری را از شرکت توقع دارند و این موضوع موجب افزایش هزینه سرمایه شرکت خواهد شد. در نتیجه، برای جلوگیری از این مسأله ممکن است مدیران دست به مدیریت سود زده و با دستکاری گزارش‌های مالی مانع از انعکاس سود پرنوسان شوند. این امر موجب خواهد شد که صورت‌های مالی به طور کامل و وضعیت اقتصادی را منعکس نکرده و در نتیجه می‌تواند منجر به کاهش سطح قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شود (راس و همکاران، ۲۰۱۶). در این پژوهش، به پیروی از راس و همکاران (۲۰۱۶) نوسان بازده دارایی‌ها معادل انحراف معیار بازده دارایی‌ها در سه سال اخیر در نظر گرفته شده است.

اندازه (Size): بسیاری از پژوهش‌های پیشین حاکی از تأثیر مثبت اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی هستند. از جمله استدلال‌هایی که برای توجیه این رابطه ذکر شده می‌توان به برقراری سیستم کنترل داخلی کارآمد، دسترسی به مؤسسات بزرگ حسابرسی و رعایت هزینه

اعتبار و شهرت را اشاره کرد (اخگر و کرمی، ۱۳۹۳). علاوه بر این، شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل دسترسی به منابع مالی بیشتر، از سیستم‌های حسابداری قوی‌تری بهره می‌برند. در این پژوهش، به پیروی از راس و همکاران (۲۰۱۶)، اندازه شرکت که معادل لگاریتم ارزش بازار شرکت در نظر گرفته شده، به عنوان متغیر کنترلی در مدل آورده شده است.

ارزش دفتری به ارزش بازار (BM): معادل لگاریتم طبیعی نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام در پایان سال مالی است. به پیروی از پژوهش ونگ و همکاران (۲۰۱۶)، این متغیر شاخصی برای اندازه‌گیری انتظارات بازار از رشد شرکت است.

نسبت جریان نقدی عملیاتی (CFO): معادل نسبت وجوه نقد عملیاتی بر کل دارایی‌های ابتدای دوره است. این جریان شامل جریان‌های نقدی ورودی و خروجی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی (فعالیت‌های اصلی و مستمر مولد درآمد عملیاتی) است که براساس سایر بخش‌ها تعدیل شده است. به پیروی از ونگ و همکاران (۲۰۱۶) این متغیر نیز به عنوان متغیر کنترلی در مدل گنجانده شده است.

مدل آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه اول پژوهش، مبنی بر وجود رابطه معنادار بین قابلیت مقایسه و مدیریت سود، از مدل (۱) استفاده می‌شود. برای آزمون فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش از مدل (۲) و (۳) استفاده می‌شود. مبانی نظری مربوط به ارتباط هر یک از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پیش از این ارائه شد.

$$\text{Comp}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{EM}_{it} + \beta_2 \text{RVol}_{it} + \beta_3 \text{Size}_{it} + \beta_4 \text{BM}_{it} + \beta_5 \text{CFO}_{it} + \sum_k \gamma_k \text{Ind}_{itk} + \sum_l \theta_l \text{Year}_{itk} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$\text{Comp}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{EM}_{it} + \beta_2 \text{InstOwn}_{it} + \beta_3 \text{EM}_{it} * \text{InstOwn}_{it} + \beta_4 \text{RVol}_{it} + \beta_5 \text{Size}_{it} + \beta_6 \text{BM}_{it} + \beta_7 \text{CFO}_{it} + \sum_k \gamma_k \text{Ind}_{itk} + \sum_l \theta_l \text{Year}_{itk} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$\text{Comp}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{EM}_{it} + \beta_2 \text{Concentration}_{it} + \beta_3 \text{EM}_{it} * \text{Concentration}_{it} + \beta_4 \text{RVol}_{it} + \beta_5 \text{Size}_{it} + \beta_6 \text{BM}_{it} + \beta_7 \text{CFO}_{it} + \sum_k \gamma_k \text{Ind}_{itk} + \sum_l \theta_l \text{Year}_{itk} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۳)}$$

که در آن، Comp معیار قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است. نمادهای $\sum_k \gamma_k \text{Ind}_{itk}$ و $\sum_l \theta_l \text{Year}_{itk}$ متغیرهای موهومی جهت کنترل اثرات سال‌ها و صنایع است و سایر متغیرها نیز پیش از این تعریف شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی

آماره‌های توصیفی پژوهش که شمایی کلی از وضعیت توزیع داده‌ها را ارائه می‌کنند، در نگاره (۱) ارائه شده‌اند. آماره‌های توصیفی نشان می‌دهند که میانگین نمره قابلیت مقایسه ۰/۲۳۷- است. میانگین مدیریت سود ۰/۰۷۷، میانگین مالکیت نهادی ۷۹/۴ درصد، و میانگین شاخص تمرکز مالکیت ۰/۳۱۵ است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که میانگین نوسانات بازده دارایی‌ها حدود ۴ درصد است. افزون بر آن، میانگین جریان وجوه نقد عملیاتی حدود ۶ درصد دارایی‌ها است. سایر مقادیر آماره‌های توصیفی نیز در ستون‌های دیگر نگاره (۱) ارائه شده‌اند.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
قابلیت مقایسه	-۰/۲۳۷	-۰/۱۳۶	-۰/۰۰۸	-۱/۷۹۰	۰/۲۷۶
مدیریت سود	۰/۰۷۷	۰/۰۶۳	۰/۳۱۹	۰/۰۰۰	۰/۰۵۸
مالکیت نهادی	۰/۷۹۴	۰/۸۴۰	۰/۹۷۰	۰/۳۸۷	۰/۱۶۱
تمرکز مالکیت	۰/۳۱۵	۰/۳۰۹	۰/۷۸۱	۰/۰۴۱	۰/۱۶۲
اندازه شرکت	۱۳/۵۶۱	۰۱۳/۴۸۱	۱۸/۷۳۹	۹/۸۴۳	۱/۳۸۳
نوسان بازده دارایی‌ها	۰/۰۴۰	۰/۰۲۴	۰/۳۱۶	-۰/۰۳۱	۰/۰۴۸
ارزش دفتری به بازار	-۰/۵۰۷	-۰/۵۳۶	۰/۶۶۷	-۱/۶۳۳	۰/۵۶۱
نسبت جریان نقد عملیاتی	۰/۰۵۷	۰/۰۴۹	۰/۲۹۰	-۰/۱۵۱	۰/۰۹۶

نتایج آزمون فرضیات پژوهش

فرضیه اول: به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش، از مدل (۱) استفاده شده است. نتایج برآورد این مدل که در نگاره (۲) ارائه شده است، نشان می‌دهد ضریب متغیر مدیریت سود (۰/۱۰۰-) در سطح ۵ درصد معنادار است؛ به این معنا که با افزایش یک واحد در مدیریت سود، ۰/۱ واحد از قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، کاسته می‌شود. از متغیرهای کنترلی، ضریب نوسان بازده (۰/۱۹۶) در سطح ۱۰ درصد معنادار است و نشان می‌دهد که با افزایش یک واحدی در نوسان بازده، قابلیت مقایسه حدود ۰/۲ افزایش می‌یابد. مقدار آماره تورم واریانس بیانگر عدم وجود همخطی بین متغیرهای توضیحی است. معناداری آماره فیشر

(۵۸/۸۱۳) در سطح ۱ درصد حاکی از معناداری کلی مدل است. مقدار آماره دوربین-واتسون (۱/۸۹۰) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلال مدل است. معناداری آماره نسبت راستنمایی ۱۷ (۶۳/۱۲۷) نشان می‌دهد که باقیمانده‌های مدل، مشکل ناهمسانی واریانس ۱۸ دارند و جهت رفع این موضوع، مدل با رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته ۱۹، برآورد شده است. ضریب تعیین نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در مجموع حدود ۵۴ درصد از تغییرات قابلیت مقایسه را تبیین می‌نمایند. با توجه به نتایج فوق، فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۵ درصد رد نمی‌شود.

تکانه (۲): نتایج برآورد مدل (۱)

متغیرها	ضریب	تی استیودنت	معناداری	تورم واریانس
عرض از مبدا	۰/۱۲۵***	۳/۱۱۳-	۰/۰۰۲	---
EM	-۰/۱۰۰**	-۲/۰۴۹	۰/۰۴۱	۱/۰۰۷
RVol	۰/۱۹۶*	۲/۶۴۹	۰/۰۰۸	۱/۰۲۹
Size	-۰/۰۰۲	-۰/۸۳۹	۰/۴۰۲	۱/۰۰۴
BM	۰/۰۰۲	۰/۴۵۹	۰/۶۴۷	۱/۰۳۶
CFO	-۰/۰۵۱	-۱/۳۸۲	۰/۱۶۸	۱/۰۱۸
اثرات صنعت	کنترل شد			
اثرات سال	کنترل شد			
ضریب تعیین	۵۳/۷ درصد	آماره فیشر (معناداری)		(۰/۰۰) ۵۸/۸۱۳***
دوربین-واتسون	۱/۸۹۰	نسبت راستنمایی (معناداری)		(۰/۰۰) ۶۳/۱۲۷***

***، ** و * به ترتیب معناداری در سطح ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد

فرضیه دوم: به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش، از مدل (۲) استفاده شده است. نتایج برآورد این مدل که در نگاره (۳) ارائه شده است، بیانگر آن است که ضریب متغیر مدیریت سود (۰/۱۱۲-) در سطح ۵ درصد معنادار است، لذا با افزایش در مدیریت سود، میزان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، کاهش می‌یابد. ضریب متغیر حاصل ضرب مدیریت سود در مالکیت نهادی (۰/۵۸۴) در سطح ۵ درصد معنادار است و نشان می‌دهد که با افزایش در مالکیت نهادی، رابطه منفی بین مدیریت سود و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، تضعیف می‌گردد. از متغیرهای کنترلی، ضریب نوسان بازده (۰/۲۱۸) در سطح ۵ درصد معنادار است و بیان می‌کند که با افزایش نوسانات بازده، قابلیت مقایسه نیز افزایش می‌یابد. مقدار آماره تورم واریانس بیانگر عدم وجود

همخطی بین متغیرهای توضیحی است. معناداری آماره فیشر (۵۰/۲۲۷) در سطح ۱ درصد حاکی از معناداری کلی مدل است. مقدار آماره دووین-واتسون (۱/۸۹۷) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلال مدل است. معناداری آماره نسبت راستنمایی (۶۸/۰۳۵) نشان می‌دهد که باقیمانده‌های مدل، مشکل ناهمسانی واریانس دارند و جهت رفع این موضوع، مدل با رویکرد حداقل مربعات تعمیم یافته، برآورد شده است. ضریب تعیین نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در مجموع حدود ۵۴ درصد از تغییرات قابلیت مقایسه را تبیین می‌نمایند. با توجه به این نتایج، فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۵ درصد رد نمی‌شود.

نگاره (۳): نتایج برآورد مدل (۳)

متغیرها	ضریب	تی استیودنت	معناداری	تورم واریانس
عرض از مبدا	۰/۱۴۷***	۳/۵۰۱-	۰/۰۰۱	---
EM	-۰/۱۱۲**	-۲/۱۷۳	۰/۰۳۰	۱/۰۴۶
InstOwn	۰/۰۱۷	۱/۰۹۵	۰/۲۷۴	۱/۰۱۴
EM*InstOwn	۰/۵۸۴**	۲/۵۰۶	۰/۰۱۲	۱/۰۰۳
RVol	۰/۲۱۸**	۲/۸۶۷	۰/۰۰۴	۱/۰۴۰
Size	-۰/۰۰۲	-۰/۶۰۰	۰/۵۴۸	۱/۰۳۰
BM	۰/۰۰۳	۰/۴۶۱	۰/۶۴۵	۱/۰۴۳
CFO	-۰/۰۴۳	-۱/۲۰۹	۰/۲۲۷	۱/۰۱۹
اثرات صنعت	کنترل شد			
اثرات سال	کنترل شد			
ضریب تعیین	۵۳/۷ درصد	آماره فیشر (معناداری)		۵۰/۲۲۷*** (۰/۰۰)
دووین-واتسون	۱/۸۹۷	نسبت راستنمایی (معناداری)		۶۸/۰۳۵*** (۰/۰۰)

***، ** و * به ترتیب معناداری در سطح ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد

فرضیه سوم: جهت آزمون فرضیه سوم پژوهش، از مدل (۳) استفاده شده است. نتایج برآورد این مدل که در نگاره (۴) ارائه شده است، نشان می‌دهد ضریب متغیر مدیریت سود (۰/۱۴۱-) در سطح ۵ درصد و ضریب تمرکز مالکیت (۰/۰۶۰) در سطح ۱ درصد معنادار است؛ به آن معنا که افزایش مدیریت سود و تمرکز مالکیت به ترتیب اثر منفی و مثبتی بر میزان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی دارد. از متغیرهای کنترلی، ضریب نوسان بازده (۰/۲۰۸) در سطح ۵ درصد معنادار و بیانگر اثر مثبت نوسانات بازده بر قابلیت مقایسه است. مقدار آماره تورم

واریانس بیانگر عدم وجود همخطی بین متغیرهای توضیحی است. معناداری آماره فیشر (۴۵/۶۰۵) در سطح ۱ درصد حاکی از معناداری کلی مدل است. مقدار آماره دوربین-واتسون (۱/۸۷۵) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلال مدل است. معناداری آماره نسبت راستنمایی (۷۱/۸۰۶) نشان می‌دهد که باقیمانده‌های مدل، مشکل ناهمسانی واریانس دارند و جهت رفع این موضوع، مدل با رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته، برآورد شده است. ضریب تعیین نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در مجموع حدود ۵۳ درصد از تغییرات قابلیت مقایسه را تبیین می‌نمایند. نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر تعاملی مدیریت سود در مالکیت نهادی معنادار نیست به این معنا که تغییر در میزان تمرکز مالکیت اثر معناداری بر رابطه بین مدیریت سود و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ندارد.

تکراه (۴): نتایج برآورد مدل (۳)

متغیرها	ضریب	تی استیودنت	معناداری	تورم واریانس
عرض از مبدا	۰/۱۴۵ ^{***}	۳/۵۷۳-	۰/۰۰۰	---
EM	-۰/۱۴۱ ^{**}	-۲/۴۹۹	۰/۰۱۳	۱/۰۲۷
Concentration	۰/۰۶۰ ^{***}	۳/۶۰۸	۰/۰۰۰	۱/۰۲۲
EM*Concentration	-۰/۰۳۳	-۰/۱۰۶	۰/۹۱۶	۱/۰۱۷
RVol	۰/۲۰۸ ^{**}	۲/۳۶۸	۰/۰۱۸	۱/۰۴۲
Size	-۰/۰۰۳	-۰/۹۴۴	۰/۳۴۶	۱/۰۱۵
BM	۰/۰۰۲	۰/۴۱۱	۰/۶۸۱	۱/۰۴۲
CFO	-۰/۰۵۸	-۱/۵۷۳	۰/۱۱۶	۱/۰۳۰
اثرات صنعت	کنترل شد			
اثرات سال	کنترل شد			
ضریب تعیین	۵۲/۷ درصد	آماره فیشر (معناداری)		(۰/۰۰) ۴۵/۶۰۵ ^{***}
دوربین-واتسون	۱/۸۷۵	نسبت راستنمایی (معناداری)		(۰/۰۰) ۷۱/۸۰۶ ^{***}

***، ** و * به ترتیب معناداری در سطح ۱درصد، ۵درصد و ۱۰درصد

نتیجه گیری

قابلیت مقایسه یک ویژگی کیفی مهم اطلاعات مالی است که استفاده کنندگان را قادر به شناسایی تشابهات و تفاوت‌های عملکرد مالی شرکت‌ها می‌کند. قابلیت مقایسه تحت تأثیر عوامل مختلفی از قبیل انگیزه‌های مدیریت قرار دارد. پژوهش‌های پیشین بیانگر وجود رابطه معنادار بین متغیرهای قابلیت مقایسه و مدیریت سود هستند. در پژوهش حاضر، ابتدا این رابطه

به صورت آماری، در قالب فرضیه اول آزمون شد. نتایج آزمون این فرضیه بیانگر رابطه منفی بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود است. به بیان دیگر، مدیران با مدیریت سود حسابداری واحد تجاری موجب می‌شوند میزان قابلیت مقایسه گزارش‌های مالی کاهش یابد. این نتایج با یافته‌های راس (۲۰۱۶) و سان (۲۰۱۶) سازگاری دارد.

هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش تعدیل‌گر ساختار مالکیت (مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت) بر رابطه مدیریت سود و قابلیت مقایسه است. این هدف در قالب فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش سنجیده شد. در فرضیه دوم، با توجه به این که مدیریت سود به عنوان متغیر مستقل و مالکیت نهادی به عنوان متغیر تعدیل‌گر در نظر گرفته شده، نتایج را می‌توان به این صورت تفسیر کرد که هر چه سطح مالکیت نهادی بیشتر باشد، تأثیر منفی مدیریت سود بر قابلیت مقایسه کمتر می‌شود. به بیان دیگر، با افزایش مالکیت نهادی رابطه معکوس قابلیت مقایسه با مدیریت سود تضعیف می‌شود. این نتیجه، با فرضیه نظارت کارا (۲۰۱۶) قابل توجیه است. فرضیه نظارت کارا بیان می‌کند که سهامداران نهادی در مقایسه با سهامداران خرد تخصص بیشتری داشته و توانایی و انگیزه نظارت بر مدیریت را با هزینه کمتری نسبت به سهامداران خرد دارند و در نتیجه این فرضیه پیشنهاد می‌کند که مالکیت نهادی باعث بهبود کیفیت اطلاعات مالی می‌شود. با افزایش سطح مالکیت نهادی در شرکت‌ها، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سایر ذینفعان کاهش می‌یابد (جیانگ و کیم، ۲۰۰۰). از آنجا که عدم تقارن اطلاعاتی پایین به معنی شفافیت بازار است، می‌توان بیان کرد که افزایش مالکان نهادی موجب ارتقای کیفیت گزارشگری مالی و به تبع آن قابلیت مقایسه صورت‌های مالی خواهد شد. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۸۹) و نصراللهی و عارف منش (۱۳۸۹) مبنی بر تأثیر مثبت مالکیت نهادی بر بهبود ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی سازگاری دارد. افزون بر آن، یافته‌های پژوهش نشان داد که افزایش در تمرکز مالکیت نمی‌تواند بر رابطه بین مدیریت سود و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی اثر بگذارد.

ارتقای کیفیت گزارشگری مالی، از جمله قابلیت مقایسه صورت‌های مالی موجب ارتقای کارایی اقتصادی خواهد شد. سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان می‌توانند از طریق مقایسه صورت‌های مالی یک شرکت با سایر شرکت‌ها، موقعیت‌های آتی آن را به صورتی عینی‌تر ارزیابی کرده و از این تحلیل در اتخاذ تصمیمات مالی بهره ببرند. همچنین نتایج پژوهش

حاضر اطلاعات سودمندی را در اختیار سیاست‌گذاران در جهت تقویت ویژگی کیفی قابلیت مقایسه قرار می‌دهد. رعایت اصول حاکمیت شرکتی می‌تواند باعث ارتقای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و به تبع آن افزایش کیفیت گزارشگری مالی و همچنین ارتقای فضای کسب و کار شود. افزون بر آن، به سیاست‌گذاران توصیه می‌شود که به منظور ترغیب نهادها و سهام‌داران عمده برای نظارت مؤثر بر مدیران، اصول حاکمیت شرکتی را بیشتر مد نظر قرار دهند. به خصوص در شرکت‌های بزرگ، که مدیران انگیزه و موقعیت بیشتری برای مدیریت سود و حداکثرسازی نفع شخصی دارند.

با توجه به مدل استفاده شده در این پژوهش برای سنجش مدیریت سود، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از مدل‌هایی استفاده شود که مدیریت سود واقعی را در نظر گیرد. همچنین پیشنهاد می‌گردد تأثیر سایر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بررسی گردد.

پی‌نوشت

۱ Imhof	۲ Sue
۳ Francis	۴ DeFranco
۵ Ross	۶ Sohn
۷ Kawada	۸ Kim
۹ Nguyen	۱۰ Piosik
۱۱ Alves	۱۲ Saleem
۱۳ Healy	۱۴ Herfindhal-Hirschman
۱۵ Zhang	۱۶ Wang
۱۷ Likelihood ratio	۱۸ Heteroskedasticity
۱۹ Generalized least squares	۲۰ Efficient monitoring

منابع

- ابراهیمی کردلر، علی؛ اعرابی، محمدجواد. (۱۳۸۹). تمرکز مالکیت و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲(۲)، ۹۵-۱۱۰.
- اخگر، محمد امید؛ کرمی، افشار. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری، ۱(۴)، ۱-۲۲.

- استا، سهراب. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳(۲)، ۹۳-۱۰۶.
- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۹۴). تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵(۲)، ۲۳-۴۵.
- جعفری، سیده محبوبه؛ بهرامیان، محمود؛ لاریجانی، ریحانه. (۱۳۹۵). مدیریت سود و ساختار مالکیت: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار، ۱۲، ۱۳-۲۲.
- رحمانی، علی؛ حسینی، سیدعلی؛ رضاپور، نرگس. (۱۳۸۹). رابطه مالکیت نهادی و نقدشوندگی سهام در ایران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۷(۳)، ۳۹-۵۴.
- زینالی، مهدی؛ خداداده‌ی شاملو، ناصر؛ کوشان، احمد. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با تأکید بر مراحل چرخه عمر شرکت. ارائه شده در اولین کنفرانس ملی نقش حسابداری، اقتصاد و مدیریت، موسسه آموزش عالی علم و فن آوری شمس، ۱۳۹۶، تبریز.
- ستایش، محمد حسین؛ صالحی‌نیا، محسن. (۱۳۹۴). تأثیر ساختار مالکیت و ساختار سرمایه بر جریان‌های نقدی آزاد. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۲۵، ۱۵-۳۲.
- شکری دوغ آبادی، محمد؛ مرادی، مهدی. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و مدیریت سود. پیشرفت‌های حسابداری، ۱۱(۱)، ۱۷۱-۲۰۰.
- فروغی، داریوش؛ قاسم‌زاد، پیمان. (۱۳۹۴). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ضریب واکنش سودهای آتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲(۴)، ۴۷۹-۵۰۰.
- کیا، علی؛ صفری گرابلی، مهدی. (۱۳۹۶). قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، مدیریت سود تعهدی و مدیریت واقعی سود. دانش حسابداری مالی، ۴(۲)، ۱۱۵-۱۳۷.
- محمدی خشوئی، حمزه؛ هاشمی، سیدعباس؛ امیری، هادی. (۱۳۹۴). تأثیر سبک حسابرس بر ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری. فصلنامه حسابداری مالی، ۷، ۱۴۹-۱۲۲.
- مرادزاده فرد، مهدی؛ ناظمی اردکانی، مهدی؛ غلامی، رضا؛ فرزانی، حجت‌اله. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۲)، ۸۵-۹۸.
- مشایخی، بیتا؛ محمدآبادی، مهدی. (۱۳۹۰). رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با کیفیت سود. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲، ۱۷-۳۲.

- مهدوی، سهیلا؛ تقوی، زهره. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت با مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۲۸، ۱۱۱-۱۰۰.
- مهرورز، فاطمه؛ مرفوع، محمد. (۱۳۹۵). رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۴۹، ۱۱۰-۸۳.
- نصراللهی، زهرا؛ عارف منش، زهره. (۱۳۸۹). بررسی رابطه مالکیت و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری، ۱ (۳)، ۱۳۸-۱۱۷.
- نمازی، محمد؛ کرمانی، احسان. (۱۳۸۷). تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۵۳، ۱۰۰-۸۳.
- Akhgar, M. O. , Karami, A. (2014). Firm Characteristics and Financial Reporting Quality of Quoted Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Iranian Accounting Review*, 1 (4) , 1-22. (In Persian)
- Alves, S. (2012). Ownership structure & earnings management: Evidence from Portugal. *Australasian Accounting, Business & Finance Journal*, 6 (1) , 57-74.
- De Franco, G. , Kothari, S. P. , Verdi, R. S. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting Research*, 49, 895-931.
- Ebrahimi Kordlar; A. & Aerabi, M. J. (2010). Ownership concentration and earnings quality in the listed companies in Tehran stocks exchange. *Financial Accounting Researches*, 2 (2) , 95-110. (In Persian)
- El Moslemany, R. , Demyana N. (2019). Ownership structure and Earnings Management: evidence from Egypt, *International Journal of Business and Economic Development*, 07 (01) , 18-32.
- Financial Accounting Standards Board. (2010). Conceptual framework for financial reporting. Statement of Financial Accounting Concepts No. 8. Norwalk, CT: FASB.
- Foroghi, D. & Ghasemzad, P. (2015). The Effect of Financial Statement Comparability on Future Earnings Response Coefficients. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 22 (4) , 479-500. (In Persian)
- Francis, J. R. , Pinnuck, M. , Watanabe, O. (2014). Auditor style and financial statement comparability. *The Accounting Review*, 89, 605-633.
- Hasas Yegane, Y. (2016). The impact of corporate governance mechanisms on audit quality and real earnings management. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 5 (2) , 23-45. (In Persian)
- Healy, P. M. , Wahlen, J. M. (1999). A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting. *Accounting Horizons*, 13 (4) , 365-383.
- Imhof, M. J. , Seavey, S. and Smith, D. B. (2017). Comparability and Cost of Equity Capital. *Accounting Horizons*, 31 (2) , 125-138.
- Jafari, S. M. , Bahramian, M. , Larijani, R. (2016). Earnings Management & Ownership Structure: Some Evidences from Companies listed in Tehran Securities Exchange. *Journal of Economics and Business Research*, 12, 13-22. (In Persian)

- Jiang, L. , & Kim, J. B. (2000). Cross-corporate ownership information asymmetry and monitors: is there a tradeoff between liquidity and control? *Journal of Finance*, 53, 31-51.
- Kawada, B. (2014). Auditor offices and the comparability and quality of clients' earnings. Working paper. San Diego State University.
- Kia, A. & Safari Geryeli, M. (2017). Financial Statements Comparability, Accrual-based Earnings Management, Real Earnings Management ؛An empirical test of Tehran Stock Exchange. *Journal of Empirical Research on Accounting*, 4 (2) , 115-137. (In Persian)
- Kim, S. , Kraft, P. , Ryan, S. (2013). Financial statement comparability and credit risk. *Review of Accounting Studies*, 18 (3) , 783-823.
- Mahdavi, S. & Taghavi, Z. (2015). Examine the relationship between corporate governance and ownership structure on earnings management of listed companies in Tehran stock exchange. *Accounting and Audit Researches*, 28, 100-111. (In Persian)
- Mashayekhi, B. & Mohammad Abadi, M. (2003). The relation between corporate governance mechanisms and earnings quality. *Financial Accounting Research*, 3 (2) , 17-32. (In Persian)
- Mehrvaz, F. & Marfou, M. (2015). The relationship between financial statements comparability with stock price in formativeness about future earnings. *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 49, 83-110. (In Persian)
- Mohammadi Khoshouei, H. , Hashemi, A. , Amiri, H. (2015). Auditor Style Effect on Qualitative Characteristics of Accounting Information. *Quarterly Financial Accounting Journal*, 27, 121-144. (In Persian)
- Moradzadeh Fard, M. , Nazemi Ardekani, M. , Gholami, R. , Farzani, H. (2009). The relationship between institutional stock ownership and earnings management in listed companies on Tehran stock exchange. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 16 (2) , 85-98. (In Persian)
- Namazi, M. & Kermani, E. (2010). Investigating the Effects of Ownership Structure on The Performance of the Companies Accepted in the Tehran Stock Exchange. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 15 (4) , 83-100. (In Persian)
- Nasrollahi, Z. , Arefmanesh, Z. (2011). nvestigation of the Relationship between Ownership and the Quality of Earnings in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 1 (3) , 117-138. (In Persian)
- Nguyen, A. H. , Nguyen, L. H. , Doan D. T. (2020). Ownership structure and earnings management: empirical evidence from Vietnam real estate sector. *Real Estate Management and Valuation*, 28 (2) , 37-51.
- Osta, S. (2011). Investigating the relationship between Ownership Structure & Earning Management. *Financial Accounting Researches*, 3 (2) , 93-106. (in Persian)
- Piosik, A. ; Genge, E. (2020). The Influence of a Company's Ownership Structure on Upward Real Earnings Management. *Sustainability*, 12, 152.
- Rahmani, A. , Hosseini, S. A. & Rezapour, N. (2010). Institutional Ownership and Stock Liquidity: Evidence from Iran. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 17 (3) , 39-54. (in Persian)

- Ross, J. , Shi, L. , Xhi, H. (2016). The determinants of accounting comparability around the world, Working paper. Binghamton University.
- Saleem Salem Alzoubi, E. (2016) , "Ownership structure and earnings management: evidence from Jordan", *International Journal of Accounting & Information Management*, 24 (2) , 135-161.
- Setayesh, M. H. , Salehinia, M. (2015). The impact of ownership structure and capital structure on free cash flows. *Iranian Financial Accounting and Audit Studies*, 25, 21-38. (in Persian)
- Shekari Dogh Abadi, M. , moradi, M. (2019). The Study of the Relationship Between the Accounting Comparability and Earnings Management. *Journal of Accounting Advances*, 11 (1) , 165-193. (in Persian)
- Sohn, B. C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management. *Journal of Accounting Public Policy*, 35: 513–539.
- Su, R. , Yang, Z. , Dutta, A. (2018). Accounting information comparability and debt capital cost empirical evidence from Chinese listed companies. *Asian Economic and Financial Review*. 8 (1) , 90-102.
- Wang, Z. , Tan, J. , Lin, Z. , and Dong, C. (2016). Auditor quality and IFRS information comparability. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 20 (1) , 114-129.
- Zeinali, M. , Khodadadeye Shamloo, N. , Koushan, A. (2017). Investigating corporate governance mechanisms on comparability of financial statements with emphasize on corporate life cycle. Presented at the first national conference on the role of accounting, economics and management on the sustainable development, Shams higher education institute, 2017, Tabriz.
- Zhang, H. (2012). Accounting comparability, audit effort and audit outcomes, Unpublished doctoral dissertation. Louisiana State University, Louisiana.

بررسی اثر ریسک نرخ تورم و ریسک خاص شرکت بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت: رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته

مهدی مرادی^۱، سیده عصمت پرهیزکار ملک آباد^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۶

مقاله پژوهشی

چکیده

یکی از مهمترین وظایف مدیران مالی انتخاب ساختار سرمایه شرکت به گونه‌ای بهینه است. فرضیه‌های این تحقیق بر مبنای آثار ریسک از دو حوزه، داخل شرکت با عنوان ریسک خاص شرکت و حوزه خارج شرکت با عنوان ریسک نرخ تورم از دیدگاه تئوری توازن پویا بر روی ساختار سرمایه شرکت و انحرافات بین اهرم واقعی و اهرم هدف شرکت (سرعت تعدیل ساختار سرمایه) تبیین شده است. برآوردگر استفاده شده برای تخمین مدل‌ها و آزمون فرضیه‌ها، پانل پویای گشتاورهای تعمیم یافته می باشد. داده‌های تحقیق از ۱۲۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ استخراج شده است. نتایج مدل اول از معناداری اثر ریسک نرخ تورم و ریسک خاص شرکت بر روی اهرم مالی شرکت خبر می دهد. این تأثیر برای هر دو متغیر بر روی اهرم مالی منفی بوده است. ضمناً نتایج مدل دوم نشان از معناداری تأثیر ریسک خاص شرکت و ریسک نرخ تورم بر سرعت تعدیل اهرم هدف دارد؛ به عبارت دیگر این دو متغیر تأثیر منفی بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت‌ها دارند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد سرعت تعدیل ساختار سرمایه برای شرکت‌ها ۲۴ درصد است و در دوره‌هایی که ریسک خاص شرکت بروز می کند سرعت تعدیل ساختار سرمایه به مقدار ۲۱ درصد کاهش می یابد و برای دوره‌هایی که شرکت‌ها دچار ریسک نرخ تورم می شوند این مقدار به ۲۲ درصد کاهش پیدا می کند. بنابراین عوامل درون شرکتی نسبت به عوامل برون شرکتی تأثیر بیشتری بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه می گذارند.

واژه‌های کلیدی: ریسک نرخ تورم، ریسک خاص شرکت، ساختار سرمایه، سرعت تعدیل ساختار سرمایه، برآوردگر گشتاورهای تعمیم یافته

طبقه‌بندی موضوعی: G32, E31, C23

10.22051/jera.2020.20957.2077:DOI

^۱ استاد دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول)، (mhd_moradi@um.ac.ir)

^۲ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران، (Parhizkar.asma@yahoo.com)

مقدمه

تصمیم‌گیری در مورد ساختار سرمایه به معنی تأمین مالی شرکت، همچون سایر تصمیم‌های مدیران بر ارزش شرکت اثرگذار است. بحث ساختار سرمایه به چگونگی ترکیب منابع تأمین مالی شرکت، از قبیل بدهی‌های کوتاه‌مدت، اوراق قرضه، بدهی بلندمدت، سهام ممتاز و سهام عادی اشاره دارد. ساختار سرمایه پازل جذاب ادامه داری برای بسیاری از محققان و سیاستگذاران می‌باشد. ساختار سرمایه جایگشتی از سهام و بدهی است که برای استخراج هزینه سرمایه مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف شرکت‌ها صرفنظر از صنعت یا بخش، کاهش هزینه سرمایه می‌باشد. ساختار سرمایه یک شرکت، فعالیت‌های تأمین مالی شرکت را با استفاده از ترکیبی از بدهی‌ها و سهام برای بهینه‌سازی ارزش شرکت را توضیح می‌دهد (اوینو و یوکائگیو، ۲۰۱۵).

توانایی شرکت‌ها در تعیین منابع مالی مناسب از عوامل اصلی بقا، رشد و پیشرفت یک شرکت به شمار می‌رود. مدیریت باید در زمان انتخاب روش تأمین مالی به هدف بیشینه‌سازی ثروت سهامداران توجه کند و با توجه به هزینه منابع مختلف تأمین مالی و آثار این منابع بر بازده و ریسک شرکت به گزینش منابعی روی آورد که باعث به حداقل رساندن هزینه تأمین مالی می‌شوند. در واقع ساختار سرمایه ترکیبی از بدهی و حقوق صاحبان سهام است که شرکت‌ها به وسیله آن به تأمین مالی بلندمدت دارایی‌های خود می‌پردازند (راجان و زینگالس، ۱۹۹۵). حداکثر کردن ارزش شرکت نیز، مستلزم به‌کارگیری بهینه تأمین مالی و کسب بازدهی و انتخاب ریسک مناسب برای شرکت است. در این چارچوب، مدیران می‌توانند از دو طریق ارزش شرکت را حداکثر نمایند: یکی از راه افزودن بر بازده شرکت و دیگری، حداقل نمودن هزینه سرمایه و ریسک شرکت. با ترکیب مناسب منابع وجوه مورد استفاده توسط شرکت، ارزش آن به حداکثر خواهد رسید و در نتیجه ترکیبی از منابع به وجود می‌آید که ساختار بهینه سرمایه نامیده می‌شود و در آن هزینه سرمایه کل شرکت به حداقل خواهد رسید. در رابطه با این موضوع که آیا واقعاً ساختار سرمایه بهینه وجود دارد، نظریات متفاوتی ارائه گردیده و تأکید اصلی این نظریات بر این مسئله بوده است که آیا واقعاً یک ساختار سرمایه بهینه می‌تواند با ترکیب منابع مالی مورد استفاده، بر ارزش شرکت و هزینه سرمایه آن اثر بگذارد؟ (مدرس و عبدالله زاده، ۱۳۷۸).

مطالعه سرعت تعدیل اهرم به سمت هدف، موضوعی حائز اهمیت است. اکثر مطالعات انجام شده در سرعت تعدیل ساختار سرمایه از تجزیه و تحلیل عوامل در انتخاب ساختار سرمایه و همچنین در مورد نقش عوامل اقتصاد کلان در انتخاب ساختار سرمایه به دست آمده است (کوک و تانگ، ۲۰۱۰). ساختار سرمایه و تعدیلات آن می‌تواند تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار بگیرد که به آنها عوامل تعیین کننده ساختار سرمایه گفته می‌شود. در واقع عوامل داخلی و اثر آنها می‌تواند توسط شرکت مدیریت شود ولی متغیرهای کلان اقتصادی قابل کنترل توسط مدیران نیستند. دانش و آگاهی در مورد میزان و جهت تأثیر این عوامل بر ساختار سرمایه به مدیران شرکت‌ها کمک می‌کند تا تصمیمات مؤثری در مورد ساختار سرمایه با هدف ثبات مالی و رشد پایدار اتخاذ کنند (موخووا و زینکر، ۲۰۱۴). برآورد سرعت تعدیل بررسی دو فرضیه مشترک است. اول اینکه آیا مطابق پیش‌بینی تئوری توازن ۱، شرکت‌ها نسبت اهرم هدف دارند یا خیر و دوم اینکه آیا شرکت‌ها اهرم را به سمت هدف تعدیل می‌کنند. میزان سرعت تعدیل اهرم می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت واقعی اهرم هدف و تبعات انحراف از آن باشد (بی، ین، ۲۰۰۸). لازم به ذکر است سرعت تعدیلاتی که شرکت‌ها دارند و شرایط داخلی و خارجی شان می‌تواند کمک بزرگی به مدیران برای اتخاذ نوع سیاست مالی مورد نیاز شرکت داشته باشد. بدون شک شناسایی شرکت‌هایی که دارای سرعت تعدیل ساختار سرمایه و انعطاف‌پذیری بالا با توجه به شرایط اقتصادی و مالی و سودآوری مناسب هستند، می‌تواند برای سرمایه‌گذاران و فعالان این حوزه بسیار مفید واقع شوند. همچنین بررسی اثر پارامترهای مؤثر بر ساختار سرمایه از قبیل اندازه شرکت، دارایی ثابت مشهود، ارزش بازار به دفتری و سودآوری بر تغییرات اهرم مالی شرکت‌ها از اهداف این تحقیق می‌باشد. از طرفی آزمون سرعت انطباق‌پذیری ساختار سرمایه شرکت‌های مذکور با اهرم هدف خود و به دست آوردن میزان این سرعت برای شرکت‌های بورس اوراق بهادار ایران است. براین اساس این پژوهش با استفاده از تئوری توازن پویا به دنبال درک روابط بین ریسک نرخ تورم، ریسک خاص شرکت و کشف سرعت تعدیل ساختار سرمایه برای شرکت‌ها است. انجام این نوع پژوهش‌ها باعث می‌شود که مدیران مالی با در نظر گرفتن نقش هزینه‌های تعدیل و ویژگی‌های شرکت‌ها، با تمرکز بیشتری به بررسی ساختار سرمایه و سرمایه شرکت‌های خویش بپردازند.

بنابراین با توجه به موارد مذکور، پژوهش حاضر به بررسی اثر ریسک نرخ تورم به عنوان نماینده ریسک اقتصاد کلان و ریسک خاص شرکت بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت‌های غیرمالی بورس اوراق بهادار می‌پردازد که در این خصوص از رگرسیون پانل پویای گشتاورهای تعمیم‌یافته ۲ به منظور تحلیل داده‌های پژوهش استفاده شده است. این رویکرد رگرسیونی باعث می‌شود تا تخمین مدل بر اساس تئوری توازن پویا انجام شود.

مروری بر مبانی نظری و ادبیات پژوهش

• تئوری‌های توازن و سرعت تعدیل ساختار سرمایه

مسئله ساختار سرمایه مطلوب برای شرکت‌ها سال‌ها است که به مسائل پیچیده در زمینه مدیریت مالی شرکتی برای مدیران مالی و محققان این حوزه تبدیل و این امر باعث بروز تئوری‌های گوناگون در زمینه ساختار سرمایه شده است. یکی از این تئوری‌ها بیان می‌کند شرکت‌ها یک اهرم هدف داشته و به سوی آن حرکت می‌کنند البته این در حالی است که هزینه تعدیل ساختار سرمایه بیشتر از منفعت تعدیل اهرم نباشد. به این تئوری، تئوری توازن گفته می‌شود؛ بنابراین سرعت تعدیل ساختار سرمایه مدت زمانی را گویند که شرکت ساختار سرمایه خود را تعدیل و به سوی شرکت هدف حرکت کرده است. در واقع این نظریه بیان می‌کند که شرکت‌ها برای رسیدن به یک ساختار سرمایه بهینه یک ساختار سرمایه هدفی دارند که آن را با نسبت بدهی هدف تعریف می‌کنند. آن‌ها با کنترل نسبت بدهی خود به وسیله منابع تأمین مالی و... سعی دارند که انحراف حاصل از نسبت بدهی (اهرمی) واقعی و نسبت بدهی هدف خود را کاهش دهند. همچنین این نظریه بیان می‌کند که تصمیم‌گیرندگان در تأمین مالی خود، هزینه و سودهای تصمیمات مختلف تأمین مالی را در نظر می‌گیرند. کرواس و لیتزن برگر (۱۹۷۳)، با دادن تعریفی از نظریه توازن، اظهار داشته‌اند که وجود ساختار سرمایه بهینه بیانگر نوعی توازن میان مزایای مالیاتی حاصل از بدهی‌ها و هزینه‌های ورشکستگی^۳ است. نظریه توازن خود به دو روش متفاوت تقسیم می‌شود. روش اول بررسی توازن در حالت ایستا است. در این روش شرکت سعی دارد یک نسبت بدهی مطلوب را برای خود انتخاب کند و به آن دست یابد. طبق این نظریه، فرضیه نسبت بدهی بهینه یک شرکت بر اساس توازن هزینه‌ها و منابع استقراض تعیین می‌گردد. در چارچوب این نظریه تلاش می‌شود تا بین ارزش صرفه‌جویی

مالیاتی بهره، هزینه‌های ور شکستگی و هزینه‌های نمایندگی شرکت، تعادل برقرار گردد. طبق این نظریه شرکت باید آن قدر بدهی را با سهام و سهام را با بدهی جایگزین کند تا ارزش آن حداکثر گردد (فرانک و گویال، ۲۰۰۳). در نظریه توازن ایستا، ساختار سرمایه بهینه از توازن یک دوره‌ای بین مزایای مالیاتی بدهی و هزینه‌های بحران مالی تعیین می‌شود که بر تعدیل لحظه‌ای نسبت بدهی اشاره دارد. در واقع این نظریه نقش هزینه‌های تعدیل ساختار سرمایه را در نظر نگرفته است. در حالیکه مایرز (۱۹۸۴) بیان می‌کند که هزینه‌های تعدیل وجود دارند و با وجود این هزینه‌ها، تعدیل ساختار سرمایه به سمت سطح بهینه به‌کندی صورت می‌گیرد و شرکت‌ها نمی‌توانند به سرعت وقایعی که آن‌ها را از سطح بهینه دور می‌سازد خنثی کنند. به همین دلیل، تعدادی از صاحب‌نظران با در نظر گرفتن هزینه‌های تعدیل و با فرض اینکه فعالیت شرکت‌ها برای بیش از یک دوره تداوم می‌یابد، نسخه تصحیح شده‌ای برای نظریه توازن با عنوان نظریه پویا پیشنهاد کردند. روش دوم بررسی توازن به گونه پویا است. نظریه پویا، نظریه‌ای است که فرآیند تعدیل ساختار سرمایه شرکت‌ها را فرآیندی هزینه‌بر می‌داند و با در نظر گرفتن هزینه‌های تعدیل، معتقد است که شرکت‌ها تنها زمانی به اصلاح نسبت‌های اهرمی روی می‌آورند که مزایای این اصلاح بر هزینه‌های آن فزونی یابد. لذا شرکت‌ها همواره تحت ساختار سرمایه بهینه فعالیت نمی‌کنند، بلکه با شناسایی هزینه‌های تعدیل، دامنه‌ای قابل قبول از اهرم‌ها را تعریف کرده و سعی می‌کنند تا ساختار سرمایه را در این دامنه حفظ کنند. در این روش شرکت‌ها به تدریج و تنها در مقاطعی که اهرم آن‌ها از سطح هدف انحراف قابل ملاحظه‌ای داشته باشد اقدام به تعدیل می‌کنند. همچنین این نظریه بیان می‌کند که ممکن است شرکت‌ها به جای داشتن یک اهرم هدف دقیق، یک دامنه هدف داشته باشند که امکان تغییر اهرم درون آن وجود دارد (دانگ و همکاران، ۲۰۱۲). از مهمترین نتایجی که این نظریه به همراه می‌آورد موضوع سرعت حرکت شرکت‌ها در راستای تعدیل پویا است. در روش پویا این سؤال مطرح است که سرعت تعدیلات ساختار سرمایه تا چه اندازه‌ای است یعنی شرکت با چه سرعتی انحراف از نسبت بدهی هدف خود را تعدیل می‌کند. آزمون‌های نوین تئوری توازن تشخیص دادند که هزینه‌های تعدیل ممکن است شرکت‌ها را از تعدیل مداوم ساختار سرمایه هدفشان دور کند؛ بنابراین شرکت ممکن است در بعضی مواقع به سمت اهرم هدف و کاهش انحرافات از هدف خود اقدام کنند. به‌طور کلی تحقیقات فعلی در زمینه ساختار سرمایه تا حد زیادی طرفدار نسخه تصحیح شده نظریه توازن با عنوان نظریه پویا می‌باشند. در واقع

سرعت حرکت شرکت‌ها به سوی نسبت‌های بدهی هدف، به هزینه تعدیل اهرم بستگی دارد. اگر این هزینه‌ها وجود نداشته باشند، طبق نظریه توازن هیچگاه نباید انحرافی از اهرم بهینه در شرکت‌ها دیده شود. از سوی دیگر اگر این هزینه‌ها بی‌نهایت بالا باشند، نباید هیچ حرکتی به سمت اهرم بهینه صورت گیرد (فلانری و رنگان، ۲۰۰۶).

سرعت تعدیل ساختار سرمایه با توجه به میزان انحراف بین اهرم واقعی و بهینه شرکت مورد بررسی قرار می‌گیرد. با وجود اهمیت مسئله ساختار سرمایه بررسی‌ها نشان دادند که در شرایط پویای محیطی که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند همواره مسائلی پیش می‌آید که موجب می‌شود شرکت‌ها از ساختار سرمایه هدفشان انحراف پیدا کنند و لازم است این شکاف یا انحراف ایجاد شده را تعدیل نمایند (هاشمی و کشاورز مهر، ۱۳۹۴). مقدار برآورد شده سرعت تعدیل پیامدهای مهمی را برای نظریه توازن به همراه دارد. سرعت تعدیل کمتر حاکی از آن است که جبران انحراف اهرم جاری از اهرم هدف مدت‌زمان بیشتری به طول می‌انجامد و بر عکس. اگر همانند یافته‌های کیهان و تیمن (۲۰۰۷)، جبران انحراف ۳۵-۴۰ درصدی از اهرم هدف برای یک شرکت پنج سال به طول بی‌انجامد، در بهترین حالت، اهرم هدف می‌تواند به‌عنوان یک عامل ثانویه در تصمیم‌گیری‌های تأمین مالی شرکت‌ها مورد توجه قرار گیرد؛ اما اگر مانند فلانری و رنگان (۲۰۰۶) متوسط سرعت تعدیل ۳۵ درصد در سال باشد، در این صورت اهرم هدف از اهمیت اساسی برخوردار است (هواکیمیان و لی، ۲۰۱۱). در واقع اگر شرکت‌ها با سرعت زیادی به سمت اهرم هدف حرکت کنند، آنگاه فعالیت‌های تأمین مالی گذشته شرکت و شرایط تاریخی بازار، تنها اثرات کوتاه‌مدتی بر ساختار سرمایه فعلی شرکت خواهند داشت، در حالیکه اگر شرکت‌ها به آرامی ساختار سرمایه‌شان را تعدیل کنند، عکس این قضیه صادق است. از منظر دیگر تعدیل سریع به سمت هدف ممکن است بر هزینه‌های معاملاتی نسبتاً پایین (مانند هزینه‌های تأمین مالی خارجی کمتر)، هزینه‌های انحراف از هدف بالاتر و انعطاف‌پذیری بالاتر دلالت داشته باشد (مک میلان و کامارا، ۲۰۱۲). معمولاً شرکت‌ها از ساختار سرمایه بهینه خود انحراف دارند و ممکن است تنها زمانی برای تعدیل ساختار سرمایه خود اقدام کنند که مزایای تعدیل بیش از هزینه‌های آن باشد. سرعت تعدیل در واقع شاخصی است که مشخص می‌کند شرکت‌ها در هر سال چند درصد از شکاف میان اهرم واقعی و سطح اهرم هدفشان را می‌توانند جبران کنند. بر اساس نظریه توازن پویا می‌توان استدلال نمود که هر

یک از شرکت‌ها با توجه به ویژگی‌های خود، با هزینه‌های تعدیل متفاوتی مواجه شده و در نتیجه با سرعت‌های متفاوتی به سمت اهرم هدفشان حرکت می‌کنند (هاشمی و کشاورزمهر، ۱۳۹۴). در واقع سرعت تعدیل ساختار سرمایه یعنی سرعتی که شرکت‌ها ساختار سرمایه خود را در راستای اهرم هدف تعدیل می‌کنند. در تعدیل اهرم مالی به سمت هدف، شرکت‌ها گزینه‌هایی را پیش روی خود دارند. زمانی که اهرم مالی آن‌ها پایین‌تر از سطح هدف قرار دارد می‌توانند اوراق قرضه جدید منتشر کنند (استقراض کنند) و یا سهام موجود در بازار را باز خرید کنند و هنگامی که اهرم مالی آن‌ها بالاتر از سطح هدف می‌باشد می‌توانند سهام جدید منتشر کنند و یا بدهی‌های خود را بازپرداخت نمایند. علاوه بر این شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از منابع داخلی مانند نگهداری سود به‌عنوان سود انباشته و یا پرداخت آن به‌عنوان سود سهام، اهرم مالی خود را تعدیل کنند. به‌طور کلی سرعتی که شرکت‌ها با آن اهرم مالی خود را تعدیل می‌کنند توسط هزینه‌های تعدیل، انعطاف‌پذیری و محدودیت‌های مالی که شرکت‌ها با آن‌ها مواجه هستند تعیین می‌شود (دانگ و همکاران، ۲۰۱۲).

اخیراً در مدل‌های پویا به‌جای برآورد عوامل مؤثر بر ساختار سرمایه به بررسی سرعت تعدیل انحراف‌های بین ساختار سرمایه بهینه و ساختار سرمایه واقعی روی آورده‌اند. شواهد نظرسنجی انجام‌شده توسط گراهام و لیری (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که ۴۴٪ شرکت‌ها اهداف محکمی برای اهرم خود و تمایل بسیاری برای تعدیل آن دارند، ۳۴٪ در این زمینه انعطاف‌پذیر بوده و ۱۹٪ از شرکت‌ها اهدافی برای ساختار سرمایه خود ندارند. این یافته‌ها در تأیید تئوری توازن است؛ از طرفی دیگر می‌توان به تغییرات و دگرگونی در سود و هزینه ناشی از تعدیلات ساختار سرمایه در جریان پرسه تعدیل شرکت‌ها نام برد. این امر باعث ناهمگنی در محاسبه سرعت تعدیلات برای شرکت‌ها می‌شود. این رشته از تحقیقات علت عدم تقارن سرعت تعدیلات بین شرکت‌ها در طول زمان را ناشی از تفاوت در جریان نقد، ارزش بازاری به دفتری، نوع انحرافات اهرمی (بالاتر، پایین‌تر از هدف) و اندازه شرکت‌ها بیان کردند (بائوم و همکاران، ۲۰۱۳).

• ریسک نرخ تورم و ریسک خاص شرکت

یکی از مهمترین موضوعاتی که اقتصاددانان مالی در سال‌های اخیر بدان توجه کرده‌اند، شناسایی رابطه بین عوامل مختلف با ساختار سرمایه است. در این تحقیق دو نوع ریسک از دو

حوزه خارج شرکت با عنوان ریسک اقتصاد کلان (ریسک نرخ تورم) و داخل شرکت با عنوان ریسک خاص شرکت در ارتباط با ساختار سرمایه مورد بررسی قرار می‌گیرد. تورم عبارت است از افزایش دائم و بی‌رویه سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات که در نهایت به کاهش قدرت خرید و نابسامانی اقتصادی منجر می‌شود (عظیمی آرانی، ۱۳۸۵). نرخ تورم یکی از متغیرهای اقتصاد کلان است که دارای تأثیرات مهم بر ساختار سرمایه است. از آنجایی که این مورد در کشور ما دارای تغییرات و نوسانات مستمر است، لذا سیاست‌گذاران اقتصادی در راستای پیشبرد اهداف کلان اقتصادی می‌بایست تأثیر این عامل را بر فعالیت‌های تأمین مالی شرکت‌های تولیدی و صنعتی در نظر بگیرند تا کمترین پیامدهای منفی متوجه شرکت‌ها شود (کریمی و همکاران، ۱۳۹۳).

دراختز و همکاران (۲۰۰۷) بیان کردند که تغییرات و نوسانات نرخ تورم از جمله مواردی است که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های مدیران درباره تأمین مالی مهم باشد، به گونه‌ای که در بلندمدت افزایش نرخ تورم بهبود جریان‌های ورودی و جوه نقد شرکت را در پی خواهد داشت و باعث خواهد شد تا اندوخته‌ها و میزان سودهای تقسیم نشده شرکت نیز افزایش یابد که می‌تواند در تأمین مالی شرکت‌ها مورد استفاده قرار گیرد؛ لذا با انجام تأمین مالی از طریق سود انباشته، اهرم مالی شرکت کاهش خواهد یافت که نشان‌دهنده اثر منفی نرخ تورم بر ساختار سرمایه است.

نرخ تورم بالا، منجر به افزایش نرخ بازده مورد انتظار می‌شود و در نتیجه اثر معکوس بر قیمت اوراق بهادار می‌گذارد، هزینه سرمایه شرکت افزایش می‌یابد که این امر منجر می‌شود تعدادی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری غیر سودآور شده و این امر تأثیر منفی بر رشد اقتصادی می‌گذارد که خود منجر به تأثیر معکوس بر بازار سرمایه می‌شود. بنابراین در شرایطی که نرخ تورم بالا است، استفاده از بدهی برای شرکت‌ها سودمندتر است زیرا هزینه بدهی کاهش می‌یابد (موخووا و زینکر، ۲۰۱۴).

ریسک نرخ تورم به عدم اطمینان نسبت به سطح نرخ تورم در سال‌های آینده اطلاق می‌گردد. ریسک تورم به عبارت دیگر به انحراف نرخ تورم واقعی مورد انتظار بستگی دارد. سرمایه‌گذاران قبل از اقدام به سرمایه‌گذاری، نرخ تورم در آینده را پیش‌بینی می‌کنند و آن را به نرخ بازده مورد توقع خود اضافه می‌کنند. ریسک تورم، ریسک کاهش ارزش اصل و فرع

سرمایه، به دلیل کاهش قدرت خرید پول می‌باشد. تورم می‌تواند بازده واقعی سهام عادی را کاهش دهد. نرخ تورم بالا باعث می‌شود که قدرت خرید پول کاهش یابد و در نتیجه سرمایه‌گذار با دریافت اصل و فرع سرمایه خود، کالاها و خدمات کمتری بخرد. اگر بعد از خرید اوراق بهادار نرخ تورم افزایش یابد، نرخ بهره در بازار نیز افزایش خواهد یافت و افزایش نرخ بهره بازار، موجب کاهش ارزش و قیمت اوراق بهاداری خواهد شد که قبلاً منتشر شده‌اند. با خرید اوراق بهادار با درآمد ثابت، سرمایه‌گذار مشمول ریسک تورم خواهد شد. با خریدن سهام عادی می‌توان در برابر ریسک تورم، برای خود مصونیت ایجاد کرد؛ زیرا با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، انتظار می‌رود که سود شرکت‌ها نیز افزایش یابد. البته بین افزایش قیمت سهام عادی شرکت‌ها و شاخص عمومی قیمت‌ها، همبستگی کاملی وجود ندارد (راعی و پویان فر، ۱۳۹۲). یادآوری می‌شود که نحوه اثر گذاری نرخ تورم بر ساختار سرمایه در پژوهش‌های بوک پین (۲۰۰۹) و فنلی و کیف من (۲۰۰۲) مورد بررسی قرار گرفته که تأیید کننده تأثیر منفی نرخ تورم بر ساختار سرمایه بوده است.

ریسک خاص شرکت عبارت است از ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی بر روی تغییرات ساختار سرمایه که ناشی از شرایط و تغییرات خاص شرکت می‌باشد. ریسکی که تعداد کمی از دارایی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ریسک خاص گفته می‌شود. ریسک خاص همان‌طور که از نامش پیداست به خطرهایی اشاره دارد که کاملاً مختص یک شرکت یا گروه کوچکی از شرکت‌ها است. این نوع از ریسک می‌تواند نقطه مقابل ریسک کل بازار یا ریسک سیستماتیک باشد. بعضی اوقات هم با نام‌های «ریسک غیر سیستماتیک» یا ریسک قابل تنوع بخشی» شناخته می‌شود. به بیان دیگر در ادبیات مالی انواع ریسک‌های مختلف شناسایی شده است که هر یک تعریف خاص خود را دارند. ریسک خاص شرکت ریسکی است که به عوامل داخلی شرکت مربوط می‌شود. در هر شرکتی این نوع ریسک‌ها به شرایط خاص همان شرکت بستگی دارد و ربطی به سایر شرکت‌ها ندارد. در نتیجه این نوع ریسک می‌تواند خاص یک صنعت معین باشد، این نوع ریسک را ریسک غیر سیستماتیک گویند (نوروش و وفادار، ۱۳۷۸). هاکبرث و همکاران (۲۰۰۶) یک مدل مطالبه مشروط را پیشنهاد می‌کنند که در آن نقدینگی‌های شرکت مشروط به ریسک خاص شرکتی و شرایط اقتصاد کلان است. آن‌ها

پیش‌بینی می‌کنند که ظرفیت استقراض شرکت‌ها دوره‌ای بوده و توازن و اندازه ساختار سرمایه با توجه به شرایط اقتصاد کلان تغییر می‌کنند.

پیشینه پژوهش

در این بخش به بررسی مطالعات تجربی انجام گرفته در رابطه با موضوع این پژوهش پرداخته می‌شود. راملی و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان عوامل تعیین کننده ساختار سرمایه بر عملکرد مالی شرکت به تأثیر میانجی اهرم شرکت در کشورهای مالزی و اندونزی در طول دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۰ پرداختند. آنها نشان دادند که بعضی از عوامل تعیین کننده ساختار سرمایه به طور مستقیم بر عملکرد مالی شرکت اثر می‌گذارند. تنها در نمونه مورد مطالعه مالزی همبستگی معنادار مثبت بین اهرم شرکت و عملکرد مالی شرکت وجود دارد و شرکت‌های مالزی به جای تأمین مالی داخلی، از تأمین مالی خارجی برای بهبود عملکرد استفاده می‌کنند. همچنین نتایج نشان می‌دهند که اهرم‌های شرکت، نقش میانجی در مالزی دارند، اما نه برای نمونه اندونزی. ساختار دارایی، فرصت‌های رشد، نقدینگی، سپر مالیاتی غیر بدهی و نرخ بهره، ویژگی‌هایی هستند که به طور غیرمستقیم به وسیله اهرم مالی بر عملکرد مالی شرکت تأثیر می‌گذارند.

چو و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی این موضوع پرداختند که چگونه حاکمیت شرکتی رابطه بین نااطمینانی اقتصاد کلان و ساختار سرمایه شرکتی را تعدیل می‌کند. نتایج حاصله از این پژوهش نشان می‌دهد که نااطمینانی اقتصاد کلان تأثیر منفی قابل توجهی بر تصمیمات ساختار سرمایه شرکت‌ها دارد همچنین تأثیر کلی نااطمینانی اقتصاد کلان بر ساختار سرمایه در میان شرکت‌های با کیفیت حاکمیتی بهتر به طور قابل توجهی منفی است. شواهد نشان می‌دهند که حاکمیت شرکتی به عنوان یک مکانیزم موثر برای کنترل کردن استفاده از اعمال فشار در طول زمان نوسان بالا عمل می‌کند. جعفر اغلو (۲۰۱۸) در پژوهش خود به بررسی ساختار سرمایه شرکت‌های غیر مالی از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد نوسان پذیری سود و فرصت‌های رشد تأثیر معناداری بر تصمیمات ساختار سرمایه ندارد. همچنین او دریافت که سودآوری ارتباط مثبت و معناداری با ساختار سرمایه و عوامل اندازه شرکت و ساختار دارایی‌ها با ساختار سرمایه رابطه منفی و معنی داری دارد. باثوم و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی اصلاح ساختار سرمایه بر مبنای ریسک‌های تجاری و کلان به این

نتیجه رسیدند که فرآیند اصلاح ساختار سرمایه نامتقارن بوده و بستگی به نوع ریسک، شدت آن، وضعیت اهرمی و مالی شرکت دارد. در شرکت‌هایی که وضعیت مالی مساعدتری دارند نسبت به شرکت‌های دارای شرایط تأمین مالی نامساعد، سرعت اصلاح ساختار سرمایه بالاتر است. همچنین نتایج تحقیق آنها نشان داد که در بررسی شرایط اصلاح ساختار سرمایه، ریسک از اهمیت بالایی برخوردار است. کاسترو و همکاران (۲۰۱۶) اهرم هدف و سرعت تعدیل ساختار سرمایه را طی سه مرحله ظهور، رشد و بلوغ آزمون کردند. آن‌ها دریافتند سودآوری و قدرت وثیقه‌گذاری از جمله عوامل اثرگذار هستند. به علاوه شرکت‌هایی که مرحله چرخه عمر خود را تغییر می‌دهند سرعت تعدیل ساختار سرمایه کمتری دارند و زمانی که شرکت از مرحله رشد به مرحله بلوغ می‌رود سرعت تعدیل ساختار سرمایه آن بیشتر از سودآوری اثر می‌پذیرد.

روشن پژوه و اوحدی (۱۳۹۸) به بررسی رابطه بین ساختار سرمایه و عملکرد شرکت‌ها (اثر چرخه تجاری) در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج به دست آمده دلالت بر عدم تأثیر معنادار چرخه تجاری بر ساختار سرمایه و تأثیر منفی و معنادار ساختار سرمایه بر عملکرد شرکت در چرخه‌های مختلف تجاری داشت. کاظمی و مهري (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر جریان وجوه نقد بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه و ساختار سرمایه بهینه پرداختند. نتایج حاصل از فرضیه اول پژوهش آنها نشان داد که بین جریان وجوه نقد و سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت‌ها، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد، در واقع در شرکت‌هایی که جریان وجوه نقد منفی داشتند سرعت تعدیل ساختار سرمایه بیشتر بوده است. نتایج حاصل از فرضیه دوم پژوهش نشان دهنده عدم وجود رابطه معنادار بین جریان وجوه نقد و ساختار سرمایه بهینه شرکت‌ها بود. نتایج پژوهش می‌تواند در راستای کاهش وقوع بحران‌های مالی ناگهانی در اقتصاد سودمند باشد.

تائبی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر آنتروپی صورت‌های مالی بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که عامل آنتروپی صورت‌های مالی و شاخص‌های بکار گرفته شده برای آن، رابطه معکوسی با سرعت رسیدن شرکت‌ها به ساختار سرمایه بهینه‌شان دارد. همچنین نتایج پژوهش حاکی از وجود سرعت تعدیل ۵۹٪ و ۷۲٪ به ترتیب برای

شرکت‌های با آنتروپی عمومی بالا و پایین است. دولو و سعادت (۱۳۹۷) به بررسی اثر پدیده بازگشت به میانگین اهرم، بر سرعت تعدیل پرداختند. نتایج به دست آمده نشان داد شرکت‌هایی که در بالای اهرم هدف قرار داشته‌اند و با کسری مالی روبه‌رو بوده‌اند، نسبت به سایر شرکت‌ها با سرعت بیشتری ساختار سرمایه خود را تعدیل کرده‌اند. همچنین، با حذف اثر بازگشت به میانگین، سرعت تعدیل اهرم کاهش یافت.

رامشه و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود به بررسی سرعت تعدیل ساختار سرمایه بر اساس پیش بینی تئوری های توازن و سلسله مراتبی در بین شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد در شرکت های که اهرم واقعی بالاتر از اهرم هدف بوده و با کسری وجه نقد مواجه اند، سرعت تعدیل اهرم هدف بیشتر خواهد بود. به علاوه شرکت های که سرعت تعدیل بالاتری دارند، سودآوری و فرصت های رشد بیشتری نیز دارند. در واقع یافته های پژوهش آنها شواهدی در حمایت از تئوری توازن پویا فراهم می کند.

با توجه به پژوهش های عنوان شده در رابطه با اثر متغیرهای ریسک نرخ تورم و ریسک خاص شرکت بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه، می توان اینگونه بیان نمود که تأثیر گذاری ریسک محیطی و داخلی بر تصمیمات تأمین مالی شرکت ها مرتبط است. اینکه چگونه وضعیت نرخ تورمی و ویژگی های هر شرکت بر این تصمیمات تأمین مالی مدیران تأثیر می گذارد. از این رو شناسایی عوامل مؤثر بر اهرم شرکت در تصمیمات ساختار سرمایه که توسط مدیران مالی شرکت اتخاذ می شوند، راهکارهای برجسته و مفیدی را در نحوه تعامل با این ریسک های اقتصادی ارائه می دهد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعه ای کتابخانه ای و تحلیلی - علی بوده و مبتنی بر تحلیل داده های تابلویی (پانل دیتا) نیز می باشد و برای تحلیل داده های پژوهش و رد و اثبات فرضیه های پژوهش با به کارگیری روش های آماری مناسب از رگرسیون گشتاورهای تعمیم یافته استفاده شده است. روش گشتاور تعمیم یافته یکی از روش های برآورد پارامترهای مدل در رهیافت داده های پانلی پویا بوده که قابل استفاده برای داده های سری زمانی، مقطعی و داده های پانلی

است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های موجود پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران بوده که حائز معیارهای زیر باشند:

۱. در طول دوره پژوهش، تغییر در دوره مالی نداشته باشند.
۲. جزء شرکت‌های فعال در حوزه فعالیت‌های مالی از جمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها و مؤسسات مالی نباشند. به دلیل این که این مؤسسات از لحاظ ماهیت فعالیت، متفاوت بوده و درآمد اصلی آن‌ها حاصل از سرمایه‌گذاری است و وابسته به فعالیت سایر شرکت‌ها هستند، لذا ماهیتاً با سایر شرکت‌ها متفاوت می‌باشند و بنابراین از جامعه مورد بررسی حذف خواهند شد.
۳. دوره مالی آن‌ها منتهی به ۱۲/۲۹ هر سال باشد تا بتوان داده‌ها را در کنار یکدیگر و در صورت نیاز به صورت پانلی به کار برد.
۴. تا سال ۱۳۹۷ بورس اوراق بهادار تهران وقفه معاملاتی ۶ ماهه نداشته و جزو شرکت‌های ورشکسته (شرکت‌های با حقوق صاحبان سهام منفی) نباشد. با توجه به محدودیت‌های بیان شده جامعه آماری شامل ۱۲۱ شرکت بوده که از جامعه بالا انتخاب شده و دوره زمانی آن از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ می‌باشد.

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مباحث مطرح شده، پژوهش حاضر تلاش می‌کند با بررسی اثرات دو عامل ریسک نرخ تورم و ریسک خاص شرکت بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت، پیش‌بینی تئوری توازن در حوزه پویایی ساختار سرمایه را مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر خواهد بود:

- فرضیه اول: ریسک نرخ تورم بر ساختار سرمایه شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.
- فرضیه دوم: ریسک خاص شرکت بر ساختار سرمایه شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.
- فرضیه سوم: ریسک نرخ تورم بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.

فرضیه چهارم: ریسک خاص شرکت بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.

مدل و متغیرهای پژوهش

- مدل‌های پژوهش

مدل اصلی استفاده شده و استاندارد برای مدل‌های پویا جهت محاسبه سرعت تعدیل اهرم هدف از اهرم واقعی که مدل‌های این پژوهش از آن مشتق شده است به‌قرار زیر است (فلانری و رنگان ۲۰۰۶):

$$(L_{i,t} - L_{i,t-1}) = \phi_1(L_{i,t}^T - L_{i,t-1}) + \epsilon_{i,t}$$

ϕ_1 : ضریبی برای تعیین سرعت تعدیلات.

$L_{i,t}$: اهرم واقعی شرکت که همان اهرم مالی شرکت و از تقسیم بدهی کل به دارایی کل شرکت در سال t برای شرکت i ام به دست می‌آید.

$L_{i,t}^T$: اهرم هدف در سال t برای شرکت i ام. این متغیر از برآورد سمت راست معادله مدل اول حالت پویا به دست آمده است؛ به عبارت دیگر از ارزش‌های پیش‌بینی شده مدل اول به دست می‌آید و به آن اهرم هدف می‌گویند. در واقع این مدل اجازه می‌دهد که هر سال شرکت i ام شکاف بین اهرم واقعی و اهرم هدف خود را به مقدار ϕ_1 کاهش دهد. برای محاسبه سرعت تعدیل ساختار سرمایه ابتدا اهرم با استفاده از مدل رگرسیونی در طول دوره پژوهش برازش شده و ضرایب آن محاسبه می‌شود سپس با استفاده از ضرایب به دست آمده اهرم هدف برای هر سال شرکت محاسبه می‌شود. در اینجا ϕ_1 پارامتر سرعت تعدیلات است و نشان می‌دهد که شرکت‌ها با چه سرعتی به سمت اهرم هدف خود حرکت می‌کنند. بررسی سرعت تعدیل بدین معنی است که شرکت‌ها به‌طور معمول در هر سال چند درصد از شکاف میان اهرم واقعی و سطح اهرم هدف را جبران می‌کنند. این ضریب در دامنه بین صفر و یک قرار گرفته و مقدار بالاتر (نزدیک به یک) نشان دهنده سرعت تعدیل سریع‌تر می‌باشد. بنابراین سرعت تعدیل اهرم در راستای اهرم هدف به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

اهرم سال قبل - اهرم هدف = سرعت تعدیل اهرم در راستای اهرم هدف

محاسبه اهرم هدف لازمه برآورد این سرعت تعدیل می‌باشد که بر اساس دیدگاه فلائری و رنگان (۲۰۰۶) اهرم هدف از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$L_{i,t}^T = \hat{\beta} X_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (۲)$$

اهرم هدف را می‌توان به‌عنوان یک نسبت تعیین شده توسط ویژگی‌های شرکت به صورت معادله بالا در نظر گرفت که $\hat{\beta}$ برداری از پارامترهای برآورد شده حاصل از رگرسیون اهرم واقعی بر روی برداری از عوامل تعیین کننده آن یعنی ویژگی‌های شرکت است که بر اساس ادبیات پژوهش گردآوری شده است. $X_{i,t}$ مشخصات ویژه شرکت i در زمان t می‌باشد، این مشخصات شامل سودآوری، دارایی ثابت مشهود، اندازه شرکت، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی می‌باشند که توضیح دهنده منافع و هزینه‌های عملیاتی ناشی از استفاده نسبت‌های اهرمی متفاوت هستند. در مدل زیر می‌توان فرضیه اول و دوم تحقیق را بررسی کرد. معناداری β_5 و β_6 نشان دهنده تأیید فرضیه اول و دوم است:

$$L_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{size}_{i,t-1} + \beta_2 \text{profit}_{i,t-1} + \beta_3 \text{tang}_{i,t-1} + \beta_4 \text{mb}_{i,t-1} + R_{i,t-1}^{\text{firm}} + \beta_6 R_{i,t-1}^{\text{inf}} + \varepsilon_{i,t} \quad (۳)$$

مدل دوم تحقیق (معادله چهارم) به منظور آزمون فرضیه سوم و چهارم تحقیق بوده و به قرار زیر می‌باشد:

$$L_{i,t} = (1-\phi_1) L_{i,t-1} + (1-\phi_2) (L_{i,t-1} \times R_{i,t-1}^{\text{firm}}) + (1-\phi_3) (L_{i,t-1} \times R_{i,t-1}^{\text{inf}}) + \phi_1 \beta_1 \text{size}_{i,t-1} + \phi_1 \beta_2 \text{profit}_{i,t-1} + \phi_1 \beta_3 \text{tang}_{i,t-1} + \phi_1 \beta_4 \text{mb}_{i,t-1} + \phi_1 \beta_5 R_{i,t-1}^{\text{firm}} + \phi_1 \beta_6 R_{i,t-1}^{\text{inf}} + \varepsilon_{i,t} \quad (۴)$$

رشید (۲۰۱۶) مدل ۴ را به منظور محاسبه اثر ریسک نرخ تورم و ریسک خاص شرکتی بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت‌ها معرفی می‌کند. این مدل با استفاده از روش رگرسیون پانل گشتاورهای تعمیم یافته و تئوری توازن پویا مدلی را طراحی و سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت‌ها را محاسبه می‌کند. لذا در این پژوهش از این مدل برای آزمون سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت‌های بورس اوراق بهادار استفاده می‌شود. در این مدل معنادار بودن و علامت ضریب β_5 نشان دهنده وجود رابطه معنادار بین ریسک خاص شرکت و ساختار

سرمایه است و هم سو با فرضیه دوم است همچنین ضریب "6" - "β نشان دهنده وجود رابطه معنادار بین ریسک نرخ تورم و ساختار سرمایه و همسو با فرضیه اول هست. در معادله بالا ضریب (1-φ₂) زمانی که معنادار باشد یعنی ریسک خاص شرکت بر روی سرعت تعدیل ساختار سرمایه تأثیر گذار است و این موضوع هم راستا با فرضیه چهارم است. اگر مقدار آن بیشتر از ۱ باشد این تأثیر منفی و اگر کمتر از یک باشد این تأثیر مثبت است. مقدار φ₂ سرعت تعدیل ساختار سرمایه تحت تأثیر ریسک خاص شرکت را نشان می دهد. همین توضیحات برای ضریب (1-φ₃) و ریسک نرخ تورم نیز صادق و همسو با فرضیه سوم تحقیق است.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه گیری آن

• متغیر وابسته :

اهرم مالی (L_{i,t}): اهرم مالی در این پژوهش به صورت نسبت (ارزش دفتری کل بدهی ها) به (ارزش دفتری کل دارایی ها) در سال t برای شرکت i ام به دست می آید. ارزش دفتری همان اقلام گزارش شده در ترازنامه و صورت سود زیان پایان دوره است و نیز دو حساب بدهی کل و دارایی کل در ترازنامه واقع شده اند.

• متغیرهای مستقل:

۱- ریسک نرخ تورم $\text{inf}_{i,t}(\mathbf{R})$:

متغیر استفاده شده برای ریسک نرخ تورم، نرخ تورم (INF_t) است که با استفاده از روش گارچ^۴ یک پروکسی^۵ برای تغییرات غیر قابل پیش بینی تورم ساخته و از آن به عنوان متغیر ریسک نرخ تورم بهره می بریم. این پروکسی به شکل زیر استخراج می شود:

$$\Delta \text{INF}_t = \omega + \eta \Delta \text{INF}_{t-1} + \epsilon_t$$

$$\sigma_t^2 = \alpha + \beta \epsilon_{t-1}^2$$

ω : مقداری ثابت، η : ضریب اتورگرسیو

برآورد واریانس شرطی $\hat{\sigma}_t^2$ یک دوره جلوتر واریانس پیش بینی برای اطلاعات قبل است.

α : مقدار ثابت است $\Delta \text{INF}_{t-1} \sim N(0, \sigma_{t-1}^2)$ و نوآوری در تورم است. این مدل با استفاده از روش حداکثر درستنمایی برآورد شده است.

به طور کلی به منظور مدل‌سازی و استخراج ریسک نرخ تورم در این پژوهش در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷، از روش واریانس ناهمسانی شرطی اتورگرسیو تعمیم‌یافته (گارچ) برای تغییرات تورم استفاده شده است. در واقع نوعی مدل واریانس ناهمسانی شرطی اتورگرسیو (آرچ) ۶ را بر اساس نرخ تورم در طول دوره مطالعه برآورد شده است. واریانس شرطی برآورد شده به عنوان معیار ریسک مربوط به تغییر نرخ تورم طی یک دوره بین زمان t و $t-1$ به کار می‌رود. در این مدل واریانس شرطی بر اساس اطلاعات دوره قبل و خطای پیش‌بینی گذشته تغییر کرده که نشان‌دهنده ریسک نرخ تورم است. در واقع با استفاده از مدل گارچ، واریانس تخمین و خروجی مدل را به عنوان ریسک نرخ تورم وارد مدل کرده‌ایم. بنابراین می‌توان اینگونه بیان کرد که با استفاده از برآوردگر آرچ و گارچ می‌توان به واریانس آشکار و پنهان مدل مورد نظر دست یافت.

۲- ریسک خاص شرکت ($R_{i,t}^{\text{firm}}$):

در یک مدل اتورگرسیو، مقدار جاری یک متغیر صرفاً وابسته به مقادیر قبلی آن به علاوه جمله خطا می‌باشد. در مدل ارائه شده برای استخراج پروکسی که توضیح‌دهنده ریسک خاص شرکت باشد از اتورگرسیو ((AR فروش سالانه نرمال شده شرکت به ارزش دفتری کل دارایی‌ها بهره می‌بریم (بوند، ۲۰۰۲).

$$\text{Sales}_{i,t} = \mu_i + \phi \text{Sales}_{i,t-1} + \epsilon_{i,t}$$

$\text{Sales}_{i,t}$: نرخ فروش به ارزش دفتری کل دارایی برای شرکت i در زمان t

ϕ : ضریب اتورگرسیو

μ_i : اثرات ثابت

$\epsilon_{i,t}$: جزء خطا با میانگین صفر و واریانس متناهی

در گام بعدی از پسماندهای مدل AR هر شرکت واریانس تجمعی استخراج کرده و جذر آن به عنوان پروکسی نشان‌دهنده ریسک خاص هر شرکت می‌باشد که به وسیله $R_{i,t}^{\text{firm}}$ نشان داده می‌شود.

در واقع پروکسی حاصل برای ریسک خاص شرکت از ریشه دوم واریانس تجمعی از پسماندهای خروجی اتورگرسیو نسبت فروش خالص به ارزش کل دارایی‌ها، حاصل می‌شود. برای محاسبه ریسک خاص شرکت از لگاریتم فروش به عنوان متغیر کلیدی برای محاسبه ریسک خاص شرکت بهره گرفته شده است. افزایش ریسک خاص شرکت به معنی افزایش در ریسک حاصل از تغییرات سطح فروش شرکت است. افزایش ریسک خاص شرکت محیطی را برای مدیران شرکت به وجود می‌آورد که در آن مدیران شرکت نمی‌توانند تصمیمات قطعی و برنامه مدونی درباره سطح فروش، میزان سودآوری آتی و سود مورد انتظار، میزان تولید و... داشته باشند. مدیران در زمان بروز ریسک خاص شرکت مجبور به اتخاذ تصمیمات محتاطانه می‌شوند. محافظه کاری مدیران برای تصمیم‌گیری در شرایط ریسک خاص شرکت و اثر این احتیاط بر ساختار سرمایه یکی از اهداف این پژوهش است.

• متغیرهای ویژه شرکتی :

متغیرهای ویژه شرکتی که یک مدل استاندارد برای اهرم مالی شرکت است و متغیرهای کنترل شونده در طول تحقیق می‌باشند که نحوه محاسبه آن‌ها به قرار زیر می‌باشد:

- $(tang_{i,t})$: نمایانگر دارایی ثابت مشهود شرکت است. دارایی ثابت مشهود شرکت از نسبت دارایی‌های ثابت (تجهیزات و ماشین‌آلات + زمین و ساختمان) به (ارزش دفتری کل دارایی‌ها) در سال t برای شرکت i ام به دست می‌آید.
- $(mb_{i,t})$: نسبت ارزش بازار به دفتری دارایی که به صورت نسبت مجموع (ارزش بازار حقوق صاحبان سهام + ارزش دفتری بدهی‌ها) به (ارزش دفتری کل دارایی‌ها) در سال t برای شرکت i ام محاسبه می‌شود. ارزش بازار حقوق صاحبان سهام از حاصل ضرب تعداد کل سهام منتشره شده توسط شرکت در قیمت بازار سهام به دست می‌آید.
- $(profit_{i,t})$: نشانگر سودآوری شرکت می‌باشد و معیاری است که ظرفیت سوددهی فعالیت شرکت را نشان می‌دهد. سودآوری شرکت از نسبت (سود قبل از کسر بهره و مالیات) به (ارزش دفتری کل دارایی‌ها) در سال t برای شرکت i ام به دست می‌آید.

- $(size_{i,t})$: اندازه شرکت از لگاریتم ارزش بازار دارایی‌های شرکت در سال t برای شرکت i ام به دست می‌آید.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

برای متغیرهای وابسته و مستقل به کاررفته در این پژوهش نگاره آمار توصیفی به قرار زیر ارائه شده و یافته نشان می‌دهد که متغیرهای ریسک دارای بیشترین پراکنندگی هستند.

نگاره (۱): آمار توصیفی

ریسک نرخ تورم	ریسک خاص شرکت	نسبت دارایی ثابت به کل دارایی	اندازه شرکت	سودآوری	بازار به دفتری	اهرم مالی	
۰/۰۰۸۶	۰/۲۵۹	۰/۲۴۵	۶/۱۴۹	۰/۱۳۴	۴/۹۷۸	۰/۵۸۶	میانگین
۰/۰۰۹۱	۰/۱۶۴	۰/۱۹۱	۶/۱۲۹	۰/۱۱۱	۲/۹۷۷	۰/۵۹۸	میانه
۰/۰۱۲۲	۲/۶۰۳	۰/۸۴۹	۸/۳۸۷	۰/۷۶۱	۹۳/۸۹۶	۰/۹۹۶	ماکزیمم
۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۱۰	۰/۰۱۱	۴/۴۱۵	-۰/۳۶۵	۰/۰۰۰	۰/۰۶۱	مینیمم
۰/۰۰۳۳	۰/۳۳۰	۰/۱۸۱	۰/۶۳۷	۰/۱۴۰	۷/۴۶۷	۰/۱۹۴	انحراف معیار
۹۶۸	۹۶۸	۹۶۸	۹۶۸	۹۶۸	۹۶۸	۹۶۸	تعداد مشاهدات

تعداد مشاهدات کل برای ۱۲۱ شرکت در طول ۸ سال مالی برابر با ۹۶۸ سال- شرکت است. میانگین اهرم مالی در بین شرکت‌های نمونه ۰/۵۸ است که نشان دهنده وزن بیشتر بدهی‌ها در بین دارایی‌ها نسبت به حقوق صاحبان سهام است. در واقع به طور متوسط، میزان بدهی‌های شرکت ۵۸٪ دارایی‌هاست که بیشترین مقدار آن ۰/۹۹ و کمترین مقدار آن ۰/۰۶ بوده است. ارزش بازار به دفتری شرکت‌ها نشان از بالاتر بودن ارزش بازار شرکت‌ها نسبت به ارزش دفتری دارایی‌ها است. این امر می‌تواند به دلیل عدم تعدیل ارزش دارایی‌ها به ارزش روز آن‌ها و امید سهامداران به رشد ارزش شرکت باشد. به طور متوسط سودآوری شرکت‌ها ۰/۱۳ در بین شرکت‌های نمونه بوده است؛ به عبارت دیگر در طول سال به صورت متوسط ۱۳٪ ارزش دارایی‌های شرکت سود عملیاتی (بدون کسر مالیات و بهره) عاید شرکت شده است. کمترین مقدار سودآوری ۰/۳۶- بوده است یعنی شرکتی در بین شرکت‌های نمونه وجود داشته است

که در طول یک دوره به اندازه ۳۶٪ دارایی‌های خود زیان داده است و از طرف دیگر شرکتی وجود داشته که به اندازه ۷۶٪ دارایی‌ها خود سود آور بوده است. نسبت دارایی‌های مشهود به کل دارایی‌ها به صورت متوسط ۰/۲۴ بوده و کمترین مقدار آن ۰/۰۱ و بیشترین مقدار آن نزدیک به ۰/۸۵ بوده است. این امر نشان می‌دهد به طور متوسط ۲۴٪ دارایی‌های شرکت‌های نمونه را دارایی‌های مشهود (ثابت مانند ماشین‌آلات، تجهیزات، زمین و...) تشکیل داده است. متغیرهای ریسک خاص شرکت و ریسک نرخ تورم از نتیجه برآوردهای آماری بوده و قابل تفسیر نیستند.

برآورد مدل اول

فرضیه‌های اول و دوم مدل بر اساس دو متغیر ریسک نرخ تورم و ریسک خاص شرکت و اثرگذاری آن‌ها بر اهرم شرکت بر اساس مدل اول، مورد آزمون قرار می‌گیرند. نتایج برآورد در نگاره ۲ گزارش شده است.

نگاره (۲): آزمون اثرات ریسک نرخ تورم و ریسک خاص شرکت بر نسبت اهرم به روش گشاورهای تعمیم یافته

متغیرهای مدل	نوع رابطه	ضریب	انحراف معیار پسماند	آماره t	احتمال
اهرم مالی	-۱	۰/۵۵۷۹	۰/۱۰۶۳	۵/۲۴۵۸	۰/۰۰۰۰
ارزش بازار به دفتری	-۱	۰/۰۰۲۵	۰/۰۰۰۸	۳/۰۴۸۲	۰/۰۰۲۴
اندازه شرکت	-۱	-۰/۱۱۱۲	۰/۰۲۹۰	-۳/۸۲۶۲	۰/۰۰۰۱
سودآوری	-۱	-۰/۳۷۰۷	۰/۰۶۷۷	-۰/۴۷۲۴	۰/۰۰۰۰
نسبت دارایی مشهود	-۱	۰/۲۷۷۵	۰/۰۷۶۲	۳/۶۴۰۳	۰/۰۰۰۳
ریسک خاص شرکت	-۱	-۰/۰۴۶۷	۰/۰۲۳۳	-۱/۹۹۷۲	۰/۰۴۶۲
ریسک نرخ تورم	-۱	-۰/۰۷۲۳	۰/۰۳۶۷	-۱/۹۶۷۳	۰/۰۴۹۶
آزمون سارگان					
آماره J	درجه آزادی		احتمال		
۲۰/۱۶۶۴	۲۷		۰/۴۴۷۵		

تمامی متغیرهای این حالت در سطح اطمینان ۹۹٪ و ۹۵٪ معنادار هستند. نتایج نشان می‌دهد که متغیر ریسک نرخ تورم در فاصله اطمینان ۹۵٪ قرار دارد بنابراین متغیر ریسک نرخ تورم بر

ساختار سرمایه شرکت اثر معنادار دارد و از آنجایی که ضریب این متغیر در مدل منفی می‌باشد این اثر به صورت معکوس می‌باشد. همچنین متغیر ریسک خاص شرکت در سطح خطای ۵٪ معنادار بوده و نشان از اثرگذاری ریسک خاص شرکت بر اهرم شرکت است. از آنجایی که ضریب این متغیر منفی می‌باشد به صورت معکوس بر اهرم شرکت اثر دارد. مقدار آماره آزمون سارگان نیز برابر با ۲۰ با ارزش احتمال ۰/۴۴ بیش از سطح خطای ۵٪ بوده که نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر معتبر بودن متغیرهای ابزاری تعریف شده در مدل رد نشده و لذا متغیر ابزاری تعریف شده (مقدار وقفه دوم متغیر نسبت اهرمی) متغیر مناسبی برای برآورد مدل می‌باشد.

برآورد مدل دوم

فرضیه‌های سوم و چهارم تحقیق حاضر به کمک برآورد مدل دوم، آزمون می‌شوند. نتایج برآورد در نگاره ۳ گزارش شده است. با کسر مقدار یک از ضریب متغیر وقفه اهرم مالی سرعت تعدیل ساختار سرمایه به دست می‌آید؛ بنابراین سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت‌ها ۰/۲۴ است؛ به عبارت دیگر شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران در طول یک دوره مالی ۲۴٪ انحراف به وجود آمده بین اهرم هدف و اهرم واقعی خود را تعدیل می‌کنند. حال به بررسی فرضیه‌های تحقیق می‌پردازیم. ضریب ضرب دو متغیر ریسک نرخ تورم و وقفه اهرم در سطح ۵٪ معنادار است. این نتیجه در تأیید فرضیه سوم تحقیق است. همانند مرحله قبل با کسر مقدار یک از ضریب این متغیر ضریب سرعت تعدیل ساختار سرمایه با وجود تأثیر ریسک نرخ تورم به دست می‌آید. این مقدار نزدیک به ۰/۲۲ است؛ به عبارت دیگر ۲۲٪ از انحراف بین اهرم هدف و اهرم واقعی در دوره‌هایی که ریسک نرخ تورم رو به افزایش است، تعدیل می‌شود. این مقدار کمتر از مقدار بدون ریسک خاص شرکت که ۲۹٪ بوده و این نشان از تأثیر معنادار و منفی ریسک نرخ تورم بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه دارد. با توجه به معناداری ضریب دو متغیر ریسک خاص شرکت و وقفه اهرم می‌توان دریافت که ریسک خاص شرکت بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه تأثیر معناداری دارد. این نتیجه در تأیید فرضیه چهارم تحقیق است. از سوی دیگر با کسر مقدار یک از ضریب این متغیر سرعت تعدیل ساختار سرمایه با تأثیر ریسک خاص شرکت به دست می‌آید. این مقدار نزدیک به ۰/۲۱ است؛ به عبارت دیگر ۲۱٪ از انحراف بین اهرم هدف و اهرم واقعی در دوره‌های که ریسک خاص شرکت رو به

افزایش است تعدیل می‌شود. این مقدار کمتر از مقدار بدون ریسک خاص شرکت که ۰.۲۴٪ بوده و این نشان از تأثیر معنادار و منفی ریسک خاص شرکت بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه دارد. بنابراین تأثیر ریسک خاص شرکت نزدیک به ۰.۳٪ و ریسک نرخ تورم نزدیک به ۰.۲٪ است و این نشان از تأثیر بیشتر سرعت تعدیل ساختار سرمایه از عوامل درونی نسبت به عوامل بیرون شرکتی دارد. همان‌گونه که در نگاره ۳ مشاهده می‌شود مقدار آماره آزمون سارگان نیز برابر با ۱۵ با ارزش احتمال ۰/۶۰ بیش از سطح خطای ۰.۵٪ بوده که نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر معتبر بودن متغیرهای ابزاری تعریف شده در مدل رد نشده و لذا متغیر ابزاری تعریف شده (مقدار وقفه دوم متغیر نسبت اهرمی) متغیر مناسبی برای برآورد مدل می‌باشد.

نگاره (۳): آزمون اثرات ریسک نرخ تورم و ریسک خاص شرکت بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه

متغیرهای مدل	نوع رابطه	ضریب	انحراف معیار پسماند	آماره t	احتمال
اهرم مالی	-۱	۰/۷۶۳۹	۰/۲۰۰۲	۳/۸۱۵۸	۰/۰۰۰۱
اهرم مالی × ریسک خاص شرکت	-۱	۰/۷۹۵۰	۰/۳۲۴۶	۲/۴۴۹۳	۰/۰۱۴۶
اهرم مالی × ریسک نرخ تورم	-۱	۰/۷۸۶۲	۰/۳۶۵۵	۲/۱۵۰۹	۰/۰۳۱۸
ارزش بازار به دفتری	-۱	۰/۰۰۳۰	۰/۰۰۰۹	۳/۱۶۰۸	۰/۰۰۱۶
اندازه شرکت	-۱	-۰/۰۸۹۱	۰/۰۴۰۱	-۲/۲۲۱۱	۰/۰۲۶۷
سودآوری		-۰/۳۵۵۶	۰/۰۷۲۲	-۴/۹۲۰۶	۰/۰۰۰۰
نسبت دارایی مشهود	-۱	۰/۲۴۶۶	۰/۰۸۱۷	۳/۰۱۷۱	۰/۰۰۲۶
ریسک خاص شرکت	-۱	-۱/۲۶۰۱	-۰/۲۲۶۵	۵/۵۶۲۳	۰/۰۰۰۰
ریسک نرخ تورم	-۱	-۱/۷۰۴۲	۰/۶۵۰۱	-۲/۶۲۱۱	۰/۰۰۹۰
آزمون سارگان					
آماره J	درجه آزادی	احتمال			
۱۵/۷۵۴۴	۲۷	۰/۶۰۹۶			

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، بررسی اثر ریسک نرخ تورم و ریسک خاص شرکت بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ می‌باشد و سرعت تعدیل اهرم با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته مورد مطالعه قرار گرفته است. طبق نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه اول این پژوهش، ریسک نرخ تورم در

حالت پویا معنادار و دارای علامت منفی در تخمین است. پس افزایش ریسک نرخ تورم بیشتر باعث کاهش نسبت اهرمی در شرکت می‌شود. در شرایطی که احتمال بروز بحران‌های مالی در سطح اقتصاد افزایش می‌یابد، شرکت‌ها ترجیح می‌دهند از سطح بدهی کمتری برای تأمین مالی خود استفاده کنند و بیشتر از انتشار سهام جدید بهره می‌برند. علت این امر کاهش خطر ورشکستگی در شرایط بحرانی است. این یافته‌ها با گزارش‌های چو و همکاران (۲۰۱۸)، بائوم و همکاران (۲۰۱۷)، رشید (۲۰۱۳)، بوک پین (۲۰۰۹)، درابتر و همکاران (۲۰۰۷) و هاکیث و همکاران (۲۰۰۶) و با تحقیق داخلی حجازی و خادمی (۱۳۹۲) مشابه است. از طرفی میزان ضریب گزارش شده در یافته‌های تخمین برای ریسک خاص شرکت و ریسک نرخ تورم در مدل اول نسبت به دیگر ضرایب مدل بسیار کم اثرتر هستند از طرفی دیگر مقایسه این دو متغیر مدل اول با یکدیگر بر اساس ضرایب آن‌ها نشان از تأثیر بیشتر ریسک خاص شرکت در مقابل اثر ریسک نرخ تورم بر اهرم شرکت دارد. پس تغییرات نسبت اهرمی به تغییرات ریسک خاص شرکت نسبت به تغییرات در ریسک نرخ تورم حساس‌تر است.

طبق نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم این پژوهش، فرض وجود رابطه معنادار و منفی بین اثر ریسک خاص شرکت و نسبت اهرم برای مدل اول تأیید شده است. بر طبق نظریه تئوری توازن شرکت‌هایی که دارای نوسانات در فروش و جریان نقدی خود هستند کمتر تمایل به دریافت بدهی دارند. این امر به دلیل وجود هزینه ورشکستگی و عدم توان شرکت در پرداخت اصل و فرع بدهی است. از طرف دیگر، بانک‌ها و مؤسسات پرداخت‌کننده استقراض، کمتر تمایل دارند به شرکت‌هایی که سطح فروش آن‌ها دارای ریسک و نوسانات بالایی است، وام پرداخت کنند یا اوراق قرضه آن‌ها را خریداری کنند. در نتیجه، شرکت‌ها مجبور به انتشار سهام برای تأمین مالی خود می‌باشند. این یافته‌ها با گزارش‌های ارائه شده توسط محققان خارجی همچون، لمون و همکاران (۲۰۰۸)، بائوم و همکاران (۲۰۰۹)، کاگلایان و رشید (۲۰۱۳)، رشید (۲۰۱۳) و بائوم و همکاران (۲۰۱۳) و همچنین با یافته‌های محققان داخلی از جمله حاجی‌زاده و مهرمنش (۱۳۹۲) مطابقت دارد. طبق نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه سوم پژوهش، ریسک نرخ تورم بر روی سرعت تعدیل ساختار سرمایه تأثیر منفی و معناداری دارد. ریسک نرخ تورم باعث کاهش سرعت تعدیل ساختار سرمایه و آهسته کردن روند تعدیل انحراف بین اهرم واقعی و اهرم هدف می‌شود. علت این امر را می‌توان چنین بیان کرد:

با توجه به شواهد تاریخی، در دوره‌هایی که نرخ تورم با نوسان روبه‌رو می‌شود، بازارهای هم‌ارز همچون طلا، دلار، زمین و... برای سرمایه‌گذاران نسبت به سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها، جذاب‌تر می‌باشد. علت این امر عدم تطبیق سریع شرکت‌ها نسبت به تغییرات قیمت و در نتیجه ضرر این شرکت‌ها از نوسانات نرخ تورم است. این تأثیر نسبت به ریسک خاص شرکت کمتر بوده که نشان از اهمیت عوامل درونی شرکت نسبت به عوامل برون شرکتی بر روی تأمین‌کنندگان دارد. طبق نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه چهارم تحقیق، ریسک خاص شرکت تأثیر کاهنده و معناداری بر روی سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت‌ها دارد. این امر نشان می‌دهد که افزایش سطح ریسک خاص شرکت، شرکت را از تعدیل ساختار سرمایه‌اش به سمت ساختار سرمایه هدف بازمی‌دارد، یا به عبارت دیگر باعث آهسته‌تر شدن روند تعدیلات می‌شود. به‌طور کلی می‌توان این‌گونه بیان کرد که شرکت‌ها در دوره‌هایی که ریسک خاص شرکت در حال افزایش است، توان کمتری برای تأمین منابع شرکت و کاهش انحراف بین اهرم هدف و واقعی خود دارند. این امر می‌تواند به دلیل کاهش اعتبار شرکت به‌موجب نوسانات در فروش و سودآوری پایدار باشد. نتایج فرضیه‌های سوم و چهارم این پژوهش را نیز می‌توان با نتیجه پژوهش رشید (۲۰۱۶) همگرا دانست.

به‌طور کلی نتایج مدل اول از معناداری اثر ریسک نرخ تورم و ریسک خاص شرکت بر روی اهرم مالی شرکت خبر می‌دهد. این تأثیر برای هر دو متغیر بر روی اهرم مالی منفی بود. به عبارت دیگر در مدل اول، دو فرضیه اول و نتایج نشان از تأیید هر دو فرضیه داشت. در مدل دوم، نتایج نشان از معناداری تأثیر ریسک خاص شرکت و ریسک نرخ تورم بر سرعت تعدیل اهرم هدف دارد. این دو متغیر تأثیر منفی بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه شرکت‌ها دارند. به عبارت دیگر فرضیه سوم و چهارم تأیید و نشان از رابطه منفی بین دو متغیر دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان داد سرعت تعدیل ساختار سرمایه برای شرکت‌ها ۲۴ درصد است و در دوره‌هایی که ریسک خاص شرکت بروز می‌کند سرعت تعدیل ساختار سرمایه به مقدار درصد کاهش می‌یابد و برای دوره‌هایی که شرکت‌ها دچار ریسک نرخ تورم می‌شوند این مقدار به ۲۲ درصد کاهش پیدا می‌کند. بنابراین عوامل درون شرکتی نسبت به عوامل برون شرکتی تأثیر بیشتری بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه می‌گذارند.

با توجه به یافته‌های تحقیق، در دوره‌هایی که ریسک دستخوش تغییرات می‌شود، مدیران الگوهای یکسانی برای تعدیلات اهرم واقعی به‌سوی اهرم هدف دارند. بنابراین به فعالان بازار و مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد از این الگوها در راستای دستیابی به اطلاعات بهتر و کامل‌تر بهره‌برند زیرا این الگوها می‌تواند در تصمیمات سیاست‌های تأمین مالی قابلیت کاربردی داشته‌اشد.

پیشنهاد می‌شود برای پژوهش‌های آتی به جای استفاده از ریسک نرخ تورم از متغیرهای دیگری چون نرخ ارز، رشد اقتصادی، سیاست‌های پولی و... استفاده شود.

پی‌نوشت

- | | |
|--------------------|--|
| ۱ Trade-off Theory | ۲ Generalized Method Of Moments (GMM) |
| ۳ Bankruptcy cost | ۴ Generalized Auto Regressive Conditional Heteroscedasticity (GARCH) |
| ۵ Proxy | ۶ Auto Regressive Conditional Heteroscedasticity (ARCH) |

منابع

- تائبی نقندری، امیر حسین؛ صادقی، مسعود؛ تائبی نقندری، علی. (۱۳۹۷). اثر آنتروپی صورت‌های مالی بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه. دانش حسابداری، ۹ (۳)، ۱۷۶-۱۴۵.
- حاجی‌زاده، الهام؛ مهرمنش، حسن. (۱۳۹۲). بررسی سرعت تعدیل ساختار سرمایه بهینه و تغییر عوامل تعیین‌کننده ساختار سرمایه هدف در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. علوم اجتماعی، پژوهش‌های علوم انسانی، ۵ (۲۴)، ۷۲-۳۷.
- حجازی، رضوان؛ خادمی، صابر. (۱۳۹۲). تأثیر عوامل اقتصادی و ویژگی‌های شرکتی بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۵ (۲)، ۱۶-۱.
- دولو، مریم؛ سعادت، علی. (۱۳۹۷). بازگشت اهرم به میانگین و عدم تقارن در سرعت تعدیل ساختار سرمایه. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۰ (۱)، ۷۴-۵۵.
- راعی، رضا؛ پویان‌فر، احمد. (۱۳۹۲). مدیریت سرمایه‌گذاری پیشرفته، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.

- رامشه، منیژه؛ سلیمانی امیری، غلامرضا؛ اسکندری، رسول. (۱۳۹۵). بررسی سرعت تعدیل ساختار سرمایه بر اساس پیش بینی تئوری های توازن و سلسله مراتبی در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهش های تجربی حسابداری، ۵ (۲۰)، ۲۰۹-۱۸۷.
- روشن پژوه، اکرم؛ اوحدی، فریدون. (۱۳۹۸). رابطه بین ساختار سرمایه و عملکرد شرکت ها (اثر چرخه تجاری) در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۲ (۴۴)، ۹۷-۱۰۹.
- عظیمی آرانی، حسین. (۱۳۸۵). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- کاظمی، حسین؛ مهري نمک آورانی، امید. (۱۳۹۷). تأثیر جریان وجوه نقد بر سرعت تعدیل ساختار سرمایه و ساختار سرمایه بهینه. فصلنامه پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، ۲ (۴)، ۱-۱۴.
- کریمی، فرزاد؛ فروغی، داریوش؛ نوروزی، محمد؛ مدینه، محسن. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر متغیرهای اقتصادی و حسابداری بر ساختار سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری، ۵ (۱۷)، ۱۶۲-۱۴۱.
- مدرس، احمد؛ عبدالله زاده، فرهاد. (۱۳۷۸). مدیریت مالی (جلد دوم). چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- نوروش، ایرج؛ وفادار، عباس. (۱۳۷۸). بررسی سودمندی اطلاعات حسابداری در ارزیابی ریسک بازار شرکت ها در ایران. مجله حسابدار، ۱۳۵، ۱۶-۲۸.
- هاشمی، سید عباس؛ کشاورز مهر، داود. (۱۳۹۴). بررسی عدم تقارن سرعت تعدیل ساختار سرمایه: مدل آستانه ای پویا. مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۶ (۲۳)، ۷۸-۵۹.
- Azimi Arani, H. (2006). Underdevelopment circuits in the Iranian economy. 7nd Edition, Tehran: Ney Publishing.. (In Persian)
- Baum, C. F. ; A, Stephan. & O; Talavera. (2009). The Effects of Uncertainty on the Leverage of Nonfinancial Firms. *Economic Inquiry*, 47, 216-225.
- Baum, C. F. , Caglayan, M. , Rashid, Empir Econ, A. (2017). *Empirical Economics*, 53 (4) , 1463-1502.
- Baum, C. F; S, Caglayan. & M. A, Rashid. (2013). Capital Structure Adjustments: Do Macroeconomic and Business Risks Matter?. Paper Provided by Boston College Department of Economics. 822, 1-47.
- Bokpin, G. A. (2009). Macroeconomic development and capital structure decisions of firms. *Studies in Economics and Finance*. 26, 129-142.
- Bond, S. (2002). Dynamic Panel Data Models: A Guide to Micro Data Methods and Practice. *Portuguese Economic Journal*, 1, 141-162.
- Byoun S. (2008). How and When do Firms Adjust Their Capital Structures Toward Targets?. *Journal of Finance*, 63 ,3069-3096.
- Caglayan, M. & Rashid, A. (2013). The response of firms' leverage to uncertainty: evidence from UK public versus non-public firms. *Economic Inquiry*, forthcoming, 52, 341-363.

- Casrto, P. ; Fernandez, M. ; Tapia, B. A. & Miguel, A. (2016). "Target leverage and speed of adjustment along the life cycle of European listed firms". *Business Research Quarterly*, 19 (3) , 188-205.
- Cevheroglu, M. G. , (2018). Determinant of Capital Structure: Empirical Evidence from Turkey. *Journal of Management and Sustainability*, 8 (1) , 1925-1933.
- Chow, Y. P. ; Muhammad, J. ; Bany-Ariffin, A. N. & Cheng, F. F. (2018) , Macroeconomic uncertainty, corporate governance and corporate capital structure, *International Journal of Managerial Finance*, 14 (3) , 301-321.
- Cook, D. O. & Tang, T. (2010). Macroeconomic conditions and capital structure adjustment speed. *Journal of Corporate Finance*, 16 , 73-87.
- Dang V. A. Kim M. & Shin Y. (2012). "Asymmetric Capital Structure Adjustments: New Evidence from Dynamic Panel Threshold Models". *Journal of Empirical Finance*, 19, 465-482.
- Davallou, M ; & Saadat, A. (2018). Leverage Mean-Reversion and Asymmetry of Speed Adjustment of Capital Structure. *Journal of Financial Accounting Research*, 10 (1) , 55-74. (In Persian)
- Drobetz, A. ; Baker, M. & Wurgler, J. (2007). How Persistent is the Impact of Market Timing on Capital Structure ?. *Review of Financial Studies*, 40, 1-33.
- Fanelli, J. M. & Keifman, S. (2002). Finance and changing patterns in developing countries. *Finance and Competitiveness in Developing*. 18 (6) , 48- 63.
- Flannery, M. J. & K. P, Rangan. (2006). Partial Adjustment Toward Target Capital Structures. *Journal of Financial Economics*, 79, 469-506.
- Frank M. Z. & V. K. Goyal (2003). "The Effect of Market Conditions on Capital Structure Adjustment". *Finance Research Letters*, 1 , 47-55.
- Graham, J R. & Leary, M. T. (2011). A Review of Empirical Capital Structure Reserch and Directions for the Future. *Annual Review of Financial Economics*, 3, 309-345.
- Hackbarth, D. ; J, Miao. & E, Morellec. (2006). Capital Structure, Credit Risk, and Macroeconomic Conditions. *Journal of Financial Economics*, 82, 519-550.
- Hajizadeh, E. & Mehrmanesh, H. (2013). The speed of the optimal capital structure adjustment and change in the objective determinants of the target capital structure of the admitted companies in the Stock Exchange. *Social Sciences, Human Sciences Research*, 5 (24) , 37-72. (In Persian)
- Hashemi, S. A. & Keshavarz Mehr, D. (2015). Investigating the asymmetry of the speed of adjustment of capital structure: Dynamic threshold model, *The quarterly Journal of Financial Engineering and portfolio Management*, 6 (23) , 59-78. (In Persian)
- Hejazi, R. & Khademi, S. (2013). The Effect of Economic Factors and Firm Characteristics on the Capital Structure of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 5 (2) , 1-26. (In Persian)
- Hovakimaian, A. & G, Li. (2011). In Search of Conclusive Evidence: How to Test for Adjustment to Target Capital Structure. *Journal of Corporate Finance*, 17, 33-44.

- Karimi, F. ; Foroughi, D. ; Noroozi, M. & Madine, M. (2014). Effects of Economic and Accounting Variables on Capital Structure of Firms in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 5 (17) , 141-162... (In Persian)
- Kayhan, A. & S, Titman. (2007). Firms' Histories and Their Capital Structures. *Journal of Financial Economics*, 83, 1-32.
- Kazemi, H & Mehri namak Avarani, O. (2018). The effect of cash flow on the speed of adjustment of capital structure and optimal capital structure. *The Quarterly Journal of Research in Accounting and Economics*. 2 (4) , 1-14. (In Persian)
- Kraus A. & R. H. Litzenberger (1973). "A State-Preference Model of Optimal Financial Leverage". *Journal of Finance*, 28, 911-922.
- Lemmon, M. L. ; M. R, Roberts. & J. F. Zender. (2008). Back to The Beginning: Persistence and the Cross-Section of Corporate Capital Structure. *Journal of Finance*, 63, 1575-1608.
- McMillan, D. G. and Camara, O. (2012). Dynamic Capital Structure Adjustment: US MNCs & DCs. *Journal of Multinational Financial Management*, 22, 278-301.
- Modarres, A. & Abdullahzadeh, F. (1999). *Financial Management*. 1nd Edition, Tehran: Business Printing and Publishing Company. (In Persian)
- Mokhova, Natalia, & Zinecker, Marek. (2014). Macroeconomic factors and corporate capital structure. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 110, 530 – 540.
- Myers, S. C. (1984). The Capital Structure Puzzle. *Journal of Finance*, 39, 575-592.
- Nourvesh, E. & Vafadar, A. (1999). Review of accounting information useful in assessing market risk of Firm in Iran. *Journal of Accountant*, 135, 16-28. (In Persian)
- Oino, I. and Ukaegbu, B. (2015). The impact of profitability on capital structure and speed of adjustment: An empirical examination of selected firms in Nigerian stock exchange, *Research in International Business and finance*, 35, 111-121
- Rai, R. & PooyanFar, A. (2013). *Advanced investment management*. 8nd Edition, Tehran: Samt. (In Persian)
- Rajan R. G & L. Zingales (1995). What Do We Know about Capital Structure? Some Evidence From International Data, *Journal of Finance*, 50, 1421-60.
- Ramesheh, M; Soleimani amiri, Gh. & Eskandari, R. (2016). Speed of Adjustment to Target Capital Structure based on Interaction between Trade-off and Pecking order Theories in TSE. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 5 (4) , 161-186. (In Persian)
- Ramli, N. A. ; Latan, H & Solovida, Grace T. (2019). Determinants of capital structure and firm financial performance—A PLS-SEM approach: Evidence from Malaysia and Indonesia. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 71, 148-160.
- Rashid, A. (2013). Risk and Financing Decision in the Energy Sector: An Empirical. *Energy Policy*, 59, 792-799.

- Rashid, A. (2016). Does risk affect capital structure adjustments. *The Journal of Risk Finance*, 17, 80-92.
- Roshanpazhooh, A & Ohadi, f. (2019). The Relationship between Capital Structure and Corporate Performance In the Tehran Stock Exchange (Business Cycle Effect). *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 12 (44) , 97-109. (In Persian)
- Taebi Noghondari, A. ; Sadeghi, M. & Taebi Noghondari, A. (2018). The effect of entropy of financial statements on the speed of capital structure adjustment. *Journal of Accounting Knowledge*, 9 (3) , 145-175. (In Persian)

تأثیر تفاوت‌های فردی بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی حسابرسان

سید محمد مشعشعی^۱، سید عباس هاشمی^۲، داریوش فروغی^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۰۶

مقاله پژوهشی

چکیده

طبق نظریه شناخت اجتماعی، رفتار انسان تحت تأثیر ویژگی‌های فردی و محیط است. نگرش سازمانی حسابرسان یعنی تعهد سازمانی و رضایت شغلی می‌تواند در ارتقای کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی مؤثر باشد. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر تفاوت‌های فردی بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی حسابرسان است. برای این منظور، مطابق با نظریه شناخت اجتماعی از دو معیار منبع کنترل درونی و خودکارآمدی به عنوان تفاوت‌های فردی حسابرسان استفاده شد. داده‌های مورد نیاز پژوهش با استفاده از پرسشنامه که توسط ۲۵۲ نفر از حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابرسی و مؤسسه‌های حسابرسی تکمیل شدند، جمع‌آوری شده است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، منبع کنترل درونی و خودکارآمدی بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی حسابرسان اثر مثبت و معنادار دارد. این نتیجه بیانگر اهمیت توجه به ویژگی‌های فردی مانند منبع کنترل درونی و خودکارآمدی در حسابرسان فعلی و متقاضیان جذب در سازمان حسابرسی و مؤسسه‌های حسابرسی است که نیازمند توجه ویژه مسئولین امر به این حوزه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: منبع کنترل درونی، خودکارآمدی، تعهد سازمانی، رضایت شغلی.

طبقه‌بندی موضوعی: M42.

DOI: 10.22051/jera.2018.22649.2218

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (Mohammad.moshashae@gmail.com)

^۲ دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول) (hashemi@ase.ui.ac.ir)

^۳ دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (foroghi@ase.ui.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

نظر به وجود این واقعیت تاریخی که گزارش‌های مالی شرکت‌ها و واحدهای تجاری تحت تأثیر اهداف افراد مختلف مانند مدیران، مالکان و استفاده‌کنندگان، متفاوت است، ضرورت وجود افرادی که بتوانند صحت و مطلوبیت اطلاعات مالی را تأیید نمایند، احساس می‌شود. از این رو، حضور حسابرسان مستقل در جهت رفع این نیاز کاملاً واضح است (موسوی شیری و همکاران، ۱۳۹۴). حسابرسان نقش حیاتی در زندگی کسب و کار جهانی امروز بازی می‌کنند. آنها به عنوان تأییدکنندگان اطلاعات مالی به سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان و سایر ذینفعان شرکت هستند. از آنها انتظار می‌رود گزارش قابل اعتماد و واقعی ارائه نمایند و همچنین در حالی که وظایف حرف‌های خود را انجام می‌دهند، رفتار مسئولانه داشته باشند. در سوی دیگر، ر سوابی‌های مالی اخیر نشان می‌دهد که حسابرسان نیز مانند سایر حرفه‌ها می‌توانند با معضلات اخلاقی و رفتار غیر اخلاقی روبرو باشند که منجر به از دست دادن شهرت و آسیب حرف‌های تا حد جدی شوند (حیرانی و همکاران، ۱۳۹۶).

مطابق با نظریه ذینفعان که شرکت‌ها را به عنوان مجموعه‌ای از قراردادها با اشخاص مختلف حقیقی و حقوقی از جمله سرمایه‌گذاران، دولت، جامعه، اعتباردهندگان و... تعریف می‌کنند، استفاده‌کنندگان متعددی از صورت‌های مالی این شرکت‌ها بهره‌مند می‌شوند. مهم‌ترین موضوع از دید این گروه از ذینفعان، قابلیت اتکا و کیفیت اطلاعاتی است که توسط مدیران شرکت‌ها در قالب صورت‌های مالی تهیه می‌شود. حسابرسی به عنوان یکی از راه‌حل‌های مسئله نمایندگی است و در صورتی که حسابرسان از تعهد حرف‌های و سازمانی برخوردار بوده و پای‌بند آئین رفتار حرف‌های باشند، می‌توانند نگرانی استفاده‌کنندگان در خصوص مطلوبیت و قابلیت اتکای اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی را کاهش دهد. با افزایش رقابت در حرفه حسابرسی، ارائه خدمات با کیفیت‌تر توسط مؤسسات حسابرسی ضرورت خاصی پیدا کرده است. تغییر رویکر از فعالیت سیستمی به فعالیت مبتنی بر ریسک در حسابرسی موجب گردید که توجه بیشتری به سمت کیفیت حسابرسی و روش‌های انجام کار سوق پیدا کند؛ زیرا هر چه روش‌های کار، کیفیت کمتری داشته باشند، ریسک حرف‌های افزایش می‌یابد. هم‌چنین کاهش کیفیت ممکن است تهدیدی برای اعتبار، حسن شهرت، حق‌الزحمه درخواستی حسابرس و مشروعیت حرفه حسابرسی باشد (جعفری، ۱۳۸۵). بنابراین

تعهد حسابرسان نسبت به حرفه و سازمان یا مؤسسه‌ای که در آن فعالیت حرف‌های انجام می‌دهند و همچنین رضایت شغلی آنها، بسیار حیاتی و حائز اهمیت است. از طرف دیگر، تعهد حسابرسان به سازمان و حرفه و رضایت شغلی او می‌تواند منجر به افزایش کیفیت کار حسابرسانی شده و در زمینه موارد غیراخلاقی بازدارنده باشد (ریتا و همکاران، ۲۰۱۶). عوامل متعددی ممکن است بر تعهد حرف‌های و سازمانی و رضایت شغلی حسابرسان اثرگذار باشد اما یکی از مهم‌ترین عوامل، ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی هر حسابرسان است که مطابق با نظریه شناخت اجتماعی و نظریه ناهماهنگی شناختی، می‌تواند اثر قابل توجهی بر تعهد حسابرسان نسبت به حرفه و سازمان خود داشته باشد. بنابراین مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا تفاوت‌های فردی حسابرسان بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی آن‌ها تأثیرگذار است؟

مبانی نظری پژوهش

همواره صورت‌های مالی یکی از مهم‌ترین منابع جهت کسب اطلاعات مالی به منظور تصمیم‌گیری توسط سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان بوده است؛ اما اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی باید از قابلیت اتکای مناسبی برخوردار باشد تا موجب گمراهی استفاده‌کنندگان نشود. بنابراین حسابرسان به عنوان اشخاص متخصص و مستقل، وظیفه بررسی و تأیید مطلوبیت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی را بر عهده دارند (الکوثر، ۲۰۱۴) اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا تمامی حسابرسان وظایف محوله را به بهترین نحو ایفا می‌کنند؟ به طور کلی، ایفای وظایف محوله، ممکن است به عوامل متعددی بستگی داشته باشد؛ یکی از این عوامل میزان تعهد حسابرسان به سازمان تحت استخدام خود و رضایت شغلی حسابرسان است. از جمله مواردی که در پژوهش‌های متعدد مورد توجه قرار گرفته است تعهد کارکنان به سازمان و حرفه خویش است که در صورت توجه به آن می‌تواند منجر به پیامدهای سودمند سازمانی و البته حرف‌های شود. تعهد سازمانی به معنای پذیرش و باور هدف‌های سازمانی، میل و تلاش زیاد در راستای اهداف سازمان و تمایل به ماندن در سازمان است (موسوی شیری و همکاران، ۱۳۹۴). رضایت شغلی را به مجموعه تمایلات و احساسات مثبت که افراد نسبت به شغل خود دارند، تعریف می‌کنند. رضایت شغلی باعث می‌شود بهره‌وری فرد افزایش یابد، فرد به سازمان و حرفه متعهد شود و مهارت‌های حرف‌های جدید را به سرعت فرا گیرد (باقرپور و لاشانی و همکاران، ۱۳۹۳). تعهد سازمانی و رضایت شغلی می‌تواند تحت تأثیر

عوامل مختلفی نظیر فرهنگ، احساسات و تفاوت‌های فردی قرار گیرد. یکی از مهمترین عوامل، ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی حساب‌برسان است.

امروزه مباحث رفتاری در سازمانهای مختلف دارای اهمیت ویژه‌ای است. درک رفتار افراد به ویژه در سازمانهایی که به مراتب بیشتر از نیروی انسانی با سطوح مختلف تخصص استفاده می‌کنند، اهمیت این موضوع را بیشتر کرده است. یکی از نظریه‌های پرکاربرد مورد استفاده برای پیش‌بینی و درک رفتارها، نظریه شناخت اجتماعی بندورا می‌باشد. در دهه ۱۹۷۰ بندورا نظریه شناخت اجتماعی را به منظور تأکید بر اهمیت یادگیری مشاهده‌ای پیشنهاد داد. نظریه شناخت اجتماعی تأکید دارد که ویژگی‌های فردی و محیطی بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارند و عملکرد انسان را نتیجه مجموعه سه‌گانه پویای عوامل روان‌شناختی (فردی)، محیط فیزیکی-اجتماعی و رفتار می‌داند. اگرچه این نظریه مبتنی بر شرطی شدن عامل (کنشگر)، مانند تغییر رفتار است، اما بنیان‌های اصلی آن بر نمادسازی، فرضیه انگاری، جست‌وجوی روابط علت و معلول و پیش‌بینی پیامدهای رفتاری استوار است. به این جهت، این نظریه، آمیزه‌ای از رفتارگرایی و شناخت‌گرایی است (نادی و حاذقی، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر، بر اساس پژوهش دمینو و همکاران (۲۰۱۵) از دو معیار منبع کنترل درونی و خودکارآمدی به عنوان معیارهای تفاوت‌های فردی استفاده شده است.

سازه منبع کنترل درونی در مقابل کنترل بیرونی ریشه در نظریه یادگیری اجتماعی دارد. مطابق این نظریه، افراد این تمایل را دارند که برای موفقیت و یا شکست‌های خودشان عوامل درونی و یا بیرونی را مطرح نمایند. کنترل درونی میزان باور فرد به کنترل اتفاقاتی که برای او رخ می‌دهد و کنترل بیرونی، باور فرد به اینکه اتفاقاتی که برای او رخ می‌دهد نتیجه عوامل بیرونی مانند تقدیر و شانس است، را توصیف می‌کند (دمینو و همکاران، ۲۰۱۵).

افرادی که منبع کنترل درونی آن‌ها بر کنترل بیرونی غالب است، با انتخاب‌های خود، زندگی خود را کنترل می‌کنند و نتایجی را که به دست می‌آورند، محصول تلاش‌های خودشان است. در مقابل، افرادی که منبع کنترل بیرونی دارند معتقدند که سرنوشت آن‌ها تحت کنترل افراد قدرتمند دیگر، نیروهای خارج از کنترل، شانس و دیگر نیروهای پنهانی هستند. افرادی که از منبع کنترل درونی بالایی برخوردار هستند، معتقدند که ویژگی‌های شخصیتی از طریق توانایی، مهارت و تلاش بر عملکرد آنها تأثیر می‌گذارد (الکوثر، ۲۰۱۴). منبع کنترل درونی به

عنوان پیش‌شرط تعهد سازمانی شناخته می‌شود (دانلی و همکاران (۲۰۰۳)؛ پائینو و همکاران (۲۰۱۲)؛ شانتی و سریواستا (۲۰۱۰)). حساب‌رسانی که منبع کنترل درونی بالاتری دارند بر این باور هستند که نسبت به حساب‌رسان با منبع کنترل بیرونی، از فرصت‌های بیشتری برخوردارند. بنابراین، زمانی که یک حساب‌رسان با منبع کنترل درونی بالاتر وارد جامعه حسابداران رسمی می‌شود، تعهد بیشتری به مؤسسه حساب‌رسانی تحت استخدام خود دارد؛ به این دلیل که این دسته از حساب‌رسان اعتقاد دارند که اگر به مؤسسه یا سازمان خود وفادار باشند، احتمال موفقیت آنها بیشتر خواهد بود. علاوه بر این، حساب‌رسان با منبع کنترل درونی با حداکثر توان خود کار می‌کنند و تعهد زیادی جهت دستیابی به اهداف سازمانی دارند. حساب‌رسان با منبع کنترل بیرونی بر این باورند که در مؤسسات حساب‌رسانی موفق نخواهند بود و این مؤسسات را ترک می‌کنند، اما حساب‌رسانی که منبع کنترل درونی دارند، در این گونه مؤسسات باقی می‌مانند و در نهایت تعهد سازمانی خود را افزایش می‌دهند (ریتا و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین، انتظار می‌رود که منبع کنترل درونی بر تعهد سازمانی حساب‌رسان تأثیر مثبت داشته باشد. از این رو، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول: منبع کنترل درونی بر تعهد سازمانی حساب‌رسان تأثیر مثبت دارد.

منبع کنترل یکی از متغیرهایی است که به طور گسترده رابطه آن با استرس محیط کاری و رضایت شغلی مورد بررسی قرار گرفته است و شواهد مربوط به رابطه آن با استرس و رضایت شغلی روشن است. پژوهشگران معتقدند که باورهای مثبت با رضایت شغلی رابطه مثبت دارد و از طرف دیگر، داشتن باورهای مثبت از خود، به افرادی اختصاص دارد که از منبع کنترل درونی برخوردارند. چن چن و سیلورمن (۲۰۰۸) در پژوهش خود با عنوان تأثیر منبع کنترل بر متغیرهای استرس شغلی، عملکرد شغلی و رضایت شغلی به این نتیجه رسیدند که افراد دارای منبع کنترل درونی، عملکرد بهتر و رضایت شغلی بیشتری را تجربه می‌کنند. از این رو، پیشینی می‌شود که منبع کنترل درونی بر رضایت شغلی حساب‌رسان تأثیر مثبت داشته باشد. فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر می‌باشد:

فرضیه دوم: منبع کنترل درونی بر رضایت شغلی حسابرسان تأثیر مثبت دارد.

خودکارآمدی نشان دهنده انتظار یک فرد از عملکرد خود در ایفای وظایف خاص است. بندورا (۱۹۸۶) خودکارآمدی را این گونه تعریف می‌کند: قضاوت افراد از توانایی خود در سازمان‌دهی و اجرای کارها و فعالیت‌های مورد نیاز جهت دستیابی به اهداف و عملکردهای تعیین شده. خودکارآمدی از نظریه شناخت اجتماعی مشتق شده است که به باورها یا قضاوت‌های فرد به توانایی‌های خود در انجام وظایف و مسئولیت‌ها اشاره دارد. افرادی که از سطح بالاتری از خودکارآمدی برخوردار هستند، اصرار بیشتری بر تلاش خود جهت دستیابی به اهداف تعیین شده دارند، حتی زمانی که با وضعیت دشوار و چالش برانگیز (تضاد) مواجه باشند؛ به همین ترتیب افرادی که خودکارآمدی کمتری دارند، در مواقع مواجهه با مشکلات ممکن است از تلاش خود برای نیل به اهداف تعیین شده دست بکشند (بندورا، ۱۹۸۶). بنابراین، به دلیل اینکه حسابرسان خودکارآمد در برنامه‌ریزی و اجرای امور حسابرسی به توانایی خود اتکا دارند و نیل به اهداف سازمانی را در واقع موفقیتی بزرگ برای خود تلقی می‌کنند، تعهد بیشتری نسبت به سازمان خود داشته و از اینکه در راستای نیل به اهداف سازمانی مؤثر واقع شده است، احساس رضایت دارد. از این رو، انتظار می‌رود که خودکارآمدی بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی حسابرسان تأثیر مثبت داشته باشد. بنابراین، فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش به صورت زیر بیان می‌شوند:

فرضیه سوم: خودکارآمدی بر تعهد سازمانی حسابرسان تأثیر مثبت دارد.

فرضیه چهارم: خودکارآمدی بر رضایت شغلی حسابرسان تأثیر مثبت دارد.

پیشینه پژوهش

مهند و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان اثر میانجی رضایت شغلی بر ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و ترک پیش از موعد کار توسط حسابرسان به بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی (وجدان و عصبانیت) و رفتار حسابرسی ناکارآمد (ترک پیش از موعد کار) پرداختند. همچنین آن‌ها نقش میانجی متغیر رضایت شغلی را نیز مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که عصبانیت حسابرس رابطه منفی و معناداری با رضایت شغلی و رابطه

مثبت و معنادار با ترک پیش از موعد کار دارد؛ همچنین وجدان حسابرسان رابطه مثبت و معنادار با رضایت شغلی دارد.

ریتا و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان منبع کنترل بیرونی و کاهش کیفیت حسابرسان: بررسی تأثیر میانجی تعهد سازمانی و عملکرد حسابرسان به بررسی اثر منبع کنترل بیرونی بر کیفیت حسابرسان پرداختند. همچنین، آن‌ها نقش میانجی متغیرهای تعهد سازمانی و عملکرد حسابرسان را نیز مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که منبع کنترل بیرونی موجب بروز رفتار کاهش کیفیت حسابرسان می‌شود. همچنین عملکرد حسابرسان و تعهد سازمانی آن‌ها تأثیر منفی بر روند رفتاری کاهش در کیفیت حسابرسان داشته‌اند.

دمینو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان اثر سازگاری جو اخلاقی بر نگرش سازمانی به بررسی اثر سازگاری جو اخلاقی بر نگرش سازمانی کارشناسان حسابداری شرکت‌ها پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که سازگاری حسابداران شرکت‌ها با جو اخلاقی بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی آن‌ها اثر مثبت می‌گذارد. همچنین نتایج این پژوهش، با این تئوری که درک و برداشت از جو اخلاقی یک سازمان، انعکاسی از خود شیفتگی کارمندان است و همانند یک معیار بالقوه از ریسک تقلب در سازمان است، سازگار بود.

پاینو و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان تعهد حرف‌های و سازمانی در رفتار حسابرسان ناکارآمد به بررسی اقلام تأثیرگذار در رفتار حسابرسان ناکارآمد پرداختند. آن‌ها تعهد سازمانی و حرف‌های را به عنوان مقدمه‌گرایش در رفتار حسابرسان ناکارآمد مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تعهد سازمانی یک عامل مهم پیش‌بینی‌کننده رفتار حسابرسان ناکارآمد است.

شفر (۲۰۰۹) به بررسی اثر جو اخلاقی بر تضاد سازمانی-حرف‌های و تعهد سازمانی در بین حسابداران رسمی کشور چین پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد که ابعاد جو اخلاقی با تضاد سازمانی-حرف‌های و تعهد سازمانی ارتباط معناداری دارد. همچنین یک ارتباط منفی و معنادار بین تضاد سازمانی-حرف‌های و تعهد سازمانی مشاهده شد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که جو اخلاقی یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر تعهد سازمانی حسابرسان است.

لئونگ و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط میان تعهد حرف‌های، تعهد سازمانی و مشارکت شغلی در مؤسسات حسابرسی کانادا به بررسی ارتباط بین این متغیرها در میان حسابرسان مستقل پرداختند. جامعه آماری این پژوهش، حسابرسان شاغل در مؤسسات حسابرسی کانادا بوده است. نتایج این پژوهش نشان داد که تعهد حرف‌های و تعهد سازمانی حسابرسان مستقل ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین وجود رابطه مثبت و معنادار میان مشارکت شغلی و تعهد حرف‌های حسابرسان مستقل از دیگر نتایج پژوهش بوده است.

تروی و داگلاس (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان آیا تجانس بین ساختار حسابرسی و منبع کنترل حسابرسان بر عملکرد شغلی آن‌ها اثر می‌گذارد؟ به بررسی رابطه متقابل بین ساختار حسابرسی و منبع کنترل حسابرسان و ارتباط آن‌ها با عملکرد شغلی آن‌ها پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تعامل بین ساختار حسابرسی و منبع کنترل حسابرسان بر عملکرد شغلی حسابرسان اثر مثبت دارد.

رستمی نیا و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر منبع کنترل و تعهد سازمانی بر پذیرش رفتار ناکارآمد حسابرسی بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده پرداختند. جامعه آماری پژوهش، حسابرسان شاغل عضو جامعه حسابداران رسمی در سال ۹۷ بودند. نتایج پژوهش نشان داد که منبع کنترل درونی و تعهد سازمانی تأثیر منفی و منبع کنترل بیرونی تأثیر مثبت بر پذیرش رفتار ناکارآمد حسابرسی دارند. به این معنی که حسابرسان با منبع کنترل درونی و تعهد سازمانی از پذیرش رفتار ناکارآمد حسابرسی اجتناب می‌کنند و حسابرسان با منبع کنترل بیرونی تمایل به پذیرش رفتار ناکارآمد حسابرسی دارند.

مهدوی و زمانی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی حسابرسان بر رضایت شغلی آنان پرداختند. داده‌های پژوهش به وسیله پرسش‌نامه از ۲۷۵ نفر از کارکنان مؤسسات حسابرسی و حسابرسان شاغل انفرادی عضو جامعه حسابداران رسمی کشور جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد بین منبع کنترل درونی، تعهد حرف‌های و تجربه حسابرسان رابطه مثبت و معنادار و بین منبع کنترل بیرونی و میزان تحصیلات آنان با رضایت شغلی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

بنی مهد و نجاتی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان رابطه بین فرهنگ سازمانی و تعهد کاری حسابرسان به بررسی رابطه فرهنگ سازمانی بر اساس تئوری هافستد با تعهد کاری حسابرسان

پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که از بین متغیرهای هافستد، تنها بین میزان اجتناب از عدم اطمینان با تعهد کاری رابطه وجود دارد و این رابطه معکوس است. همچنین تعهد کاری بین حسابرسان مرد بیشتر از حسابرسان زن است و این تعهد در بین حسابرسان شاغل در مؤسسات خصوصی بیشتر است.

موسوی‌شیری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه تعهد حرف‌های و تعهد سازمانی حسابرسان با رفتار حسابرسی ناکارآمد به این نتیجه رسیدند که تعهد حرف‌های به همراه عناصر آن شامل تعهد عاطفی، تعهد هنجاری و تعهد مستمر و نیز تعهد سازمانی به همراه عناصر آن شامل عملکرد سازمانی و غیبت سازمانی رابطه معنی‌داری با بروز رفتار حسابرسی ناکارآمد دارند.

با توجه به پیشینه پژوهش‌های انجام شده در راستای این موضوع که بخشی از آن بیان شده است، توجه پژوهش‌ها در دنیا به موضوع تعهد حسابرسان قابل توجه است. عوامل زیادی ممکن است بر تعهد حسابرسان اثرگذار باشند که هر کدام از آن‌ها بر اساس شرایط محیطی یا نظریه‌های روانشناختی و اجتماعی مطرح شده‌اند. این پژوهش نیز در صدد است با استفاده از نظریه شناخت اجتماعی به تأثیر تفاوت‌های فردی حسابرسان بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی آنان بپردازد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت، از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی است. همچنین، از آنجایی که در یک محیط واقعی یعنی سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی انجام شده است، جزو پژوهش‌های میدانی به شمار می‌آید. در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

روش گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌ها از دو روش استفاده شد. ابتدا، برای تبیین مبانی نظری و جمع‌آوری پیشینه پژوهش از شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده است. همچنین داده‌های مورد نیاز به منظور

تجزیه و تحلیل و بررسی فرضیه‌های پژوهش، از طریق پرسشنامه پژوهش‌های قبلی که در نگاره ۳ آمده است، جمع‌آوری شد. پرسشنامه مورد استفاده دارای چهار بخش است، بخش اول شامل تعریف مختصری از کلید واژه‌ها است؛ در بخش دوم که مربوط به راهنمای پاسخگویی به سؤالات است، در قالب یک مثال نحوه پاسخگویی به سؤالات تشریح شده است؛ بخش سوم شامل اطلاعات عمومی پاسخ‌دهندگان و بخش چهارم شامل سؤالاتی است که در مورد متغیرهایی اصلی پژوهش است. از پاسخ‌دهندگان خواسته شد که به هر سؤال بر اساس طیف لیکرت در قالب پنج گزینه از کاملاً موافقم الی کاملاً مخالفم پاسخ دهند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، میانگین نمرات هر بخش که بیانگر میزان و شدت برخورداری هر فرد از هر متغیر مورد بررسی می‌باشد، به عنوان داده پژوهش مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش را اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران شاغل در سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی تشکیل می‌دهند که بر اساس آخرین آمار مندرج در سایت جامعه حسابداران رسمی ایران شامل ۱۴۳۸ نفر است. با توجه به محدود بودن جامعه، از فرمول کوکران برای تعیین اندازه نمونه به شرح رابطه (۱) استفاده شده است.

$$n = \frac{N(Z_{\frac{\alpha}{2}})^2 pq}{(N-1)\epsilon^2 + (Z_{\frac{\alpha}{2}})^2 pq} = \frac{1438(1/96)^2 (0.5)(0.5)}{(1438-1)(0.05)^2 + (1/96)^2 (0.5)(0.5)} = 303$$

رابطه (۱)

تنوع اشتغال حسابداران رسمی از لحاظ مکانی و مسئولیت و بر اساس طبقه‌بندی جامعه حسابداران رسمی ایران از نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است. نگاره (۱)، طبقه و حجم جامعه و نمونه‌ی آماری پژوهش را نشان می‌دهد

نگاره (۱): طبقه و حجم جامعه و نمونه‌ی آماری

حجم نمونه آماری		حجم جامعه آماری		
حجم	طبقه	درصد	حجم	طبقه
$303 \times 15\% = 45$	حسابداران رسمی در استخدام سازمان حسابرسی	۱۵	۲۱۲	حسابداران رسمی در استخدام سازمان حسابرسی
$303 \times 20\% = 61$	حسابداران رسمی در استخدام مؤسسه‌های حسابرسی	۲۰	۲۸۹	حسابداران رسمی در استخدام مؤسسه‌های حسابرسی
$303 \times 65\% = 197$	حسابداران رسمی شریک مؤسسه‌های حسابرسی	۶۵	۹۳۷	حسابداران رسمی شریک مؤسسه‌های حسابرسی
۳۰۳	جمع	۱۰۰	۱۴۳۸	جمع

نگاره (۲)، اطلاعات مربوط به نرخ بازگشت پرسشنامه را نشان می‌دهد. طبق این نگاره، بالاترین نرخ بازگشت پرسشنامه مربوط به حسابداران رسمی در استخدام مؤسسه‌های حسابرسی و پایین‌ترین نرخ بازگشت مربوط به حسابداران رسمی شریک مؤسسه‌های حسابرسی می‌باشد.

نگاره (۲): نرخ بازگشت پرسشنامه

تعداد افعال شده	نرخ بازگشت	تعداد دریافتی	تعداد ارسالی	طبقه نمونه
۴۰	٪۷۳	۴۰	۵۵	حسابداران رسمی در استخدام سازمان حسابرسی
۶۰	٪۷۵	۶۰	۸۰	حسابداران رسمی در استخدام مؤسسه‌های حسابرسی
۱۵۲	٪۵۷	۱۵۲	۲۶۵	حسابداران رسمی شریک مؤسسه‌های حسابرسی
۲۵۲	٪۶۳	۲۵۲	۴۰۰	جمع

مدل و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش بر اساس پژوهش دمینو و همکاران (۲۰۱۵) از مدل‌های رگرسیون چند متغیره بر مبنای داده‌های مقطعی به شرح رابطه‌های (۲) الی (۵) استفاده می‌شود.

$$OC_i = \beta_0 + \beta_1 ILC_i + \beta_2 EX_i + \beta_3 GEN_i + \beta_4 EDU_i + \mu_i \quad \text{رابطه (۲)}$$

$$JS_i = \beta_0 + \beta_1 ILC_i + \beta_2 EX_i + \beta_3 GEN_i + \beta_4 EDU_i + \mu_i \quad \text{رابطه (۳)}$$

$$OC_i = \beta_0 + \beta_1 SE_i + \beta_2 EX_i + \beta_3 GEN_i + \beta_4 EDU_i + \mu_i \quad \text{رابطه (۴)}$$

$$JS_i = \beta_0 + \beta_1 SE_i + \beta_2 EX_i + \beta_3 GEN_i + \beta_4 EDU_i + \mu_i \quad \text{رابطه (۵)}$$

در صورتی که در روابط (۲) الی (۵)، ضریب β_1 معنادار باشد، فرضیه‌های اول الی چهارم رد نمی‌شوند.

نحوه سنجش متغیرهای وابسته و مستقل در نگاره (۳) منعکس شده است.

نگاره (۳): نحوه سنجش متغیرهای وابسته و مستقل

نماد متغیر	نام متغیر	نحوه سنجش متغیر	تعداد سؤال در پرسش‌نامه
OC	تعهد سازمانی	پرسش‌نامه مودای و همکاران (۱۹۷۹)	سؤال ۱۵
JS	رضایت شغلی	پرسش‌نامه مینه سوتا (MSQ)	سؤال ۲۰
ILC	منبع کنترل درونی	پرسش‌نامه منبع کنترل کار اسپکتور (۱۹۸۸)	سؤال ۱۶
SE	خودکارآمدی	به وسیله پرسش‌نامه شرر و آدامز (۱۹۸۳)	سؤال ۱۷

علاوه بر متغیرهای مندرج در نگاره (۳)، متغیرهای کنترلی مدل‌های رگرسیون به شرح زیر می‌باشند:

تجربه کاری (EX): مدت زمان تجربه کاری که از بخش سؤال‌های عمومی پرسش‌نامه استخراج می‌شود، در صورتی که تجربه حسابرس کمتر از ۱۰ سال باشد، عدد ۱، بین ۱۱ الی ۲۰ سال باشد عدد ۲ و اگر بیشتر از ۲۰ سال باشد عدد ۳ اختصاص داده می‌شود.

جنسیت (GEN): یک متغیر اسمی است که با مقدار یک و صفر نشان داده می‌شود. اگر حسابرس، مرد باشد، عدد یک و اگر زن باشد عدد صفر.

میزان تحصیلات (EDU): یک متغیر فاصله‌ای است که با مقادیر ۱ الی ۳ نشان داده می‌شود. اگر حسابرس دارای تحصیلات کارشناسی و پایین‌تر باشد عدد ۱، کارشناسی ارشد عدد ۲ و دکتری عدد ۳ اختصاص داده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

ویژگی‌های عمومی پاسخ‌دهندگان مندرج در نگاره (۴) نشان می‌دهد حدود ۸۵ درصد پاسخ‌دهندگان مرد هستند. در مورد ویژگی نوع مدرک تحصیلی پاسخ‌دهندگان، نتایج نشان می‌دهد که حدود ۳۳ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۶۰ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۷ درصد دارای مدرک دکتری بوده‌اند. همچنین رشته تحصیلی حدود ۹۱ درصد از پاسخ‌دهندگان، حسابداری بوده است. در خصوص تجربه کاری باید اذعان داشت که حدود ۱۹ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای تجربه حرف‌های کمتر از ۱۰ سال، حدود ۳۹ درصد بین ۱۱ الی ۲۰ سال و حدود ۴۲ درصد بیشتر از ۲۰ سال دارای تجربه حرف‌های بوده‌اند.

نگاره (۴): اطلاعات جمعیت شناختی

ردیف	متغیر	طبقه	فراوانی	درصد
۱	جنسیت	مرد	۲۱۵	٪۸۵
		زن	۳۷	٪۱۵
۲	مدرک تحصیلی	کارشناسی و پایین‌تر	۸۴	٪۳۳
		کارشناسی ارشد	۱۵۰	٪۶۰
		دکتری	۱۸	٪۷
۳	رشته تحصیلی	حسابداری	۲۲۹	٪۹۱
		مدیریت	۱۲	٪۵
		اقتصاد	۹	٪۳
		سایر	۲	٪۱
۴	تجربه کاری	۱-۱۰	۴۸	٪۱۹
		۱۱-۲۰	۹۹	٪۳۹
		بیشتر از ۲۰ سال	۱۰۵	٪۴۲

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرها در نگاره (۵) نشان داده شده است. طبق نگاره (۵)، میانگین متغیرهای منبع کنترل درونی، خودکارآمدی، تعهد سازمانی و رضایت شغلی بالاتر از میانگین نمرات پرسشنامه (نمره ۵) می‌باشد.

نگاره (۵): آمار توصیفی متغیرها

متغیرهای پژوهش	تعداد مشاهده	دامنه	حداقل	حداکثر	میانگین	میان	انحراف معیار
تعهد سازمانی (OC)	۲۵۲	۶/۸	۱/۹۳	۸/۷۳	۷/۰۲	۷/۵۳	۱/۲۷
رضایت شغلی (JS)	۲۵۲	۶/۳	۲/۷	۹	۷/۴۴	۷/۸	۱/۱۲
منبع کنترل درونی (ILC)	۲۵۲	۵/۷۵	۳/۲۵	۹	۷/۰۱	۷/۲۵	۱/۲۲
خودکارآمدی (SE)	۲۵۲	۵/۰۶	۳/۹۴	۹	۷/۶۷	۸/۱۸	۱/۱۶
جنسیت (GEN)	۲۵۲	۱	۰	۱	۰/۸۵	۱	۰/۳۵
تجربه کاری (EX)	۲۵۲	۲	۱	۳	۲/۲۳	۲	۰/۷۵
میزان تحصیلات (EDU)	۲۵۲	۲	۱	۳	۱/۷۴	۲	۰/۵۸

به منظور بررسی روایی محتوایی پرسشنامه از نظر و قضاوت متخصصان در این حوزه با ارسال تعداد ۱۰ پرسشنامه استفاده شد. همچنین، پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از معیار آلفای کرونباخ بررسی شد. چنانچه ضریب آلفای کرونباخ بیشتر از ۷۰ درصد گزارش شده باشد، حاکی از پایایی پرسشنامه است. همانطور که در نگاره (۶) مشخص است، نتایج بدست آمده نشان می‌دهد پرسشنامه پژوهش از پایایی مناسبی برخوردار است.

نگاره (۶): نتیجه آزمون آلفای کرونباخ

متغیر	تعداد پرسش	آلفای کرونباخ
تعهد سازمانی (OC)	۱۵	۸۹۱/۰
رضایت شغلی (JS)	۲۰	۹۲۶/۰
منبع کنترل درونی (ILC)	۱۶	۸۷۸/۰
خودکارآمدی (SE)	۱۷	۹۲۶/۰

آزمون فرضیه‌های پژوهش

با توجه به اینکه برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده می‌شود، بنابراین بررسی فرض کلاسیک رگرسیون حائز اهمیت اساسی است. از آنجایی که داده‌های پژوهش از نوع داده‌های مقطعی هستند، همسانی واریانس خطاها و نیز همخطی میان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفتند. برای بررسی همسانی واریانس خطاها

از آزمون بروش-پاگان-گادفری استفاده شده است، نتایج این آزمون نشان داد که مدل‌های (۲) الی (۵) که برای آزمون فرضیه‌های اول الی چهارم استفاده شده است دارای مشکل ناهمسانی واریانس بوده که با استفاده از تصحیح وایت رفع گردید. همچنین نتایج آزمون VIF در مورد بررسی وجود یا عدم وجود همخطی نشان داد که در هیچ کدام از رابطه‌ها مشکل همخطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول پژوهش بیان میکند که منبع کنترل درونی حساب‌برسان بر تعهد سازمانی آنها تأثیر مثبت دارد. نتیجه برآورد رابطه (۲) که به آزمون فرضیه اول پژوهش می‌پردازد، در نگاره (۷) آمده است. با توجه به آماره F مدل (۸۹/۱۶۷) و مقدار احتمال آن که کمتر از ۵ درصد است، میتوان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مدل برآوردی معنادار است. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل که حدوداً ۵۸ درصد است، میتوان بیان کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، ۵۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

ضریب متغیر منبع کنترل درونی (۰/۷۲۳) و سطح معناداری آن که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، نشان می‌دهند منبع کنترل درونی دارای تأثیر مثبت و معنادار بر تعهد سازمانی حساب‌برسان است. بنابراین، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود. همچنین، رابطه معناداری بین متغیرهای کنترلی (تجربه کاری، جنسیت و تحصیلات) و تعهد حرف‌های مشاهده نشده است.

آزمون فرضیه دوم

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش در نگاره (۸) گزارش شده است. فرضیه دوم بیان میکند «منبع کنترل درونی حساب‌برسان بر رضایت شغلی آن‌ها تأثیر مثبت دارد». با توجه به آماره F مدل (۴۶/۳۴۵) و مقدار احتمال آن که کمتر از ۵ درصد است، میتوان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مدل برآوردی معنادار است. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل که حدوداً ۴۲ درصد است، میتوان بیان کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، ۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

با توجه به ضریب متغیر منبع کنترل درونی (۰/۵۳۶) و سطح معناداری آن که کمتر از ۵ درصد است، میتوان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، منبع کنترل درونی دارای تأثیر مثبت و معنادار بر رضایت شغلی حساب‌رسان است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شود. همچنین، رابطه معناداری بین متغیرهای کنترلی (تجربه کاری، جنسیت و تحصیلات) و تعهد حرف‌های مشاهده نشده است.

تکرار (۷): تأثیر منبع کنترل درونی بر تعهد سازمانی

$$OC_i = \beta_0 + \beta_1 ILC_i + \beta_2 EX_i + \beta_3 GEN_i + \beta_4 EDU_i + \mu_i$$

متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	ارزش احتمال
عرض از مبدأ	β_0	۱/۴۴۲	۰/۵۵۵	۲/۶۰	۰/۰۰۱
منبع کنترل درونی	ILC	۰/۷۲۳	۰/۰۶۱	۱۱/۹۳۳	۰/۰۰۰
تجربه کاری	EX	۰/۱۶۴	۰/۰۸۹	۱/۸۳۶	۰/۰۶۸
جنسیت	GEN	۰/۳۰۷	۰/۱۸۱	۱/۶۹۴	۰/۰۹۲
تحصیلات	EDU	-۰/۰۶۸	۰/۱۰۳	-۰/۶۶۱	۰/۵۰۹
ضریب تعیین		۰/۵۹۱			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۸۴			
آماره F (ارزش احتمال)		(۰/۰۰۰) ۸۹/۱۶۷			

تکرار (۸): تأثیر منبع کنترل درونی بر رضایت شغلی

$$JS_i = \beta_0 + \beta_1 ILC_i + \beta_2 EX_i + \beta_3 GEN_i + \beta_4 EDU_i + \mu_i$$

متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	ارزش احتمال
عرض از مبدأ	β_0	۳/۱۹۰	۰/۵۰۸	۶/۲۸۳	۰/۰۰۰
منبع کنترل درونی	ILC	۰/۵۳۶	۰/۰۶۶	۸/۰۱۰	۰/۰۰۰
تجربه کاری	EX	۰/۱۵۶	۰/۰۸۹	۱/۷۴۳	۰/۰۸۲
جنسیت	GEN	۰/۲۲۳	۰/۱۸۰	۱/۲۳۷	۰/۲۱۷
تحصیلات	EDU	-۰/۰۲۴	۰/۱۰۶	-۰/۲۲۹	۰/۸۱۹
ضریب تعیین		۰/۴۲۹			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۱۹			
آماره F (ارزش احتمال)		(۰/۰۰۰) ۴۶/۳۴۵			

آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم بیان میکند که خودکارآمدی حساب‌برسان بر تعهد سازمانی آنها تأثیر مثبت دارد. نتیجه برآورد رابطه (۴) که به آزمون فرضیه سوم پژوهش می‌پردازد، در نگاره (۹) آمده است. با توجه به آماره F مدل (۷۸/۴۹۴) و مقدار احتمال آن که کمتر از ۵ درصد است، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مدل برآوردی معنادار است. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل که حدوداً ۵۵ درصد است، می‌توان بیان کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، ۵۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

ضریب متغیر منبع کنترل درونی (۰/۷۱۱) و سطح معناداری آن که کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، نشان می‌دهند خودکارآمدی دارای تأثیر مثبت و معنادار بر تعهد سازمانی حساب‌برسان است. بنابراین، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه سوم پژوهش رد نمی‌شود. همچنین، در خصوص متغیرهای کنترلی می‌توان بیان کرد که تجربه کاری دارای تأثیر مثبت و معنادار بر تعهد سازمانی است اما جنسیت و سطح تحصیلات دارای اثر معنادار بر تعهد سازمانی نیستند.

نگاره (۹): تأثیر خودکارآمدی بر تعهد سازمانی

$OC_i = \beta_0 + \beta_1 SE_i + \beta_2 EX_i + \beta_3 GEN_i + \beta_4 EDU_i + \mu_i$						
متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	ارزش احتمال	عامل تورم واریانس (VIF)
عرض از مبدأ	β_0	۰/۷۸۱	۰/۴۴۷	۱/۷۴۷	۰/۰۸۲	-
خودکارآمدی	SE	۰/۷۱۱	۰/۰۵۰	۱۴/۰۹۷	۰/۰۰۰	۱/۲۰۵
تجربه کاری	EX	۰/۲۷۰	۰/۰۹۴	۲/۸۸۶	۰/۰۰۴	۱/۳۶۴
جنسیت	GEN	۰/۳۲۳	۰/۱۷۱	۱/۸۸۲	۰/۰۶۱	۱/۲۵۷
تحصیلات	EDU	-۰/۰۴۹	۰/۰۹۲	-۰/۵۳۷	۰/۵۹۲	۱/۱۳۹
ضریب تعیین		۰/۵۶۰				
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۵۳				
آماره F (ارزش احتمال)		(۰/۰۰۰) ۷۸/۴۹۴				

آزمون فرضیه چهارم

نتایج آزمون فرضیه چهارم در نگاره (۱۰) گزارش شده است. با توجه به آماره F مدل (۳۸/۹۳۳) و مقدار احتمال آن که کمتر از ۵ درصد است، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مدل برآوردی معنادار است. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل که حدوداً ۳۸ درصد است، می‌توان بیان کرد که متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، ۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند.

با توجه به ضریب متغیر خودکارآمدی (۰/۵۰۵) و سطح معناداری آن که کمتر از ۵ درصد است، می‌توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، خودکارآمدی دارای تأثیر مثبت و معنادار بر رضایت شغلی حساب‌رسان است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرضیه چهارم پژوهش رد نمی‌شود. همچنین، در خصوص متغیرهای کنترلی می‌توان بیان کرد که تجربه کاری دارای تأثیر مثبت و معنادار بر تعهد سازمانی است اما جنسیت و سطح تحصیلات دارای اثر معنادار بر تعهد سازمانی نیستند.

نگاره (۱۰): تأثیر خودکارآمدی بر رضایت شغلی

$JS_i = \beta_0 + \beta_1 SE_i + \beta_2 EX_i + \beta_3 GEN_i + \beta_4 EDU_i + \mu_i$						
متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	ارزش احتمال	عامل تورم واریانس (VIF)
عرض از مبدأ	β_0	۲/۸۳۸	۰/۶۱۸	۴/۵۹۲	۰/۰۰۰	-
خودکارآمدی	SE	۰/۵۰۵	۰/۰۷۸	۶/۴۷۸	۰/۰۰۰	۱/۳۸۲
تجربه کاری	EX	۰/۲۴۵	۰/۰۹۵	۲/۵۷۸	۰/۰۱۰	۱/۴۵۰
جنسیت	GEN	۰/۲۴۱	۰/۱۸۱	۱/۳۳۲	۰/۱۸۴	۱/۲۱۴
تحصیلات	EDU	-۰/۰۱۳	۰/۱۰۸	-۰/۱۲۲	۰/۹۰۳	۱/۱۴۴
ضریب تعیین		۰/۳۸۷				
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۳۷۷				
آماره F (ارزش احتمال)		(۰/۰۰۰) ۳۸/۹۳۳				

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی تأثیر تفاوت‌های فردی حساب‌رسان بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی آن‌ها پرداخته شد. عوامل بسیاری ممکن است بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی

حسابرسان مستقل تأثیرگذار باشند، اما یکی از مهمترین عوامل، ویژگی‌های فردی حسابرسان است. مطابق تئوری شناخت اجتماعی، ویژگی‌های فردی می‌تواند بر رفتار افراد تأثیرگذار باشد. بنابراین مطابق این تئوری، ویژگی‌های فردی حسابرسان که در این پژوهش از معیارهای منبع کنترل درونی و خودکارآمدی استفاده شده است می‌تواند بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی آن‌ها اثرگذار باشد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد، منبع کنترل درونی حسابرسان بر تعهد سازمانی آن‌ها اثر مثبت و معنادار دارد. این نتیجه حاکی از آن است که حسابداران رسمی ایران که منبع کنترل درونی بالایی دارند، نسبت به مؤسسه یا سازمان حسابرسی وفاداری بیشتری دارند و برای دستیابی به اهداف سازمانی ارزش قائل هستند. با توجه به ویژگی انسان‌های با منبع کنترل درونی بالا و در نظر گرفتن نظریه شناخت اجتماعی، دستیابی به چنین نتیجه‌ای دور از ذهن نبوده است. با توجه به نتایج می‌توان بیان کرد که در محیط حسابرسی ایران نیز حسابداران رسمی که از منبع کنترل درونی بالاتری برخوردار هستند، تمایل بیشتری به ماندن در حرفه داشته و تلاش زیادی در جهت وفاداری به سازمان و دستیابی به اهداف سازمانی دارند. بنابراین فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود و این نتیجه مشابه یافته‌های پژوهش دمیو و همکاران (۲۰۱۵) و ریتا و همکاران (۲۰۱۶) است.

همچنین طبق نتایج پژوهش، منبع کنترل درونی حسابرسان دارای اثر مثبت و معنادار بر رضایت شغلی آن‌ها می‌باشد. با توجه به اینکه انسان‌های با منبع کنترل درونی بالا، علل پیشرفت و کسب موفقیت و ارتقای شغلی را در درون خود جستجو می‌کنند و به عوامل خارجی مانند شانس اعتقادی ندارند و از طرف دیگر حسابرسان شاغل در مؤسسه‌ها یا سازمان حسابرسی از آزادی عمل خصوصاً در انتخاب روش‌های رسیدگی برخوردار هستند، بنابراین این دسته از حسابرسان از کار کردن در چنین محیط‌هایی احساس رضایت می‌کنند و تمایلات مثبت دارند. از این رو، فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شود. این نتیجه با یافته‌های پژوهش دمیو و همکاران (۲۰۱۵) سازگاری دارد. بنابراین، در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که منبع کنترل درونی حسابرسان دارای تأثیر مثبت و معنادار بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی آنها است.

نتایج پژوهش نشان داد که خودکارآمدی حسابرسان بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی آنها اثر مثبت و معنادار دارد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش دمیو و همکاران (۲۰۱۵) سازگار است.

بنابراین، طبق یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت‌های فردی حساب‌رسان بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی آنها تأثیر مثبت و معنادار دارد. لذا، این یافته، تأییدی بر تئوری شناخت اجتماعی است که اعتقاد بر اثرگذاری ویژگی‌های فردی بر رفتار افراد دارد.

با توجه به نتایج پژوهش، به مدیران سازمان حساب‌رسان و مؤسسه‌های حساب‌رسان پیشنهاد می‌شود در به کارگیری حساب‌رسان به ویژگی‌های فردی آن‌ها توجه ویژه داشته باشند. برای نمونه، ویژگی منبع کنترل درونی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، میزان اعتقاد حساب‌رسان به علت‌های درونی در وقوع رویدادها است و نتایج پژوهش نشان داده است که این گونه حساب‌رسان وفاداری بیشتری به سازمان‌های خود دارند و از بودن در حرفه حساب‌رسان احساس رضایت مادی و معنوی دارند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود یکی از عوامل مهم در زمان جذب نیرو، شناخت ویژگی‌های فردی افراد مانند ویژگی منبع کنترل درونی و خودکارآمدی باشد. به پژوهشگران توصیه می‌شود با توجه به اهمیت حساب‌رسان در دستگاه‌های دولتی توسط حساب‌رسان دیوان محاسبات، این موضوع را در میان این دسته از حساب‌رسان مورد بررسی قرار دهند.

منابع

باقرپور ولاشانی، محمدعلی؛ ساعی، محمدجواد؛ شعنی، سیداسماعیل. (۱۳۹۱). تحلیل دیدگاه حساب‌رسان در رابطه با عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی شغلی آن‌ها. *فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲(۲)، ۶۵-۹۴.

بنی‌مهد، بهمن؛ نجاتی، امیر. (۱۳۹۵). رابطه بین فرهنگ سازمانی و تعهد کاری حساب‌رسان. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حساب‌رسانی*، ۸(۳۰)، ۱۱۹-۱۳۷.

جعفری، علی. (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر کیفیت حساب‌رسانی، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی. حیرانی، فروغ؛ وکیلی فرد، حمید رضا؛ بنی‌مهد، بهمن؛ رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۳۹۶). تأثیر ویژگی‌های اجتماعی حساب‌رسان بر قضاوت آنها در حل تعارض میان حساب‌رسان و مدیریت ویژگی‌های منتخب: بیش اعتمادی و شخصیت ماکیاولیسم، *مجله دانش حساب‌رسانی*، ۱۷(۶۷)، ۹۸-۷۱.

موسوی شیری، محمود؛ صالحی، مهدی؛ احمدنژاد، محمد. (۱۳۹۴). بررسی رابطه تعهد حرف‌های و تعهد سازمانی حساب‌رسان با رفتار حساب‌رسانی ناکارآمد. *تحقیقات حسابداری و حساب‌رسانی*، ۷(۲۷)، ۳۴-۵۳.

نادی، محمدعلی؛ حاذقی، فاطمه. (۱۳۹۰). الگویابی معادله ساختاری روابط بین جو اخلاقی، رضایت شغلی و تعهد سازمانی با نیت ترک خدمت در بین کارکنان بیمارستان‌های خصوصی شهر شیراز.

مدیریت اطلاعات سلامت، ۸(۵)، ۶۹۹-۷۰۸.

- Alkautsar, M. (2014). Locus of Control, Commitment Profesional and Dysfunctional Audit Behavior. *International Journal of Humanities and Management Sciences*, 2 (1) , 35-38.
- Bagherpour Velashani, M. , Saei, M. & Shani, E. (2012). Auditors' Opinion about the Factors Affecting their Job Satisfaction. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 2 (2) , 65-94. (In Persian)
- Bandura, A. (1986). *Social foundations of thought and action: A social cognitive theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Banimahd, B. & Nejati, A. (2016). The relationship between organizational culture and auditors' work commitment. *The Financial Accounting and Auditing Researches*, 8 (30) , 119-137. (In Persian)
- Chen Chen, J. and Silverman, C. (2008). The impact of locus of control on job stress, job performance and job satisfaction in Taiwan. *Leadership & Organization Development Journal*, 29 (7) , 572-582.
- Domino, M. A. , Wingreen, S. C. , & Blanton, J. E. (2015). Social cognitive theory: The antecedents and effects of ethical climate fit on organizational attitudes of corporate accounting professionals—a reflection of client narcissism and fraud attitude risk. *Journal of Business Ethics*, 131 (2) , 453-467.
- Donnelly, P. D. & Quirin, J. J. , & O'Bryan D. (2003). Auditor acceptance of dysfunctional audit behavior: An explanatory model using auditor's personal characteristics. *Behavioral Research in Accounting*, 15 (1) , 87-110.
- Heyrani, F. , Vaklifard, H. , Banimahd, B. & Rahnamayroudposhti, F. (2017). The effect of Auditors' Social Characteristics on their Judgment to resolving conflict between Auditor and Management. *Journal of Audit Science*, 17 (67) , 71-98. (In Persian)
- Jafari, A. (2006). *Factors Affecting Audit Quality*, doctoral (Ph. D) dissertation, Allameh Tabatabaei University. (In Persian)
- Leong, L. , Huann, S. , & Hsu, J. (2003). An empirical study on professional commitment, organizational commitment and job involvement in Canadian accounting firms. *Journal of the American Academy of Business*, 2 (2) , 360-370.
- Mohannad, O. , Zalailah, S. & Mohi, N. (2017). The mediating effect of job satisfaction on the relationship between personality traits and premature sign-off. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 21 (2) , 1-17.
- Mousavi Shiri, M. , Salehi, M. & Ahmadnejad, M. (2015). A Survey on Relationship between Auditors Professional and Organizational Commitment with Dysfunctional Audit Behavior. *Accounting and Auditing Research*, 7 (27) , 34-53. (In Persian)
- Nadi, M. , & Hazeghy, F. (2011). Structural Equation Modeling of the Relationship between the Intention to Quit and Ethical Climate, Job Satisfaction, and Organizational Commitment among the Staff of Shiraz

- Private Hospitals. *Health Information Management*, 8 (5) , 699-708. (In Persian)
- Paino, H, Malcolm, S. & Zubaidah, I. (2012). Auditor acceptance of dysfunctional behaviour: An explanatory model using individual factors. *Journal of Applied Accounting*, 13 (1) , 37-55.
- Paino, H. , A. Thani, & S. I. Zulkarnain. (2011). Dysfunctional audit behaviour: The effect of budget emphasis leadership behavior, and effectiveness of audit review. *European Journal of Social Sciences*, 21 (3) , 436-447.
- Shafer, W. E. (2009). Ethical climate, organizational-professional conflict and organizational commitment: A study of Chinese auditors. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 22 (7) , 1087-1110.
- Shanti, S. & Srivasta, A. K. (2010). Antecedents of organizational commitment across the job. *Journal of Psychosocial Research*, vol. 5, 195-208.
- Sherer, M. , & Adams, C. (1983). The self-efficacy scale: A construct validity study. *Psychological Reports*, 66, 987-994.
- Spector, P. E. (1988). Development of the Work Locus of Control Scale. *Journal of Occupational Psychology*, 61, 335-340.
- Troy A. H. & Douglas F. P. (2001). Does Congruence between Audit Structure and Auditors' Locus of Control Affect Job Performance?. *The Accounting Review*, 76 (2) , 263-274.

تأثیر اغواگری مدیریت و انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس

محمد رضا نیک بخت^۱، غلامرضا سلیمانی امیری^۲، منصور مومنی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۰۶

امیر حسین حسین پور^۴

مقاله پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۵

چکیده

در دهه اخیر، به جهت بهبود کنترل‌های داخلی شرکت‌ها، سازمان بورس و اوراق بهادار، تشکیل کمیته حسابرسی (دستورالعمل کنترل‌های داخلی) و همچنین ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل (منشور کمیته حسابرسی) را برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران الزامی کرد. از طرفی نیز ممکن است حسابرسان به دلایل مختلفی (همچون اغواگری مدیریت و انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود) تحت نفوذ درخواست‌های مدیران صاحبکار قرار گیرند. از این رو، در این پژوهش تأثیر ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس با تأکید بر اغواگری مدیریت و انگیزه‌های مدیریت سود مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به توضیح است، روش پژوهش به صورت آزمایشی می‌باشد. نتایج پژوهش حاصل از تحلیل بر روی داده‌های استخراج شده از ۶۴ نفر از مدیران مؤسسات حسابرسی، حاکی از آن است که اغواگری مدیریت، انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر مثبت و معناداری دارد و همچنین تعامل اغواگری مدیریت و انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود، تعامل انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل و تعامل اغواگری مدیریت و انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر مثبت و معناداری دارد. در نهایت، از نتایج پژوهش پی برده شد، طبق تئوری اعتبار منبع، هنگام وجود اغواگری مدیریت، انگیزه‌های بالا مدیریت نسبت به مدیریت سود، باعث تأثیر مثبت و معنادار ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اغواگری مدیریت، انگیزه مدیریت نسبت به مدیریت سود، ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل، کیفیت قضاوت حسابرس، اعتبار منبع اطلاعاتی.

طبقه‌بندی موضوعی: M42.

DOI: 10.22051/jera.2020.28932.2581

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت (گروه حسابداری)، تهران، ایران. (mnikbakt@ut.ac.ir)

^۲ دانشیار دانشگاه الزهراء (ع)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی (گروه حسابداری)، تهران، ایران. (gh.soleymani@alzahra.ac.ir)

^۳ استاد دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت (گروه مدیریت صنعتی)، تهران، ایران. (mmomeni@ut.ac.ir)

^۴ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، (amhosseinpour@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

گسترش فرهنگ سرمایه گذاری در بورس و فرابورس، میزان سهامداران خرد شرکت ها را افزایش و در نتیجه، افزایش متقاضیان استفاده از گزارش های مالی ناشران پذیرفته شده در بورس و فرابورس را به همراه داشته است. افزایش مقررات گذاری از سوی نهاد های قانون گذاری همچون سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان حسابرسی و دیگر نهادها، توجه خاصی را به سمت افزایش کیفیت و بهبود گزارشگری مالی نشان می دهد. از سوی دیگر، سازمان بورس و اوراق بهادار در راستای بهبود کیفیت گزارشگری مالی تلاش هایی انجام داده است. از گام های برداشته شده سازمان بورس و اوراق بهادار، می توان به تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی (در سال ۱۳۹۱) و دستورالعمل حاکمیت شرکتی (در سال ۱۳۹۷) اشاره نمود. مطابق با دستورالعمل کنترل های داخلی سازمان بورس و اوراق بهادار، مسئولیت ارزیابی و نظارت بر کنترل های داخلی بر عهده کمیته های حسابرسی است. بنابراین انتظار می رود که هر اندازه کیفیت کار کمیته های حسابرسی ارتقا یابد، شاخص های کیفیت گزارشگری مالی بهبود و در نتیجه نابرابری اطلاعات کاهش یابد. همان طور که در گزارش کمیته بلورینون^۱ نیز بیان شده است، نقش کمیته حسابرسی نظارت نهایی فرآیند گزارشگری مالی است (براون و پوپووا، ۲۰۱۶).

کمیته حسابرسی ممکن است مدیریت سود فرصت طلبانه را از طریق ارزیابی شایستگی و استقلال حسابرسان مستقل و تشکیل جلسه و صحبت با مدیریت شرکت و حسابرسان مستقل، در رابطه با مباحث مهم و کلیدی گزارشگری مالی، کاهش دهد (هردمن، ۲۰۰۲). هیئت نظارت بر حسابداری شرکت های سهامی عام^۲، استاندارد شماره ۱۶ با عنوان ارتباط با کمیته های حسابرسی را به جهت افزایش ارتباط بین حسابرس مستقل و کمیته حسابرسی تدوین کرده است که از این طریق عملکرد و استقلال حسابرس بهبود یابد و نقش نظارت کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی بهبود بخشیده شود (هیئت نظارت بر حسابداری شرکت های سهامی عام، ۲۰۱۲، براون و پوپووا، ۲۰۱۶). منشور کمیته حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار نیز به ارتباط بین کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل، به جهت بررسی موضوعات مربوط به حسابداری و حسابرسی، تأکید داشته است. همچنین طبق پژوهش های مختلف، کمیته های حسابرسی، به عنوان بخشی از نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی، وظیفه

دارند انتظارات و درخواست‌هایی از حسابرس مستقل داشته باشند (به طور نمونه براون و پوپووا، ۲۰۱۶). در این راستا، کمیته حسابرسی موسسه KPMG نیز به این نتیجه رسیده است که کیفیت حسابرسی از طریق بیان انتظارات و درخواست‌هایی از طرف کمیته‌های حسابرسی، از حسابرسان مستقل تقویت می‌یابد و این مورد، یکی از مسئولیت‌های اصلی کمیته حسابرسی می‌باشد (موسسه حسابرسی KPMG، ۲۰۱۲). از این رو، براساس نظر پژوهشگران و با توجه به الزامات استاندارد شماره ۱۶ هیات نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام (۲۰۱۲) و منشور نمونه کمیته حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۱)، مبنی بر اجبار وجود ارتباط بین کمیته حسابرسی و حسابرس مستقل، یکی از موضوعات با اهمیت این است که بررسی شود آیا حسابرسان مستقل به طور مؤثر درخواست‌ها و انتظارات بیان شده از طرف کمیته حسابرسی را مورد توجه قرار می‌دهند. هر چند علی‌رغم قوانین و مقررات فوق‌الذکر، حسابرسان به نقش مدیریت در راهبری شرکتی^۳ توجه زیادی دارند و ممکن است به دلایل مختلفی (همچون اغواگری مدیریت و انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود) تحت نفوذ درخواست‌های مدیران صاحبکار قرار گیرند (کوهن و همکاران، ۲۰۰۲؛ رابرتسون، ۲۰۱۰؛ براون و پوپووا، ۲۰۱۶؛ بادپا و همکاران، ۱۳۹۸).

در پژوهش‌های گذشته نیاز به بررسی ارتباط بین ارکان راهبری شرکتی، به جهت دستیابی به کیفیت بالای گزارشگری مالی، اعلام شده است (کوهن و همکاران، ۲۰۰۴؛ کارسلو و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین این موضوع حائز اهمیت است که در راستای بهبود کیفیت گزارشگری مالی، به بررسی این موضوع پرداخته شود که چطور مکانیزم تأثیر یک رکن مشخصی از راهبری شرکتی (به طور مثال ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل) می‌تواند تحت تأثیر ارکان دیگر قرار بگیرد. در پژوهش حاضر نیز با توجه به مقررات و شرایط حسابرسی مستقل و مدیران و کمیته حسابرسی شرکت‌های بورسی ایران، اینکه از طرفی سازمان بورس و اوراق بهادار الزام به ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل دارد (منشور نمونه کمیته حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱) و از طرف دیگر حسابرسان مستقل بیشتر تمایل به درخواست‌های مدیریت صاحبکار دارند (بادپا و همکاران، ۱۳۹۸)، به بررسی این موضوع پرداخته شده است که با توجه به اغواگری مدیریت و انگیزه‌های مدیریت

نسبت به مدیریت سود، مکانیزم تأثیر ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس مستقل، چگونه می باشد.

مبانی نظری

ترجیحات رقابتی در عملکرد حسابرسی

جینز و نیوتن (۱۹۹۴)، حسابرسی و حسابداری را به عنوان یک سیستم پاسخگویی پیچیده^۴ معرفی کردند؛ به طوری که در این سیستم، حسابرسان ممکن است فشارهایی را از منابع مختلف (موسسه حسابرسی، صاحبکار، نمایندگان قانونی) احساس کنند که ممکن است نگرش آن‌ها با یکدیگر تضاد داشته باشد. بگلی (۲۰۱۰)، در راستای این چشم‌انداز پاسخگویی پیچیده، پی به این موضوع برد که جوانب مختلف پاسخگویی در محیط حسابرسی می‌تواند با یکدیگر مغایرت داشته باشند. او بیان کرد، با توجه به افزایش سطح پاسخگویی حسابرسان به جامعه، سطوح بالایی از تأثیر منفی از طرف مدیریت صاحبکار به وجود می‌آید و این موضوع می‌تواند عملکرد حسابرسی را تحت تأثیر قرار دهد. در دو پژوهش گرملینگ (۱۹۹۹) و بیرستیکر و رایت (۲۰۰۱) تأثیر درخواست‌های مختلف، از جمله انگیزه‌های مدیریت نسبت به تحریف حساب‌ها و نفوذ بر حسابرس، از طرف صاحبکار و کارایی و کیفیت حسابرسی مطلوب، از طرف مؤسسه حسابرسی، بر عملکرد حسابرسی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج هر دو پژوهش نشان می‌دهد که هنگام وجود درخواست‌های مختلف از طرف مدیریت صاحبکار و موسسه حسابرسی، حسابرس به طرف درخواست مدیریت صاحبکار تمایل دارد. بنابراین همان‌طور که از نتایج پژوهش‌های گرملینگ (۱۹۹۹) و بیرستیکر و رایت (۲۰۰۱) مشخص است، حسابرسان در حین عملیات حسابرسی، با درخواست‌های مختلف از اطراف خود (به طور نمونه مدیریت صاحبکار و موسسه حسابرسی) مواجه می‌شوند که ممکن است با یکدیگر در تضاد باشند، که در اصطلاح به آن‌ها ترجیحات رقابتی در عملکرد حسابرسی^۵ گفته می‌شود (براون و پوپووا، ۲۰۱۶). در پژوهش بامبر و لیر (۲۰۰۷) به طور مستقیم تأثیرات ترجیحات رقابتی بررسی نشده است ولی یک تبیین شناختی^۶، به جهت یافتن دلیل تمایل حسابرسان به درخواست‌های مدیریت صاحبکار در مقابل درخواست‌های بیان شده از طرف روسای خود، ارائه کرده‌اند. با توجه به تئوری هویت اجتماعی^۷، بامبر و لیر (۲۰۰۷) بیان کردند که ارتباط مکرر حسابرس با صاحبکار، موجب دوستی و قرابت او با مدیریت صاحبکار

می‌شود. از این رو، این قرابت و دوستی، منجر به این می‌شود که حساب‌برسان تسلیم درخواست‌های صاحبکار شوند و به نوعی مدیریت بر کیفیت قضاوت حساب‌برس نفوذ داشته باشد. تئوری هویت اجتماعی، تصمیمات و رفتار افراد و رابطه آن‌ها با گروه‌ها را توضیح می‌دهد و تلاش می‌کند توضیح دهد که چرا و چه وقت افراد خود را به عنوان عضوی از یک گروه خاص تلقی می‌کنند. بر اساس این تئوری، هویت افراد بر اساس خود پنداشت فردی از احساس تعلق به گروه خاص که از آگاهی درباره عضویت در آن گروه اجتماعی مشتق شده و با احساسات محکم پیوند خورده است، شکل می‌گیرد (تاجفل، ۱۹۷۴). پژوهش‌های مختلفی پی به این موضوع بردند که عوامل مختلفی باعث نفوذ مدیریت بر قضاوت حساب‌برس می‌شود که یکی از این عوامل اغواگری مدیریت می‌باشد (به طور نمونه کیالدینی و گلدستین، ۲۰۰۴؛ رابرتسون، ۲۰۱۰).

اغواگری

طبق پژوهش‌های پیشین پی برده شده است که اغواگری^۸ باعث نفوذ بر قضاوت و پیشنهاد طرف مقابل می‌شود (کیالدینی و گلدستین، ۲۰۰۴؛ وارما و همکاران، ۲۰۰۶). اغواگری یک تاکتیک نفوذی استراتژیک است که اغواگر در جهت تحریک و تأثیر مثبت بر طرف مقابل تلاش می‌کند که بتواند بر قضاوت او نفوذ داشته باشد (کیالدینی و گلدستین، ۲۰۰۴). در پژوهش‌های رفتار سازمانی و روان‌شناسی اجتماعی، چارچوبی را برای پیش‌بینی روابط بین اغواگری و کیفیت قضاوت ارائه کرده‌اند. این ادبیات نشان می‌دهد که اغواگری در بسیاری از محیط‌های راهبری وجود دارد و به طور معمول یک تاکتیک نفوذی موفق می‌باشد (کیالدینی و گلدستین، ۲۰۰۴). وارما و همکاران (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که متقاضیان استخدام که سعی در اغوای مصاحبه‌کننده دارند، صلاحیت جذب و استخدام بالاتری را کسب می‌نمایند. در کل دستاوردهای پژوهش‌های مذکور بیانگر این است که افراد به طور موفقیت‌آمیز از اغواگری جهت دستیابی به درخواست‌های خود استفاده می‌کنند و کاملاً منطقی می‌باشد که مدیران شرکت‌ها می‌توانند بر کیفیت قضاوت‌های حساب‌برسان با استفاده از تکنیک اغواگری نفوذ داشته باشند. از طرف دیگر پژوهش‌های زیادی نشان می‌دهد که اغواگر همیشه نمی‌تواند بر قضاوت طرف مقابل نفوذ داشته باشد. ایستمن (۱۹۹۴) به این نتیجه رسید، کارکنانی که در پی اغواگری جهت ارتقا هستند، نسبت به سایر کارکنان، ارتقا کمتری را دریافت می‌کنند.

تا کر و واین (۱۹۹۵) نیز به این نتیجه دست یافتند که احتمال کمی در موفقیت اغواگران نسبت به سایر افراد وجود دارد. نه ایستمن (۱۹۹۴) و نه تا کر و واین (۱۹۹۵) تبیینی از شواهد مرتبط با اینکه چرا نتایج آن ها ناسازگار با اکثر ادبیات اغواگری است، ارائه نکردند. هر چند، پژوهش های دیگر بیان کردند که عوامل محیطی می توانند بر موفقیت اغواگری به عنوان تاکتیک نفوذی، تأثیرگذار باشد. جونز (۱۹۶۴) بیان کرد که اگر شخص متوجه تلاش اغواگر شود، اغواگر به احتمال کمی بر قضاوت طرف مقابل نفوذ خواهد داشت. بنابراین هر چقدر عوامل محیطی آگاهی شخص را از اغواگری افزایش دهد، اغواگر نسبت به دستیابی به اهداف خود، ناموفق تر خواهد بود (رابرتسون، ۲۰۱۰). پژوهش هایی در راستای عوامل محیطی مؤثر بر موفقیت اغواگر نسبت به نفوذ بر قضاوت شخص مقابل انجام شده است که در ادامه به آن ها اشاره می شود.

تئوری اعتبار منبع

طبق تئوری اعتبار منبع^۹، توانایی منبع اطلاعاتی جهت نفوذ بر شخص مقابل، بستگی به اعتبار آن منبع دارد (به طور مثال پرنیتا کپان، ۲۰۰۴). منابع با اعتبار بالا، متقاعدکنندگی بیشتری نسبت به منابع با اعتبار پایین دارند (اکیف، ۲۰۰۲؛ پرنیتا کپان، ۲۰۰۴). بنابراین اعتبار منبع، جهت رسیدن به هدف، مهم است. تئوری اعتبار منبع بیان می کنند که اعتبار منبع وابسته به ۲ عامل است: ۱- تخصصی بودن منبع^{۱۰}، ۲- انگیزه موجود در منبع^{۱۱} (پرنیتا کپان، ۲۰۰۴). تخصصی بودن منبع (شایستگی و صلاحیت)، به توانایی منبع جهت بیان درست حقایق اطلاق می شود (پرنیتا کپان، ۲۰۰۴). منابع تخصصی نسبت به منابع غیر تخصصی، اعتبار و متقاعدکنندگی بیشتری دارند (اکیف، ۲۰۰۲). گفتنی است، عامل اعتبار منبع، که در پژوهش حاضر استفاده شده است، انگیزه موجود در منبع می باشد. طبق پژوهش های مرتبط با تئوری اعتبار منبع، انگیزه موجود در منبع، عبارتست از ترغیب منبع جهت تحریف منبع اطلاعاتی و نفوذ بر شخص مقابل (بیرنهام و استگنر، ۱۹۷۹؛ اکیف، ۲۰۰۲)؛ به نوعی با افزایش ترغیب منبع اطلاعاتی، نسبت به تحریف و نفوذ، اعتبار آن کاهش می یابد (براون و پوپووا، ۲۰۱۶). مدیران صاحبکار اغلب از انگیزه های شخصی یا شرکتی جهت تحریف صورت های مالی استفاده می کنند. برای مثال مدیریت به علت دریافت پاداش مبتنی بر سود خالص (انگیزه شخصی) و یا جهت دریافت

تسهیلات برای شرکت و افزایش اعتبار شرکت نزد بانک (انگیزه شرکتی)، از روش‌های مختلف به تحریف سود می‌پردازند (براون و پوپووا، ۲۰۱۶).

با توجه به توضیحات فوق، می‌توان به این نتیجه رسید که منابع دارای سونگری و تحریف، نسبت به منابع فاقد تحریف و سونگری اعتبار پایین‌تری دارند (بیرنهام و استگنر، ۱۹۷۹؛ اکیف، ۲۰۰۲). پژوهش‌های مختلف حسابرسی، شواهدی مرتبط با تئوری اعتبار منبع ارائه کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که هر چه حساب‌برسان ریسک بالاتری را نسبت به انگیزه مدیریت صاحبکار نسبت به مدیریت سود ارزیابی کنند، شواهد بیشتری را جمع‌آوری و ارزیابی می‌کنند و ثبت‌های تعدیلی بیشتری را پیشنهاد می‌دهند (بیولیو، ۲۰۰۱؛ کیزیریان و همکاران، ۲۰۰۵).

تعامل اغواگری مدیریت و انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل

همان‌طور که بیان شد، تئوری اعتبار منبع رهنمود خوبی را نسبت به عوامل محیطی ارائه می‌دهد. تئوری اعتبار منبع نشان می‌دهد، همان‌طور که شدت انگیزه منبع نسبت به تحریف اطلاعات افزایش می‌یابد، منبع متقاعدکنندگی کمتری دارد (اکیف، ۲۰۰۲). ادبیات پژوهش در هر دو موضوع اغواگری (جونز، ۱۹۶۴) و انگیزه منبع (اکیف، ۲۰۰۲؛ هیرست، ۱۹۹۴) بیانگر این است که انگیزه مدیریت صاحبکار نسبت به مدیریت سود، بر عدم موفقیت در اغواگری مؤثر می‌باشد. به نوعی، انگیزه بالای مدیریت صاحبکار نسبت به مدیریت سود، عاملی است که موفقیت اغواگر را از طریق افزایش آگاهی حساب‌برسان نسبت به اغواگری او، کاهش می‌دهد (جونز، ۱۹۶۴). مطابق با تئوری اعتبار منبع و پژوهش‌های حسابرسی مرتبط با اغواگری مدیریت و انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود، انتظار می‌رود که هنگام وجود اغواگری و انگیزه‌های بالا مدیریت نسبت به مدیریت سود، حساب‌برسان تمایل کمتری به طرف درخواست‌های مدیریت صاحبکار نسبت به مدیریت سود داشته باشند تا از این طریق سونگری حاصل از انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود و نفوذ او بر حسابرس را کاهش دهند (بیولیو، ۲۰۰۱؛ رابرتسون، ۲۰۱۰؛ براون و پوپووا، ۲۰۱۶). همچنین از طرفی، طبق پژوهش‌های مختلف، کمیته‌های حسابرسی به عنوان بخشی از نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی، انتظارات و درخواست‌هایی از حسابرس مستقل دارند و حمایت زیادی از کیفیت قضاوت حساب‌برسان

می کنند (دی زورت و همکاران، ۲۰۰۸، براون و پوپووا، ۲۰۱۶)، مخصوصاً وقتی که رویه های تصمیمات مدیران متهورانه باشد (پامروی، ۲۰۱۰).

با توجه به قوانین داخلی و خارجی نسبت به الزام ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل و حمایتی که کمیته حسابرسی، با توجه به موقعیت نظارتی خود، از قضاوت های حسابرس مستقل دارد، همچنین با توجه به تئوری اعتبار منبع، انتظار می رود هنگام وجود اغواگری مدیریت و انگیزه های بالا مدیریت نسبت به مدیریت سود، ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر زیادی داشته باشد.

متغیرهای کنترلی

همچنین لازم به توضیح است عوامل اثرگذار بر کیفیت قضاوت و تصمیم گیری، در سه عامل شخصی، فرآیندی و محیطی تقسیم می شوند (بنر، ۲۰۰۷). طبق پژوهش های پیشین، به این نتیجه پی بردند که میزان تجربه حرف های حسابرس (جیبینز، ۱۹۸۴)، اخلاق حرف های (کلبرگ، ۱۹۶۹) و انگیزش به ریسک (بنر، ۲۰۰۷) به عنوان متغیرهای شخصی، و طبقه مؤسسه حسابرسی (دی آنجلو، ۱۹۸۱) و فرهنگ سازمانی (ویند سور و اشکانسی، ۱۹۹۶)، به عنوان متغیرهای محیطی، تأثیر زیادی بر کیفیت قضاوت حسابرس دارد. از این رو، در این پژوهش برای بررسی مسأله پژوهش، علاوه بر متغیرهای مستقل از متغیرهای کنترلی مذکور نیز استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش های خارجی زیادی حول محور موضوع پژوهش حاضر انجام شده است ولی تقریباً به نتایج مشابهی دست یافته اند، که به طور خلاصه به پژوهش های زیر اشاره می شود:

بامبر و لیر (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی قرابت حسابرس مستقل با صاحبکار و تأثیر آن بر عینیت حسابرس، پرداختند. آن ها به این نتیجه رسیدند که حسابرسان بیشتر تمایل به قرابت با مدیران صاحبکار و درخواست های آن ها دارند؛ که این موضوع اثر منفی بر عینیت حسابرس دارد. همچنین آن ها به این نتیجه رسیدند که حسابرسان با تجربه به احتمال کمتر اجازه نفوذ مدیران صاحبکار را بر قضاوت خود می دهند. همچنین دی زورت و همکاران (۲۰۰۸) عملکرد اعضای کمیته حسابرسی را در دو دوره قبل و بعد از قانون ساریینز آکسلی مورد بررسی قرار دادند. آن ها پی بردند که کمیته حسابرسی از تعدیلات پیشنهادی حسابرس حمایت

می‌کند، این حمایت در دوره بعد از قانون ساربینز آکسلی بیشتر از دوره قبل از این قانون است و اعضای کمیته حسابرسی بعد از قانون ساربینز آکسلی محافظه کارانه‌تر شده‌اند. کوهن و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی از ۳۰ مدیر و شریک حسابرسی در سه مؤسسه بزرگ حسابرسی، مصاحبه‌ای انجام دادند. آن‌ها یافتند که کمیته‌های حسابرسی در دوره بعد از قانون ساربینز آکسلی دانش و قدرت بیشتری گرفته‌اند و پرتلاش و فعال‌تر شده‌اند. هرچند، در برخی از شرکت‌ها، کمیته‌های حسابرسی در رابطه با رفع عدم توافقی‌ها بین مدیریت و حسابرسی منفعل می‌باشند. همچنین پامروی (۲۰۱۰) نیز یک پژوهش آزمایشی از طریق مصاحبه با اعضای کمیته حسابرسی انجام دادند، به این جهت که فرآیند بررسی کمیته حسابرسی را کشف کنند. او پی به این موضوع برد، هنگامی که خروجی‌های تصمیم‌متهورانه‌تر باشد، اعضای کمیته حسابرسی موضوعات حسابداری را عمیق‌تر بررسی می‌کنند. رابرتسون (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی تأثیرات اغواگری مدیریت صاحبکار و انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود بر کیفیت قضاوت حسابرسان مستقل پرداخت. او به این نتیجه رسید که حسابرسان، هنگام وجود اغواگری مدیریت صاحبکار، بیشتر تحت نفوذ مدیریت صاحبکار با انگیزه پایین نسبت به مدیریت سود قرار می‌گیرند تا مدیران صاحبکار با انگیزه بالا. همچنین حسابرسان جهت افزایش تعداد صاحبکاران به احتمال بیشتری به طرف درخواست صاحبکار تمایل دارند. براون و پوپووا (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی به بررسی تأثیر انگیزه مدیریت نسبت به مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرسان مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرسان پرداختند. نتیجه پژوهش آن‌ها حاکی از این بود که انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود بر روی کیفیت قضاوت حسابرسان تأثیر معنادار دارد. همچنین نتایج گویای این بود که هنگام وجود انگیزه‌های بالا مدیریت نسبت به مدیریت سود، ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرسان مستقل، بر کیفیت قضاوت حسابرسان تأثیر معنادار دارد؛ ولی در زمان وجود انگیزه‌های پایین مدیریت نسبت به مدیریت سود، تأثیر معناداری از ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرسان مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرسان دیده نشد. مطاری و همکاران (۲۰۱۷) رابطه فعالیت‌های کمیته حسابرسی و سیستم کنترل‌های داخلی را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان دادند جلسات بین کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل موجب اثربخشی کمیته‌های حسابرسی در بهبود کنترل‌های داخلی می‌شود. اگی - منساه و یبواه (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی کمیته حسابرسی اثربخش، کیفیت حسابرسی و مدیریت سود پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های کمیته

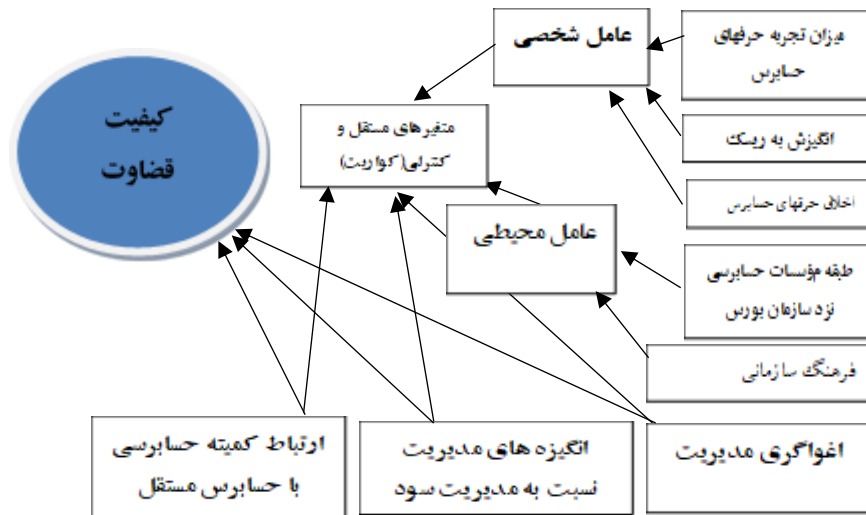
حسابرسی (تخصص مالی، تجربه و اندازه کمیته حسابرسی) و کیفیت حسابرسی تأثیر منفی و معناداری بر اقلام تعهدی اختیاری دارند.

پژوهش‌های داخلی زیادی نیز حول محور موضوع پژوهش حاضر انجام شده است، که به‌طور خلاصه به پژوهش‌های زیر اشاره می‌شود:

نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر محافظه‌کاری شرطی پرداختند. در پژوهش مزبور برای محافظه‌کاری شرطی از مدل‌های بال و شیواکومار (۲۰۰۵) و باسو (۱۹۹۷) استفاده شده است. یافته‌های پژوهش در مدل بال و شیواکومار حاکی از وجود ارتباط معنادار میان هر چهار ویژگی کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری است، اما در مدل باسو این ارتباط معنادار تنها بین اندازه کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری مشاهده شد و رابطه معنادار بین دیگر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری یافت نشد. همچنین داداشی و نوروزی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی مبتنی بر معادلات ساختاری پرداختند. پس از اطمینان یافتن از برازش قابل قبول الگوهای اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش، نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از این بود که اثربخشی کمیته حسابرسی، کیفیت حسابرسی مستقل را افزایش می‌دهد. بادپا و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی به اثر نگرش‌های حمایتی و آشنایی حسابرس با صاحبکار بر قضاوت اولیه حسابرس و استراتژی جستجو شواهد پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که نگرش حمایتی حسابرس بر نوع قضاوت اولیه وی تأثیر دارد و بر اساس آن، نگرش حمایتی سطح بالا باعث می‌شود قضاوت اولیه حسابرس در جهت منافع صاحبکار باشد و نگرش حمایتی سطح پایین باعث می‌شود قضاوت اولیه حسابرس علیه منافع صاحبکار باشد. آشنایی حسابرس با صاحبکار نیز بر میزان موافقت حسابرس با صاحبکار اثر مثبت دارد. علاوه بر این، بین دو متغیر تجربه و هویت حرف‌های حسابرس با نوع قضاوت اولیه وی یعنی احتمال عدم افشای بدهی احتمالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد که می‌تواند همسو با اصل محافظه‌کاری در نظر گرفته شود. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که بین دو متغیر نگرش حمایتی حسابرس و نوع قضاوت اولیه حسابرس با استراتژی جستجوی شواهد حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی حسابرسان شواهدی را جستجو می‌کنند که با نگرش حمایتی حسابرس و قضاوت اولیه حسابرس هم‌سو باشد. همچنین، نتایج پژوهش آن‌ها نشان

می‌دهد که بین آشنایی حسابرسان با صاحبکار و استراتژی جستجوی بعدی حساب‌رسان رابطه معناداری وجود ندارد.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش حاضر، شکل (۱) بیانگر مدل مفهومی پژوهش حاضر می‌باشد:



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

همان‌طور که در مبانی نظری اشاره شد، حسابرسان، به دلایل مختلف (همچون اغواگری مدیریت صاحبکار) بیشتر به طرف مدیریت صاحبکار تمایل دارند (گرملینگ، ۱۹۹۹؛ بیرستیکر و رایت، ۲۰۰۱، رابرتسون، ۲۰۱۰)، ولی اغواگری مدیریت تا زمانی می‌تواند موجب نفوذ او بر قضاوت حسابرسان شود که انگیزه تحریف و سونگری بر صورت‌های مالی وجود نداشته باشد؛ چرا که طبق تئوری اعتبار منبع، هنگامی که منبع اطلاعاتی، دارای انگیزه تحریف و سونگری باشد، آن منبع اطلاعاتی، اعتبار لازم را از دست می‌دهد (بیرنباوم و استنگنر، ۱۹۷۹). از طرفی نیز طبق قوانین داخلی و خارجی حسابرسان مستقل و کمیته حسابرسی بایستی با یکدیگر در ارتباط باشند (منشور کمیته حسابرسی و استاندارد شماره ۱۶ هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی). از آنجایی که کمیته حسابرسی نسبت به کیفیت قضاوت حسابرسی و گزارشگری مالی حمایت می‌کند (دی زورت و همکاران، ۲۰۰۸، پامروی، ۲۰۱۰)، می‌توان انتظار داشت،

هنگام وجود اغواگری و انگیزه های بالای مدیریت نسبت به مدیریت سود، ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل می تواند بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر بالایی داشته باشد. با توجه به توضیحات فوق، فرضیه های پژوهش به شرح زیر مطرح می گردند:

فرضیه (۱) اغواگری مدیریت بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر منفی و معنادار دارد.

فرضیه (۲) انگیزه های مدیریت نسبت به مدیریت سود بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه (۳) ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل، بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه (۴) هنگام وجود اغواگری مدیریت و انگیزه های بالا در مقابل انگیزه های پایین مدیریت نسبت به مدیریت سود، ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر مثبت و معنادار دارد.

روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش، این پژوهش از لحاظ جمع آوری داده از نوع کمی و آزمایشی می-باشد و جهت جمع آوری داده ها از مورد ۱۲ پژوهشی (در قالب سناریوهای مختلف) استفاده شده است. پژوهش آزمایشی روشی است که به منظور بررسی روابط علت و معلولی طراحی شده است. زیرا به پژوهشگر امکان می دهد تحت شرایط کنترل شده، اثرات تغییر نظامدار یک یا چند متغیر را مشاهده کند. روش آزمایشی به سبب توانایی در شناسایی علیت، روشی علمی در حل مسئله به شمار می آید (دلاور، ۱۳۸۷). این روش پیچیده ترین، دقیق ترین و مؤثرترین روش برای کشف و پروراندن اصول و نظریه ای علمی است (پاشا شریفی و شریفی، ۱۳۸۳). پژوهش حاضر از نوع پارادایم اثباتی ۱۳ و از لحاظ تئوری، قیاسی ۱۴ می باشد. همچنین با توجه به اینکه در این پژوهش سعی شده است که دانش و نظریه ها به طور عام و خالص توسعه یابد، از این رو، این پژوهش از منظر هدف، از نوع بنیادی می باشد. لازم به توضیح است این پژوهش از نظر ماهیت مطالعه، از نوع آزمون فرضیه ها و از نظر بعد زمان نیز از دسته پژوهش های آینده نگر است. ضمن اینکه روش آماری جهت تحلیل، تحلیل کوواریانس چند متغیره ۱۵ می باشد. بدین علت از روش آماری مذکور استفاده شده است که تحلیل کوواریانس

یکی از راه‌های کنترل متغیرهای مزاحم در روش پژوهش آزمایشی می‌باشد (دلاور، ۱۳۸۴). همچنین نرم‌افزار مورد استفاده در پژوهش حاضر نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ می‌باشد.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش مدیران مؤسسات حسابرسی جامعه حسابداران رسمی ایران و معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار می‌باشند. گفتنی است تعداد مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس، تا پایان سال ۱۳۹۷، ۶۹ مؤسسه حسابرسی می‌باشد. مدیران مؤسسات مذکور از طریق سایت جامعه حسابداران رسمی مشخص شدند و موردهای پژوهش به صورت کاملاً تصادفی، از طریق ایمیل مؤسسه حسابرسی به آن‌ها ارسال و پیگیری لازم نسبت به دریافت پاسخ‌ها انجام شده است. در نهایت با توجه به پیگیری‌های صورت گرفته از مؤسسات و مدیران حسابرسی، در نهایت داده‌های مربوط به ۷۰ نفر از مدیران حسابرسی جمع‌آوری شد.

طرح آزمایش

آزمایش بین آزمودنی $2 \times 2 \times 2$ این پژوهش به این صورت انجام شده است که ابتدا مدیران حسابرسی، از طریق سایت جامعه حسابداران رسمی به صورت کاملاً تصادفی، انتخاب و در گروه‌های مختلف ۸ گانه اغواگری مدیریت-انگیزه بالا مدیریت نسبت به مدیریت سود-ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل؛ عدم اغواگری مدیریت-انگیزه بالا مدیریت نسبت به مدیریت سود-ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل؛ اغواگری مدیریت-انگیزه بالا مدیریت نسبت به مدیریت سود-عدم ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل؛ عدم اغواگری مدیریت-انگیزه بالا مدیریت نسبت به مدیریت سود-ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل؛ عدم اغواگری مدیریت-انگیزه پایین مدیریت نسبت به مدیریت سود-ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل؛ عدم اغواگری مدیریت-انگیزه پایین مدیریت نسبت به مدیریت سود-عدم ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل؛ عدم اغواگری مدیریت-انگیزه پایین مدیریت نسبت به مدیریت سود-ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل؛ به صورت تصادفی قرار داده شدند و مورد پژوهش مربوطه از طریق ایمیل مؤسسه حسابرسی، به آن‌ها ارسال شد. همچنین طرح آزمایشی این پژوهش طرح پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد. اجرای آزمایش نیز به این صورت می‌باشد که ابتدا پس از اینکه هر کدام

از مدیران حسابرسی به صورت تصادفی انتخاب و در گروه‌ها قرار داده شدند، سناریویی از طریق ایمیل برای آن‌ها ارسال می‌شود. سناریو نیز در رابطه با یک شرکت بورسی فرضی می‌باشد که با توجه به رسیدگی‌های حسابرس مستقل، نیاز به ذخیره کاهش ارزش برای حساب‌های موجودی کالا، مطالبات و سرمایه‌گذاری‌ها شرکت وجود دارد. سپس با توجه به دستکاری‌های متغیرهای مستقل، در سناریوهای مختلف، کیفیت قضاوت مدیران حسابرسی، در قالب تعیین میزان ثبت پیشنهادی کاهش ارزش دارایی‌ها، مورد بررسی قرار گرفته می‌گیرد. لازم به توضیح است متغیرهای پژوهش، به شرح زیر تعریف می‌شوند:

متغیر اغواگری مدیریت: اغواگری یک تاکتیک نفوذی استراتژیک است که اغواگر در جهت تحریک و تأثیر مثبت بر طرف مقابل تلاش می‌کند که بتواند بر قضاوت او نفوذ داشته باشد (کیالدینی و گلدستین، ۲۰۰۴). از این رو در این پژوهش جهت دستکاری این متغیر، در شرایط وجود اغواگری مدیریت، از دانش مدیر حسابرس تعریف می‌شود و از اینکه شرکت با او کار می‌کند، ابراز خوشحالی می‌شود و حتی به او هدیه‌ای داده می‌شود. این دستکاری طبق پژوهش‌های پیشین می‌باشد؛ زیرا صاحبکاران اغواگر از طریق تعریف و تمجید از حسابرس، بر قضاوت او نفوذ می‌یابند (به طور مثال ایستمن، ۱۹۹۴؛ رابرتسون، ۲۰۱۰). در شرایط عدم وجود اغواگری مدیریت نیز هیچ یک از موارد فوق بیان نمی‌گردد. جهت اندازه‌گیری این متغیر نیز، در صورت وجود اغواگری مدیریت عدد «۱» و در صورت عدم وجود اغواگری مدیریت عدد «۰» در نظر گرفته شده است.

انگیزه‌های مدیریت نسبت به سود: در این پژوهش منظور از انگیزه‌های مدیریت، ترغیب مدیریت نسبت به سود می‌باشد. انگیزه‌های مدیریت نسبت به سود در این پژوهش به دو حالت بکار برده شده است؛ انگیزه‌های پایین و بالا. منظور از انگیزه‌های پایین مدیریت نسبت به سود، در این پژوهش، انگیزه مدیریت به تحریف سود به جهت اخذ پاداش مبتنی بر سود می‌باشد که مدیریت نیز در صورت ارائه ثبت تعدیلی پیشنهادی حسابرس مستقل، حاضر به ثبت و شناسایی ثبت پیشنهادی حسابرس در دفاتر و صورت‌های مالی می‌باشد؛ که به نوعی انگیزه شخصی می‌باشد (رابرتسون، ۲۰۱۰؛ براون و پوپووا، ۲۰۱۶). همچنین با توجه به اینکه در شرکت‌های بورسی ایران انگیزه اعمال مدیریت سود با افزایش میزان بدهی بیشتر می‌شود (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴)، در این پژوهش برای انگیزه‌های بالای

مدیریت نسبت به مدیریت سود، علاوه به دریافت پاداش مبتنی بر سود (انگیزه شخصی)، عدم ثبت هزینه‌های کاهش ارزش دارایی‌ها به جهت جلوگیری از مشکلات قرارداد بدهی تعریف شده است (انگیزه شرکتی) که مدیریت نیز اصرار بر عدم صدور ثبت پیشنهادی حسابرس دارد؛ که به نوعی علاوه بر انگیزه شخصی شامل انگیزه شرکتی مدیریت نسبت به مدیریت سود می‌باشد (رابرتسون، ۲۰۱۰؛ براون و پوپووا، ۲۰۱۶). استفاده از انگیزه‌های مدیریت سود طبق پژوهش‌های خارجی پیش گفته در پژوهش حاضر، بدین علت می‌باشد که انگیزه مدیریت سود در ایران و سایر کشورها مشابه و نزدیک است (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۲). در نهایت، نحوه اندازه‌گیری آن به این صورت است که برای انگیزه بالا نسبت به مدیریت سود عدد "۱" و برای انگیزه پایین نسبت به مدیریت سود عدد "۰" در نظر گرفته شده است.

ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل: در این پژوهش ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل، به دو صورت وجود و عدم وجود ارتباط مذکور، در موردهای پژوهش، طی سناریوهای مختلف، مورد دستکاری قرار گرفته است. در زمان وجود ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل، به مدیر حسابرسی مستقل، علاوه بر مشخصات اعضای کمیته حسابرسی شرکت، بیان شده است که "کمیته حسابرسی این شرکت بر فرآیند و کیفیت گزارشگری مالی تمرکز دارد و با مدیر حسابرسی جلسه‌ای تشکیل می‌دهد و از مدیر حسابرسی انتظار دارد که هر تعدیل حسابی که در عملیات حسابرسی کشف شده، از طرف حسابرس مستقل به مدیریت شرکت پیشنهاد شود و هیچ ثبت تعدیل حسابی از طرف حسابرس چشم پوشی نشود". در زمان عدم وجود ارتباط نیز صرفاً مشخصات اعضای کمیته حسابرسی در اختیار مدیر حسابرسی مستقل قرار گرفته است. نحوه اندازه‌گیری این متغیر نیز به این صورت است که در صورت وجود ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل، عدد (۱) و در صورت عدم وجود ارتباط نیز عدد (۰) در نظر گرفته می‌شود.

تعامل متغیرهای مستقل: در این پژوهش، علاوه بر بررسی تأثیر متغیرهای مستقل فوق الذکر، به صورت جداگانه بر روی متغیرهای وابسته، با توجه به هدف پژوهش، از طریق آزمون MANCOVA، به بررسی تأثیر متغیرهای مستقل با یکدیگر بر روی متغیرهای وابسته پرداخته می‌شود؛ که اصطلاحاً به آن تعامل ۱۶ متغیرهای مستقل گفته می‌شود. از این رو، در این پژوهش، علاوه بر بررسی تأثیر متغیرهای مستقل به صورت جداگانه بر روی متغیرهای وابسته،

به بررسی تأثیر تعامل اغواگری مدیریت و انگیزه های مدیریت نسبت به مدیریت سود، تعامل اغواگری مدیریت و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل، تعامل انگیزه های مدیریت نسبت به مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل و تعامل اغواگری مدیریت، انگیزه های مدیریت نسبت به مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر روی متغیرهای وابسته پرداخته می شود.

متغیرهای کنترلی (کوواریت ۱۷): نحوه اندازه گیری متغیرهای کنترلی به شرح زیر است: میزان تجربه حرف های با استفاده پرسشنامه و به صورت سوال چند گزینه ای (۳ الی ۱۰ سال، ۱۰ الی ۱۵ سال، ۱۵ الی ۲۰ سال و بیش از ۲۰ سال)، پابندی مدیران حسابرسی به اخلاق حرف های با استفاده از پرسشنامه فلاوی (۲۰۱۴)، ریسک پذیری مدیر حسابرسی با استفاده از پرسشنامه مؤسسه توسعه کارآفرینی هند (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲)، فرهنگ سازمانی با استفاده از پرسشنامه هانت و همکاران (۱۹۸۹) و طبقه مؤسسه حسابرسی نزد سازمان بورس نیز از طریق سایت سازمان بورس استخراج شده است. لازم به توضیح است، پرسشنامه های اخلاق حرفه ای، ریسک پذیری و فرهنگ سازمانی، به صورت طیف لیکرت ۵ درجه ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم می باشد، که برای متغیرهای مذکور از میانگین پاسخ های مدیران حسابرسی در طیف لیکرت استفاده شده است. همچنین طبقه مؤسسه حسابرسی نزد سازمان بورس نیز، براساس دستورالعملی در این خصوص است که سازمان بورس تدوین کرده و مؤسسات حسابرسی را براساس معیارهای کیفیت، بین ۴ گروه به ترتیب از ۱ تا ۴ طبقه بندی می کنند.

در نهایت اینکه متغیر وابسته پژوهش، کیفیت قضاوت حسابرسی می باشد. با توجه به اینکه کیفیت قضاوت حسابرس به کاهش اختلال و سوگیری و بهبود دقت اطلاعات حسابداری و اطلاعات ارایه شده توسط حسابرس گفته می شود (والاس، ۱۹۸۰)؛ از این رو در پژوهش حاضر، با توجه به هدف و مورد پژوهش ارائه شده به مدیران حسابرسی، کیفیت قضاوت حسابرس در قالب پیشنهاد ثبت تعدیلی نسبت به ذخایر کاهش ارزش موجودی کالا، مطالبات و سرمایه گذاری ها سنجیده می شود. لازم به توضیح است، پیشنهاد مذکور از طریق طیف لیکرت ۱۵ درجه ای (خیلی کم تا خیلی زیاد) اندازه گیری می شود.

یافته‌های پژوهش روایی و پایایی ابزار پژوهش

در این پژوهش، جهت تهیه مورد پژوهش از پژوهش‌های رابرتسون (۲۰۱۰) و براون و پوپووا (۲۰۱۶) استفاده شده است. همچنین روایی منطقی ظاهری و محتوایی مورد پژوهش، از منظر ظاهری، کمیتی و کیفیت، توسط خبرگان و اساتید مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین جهت بررسی پایایی ابزار پژوهش از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. گفتنی است، ضریب آلفای کرونباخ کمتر از ۶۰ درصد معمولاً ضعیف تلقی می‌شود، دامنه ۷۰ درصد قابل قبول و بیش از ۸۰ درصد خوب تلقی می‌شود (رامین مهر، ۱۳۹۲). همان‌طور که از ضرایب آلفای کرونباخ نگاره (۱) مشخص است، پایایی ابزار پژوهش نسبت به متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش و همچنین نسبت به کل ابزار پژوهش، خوب و نسبت به متغیرهای وابسته پژوهش، قابل قبول می‌باشد.

نگاره (۱): آزمون آلفای کرونباخ

متغیرها	آلفای کرونباخ
اغواگری مدیریت	۰/۸۲۹
انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود	۰/۸۲۶
ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل	۰/۸۲۱
قضاوت بر روی کاهش ارزش موجودی کالا	۰/۷۵۲
قضاوت بر روی کاهش ارزش مطالبات	۰/۷۵۲
قضاوت بر روی کاهش ارزش سرمایه گذاری	۰/۷۵۰
تجربه حرفه‌ای مدیر حسابرسی	۰/۸۲۸
اخلاق حرفه‌ای	۰/۸۳۸
ریسک‌پذیری مدیر حسابرسی	۰/۸۳۴
طبقه موسسه حسابرسی	۰/۸۳۷
فرهنگ سازمانی	۰/۸۲۸
کل پرسشنامه	۰/۸۲۷

توزیع فراوانی سوالات جمعیت شناختی

پس از جمع آوری داده‌های مربوط به ۷۰ نفر از مدیران حسابرسی و بررسی بر روی آن‌ها، داده‌های مربوط به ۶ نفر از مدیران حسابرسی با توجه به پرت بودن داده‌ها، کنار گذاشته شدند و جمعا تحلیل بر روی داده‌های ۶۴ نفر از مدیران حسابرسی انجام گرفت.

طبق پاسخ‌های جمع آوری شده از مدیران حسابرسی، همان‌طور که از نگاره (۲) مشخص است، ۸۷ درصد از مدیران حسابرسی، مرد هستند و ۱۳ درصد دارای جنسیت زن می‌باشند. همچنین تمام مدیران حسابرسی تجربه جلسه با کمیته حسابرسی داشتند. بقیه اطلاعات در نگاره (۲) مشخص می‌باشد.

نگاره (۲): اطلاعات جمعیت شناختی

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۵۶	۸۷
	زن	۸	۱۳
جمع		۶۴	۱۰۰
رشته تحصیلی	حسابداری	۵۵	۸۶
	سایر رشته‌ها	۹	۱۴
جمع		۶۴	۱۰۰
سطح تحصیلات	کارشناسی	۱۷	۲۷
	کارشناسی ارشد	۴۳	۶۷
	دکتری	۴	۶
جمع		۶۴	۱۰۰

آمار توصیفی

شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکنندگی مقادیر هر یک از متغیرهای پژوهش، در نگاره (۳) نشان داده شده است. همان‌طور که از نگاره (۳) مشخص است، میانگین متغیر کیفیت قضاوت حسابرسان جهت ارائه ثبت پیشنهادی ذخیره کاهش ارزش حساب‌های موجودی کالا، مطالبات و سرمایه گذاری تقریبا برابر ۱۰ می‌باشد و با توجه به اینکه طیف ثبت تعدیلی پیشنهادی ۰ الی ۱۵ (از خیلی کم تا خیلی زیاد) می‌باشد و میانگین مذکور از متوسط طیف

بیشتر است، از این رو می‌توان بیان کرد که مدیران حسابرسی شرکت کننده در آزمایش پژوهش بیشتر تمایل به ارائه ثبت پیشنهادی کاهش ارزش دارایی‌ها، به میزان بالا را دارند. همچنین میانگین طبقه مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار نمونه پژوهش، بیشتر بین طبقات اول و دوم می‌باشند و تجربه مدیران حسابرسی نمونه پژوهش بیشتر بین ۱۰ الی ۱۵ سال است. همچنین بقیه اطلاعات آمار توصیفی در نگاره (۳) مشخص می‌باشد.

نگاره (۳): آمار توصیفی

ریسک پذیری	پابندی به اخلاق حرفه‌ای	میزان تجربه حرف‌های مدیر حسابرسی	فرهنگ سازمانی	طبقه بندی موسسه از نظر سازمان بورس	قضاوت بر روی کاهش ارزش سرمایه گذاری	قضاوت بر روی کاهش ارزش مطالبات	قضاوت بر روی کاهش ارزش موجودی کالا	
۳/۱۶	۳/۰۲	۲/۱۹	۲/۰۵	۱/۶۳	۹/۸۱	۱۰/۱۴	۱۰/۱۷	میانگین
۳/۰۸	۲/۹۹	۱	۱/۸	۱	۱۰	۱۰	۱۰	میانه
۳/۰۸	۲/۹۵	۲	۱/۶	۱	۱۰	۱۰	۱۰	مد
۰/۵۱	۰/۲۳	۰/۸۷	۰/۷۶	۰/۸۵	۳/۰۸	۳/۱۳	۳/۰۹	انحراف معیار
۲/۳۳	۲/۲۹	۱	۱/۲	۱	۲	۲	۲	حداقل
۴/۶۷	۳/۶۸	۴	۴/۸	۴	۱۵	۱۵	۱۵	حداکثر
۱/۳۲	۰/۲۲	۰/۲۲	۱/۶۴	۱/۳	-۰/۴۲	-۰/۵۶	-۰/۶	چولگی
۱/۶۰	۱/۳۹	-۰/۶۸	۱/۴۶	۱/۰۵	۰/۴۳	۰/۵۱	۰/۶۸	کشیدگی

قبل از انجام آزمون فرضیه‌ها، نتایج آزمون‌های پیش فرض آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره ارائه می‌شود. در این پژوهش با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف ۱۸ نرمال بودن متغیرهای وابسته بررسی شده است. طبق محاسبات نرم افزار، مقادیر سطح معناداری با استفاده از آزمون مذکور، برای متغیرهای موجودی کالا، مطالبات و سرمایه گذاری‌ها، بالای ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که هر سه متغیر وابسته دارای توزیع نرمال می‌باشند. همچنین با توجه به آزمون Box's M و مقدار معناداری ۰/۶۵۷، مشخص شد که ماتریس‌های کوواریانس در هر یک از گروه‌های متغیرهای مستقل همگن می‌باشند. در نهایت اینکه، در این پژوهش برخی از مشاهدات پرت جمع‌آوری شده از برخی افراد، از طریق بررسی داده‌ها و نمودار پراکنش حذف گردیدند که یکی از دلایل کاهش تعداد آزمودنی‌ها از ۷۰ نفر به ۶۴ نفر همین مساله بوده است.

آمار استنباطی

پس از جمع آوری داده‌های پژوهش و طبقه‌بندی آن‌ها و همچنین با توجه به آزمون‌های پیش فرض انجام شده در بخش قبلی پژوهش، هم‌اکنون می‌توان از طریق آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره، به تحلیل فرضیه‌های پژوهش پرداخت.

نگاره (۴): آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره

منبع	مجموع مربعات نوع سوم ^{۱۹}	درجه آزادی	خطای میانگین مربع ^{۲۰}	TF آماره	معناداری	اتای جزئی مربع ^{۲۱}	
مدل تصحیح شده ^{۲۲}	موجودی کالا	۵۷۳/۴۹۴ ^a	۱۲	۴۷/۷۹۱	۸۸/۲۵۹	۰/۰۰۰	۰/۹۵۴
	مطالبات	۵۹۴/۰۷۴ ^b	۱۲	۴۹/۵۰۶	۱۱۶/۵۶۳	۰/۰۰۰	۰/۹۶۵
	سرمایه گذاری	۵۶۹/۸۱۷ ^c	۱۲	۴۷/۴۸۵	۹۳/۳۸۵	۰/۰۰۰	۰/۹۵۶
عرض از مبدا ^{۲۳}	موجودی کالا	۶/۵۵۹	۱	۶/۵۵۹	۱۲/۱۱۴	۰/۰۰۱	۰/۱۹۲
	مطالبات	۴/۳۶۰	۱	۴/۳۶۰	۱۰/۲۶۶	۰/۰۰۲	۰/۱۶۸
	سرمایه گذاری	۴/۰۱۲	۱	۴/۰۱۲	۷/۸۹۱	۰/۰۰۷	۰/۱۳۴
طبقه بندی موسسه حسابرسی	موجودی کالا	۴۰/۵۸۳	۱	۴۰/۵۸۳	۷۴/۹۴۸	۰/۰۰۰	۰/۵۹۵
	مطالبات	۳۸/۳۱۵	۱	۳۸/۳۱۵	۹۰/۲۱۴	۰/۰۰۰	۰/۶۳۹
	سرمایه گذاری	۳۰/۰۵۰	۱	۳۰/۰۵۰	۵۹/۰۹۶	۰/۰۰۰	۰/۵۳۷
تجربه حرف‌های	موجودی کالا	۰/۲۷۴	۱	۰/۲۷۴	۰/۵۰۵	۰/۴۸۰	۰/۰۱۰
	مطالبات	۰/۱۸۰	۱	۰/۱۸۰	۰/۴۲۴	۰/۵۱۸	۰/۰۰۸
	سرمایه گذاری	۰/۰۶۱	۱	۰/۰۶۱	۰/۱۲۰	۰/۷۳۰	۰/۰۰۲
اخلاق حرف‌های	موجودی کالا	۰/۰۰۴	۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۹۳۵	۰/۰۰۰
	مطالبات	۰/۰۵۸	۱	۰/۰۵۸	۰/۱۳۷	۰/۷۱۳	۰/۰۰۳
	سرمایه گذاری	۰/۲۳۹	۱	۰/۲۳۹	۰/۴۶۹	۰/۴۹۶	۰/۰۰۹
ریسک پذیری	موجودی کالا	۲/۰۰۰	۱	۲/۰۰۰	۳/۶۹۴	۰/۰۶۰	۰/۰۶۸
	مطالبات	۲/۷۵۷	۱	۲/۷۵۷	۶/۴۹۱	۰/۰۱۴	۰/۱۱۳
	سرمایه گذاری	۱/۲۲۹	۱	۱/۲۲۹	۲/۴۱۸	۰/۱۲۶	۰/۰۴۵
فرهنگ سازمانی	موجودی کالا	۰/۰۸۴	۱	۰/۰۸۴	۰/۱۵۶	۰/۶۹۵	۰/۰۰۳
	مطالبات	۰/۲۲۰	۱	۰/۲۲۰	۰/۵۱۸	۰/۴۷۵	۰/۰۱۰
	سرمایه گذاری	۰/۸۳۸	۱	۰/۸۳۸	۱/۶۴۹	۰/۲۰۵	۰/۰۳۱
اغواگری مدیریت	موجودی کالا	۳/۷۵۵	۱	۳/۷۵۵	۶/۹۳۵	۰/۰۱۱	۰/۱۲۰
	مطالبات	۳/۳۹۱	۱	۳/۳۹۱	۷/۹۸۴	۰/۰۰۷	۰/۱۳۵
	سرمایه گذاری	۸/۷۵۶	۱	۸/۷۵۶	۱۷/۲۲۰	۰/۰۰۰	۰/۲۵۲
انگیزه‌های مدیریت سود	موجودی کالا	۲۳/۴۵۸	۱	۲۳/۴۵۸	۴۳/۳۲۲	۰/۰۰۰	۰/۴۵۹

منبع	مجموع مربعات نوع سوم ^{۱۹}	درجه آزادی	خطای میانگین مربع ^{۲۰}	TF آماره	معناداری	اتای جزئی مربع ^{۲۱}	
مطالبات	۲۲/۴۳۵	۱	۲۲/۴۳۵	۵۲/۸۲۴	۰/۰۰۰	۰/۵۰۹	
	سرمایه‌گذاری	۲۲/۸۶۸	۱	۲۲/۸۶۸	۴۴/۹۷۲	۰/۰۰۰	۰/۴۶۹
ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل	موجودی کالا	۱۸/۳۳۸	۱	۱۸/۳۳۸	۳۳/۳۶۵	۰/۰۰۰	۰/۳۹۹
	مطالبات	۱۷/۰۷۶	۱	۱۷/۰۷۶	۴۰/۲۰۵	۰/۰۰۰	۰/۴۴۱
	سرمایه‌گذاری	۱۶/۰۶۹	۱	۱۶/۰۶۹	۳۱/۶۰۲	۰/۰۰۰	۰/۳۸۳
تعامل اغواگری و انگیزه‌های مدیریت سود	موجودی کالا	۱۲/۵۷۷	۱	۱۲/۵۷۷	۲۳/۲۲۷	۰/۰۰۰	۰/۳۱۳
	مطالبات	۱۵/۸۱۶	۱	۱۵/۸۱۶	۳۷/۲۳۹	۰/۰۰۰	۰/۴۲۲
	سرمایه‌گذاری	۱۲/۹۵۷	۱	۱۲/۹۵۷	۲۵/۴۸۱	۰/۰۰۰	۰/۳۳۳
تعامل اغواگری مدیریت و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل	موجودی کالا	۰/۸۱۴	۱	۰/۸۱۴	۱/۵۰۴	۰/۲۲۶	۰/۰۲۹
	مطالبات	۰/۵۴۹	۱	۰/۵۴۹	۱/۲۹۲	۰/۲۶۱	۰/۰۲۵
	سرمایه‌گذاری	۱/۲۰۸	۱	۱/۲۰۸	۲/۳۷۶	۰/۱۲۹	۰/۰۴۵
تعامل انگیزه‌های مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل	موجودی کالا	۴/۴۸۵	۱	۴/۴۸۵	۸/۲۸۲	۰/۰۰۶	۰/۱۴۰
	مطالبات	۶/۷۸۱	۱	۶/۷۸۱	۱۵/۹۶۷	۰/۰۰۰	۰/۲۳۸
	سرمایه‌گذاری	۹/۵۴۵	۱	۹/۵۴۵	۱۸/۷۷۱	۰/۰۰۰	۰/۲۶۹
تعامل اغواگری و انگیزه‌های مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل	موجودی کالا	۵/۵۶۹	۱	۵/۵۶۹	۱۰/۲۸۵	۰/۰۰۲	۰/۱۶۸
	مطالبات	۳/۴۵۵	۱	۳/۴۵۵	۸/۱۳۴	۰/۰۰۶	۰/۱۳۸
	سرمایه‌گذاری	۲/۴۸۳	۱	۲/۴۸۳	۴/۸۸۴	۰/۰۳۲	۰/۰۸۷
خطا	موجودی کالا	۲۷/۶۱۶	۵۱	۰/۵۴۱			
	مطالبات	۲۱/۶۶۱	۵۱	۰/۴۲۵			
	سرمایه‌گذاری	۲۵/۹۳۳	۵۱	۰/۵۰۸			
جمع	موجودی کالا	۷۲۲۳/۰۰۰	۶۴				
	مطالبات	۷۱۹۷/۰۰۰	۶۴				
	سرمایه‌گذاری	۶۷۵۸/۰۰۰	۶۴				
جمع تصحیح شده	موجودی کالا	۶۰۱/۱۰۹	۶۳				
	مطالبات	۶۱۵/۷۳۴	۶۳				
	سرمایه‌گذاری	۵۹۵/۷۵۰	۶۳				

a. ضریب تعیین = ۰/۹۵۴ (ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۹۴۳)

b. ضریب تعیین = ۰/۹۶۵ (ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۹۵۷)

c. ضریب تعیین = ۰/۹۵۶ (ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۹۴۶)

همان طور که از نگاره (۴) مشخص است، اغواگری مدیریت بر کیفیت قضاوت حسابرس (هر سه متغیر وابسته) در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر معناداری دارد ولی میانگین متغیر کیفیت قضاوت مدیران حسابرس هنگام وجود اغواگری مدیریت (۱۱/۰۵) نسبت به عدم وجود اغواگری مدیریت (۹/۰۳) بیشتر است. از این رو، فرضیه اول پژوهش رد می شود. انگیزه های مدیریت نسبت به مدیریت سود بر کیفیت قضاوت حسابرس (هر سه متغیر وابسته) در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر معناداری دارد. همچنین گفتنی است، میانگین متغیر کیفیت قضاوت مدیران حسابرس هنگام انگیزه های بالا (۱۱/۵۶) در مقابل انگیزه های پایین نسبت به مدیریت سود (۸/۵۲) بیشتر است. از این رو، فرضیه دوم پژوهش تأیید می شود. همچنین لازم به توضیح است که تعامل اغواگری مدیریت و انگیزه های مدیریت نسبت به مدیریت سود بر کیفیت قضاوت تأثیر مثبت و معنادار دارد. همان طور که از نگاره (۴) مشخص است، ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بر کیفیت قضاوت حسابرسی تأثیر معنادار دارد. همچنین میانگین کیفیت قضاوت مدیران حسابرسی هنگام وجود ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل (۱۱/۹۸) بیش از زمانی است که این ارتباط وجود ندارد (۸/۱۰). از این رو، فرضیه سوم پژوهش نیز تأیید می شود. گفتنی است، طبق نگاره (۴)، تعامل انگیزه های مدیریت نسبت به مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل، تأثیر معناداری بر کیفیت قضاوت حسابرس دارد ولی تعامل اغواگری مدیریت و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تأثیر معناداری ندارد. طبق نگاره (۴)، تعامل اغواگری مدیریت و انگیزه های مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس (هر سه متغیر وابسته)، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می باشد.

ستون آخر نگاره (۴) نیز واریانس تبیین شده متغیرهای وابسته از طریق متغیرهای مستقل را نمایش می دهد. همان طور که مشخص است، بیشترین تبیین واریانس کیفیت قضاوت حسابرس از طرف انگیزه های مدیریت نسبت به مدیریت سود صورت گرفته است و این تبیین بدین معناست که تغییرات انگیزه های مدیریت تأثیر بالایی را بر روی کیفیت قضاوت حسابرس می گذارد. در نهایت اینکه در رابطه با متغیرهای کنترلی (کوواریت)، همان طور که از نگاره (۴) مشخص است، صرفاً ارتباط متغیر طبقه بندی مؤسسات حسابرسی معتمد توسط سازمان بورس،

در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر معناداری دارد. همچنین نتایج حاصل از آزمون‌های چند متغیره ۲۴ اثر پیلای ۲۵، لاندای ویلکز ۲۶، اثر هتلینگ ۲۷ و بزرگترین ریشه اختصاصی ری ۲۸ نیز گویای این است که میانگین میزان کیفیت قضاوت مدیران حسابرسی بین گروه‌های مختلف اغواگری مدیریت، انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل و همچنین تعامل آن‌ها (غیر از تعامل اغواگری مدیریت و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل) تفاوت معناداری وجود دارد.

نگاره (۵): تأثیر اغواگری مدیریت و انگیزه‌های مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس

منبع	مجموع مربعات نوع سوم	درجه آزادی	خطای میانگین مربع	F آماره	معناداری	اتای جزئی مربع	
انگیزه‌های مدیریت سود	موجودی کالا	۱۸/۵۳۵	۱	۱۸/۵۳۵	۶۲/۶۹۷	۰/۰۰۰	۰/۸۲۸
	مطالبات	۱۵/۵۹۸	۱	۱۵/۵۹۸	۵۹/۷۳۲	۰/۰۰۰	۰/۸۲۱
	سرمایه گذاری	۱۲/۵۶۸	۱	۱۲/۵۶۸	۲۳/۲۶۸	۰/۰۰۰	۰/۶۴۲

همچنین طبق نگاره (۵) مشخص است که هنگام وجود اغواگری مدیریت، انگیزه‌های بالای مدیریت سود در مقابل انگیزه‌های پایین مدیریت سود، باعث تأثیر معنادار ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل می‌شود. همچنین با وجود اغواگری مدیریت و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل، میانگین کیفیت قضاوت مدیران حسابرسی هنگام وجود انگیزه‌های بالا مدیریت نسبت به مدیریت سود (۱۴/۷۹) بیش از زمانی است که انگیزه مدیریت نسبت به مدیریت سود پایین باشد (۱۱/۸۳). از این رو، فرضیه چهارم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

موضوع راهبری شرکتی تغییرات قابل توجهی در طول دو دهه اخیر داشته است. از تغییرات مذکور می‌توان به ایجاد نقش فعال کمیته حسابرسی اشاره کرد. در سال‌های گذشته اهمیت کمیته حسابرسی از طریق تصویب استاندارد شماره ۱۶ هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام، افزایش یافته است (هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام، ۲۰۱۲). استاندارد مذکور ارتباط دو طرفه مؤثر بین حسابرس و کمیته حسابرسی را تقویت کرده است. همچنین سازمان بورس و اوراق بهادار نیز در منشور کمیته حسابرسی به تشکیل حداقل دو

جلسه کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل تأکید کرده است (بند ۵ ماده ۱۴ منشور نمونه کمیته حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱). از طرفی نیز ممکن است حسابرسان به دلایل مختلفی (همچون اغواگری مدیریت و انگیزه های مدیریت نسبت به مدیریت سود) تحت نفوذ درخواست های مدیران صاحبکار قرار گیرند (رابرتسون، ۲۰۱۰؛ براون و پوپووا، ۲۰۱۶). از این رو، در این پژوهش به بررسی مکانیزم تأثیر ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس مستقل با تأکید بر اغواگری مدیریت و انگیزه های مدیریت بر مدیریت سود پرداخته شد.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که اغواگری مدیریت بر کیفیت قضاوت حسابرسی تأثیر مثبت و معنادار دارد. نتیجه مذکور با نتیجه پژوهش رابرتسون (۲۰۱۰) مغایرت دارد. دلیل مغایرت مذکور تفاوت شرایط پژوهشی و نیز تفاوت فرهنگی در دو کشور مورد پژوهش است و همان طور که مشخص است در ایران چنانچه مدیریت صاحبکار اقدام به اغواگری حسابرس مستقل نماید، حسابرس اعتماد لازم را به مدیریت ندارد و کیفیت قضاوت خود را افزایش می دهد. همچنین انگیزه های مدیریت سود و تعامل هر دو متغیر اغواگری مدیریت و انگیزه های مدیریت سود با یکدیگر، بر کیفیت قضاوت حسابرس مستقل تأثیر مثبت و معنادار دارند. این معناداری نشان دهنده این است که طبق ادبیات اغواگری و تئوری اعتبار منبع، هنگامی که مدیریت دارای حس اغواگری نسبت به حسابرس داشته باشد و حسابرس نیز متوجه انگیزه بالا مدیریت سود شود، برای مدیریت به عنوان یک منبع اطلاعاتی، اعتبار لازم قائل نیست و اجازه نفوذ مدیریت (طبق اصطلاح ترجیحات رقابتی در عملکرد) را بر کیفیت قضاوت خود نمی دهد و در نتیجه قضاوت حرف های و درست را ارائه می دهد (رابرتسون، ۲۰۱۰؛ براون و پوپووا، ۲۰۱۶). گفتنی است، نتیجه مذکور با نتایج پژوهش های گرملینگ (۱۹۹۹)، بیرستیکر و رایت (۲۰۰۱)، رابرتسون (۲۰۱۰) و براون و پوپووا (۲۰۱۶) مطابقت دارد. همچنین طبق نتایج، به ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر مثبت و معناداری دارد. این تأثیر معنادار بدین علت است که کمیته حسابرسی نسبت به کیفیت قضاوت حسابرسی و گزارشگری مالی حمایت می کند (دی زورت و همکاران، ۲۰۰۸، پامروی، ۲۰۱۰) و از طرفی نیز همان طور که مشخص است، حسابرسان به مدیران صاحبکار اعتماد بالایی ندارند و هنگامی که کمیته حسابرسی با حسابرس ارتباط برقرار می کند، حسابرس به پشتوانه حمایت کمیته

حسابرسی، قضاوت حرف‌های و بهتری ارائه می‌دهد (براون و پوپووا، ۲۰۱۶). گفتنی است، نتیجه مذکور با نتیجه پژوهش براون و پوپووا (۲۰۱۶) مطابقت ندارد. دلیل عدم تطابق نیز همان‌طور که پیشتر بیان شد، تفاوت شرایط پژوهش حاضر و همچنین تفاوت شرایط محیطی حاکم بر دو پژوهش می‌باشد. همچنین یافته‌ها نشان داد که تعامل انگیزه‌های مدیریت نسبت به مدیریت سود و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر مثبت و معنادار دارد؛ ولی تعامل اغواگری مدیریت و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر معنادار ندارد. علت عدم معناداری تأثیر مذکور این است که در صورت عدم وجود انگیزه‌های مدیریت، با صرف وجود اغواگری مدیریت، ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل نمی‌تواند بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر معنادار داشته باشد (رابرتسون، ۲۰۱۰؛ براون و پوپووا، ۲۰۱۶). همچنین یافته‌ها نشان داد، اغواگری مدیریت و انگیزه‌های بالای مدیریت نسبت به مدیریت سود، طبق تئوری اعتبار منیع، موجب از بین رفتن اعتبار لازم مدیریت صاحبکار می‌شود و در نتیجه موجب تأثیر مثبت و معنادار ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل بر کیفیت قضاوت حسابرس می‌شود. گفتنی است نتیجه مذکور با نتیجه پژوهش براون و پوپووا (۲۰۱۶) مطابقت دارد. در کل نتایج این پژوهش بیانگر این موضوع است که انگیزه‌های بالای مدیریت سود، تأثیر زیادی بر روی ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل دارد. این دستاوردها، اهمیت ارتباط بین بازیگران مختلف در راهبری شرکتی (کوهن و همکاران، ۲۰۰۴) و توانایی کمیته حسابرسی نسبت به نفوذ بر حسابرس را نشان می‌دهد. همچنین با توجه به اهمیت کمیته حسابرسی در بهبود کیفیت راهبری شرکتی، پیشنهاد می‌شود سازمان بورس و اوراق بهادار توجه بیشتری به ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل در چارچوب کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی داشته باشد. حتی در منشور نمونه کمیته حسابرسی تعداد تشکیل جلسات و ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرس مستقل را بیشتر در نظر گیرد. همچنین با توجه به احتمال وجود انگیزه مدیران نسبت به نفوذ بر حسابرسان مستقل، پیشنهاد می‌شود مؤسسات حسابرسی و قانون‌گذاران توجه لازم را نسبت به چنین انگیزه‌هایی داشته باشند و کمیته حسابرسی را در تقویت کیفیت گزارشگری مالی بیشتر مورد توجه قرار دهند. البته تمام موارد فوق در گرو انتخاب مناسب اعضای کمیته حسابرسی و نظارت و اهمیت هیئت‌مدیره بر آن می‌باشد.

در رابطه با محدودیت‌های پژوهش، مهم‌ترین محدودیت، ماهیت پژوهش‌های آزمایشی بین آزمودنی می‌باشد؛ اینکه ممکن است تمایز بین نتایج حاصل از آزمودنی‌ها ارتباطی به سطوح سناریوها نداشته باشد. بدین منظور سعی شد این محدودیت‌ها با استفاده از روش‌های کنترل متغیر مزاحم، تاحدودی برطرف گردد. همچنین از محدودیت‌های پژوهش آزمایشی، تصنعی بودن و پدیده نو بودن محیط آزمایشی (هاثورن) است که می‌تواند بر روی روایی بیرونی این نوع پژوهش‌ها تأثیر بگذارد (ازکیا و دربان، ۱۳۸۲، فاضل ۱۳۸۱). همچنین در این پژوهش، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از سایر ارکان حرفه حسابرسی (به طور نمونه سرپرستان مؤسسات حسابرسی) و متغیرهای کنترلی (کوواریت) دیگری به خصوص متغیرهای مؤثر بر فرآیند قضاوت استفاده و نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود.

پی نوشت

۱	Blue Ribbon [BRC]	۱۵	MANCOVA
۲	Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB)	۱۶	Interaction
۳	Corporate Governance	۱۷	Covariate
۴	Complex Accountability	۱۸	Kolmogorov- Smirnov
۵	Competing Preferences for Auditor Performance	۱۹	Type III Sum of Squares
۶	Cognitive-Based	۲۰	Mean Square
۷	Social Identity Theory	۲۱	Partial Eta Squared
۸	Ingratiation	۲۲	Corrected Model
۹	Source Credibility Theory	۲۳	Intercept
۱۰	Source Expertise	۲۴	Multivariate Tests
۱۱	Source Incentive	۲۵	Pillai's Trace
۱۲	Case	۲۶	Wilks' Lambda
۱۳	Positive	۲۷	Hotelling's Trace
۱۴	Deductive	۲۸	Roy's Largest Root

منابع

- احمدپور داریانی، محمود؛ مقیمی، سیدمحمد. (۱۳۹۲). مبانی کارآفرینی، تهران: انتشارات نگاه دانش.
- ازکیا، مصطفی؛ دربان، علیرضا. (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق، تهران: انتشارات کیهان.
- ایزاک، استفان. (۱۳۸۴). راهنمای تحقیق و ارزشیابی در روانشناسی و علوم تربیتی، ترجمه: علی دلاور، تهران: انتشارات ارسباران.
- بادپا، بهروز؛ پورحیدری، امید؛ خدای پور، احمد. (۱۳۹۸). اثر نگرش‌های حمایتی و آشنایی حسابرس با صاحبکار بر قضاوت اولیه حسابرس و استراتژی جستجوی شواهد. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۸ (۱۴)، صص ۷-۴۲.
- بی، ارل. (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه: رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- پاشا شریفی، حسن؛ شریفی، نسرين. (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات سخن.
- داداشی، ایمان؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۷). ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی مبتنی بر معادلات ساختاری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۸ (۳۰)، صص ۲۵۱-۲۷۱.
- دستورالعمل کنترل‌های داخلی سازمان بورس و اوراق بهادار، (۱۳۹۱).
- رامین مهر، حمید؛ چارستاد، پروانه. (۱۳۹۲). روش تحقیق کمی، تهران: انتشارات ترمه.
- کریستینسن، لاری بی. (۱۳۸۷). روش‌شناسی آزمایشی، ترجمه: علی دلاور، تهران: انتشارات رشد.
- مشایخ، شهناز؛ اربابی، زهرا؛ رحیمی فر، معصومه. (۱۳۹۲). بررسی انگیزه‌های مدیریت سود. پژوهش حسابداری، ۳ (۲)، صص ۷۰-۵۳.
- منشور نمونه کمیته حسابرسی، سازمان بورس و اوراق بهادار، (۱۳۹۱)
- نصیرزاده، فرزانه؛ اورادی، جواد؛ رجبعلی زاده، جواد. (۱۳۹۶). تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر محافظه‌کاری شرطی. دانش حسابرسی، ۱۷ (۶۸)، صص ۸۳-۱۰۵.
- نوروش، ایرج، سپاسی، سحر؛ نیک بخت، محمدرضا. (۱۳۸۴). بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران. پیشرفت‌های حسابداری، ۲۲ (۲)، صص ۱۶۵-۱۷۷.
- Agyei- Mensah, B. and M. Yeboah. (2019). Effective Audit Committee, Audit Quality And Earnings Management: Evidence From The Ghana Stock Exchange. International Journal Of Managerial And Financial Accounting, 11 (2) , PP 93-112.
- Ahmadpour Daryani, M. and S. Moghimi, (2013). Foundations Of Entrepreneurship, Tehran: Naghsh Danesh Publications, (In Persian).
- Ali Al-Matari. Y. , A. S. M. Sulaiman. And E. M. Al-Matari. (2017). Audit Committee Activities and the Internal Control System of Commercial Banks Operating in Yemen. International Review of Management and Marketing, 7 (1) , 191-196.
- Azkiya, M. and A. Durban. (2003). Applied Research Methods, Tehran: Kayhan Publications, (In Persian).

- Babbie, E. (2003). *Methods In Social Science Research*, Translated By: Reza Fazel, Tehran: Post Publication (In Persian).
- Badpa, B., O. Pour Heydari. and A. Khodamipour. (2019). The Effect Of Supportive Attitudes And Familiarity With The Auditor On The Auditor's Initial Judgment And Evidence Seeking Strategy. *Applied Research In Financial Reporting*, 8 (14), Pp. 7-42, (In Persian).
- Bagley, P. L. (2010). Negative affect: A consequence of multiple accountabilities in auditing. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29 (2), pp 141–157.
- Bamber, E. M. and V. M. Iyer. (2007). Auditors' identification with their clients and its effect on auditors' objectivity. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 26 (2), pp 1–24.
- Beaulieu, P. R. (2001). The effects of judgments of new clients' integrity upon risk judgments, audit evidence, and fees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 20 (2), pp 85–99.
- Bierstaker, J. L. and A. Wright. (2001). The effects of fee pressure and partner pressure on audit planning decisions. *Advances in Accounting* 18, pp 25–46.
- Birnbaum, M. H. and S. E. Stegner. (1979). Source credibility in social judgment: Bias, expertise, and the judge's point of view. *Journal of Personality and Social Psychology*, 37 (1), pp 48–74.
- Bonner, S. (2007). *Judgment and decision making in accounting*, university of southern California.
- Brown, J. O. and V. K. Popova. (2016). The interplay of management incentives and audit committee communication on auditor judgment, behavioral research in accounting, 28 (1), pp. 27-40.
- Carcello, J. V., D. R. Hermanson. and Z. X. Ye. (2011). Corporate governance research in accounting and auditing: Insights, practice implications, and future research directions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30 (3), pp 1–31.
- Christensen, Larry B. (2008). *Experimental Methodology*, Translated By: Ali Delaware, Tehran: Roshd Publications, (In Persian).
- Cialdini, R. and N. Goldstein. (2004). Social influence: Compliance and conformity. *Annual Review of Psychology*, 55, pp 591–621.
- Cohen, J., G. Krishnamoorthy. and A. M. Wright. (2002). Corporate governance and the audit process. *Contemporary Accounting Research*, 19 (4), pp 573–594.
- Cohen, J., G. Krishnamoorthy. and A. M. Wright. (2004). The corporate governance mosaic and financial reporting quality. *Journal of Accounting Literature*, 23 (1), pp 87–152.
- Cohen, J., G. Krishnamoorthy. and A. M. Wright. (2010). Corporate governance in the post Sarbanes-Oxley era: Auditors' experiences. *Contemporary Accounting Research*, 27 (3), pp 751–786.
- Dadashi, E. and M. Nowruz. (2018). Provides A Model For Explaining The Effectiveness Of The Audit Committee And The Quality Of Audit Based On Structural Equations. *Empirical Accounting Research*, 8 (30), Pp. 271- 251, (In Persian).
- DeAngelo, L. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3, pp 297–322.

- DeZoort, F. T. , D. R. Hermanson. and R. W. Houston. (2008). Audit committee member support for proposed audit adjustments: Pre-SOX versus post-SOX judgments. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 27 (1) , pp 85–104.
- Eastman, K. (1994). In the eyes of the beholder: An attributional approach to ingratiation and organizational behavior. *Academy of Management Journal*, 37 (5) , 1379–1391.
- Gibbins, M. (1984). Proposition About The Psychology Of Professional Judgment In Public Accounting. *Journal Of Accounting Research*, 22 (1) , 103-125.
- Gibbins, M. and J. D. Newton. (1994). An empirical exploration of complex accountability in public accounting. *Journal of Accounting Research*, 32 (2) , pp 165–186.
- Gramling, A. A. (1999). External auditors' reliance on work performed by internal auditors: The influence of fee pressure on this reliance decision. *Auditing. A Journal of Practice & Theory*, 18, pp 117–146.
- Hasan flayyeh. A. , A. A. rahman mohammad Baker. and O. H. Othman. (2014). the ethical rules of auditing and the impact of compliance with the ethical rules on auditing quality, *Isra university, jordan/vol18issue3*.
- Herdman, R. K. (2002). Making audit committees more effective. Speech by SEC staff, Tulane Corporate Law Institute. New Orleans, March Available at: <http://www.sec.gov/news/speech/spch543.htm>.
- Hirst, D. (1994). Auditor sensitivity to earnings management. *Contemporary Accounting Research*, 11 (1) , pp 405–422.
- Hunt, S. , L. Chonko. and V. Wood. (1989). Organizational Values and Organizational Commitment in Marketing. *Journal of Marketing*, 53 (3) , pp. 79-90.
- Isaac, S. (2005). *Guide To Research And Evaluation In Psychology And Educational Sciences*, Translated By: Ali Delaware, Tehran: Arasbaran Publications, (In Persian).
- Jones, E. (1964). *Ingratiation: A Social Psychological Analysis*, New York, NY: Appleton-Century-Crofts.
- Kizirian, T. , B. Mayhew. and L. Sneathen, Jr. (2005). The impact of management integrity on audit planning and evidence. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 24 (2) , pp 49–67.
- KPMG. (2012). *KPMG's Audit Committee Priorities for 2013*. Available at: <https://www.kpmg.com/LU/en/topics/auditcommittee/Documents/Global-ACI-2013-Priorities.pdf>
- Mashayekh, Sh. , Z. Arbabi. and M. Rahimifar. (2013). Investigate earnings management motivations. *Accounting Research*, 3 (2) , 53-70. , (In Persian).
- Nasirzadeh, F. , J. Oradi. and H. Rajabali Zadeh. (2017). The Impact Of Audit Committee Characteristics On Conditional Conservatism. *Auditing Knowledge*, 17 (68) , Pp. 83-105, (In Persian).
- Noravesh, I. , S. Sepasi. and M. Nikbakht. (2005). Earnings Management Survey Of Companies Listed In Tehran Stock Exchange. *Accounting Advances*, 22 (2) , Pp. 165-177, (In Persian).
- O'Keefe, D. J. (2002). *Persuasion: Theory and Research*, Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

- Pasha Sharifi, H. and N. Sharifi. (2004). *Research Methods In Social Sciences*, Tehran: Sokhan Publications, (In Persian).
- Pomeroy, B. (2010). Audit committee member investigation of significant accounting decisions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29 (1) , pp 173–205.
- Pornpitakpan, C. (2004). The persuasiveness of source credibility: A critical review of five decades' evidence. *Journal of Applied Social Psychology*, 34 (2) , pp 243–281.
- Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB). (2012). *Communications with Audit Committees*, Auditing Standard No. 16. Washington, DC: PCAOB.
- Ramin Mehr, H. and P. Charstad. (2013). *Quantitative Research Method*, Tehran: Termeh Publications, (In Persian).
- Robertson, J. c. , (2010) , the effect of ingratiation and client incentive on auditor judgment, *behavioral research in accounting*, 22 (2) , pp. 69- 86.
- Sample Charter Of Audit Committee, Stock Exchange And Securities Organization, (2012) (In Persian).
- Stock Exchange Internal Audit Instructions, (2012) (In Persian).
- Tajfel, H. (1974). Social identity and intergroup behavior. *Social Science Information*, 13 (2) , pp 65-93.
- Thacker, R. , and S. Wayne. (1995). An examination of the relationship between upward influence tactics and assessments of promotability. *Journal of Management*, 21 (4) , pp 739–756.
- Varma, A. , S. Toh, and S. Pichler. (2006). Ingratiation in job applications: Impact on selection decisions. *Journal of Managerial Psychology*, 21 (3) , pp 200–210.
- Wanda, A. Wallace. (1980). *The Economic Role Of The Audit In Free And Regulated Markets*, Graduate School Of Mangement, University Of Rochester, NY.
- Windsor, C. and N. M. Ashkansay. (1996). Auditor Independence Decision Making: The Role of Organizational Culture Perceptions. *Behavioral Research in Accounting*, 8, pp. 80-97.

طراحی مدل علل زمینه‌ای ایجاد کننده بلوغ حرفه‌ای حسابرسان مبتنی بر رویکرد نظریه داده بنیاد

محمود ابوالقاسمی^۱، محمدرضا عبدلی^۲، حسن ولیان^۳، فرهاد دهدار^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

ساختار هر حرف‌های برای شاغلین همچون چرخه از تولد تا افول است که وابسته به کارراهی شغلی افراد، باعث ارائه با کیفیت‌تر خدمات و وظایف شغلی فرد می‌گردد. بلوغ در حرفه حسابرس در ویژگی‌های ساختاری و الزام‌آور تا حد زیادی مغفول مانده است، چراکه بسیاری از نظریه‌پردازان این حرفه، بیشتر تمرکز خود را بر تدوین قوانین و مقررات نموده‌اند، و کمتر به روح فرد شاغل در این حرفه توجه شده است. هدف این پژوهش طراحی مدل علل زمینه‌ای ایجاد کننده بلوغ حرفه‌ای حسابرسان براساس تحلیل داده بنیاد می‌باشد. روش‌شناسی این تحقیق از حیث نتیجه، جزء تحقیقات توسعه‌ای، از حیث هدف جزء تحقیقات اکتشافی و از حیث روش اجرای کار کیفی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۴ نفر از متخصصان حسابداری بودند که از طریق روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند، معیار انتخاب مصاحبه‌شوندگان، داشتن تجربه حرفه‌ای حسابرسی چه از منظر تحصیلات دانشگاهی و چه از منظر بررسی صورت‌های مالی و احاطه به پژوهش‌های کیفی و آشنایی با روند مصاحبه‌گری آن بود. سپس براساس روش‌شناسی کیفی از طریق تحلیل تئوری زمینه‌ای (تحلیل داده بنیاد) و با انجام مصاحبه داده‌های لازم جمع‌آوری گردید و بعد از کدگذاری مدل پژوهش براساس چارچوب تئوریک طراحی شد. نتایج پژوهش یک سازه از علل زمینه‌ای ایجاد کننده بلوغ حرفه‌ای حسابرسان معرفی نمود که در آن بلوغ حرفه‌ای به عنوان یک فرآیند منسجم مبتنی بر ویژگی‌های شناختی که شامل ۳ نوع بلوغ روانشناختی، بلوغ ادراکی و بلوغ مهارتی، ویژگی چندبعدی شامل ۲ نوع بلوغ ساختاری و جایگاه شغلی و در نهایت ویژگی فراشغلی شامل بلوغ فرهنگی و بلوغ اجتماعی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: علل زمینه‌ای، بلوغ حرفه‌ای، رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد.

طبقه بندی موضوعی: M41، M42.

DOI: 10.22051/jera.2019.23336.2261

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران، (mahmoudabolghasemi@yahoo.com).

^۲ دانشیار، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران، (نویسنده مسئول)، (MRAB830@yahoo.com).

^۳ استادیار، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران، (Hasan.Valiyan@yahoo.com).

^۴ استادیار، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران، (farhaddehdar@yahoo.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

حرفه حسابرسی به دلیل مسئولیتی که بر عهده حسابرس می‌گذارد، شغلی بسیار حساس و پیچیده‌ای است که رسیدن به موفقیت در این عرصه، بدون تحمل خصیصه‌های روانی و حتی جسمی امکان‌پذیر نخواهد بود. کسب مهارت در حسابرسی که به عنوان یکی از زمینه‌های رسیدن به بلوغ در حرفه حسابرسی می‌باشد، که اشاره به توانایی انجام وظیفه‌های نسبتاً پیچیده، به شیوه‌های مناسب و اندوخته نمودن دانش تخصصی برای استفاده به موقع از آن دارد (رایت، ۱۹۸۸). اما نمی‌توان بلوغ را صرفه منوط به یک بعد و رسیدن به آن از طریق آموزش قلمداد نمود، چراکه به دلیل ماهیت پیچیده این حرفه، حسابرسان معمولاً در کنار سایر توانمندی‌های تخصصی می‌بایست توانمندی‌های شناختی و شهودی لازم را به واسطه سال‌های تجربه در این عرصه کسب نموده باشند، تا در این صورت بتوان، به درک مناسبی از بلوغ در حسابرسی دست یافت (روتنگاس و همکاران، ۲۰۰۵؛ راسل، ۲۰۰۸). از لحاظ مفهومی، به طور ویژه بلوغ حرفه‌ای در حسابرسان، تحقق موفقیت‌آمیز و مسئولیت‌های محوله همراستا با زنجیره مداومی از مراحل زندگی اجتماعی و مادی آن‌ها در دل حرفه حسابرسی است، به عبارت دیگر، حسابرس بنا به ذات و مسئولیتی که برایش تعریف شده است، چرخه‌ای از تولد تا افول را طی می‌کند و هر قدر از مرحله بلوغ و شکوفایی شغلی‌اش فاصله بگیرد، رو به افول حرکت می‌کند و این دقیقاً همانند چرخه زندگی فردی است، که بر این مبنا می‌توان بلوغ را در دل مسیر شغلی حرفه حسابرسی تعریف نمود و هر حسابرسی که در این چرخه موفق‌تر و به طور گام‌به‌گام رسیدن به کسب مهارت‌ها و تجربه را آموخته باشد، مسیر شغلی بهتری را تجربه می‌کند و کمتر حسرت دوران حرفه‌های خود را می‌خورد (دیاز و همکاران، ۲۰۱۷). پیامد این اتفاق اینست که، افراد با توجه به شناختی که از خود به واسطه بلوغ حرفه‌ای کسب می‌نمایند، توانایی‌های خود را منسجم‌تر در جهت اهداف و الزامات این حرفه به کار خواهند گرفت تا از این طریق بتوانند، وظایف و مسئولیت‌های خود بهتر ایفا نمایند (پاین و هافمن، ۲۰۰۵؛ بیکر و همکاران، ۱۹۹۹). لزوم توجه به نقش بلوغ حرفه‌ای در طی سالیان اخیر را می‌توان در آیین‌نامه‌های پرتکرار در رعایت اخلاق حرفه‌ای و لزوم نظارت بر عملکرد حسابرسان و ایجاد قوانینی مبنی بر دوره زمانی تصدی حسابرسان در شرکت‌ها مورد توجه قرار داد، چراکه این حرفه همانند سایر حرفه‌های دیگر، می‌تواند به دلیل عدم بلوغ حرفه‌ای با مشکلات مختلفی همچون معضلات

اخلاقی و رفتار غیراخلاقی روبرو باشند که منجر به از دست دادن شهرت حسابرسان گردد. همچنین بلوغ حرفه‌ای حسابرسان، توانمندی اتخاذ تصمیمات منطقی و مبتنی بر قواعد حرفه‌ای حسابرسی به دور از هر وابستگی به صاحبکاران متناسب با رشد و قدرت تفکر شهودی در حرفه حسابرسی را افزایش می‌دهد، چراکه فرد ساختار حرفه‌ای حسابرسی را به خوبی درک نموده است و خود را متعهد به رعایت و حفظ موازین عرفی و قانونی آن می‌نماید (حاجیها، ۱۳۹۰). با توجه به توضیحات داده شده، هدف این پژوهش طراحی مدلی برای بلوغ حرفه‌ای حسابرسان براساس تحلیل داده بنیاد می‌باشد، چراکه مفهوم و ماهیت بلوغ حرفه‌ای در حسابرسی تا حد زیادی حداقل در کشور ما مغفول مانده است، و کمتر به ابعاد مهم و درونی تأثیرگذار بلوغ حرفه‌ای در حیطه‌های تخصصی و رفتاری حسابرسان در طی چند سال اخیر توجه شده است. این پژوهش بنا دارد با شناخت و کشف بخش‌های کمتر مورد توجه قرار گرفته بلوغ حرفه‌ای و با اتکا انجام مصاحبه با متخصصان امر، درک بهتری در رابطه با موضوع بلوغ حرفه‌ای ایجاد نماید و توجه به آن را هم در تدوین استراتژی‌ها و هم در سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی سازمان برای پر کردن خلاءهای شغلی همچون استقلال حسابرس و تردید حرفه‌ای، و هم تضادهای شغلی همچون کاهش تضادهای شغلی و خانوادگی به عنوان یک الزام مورد توجه قرار دهد.

مبانی نظری

معنای بلوغ از نگاه فردی، مرحله‌ای است که یک فرد در میسر حرفه‌های خود آن را طی می‌کند و اگر در این راه گام به گام مراحل رسیدن به بلوغ از تولد تا رشد و بلوغ را در چرخه کاری طی کرده باشد، احساس خوشایند از طی این مسیر برایش ایجاد خواهد شد (رهنورد و خلیل پور تیلیمی، ۱۳۹۴). در تعریفی ساده، بلوغ حرفه‌ای را می‌توان، مجموعه‌ای ساختار یافته از عناصر شغلی و فراشغلی دانست، که فرد در طی دوره تصدی خود در یک شغل، آن را تجربه می‌کند (سلطانی و بهرامی نژادجونقانی، ۱۳۸۹). بلوغ به عنوان معیار ارزشیابی توانایی فردی با قواعدی مشخص که مبتنی بر توانمندی‌های رفتاری و اخلاقی در حیطه‌های کاری معنا پیدا می‌کند، تعریف می‌شود (شمس زارع و همکاران، ۱۳۹۷). ساویکا (۲۰۰۱) بلوغ شغلی را آمادگی افراد برای پذیرفتن مسئولیت‌ها، تصمیمات شغلی متناسب با

اهداف و وظایف تعریف شده و برآمدن از عهده تکالیف محوله و پاسخگویی در قبال آن می‌باشد (ساویکا و پرفلی، ۲۰۱۱).

مدل توسعه یافته بلوغ حرفه‌ای حسابرسان

این مدل اولین بار در دانشگاه کارنگی تهیه گردید که به سازمان‌ها در بهبود بلوغ نیروی کار و مورد خطاب قرار دادن مباحث و موضوعات آنها، کمک شایانی نمود. این مدل براساس بهترین روش‌های موجود در زمینه‌هایی مانند مدیریت دانش و توسعه توانمندی‌های تخصصی، امروزه در حیطه‌های آموزش حسابرسی و درک محیط‌های پیچیده حسابرسی با عنوان بلوغ حرفه‌ای حسابرسان مورد توجه قرار گرفته است (وربارگ و همکاران، ۲۰۰۷). در واقع این مدل، یک مدل تعمیم یافته از توسعه قابلیت منابع انسانی مبتنی بر بلوغ فردی به حیطه‌های تخصصی و رفتاری حسابرسان می‌باشد، که در بهبود روابط کاری در ۵ سطح مورد توجه می‌باشد.



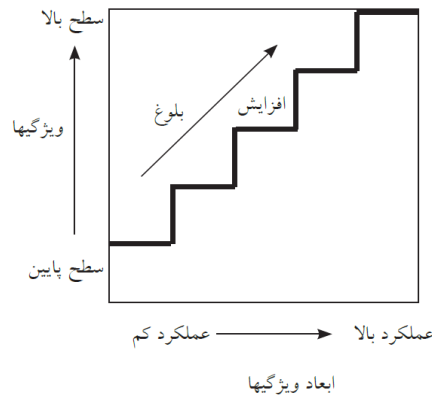
شکل (۱): مدل فرآیند بلوغ حرفه‌ای

همانطور که در این مدل مشاهده می‌شود، رسیدن به نقطه بلوغ حرفه‌ای به صورت گام به گام و مرحله به مرحله، از شناخت تا توانمندی شهودی در این حرفه می‌باشد، که همچون فرآیندی نیازمند، آموزش و طی کردن ساعات کار حسابرسی در محیط‌های پیچیده و رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای حسابرسی در راستای ذهنیت‌گرایی برای افزایش تعهد و هویت حرفه‌ای در مسیر بلوغ شغلی حسابرسان می‌باشد. رسیدن به این نقطه گرچه کمی سخت و نیازمند تحمل فشارهای شغلی است، اما حسابرسان با اعتقاد و حفظ چارچوب‌های اخلاقی و حرفه‌ای

می‌توانند در مسیر حرفه‌ای، به بلوغ ذهنی و عملکردی که نوعی ارضای نیازهای شغلی است، دست یابند (بکوف و همکاران، ۲۰۱۵).

الگوی بلوغ تخصصی (دانش) حسابرس

یک حسابرس دارای بلوغ تخصصی از حالت انجماد خارج شده و با توجه به تجاربی که در مسیر شغلی خود تجربه کرده است، مجدداً در نقطه بلوغ منجمد می‌شود تا از این طریق وظایف و عملکردهای تخصصی را به بهترین وجه به انجام برساند. یکی از این الگوها که نمونه توسعه یافته الگوی ارزیابی بلوغ دانش تخصصی است، که اصطلاحاً به آن ((STEPS گفته می‌شود، مراحل رسیدن به بلوغ تخصصی را به صورت پله‌ای نشان می‌دهد. این مدل مفهوم بلوغ را همانند شکل (۲) در دو بعد مطرح می‌کند (کوگت و زاندر، ۱۹۹۲)



شکل (۲): مدل بلوغ دانش تخصصی حسابرس (رابینسون و همکاران، ۲۰۰۶)

برای هر سطح از بلوغ، مشخصاتی قطعی را متصور است؛ به گونه‌ای که در محور عمودی که مربوط به ویژگی‌های کلیدی حسابرسی مبتنی بر دانش فنی و تخصص است مفاهیمی همچون درک مفهوم ویژگی‌های شغلی و ادراک از آن می‌تواند به ارتقای سطح توانمندی‌های تخصصی و بینشی در عرصه‌های مختلف حسابرسی منجر شود و در محور افقی ابعاد این ویژگی‌ها از عملکرد پایین تا بالا را در نظر دارد.

پیشینه پژوهش‌های تجربی

دیاز و همکاران (۲۰۱۷) پژوهشی تحت عنوان چگونگی تأثیر تجارب حسابرسان بر عملکردهای وظیفه‌ای و تخصصی پرداختند. در این پژوهش تعداد ۱۱۱ حسابرس از شرکت‌های بزرگ حسابرسی در کشور آمریکا انتخاب شدند و به دو دسته حسابرسان جوانتر و حسابرسان دارای تجربه و بلوغ حرفه‌ای تفکیک شدند. نتایج نشان داد حسابرسان دارای تجربه و بلوغ حرفه‌ای بدلیل داشتن ویژگی‌های فردی و توانمندی‌های فردی و سازمانی نقش قابل توجه‌تری را در ارتقای سطح کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی داشت.

با (۲۰۱۶) در پژوهشی معیارهای تأثیرگذار بر عملکرد و قابلیت‌های شرکت‌های حسابرسی را در کشور استونی از منظر بلوغ حرفه‌ای مورد بررسی قرار داد. در این تحقیق تعداد ۵۲ شاخص تأثیرگذار بر عملکرد شرکت‌های حسابرسی بررسی گردید و مشخص شد، معیارهای پاسخگویی رفتاری (اخلاقی)، قابلیت اتکای مالی و دقت حسابرسی به عنوان معیارهای مهم در عملکرد و قابلیت‌های شرکت‌های حسابرسی محسوب می‌شوند که در صورتی که شرکت‌ها بتوانند این معیارها را رعایت نمایند، می‌توانند، موفقیت بیشتری در زمینه جذب سهم بیشتر بازار کسب نمایند.

آندریاس و همکاران (۲۰۱۶) علل تأثیرگذار بر تردید حرف‌های حسابرسان را با هدف ارتقای کیفیت حسابرسی بررسی نمودند. جامعه آماری تحقیق ۱۱۹ نفر از حسابرسان دولتی کشور اندونزی بودند. نتایج تحقیق نشان داد که، وجود ویژگی‌هایی همچون استقلال، بی‌طرفی، تجربه و مهارت که بر اساس بلوغ حرفه‌ای حسابرسان ایجاد می‌شوند تردید حرف‌های حسابرسان را در بررسی‌های صورت‌های مالی تحت تأثیر قرار می‌دهند و این موضوع باعث ارتقای کیفیت حسابرسی می‌گردد.

در بخش پیشینه پژوهش‌های تجربی در داخل بدلیل اینکه چندان به این موضوع پرداخته نشده است، تلاش می‌گردد تا پژوهش‌های مشابه از نظر مفهومی مورد بررسی قرار گیرد. در یکی از این محدود تحقیقات، قشقای و مشایخ (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان تدوین مدل بلوغ واحد حسابداری در شرکت‌های ایرانی انجام دادند. به این منظور از مدل استاندارد بلوغ، به عنوان چارچوبی برای شناسایی این ابعاد و سطوح تکامل آن‌ها استفاده شده است. داده‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل تم، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. تم‌های استخراج

شده، در قالب مدل بلوغ، طبقه‌بندی شدند و مدل پژوهش تدوین گردید. براساس یافته‌های پژوهش، ماتریس بلوغ واحد حسابداری شامل ۶ بُعد: خدمات و نقش واحد حسابداری، گزار شگری، فرآیندپذیری، فناوری اطلاعات، مدیریت ریسک سازمان، و منابع انسانی است که هر یک از آن‌ها طی ۵ سطح بلوغ، تکامل می‌یابند.

حاجیها (۱۳۹۰) پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین شاخص‌های بلوغ حرفه‌ای حساب‌برسان و درک آنها از ریسک‌های واحد مورد رسیدگی انجام دادند. برای این منظور با استفاده از پرسشنامه درجه اهمیت ۵۸ عامل موثر بر هر یک از ریسک‌های حسابرسی، ذاتی و کنترل اندازه گیری شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ریسک حسابرسی با سابقه کار حسابرسی مستقل، سابقه کار به عنوان مدیر یا شریک حسابرسی، تحصیلات و رشته تحصیلی رابطه دارد. ریسک ذاتی با سابقه کار حسابرسی مستقل، سابقه کار به عنوان مدیر یا شریک حسابرسی و رشته تحصیلی رابطه دارد و ریسک کنترل با سابقه کار حسابرسی داخلی، سابقه کار حسابداری، رشته تحصیلی و عضویت در انجمن‌ها رابطه معنی‌داری دارد.

ملانظری و اسماعیلی کیا (۱۳۹۳) پژوهشی تحت عنوان شناسایی ویژگی‌های روانشناختی اثرگذار بر مهارت حساب‌برسان در انجام قضاوت‌های حسابرسی انجام دادند. ضمن پذیرش بخشی از چارچوب حاصل از ادبیات تصمیم‌گیری در روانشناسی، آن را بر حسابرسی اعمال کرده است. در دیدگاه شانتیو، تصمیم‌گیرندگان خبره حائز چهار ده ویژگی روانشناختی هستند. نتایج نشان داد هر چهارده ویژگی در چهار مرحله حسابرسی اهمیت دارند، اما درجه اهمیت هر یک در مراحل گوناگون متفاوت است؛ به گونه‌ای که مهم‌ترین ویژگی‌ها در مرحله اول مسئولیت‌پذیری، در مرحله دوم تمایز میان اطلاعات مرتبط و غیرمرتبط و سازگاری بود. ویژگی ادراکی/توجه در مرحله سوم حسابرسی حائز بیشترین اهمیت شد و در مرحله آخر حسابرسی، ویژگی خودکاری بیشترین درجه اهمیت را به خود اختصاص داد.

براساس مبانی نظری مطرح شده سوالات پژوهش به ترتیب زیر مورد توجه می‌باشد:

۱. ابعاد بلوغ حرفه‌ای حسابرسی مشتمل بر چه مولفه‌ها و عواملی هستند؟

۲. انواع بلوغ حرفه‌ای حسابرسی کدامند؟

۳. ویژگی‌های بلوغ حرفه‌ای حسابرسی کدامند؟

روش تحقیق

این پژوهش با اتکا به یک مطالعه‌ی اکتشافی و تفسیری براساس رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد انجام شد. در واقع به دلیل اینکه پژوهش‌های منسجمی در حوزه بلوغ حرفه‌ای حسابرسی انجام نشده است و این مفهوم به میزان زیادی از نظر ادراک شغلی دارای ابهام می‌باشد، این پژوهش از طریق تحلیل داده بنیاد به دنبال بسط و توسعه تئوریک آن می‌باشد و بر این مبنا ماهیت روش پژوهش اکتشافی و تفسیری است. به عبارت دیگر، این روش به پژوهشگر این امکان را می‌دهد در مواردی که امکان تدوین فرضیه وجود ندارد و یا انسجام نظری در رابطه با موضوع مورد بررسی نیست، به جای استفاده از نظریه‌های از پیش تعریف شده، یک نظریه جدید تدوین کند. رویکرد پژوهشی مطالعه حاضر، به لحاظ منطق گردآوری داده‌ها از نوع استقرائی است؛ زیرا به بررسی پدیده‌ای می‌پردازد که نظریه جامعی درباره آن در حیطه‌های رفتاری و عملکردی حسابرسی وجود ندارد و یا مورد اجماع نیست. به عبارت دیگر از طریق رویکرد استقرایی تلاش می‌شود، الگوی مناسبی طراحی گردد. بدین منظور با اتکاء به روش نظریه زمینه‌ای و رویکرد نوحاسته یا ظاهر شونده، گلاسر (۱۹۹۲) تلاش شد از طریق مصاحبه با متخصصان امر، مباحث مربوط به بلوغ حرفه‌ای مشخص و دسته‌بندی شود. این رویکرد به محقق اجازه می‌دهد تا از طریق مصاحبه با متخصصان، ابتدا براساس مرحله‌ی اول کدگذاری، یعنی کدگذاری باز، سوالات باز را از مصاحبه شوندگان بپرسد و سپس براساس کدگذاری محوری، مفاهیم زیاد ایجاد شده را مختصر و در مسیر پژوهش هدایت کند و در نهایت براساس کدگذاری انتخابی، مدل پژوهش را به منظور نظریه‌پردازی ارائه دهد.

جامعه و نمونه آماری

در این پژوهش براساس اعتقاد اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸)، برای پایبندی به اصول نظریه برخاسته از داده‌ها از نمونه‌گیری نظری با رویکرد هدفمند برای حداکثر کردن فرصت‌های مقایسه رویدادها، وقایع، یا اتفاقات استفاده شد تا از این طریق به تعیین نحوه تغییر یک مقوله براساس ویژگی‌ها و ابعاد آن دست یافت شود. بر این مبنا ابتدا محقق براساس فهرست نمودن معیارهایی، سعی در انتخاب افراد آگاه نمود تا از انحراف و تلف شدن زمان در جریان مصاحبه‌ها جلوگیری شود. این معیارهای عبارتند از:

۱. داشتن تجربه حرف‌های حسابرسی چه از منظر تحصیلات دانشگاهی و چه از منظر بررسی صورت‌های مالی

۲. احاطه به پژوهش‌های کیفی و آشنایی با روند مصاحبه‌گری آن

براساس دو معیار فوق ابتدا لیستی از محققان حیطه‌های رفتاری و تخصصی در حرفه حسابرسی که در دسترس بودند، مشخص گردید که این کار از طریق جستجو در سایت‌های معتبر علمی و پژوهشی در داخل و خارج از کشور انجام شد. سپس از طریق ایمیل و توضیحات مرتبط با اهداف پژوهش، برای حداقل ۲۸ نفر ارسال گردید و از آن‌ها خواسته شد، تا در صورت تمایل، در فرآیند انجام مصاحبه مشارکت نمایند. از مجموع ایمیل‌های ارسال شده، ۱۸ ایمیل پاسخ داده شد، که از این میان ۱۴ نفر نهایتاً به عنوان مصاحبه‌شونده انتخاب شدند. روند انجام مصاحبه تلاش شد تا حد امکان رودررو و یا از طریق نرم‌افزارهای ویدیویی شبکه‌های اجتماعی انجام شود که از مجموع ۱۴ مصاحبه ۹ مصاحبه به صورت حضوری صورت پذیرفت و ۲ مصاحبه از طریق نرم‌افزارهای ویدیویی انجام شد، ۳ مصاحبه نیز به از طریق صوت ضبط شده بین محققان با مصاحبه‌شوندگان مرادده شد. نگاره (۱) ویژگی‌ها و مشخصات مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد:

تک‌واره (۱): ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

محل فعالیت	حوزه تخصصی	سابقه شغلی	مدرک تحصیلی	سن	جنسیت	مورد
استادیار دانشگاه	حسابداری	۱۰ سال	دکتری	۴۱ سال	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۱
استادیار دانشگاه	حسابداری	۱۶ سال	دکتری	۴۴ سال	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۲
دانشیار دانشگاه	حسابداری	۸ سال	دکتری	۳۹ سال	زن	مصاحبه‌شونده شماره ۳
استادیار دانشگاه	حسابداری	۱۴ سال	دکتری	۴۶ سال	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۴
استادیار دانشگاه	حسابداری	۱۶ سال	دکتری	۴۸ سال	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۵
استادیار دانشگاه	حسابداری	۱۶ سال	دکتری	۴۷ سال	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۶
استادیار دانشگاه	حسابداری	۱۰ سال	دکتری	۳۹ سال	زن	مصاحبه‌شونده شماره ۷
استادیار دانشگاه	حسابداری	۱۲ سال	دکتری	۴۲ سال	زن	مصاحبه‌شونده شماره ۸
استادیار دانشگاه	حسابداری	۱۱ سال	دکتری	۴۶ سال	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۹
استادیار دانشگاه	حسابداری	۸ سال	دکتری	۳۹ سال	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۱۰
استادیار دانشگاه	حسابداری	۱۴ سال	دکتری	۴۴ سال	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۱۱
استادیار دانشگاه	حسابداری	۱۴ سال	دکتری	۴۷ سال	زن	مصاحبه‌شونده شماره ۱۲
دانشیار دانشگاه	حسابداری	۹ سال	دکتری	۳۹ سال	زن	مصاحبه‌شونده شماره ۱۳
استادیار دانشگاه	حسابداری	۱۱ سال	دکتری	۴۳ سال	مرد	مصاحبه‌شونده شماره ۱۴

ذکر این نکته حائز اهمیت است که رعایت اصول اخلاقی در حفظ مباحث و دیدگاه‌های آن‌ها در همان ابتدا تأکید می‌شد، تا اطمینان و اعتماد آن‌ها برای انجام مصاحبه‌ها جلب گردد.

گردآوری و تجزیه و تحلیل

در جمع‌آوری داده‌های مصاحبه، در ابتدا از مصاحبه‌های باز و سپس از مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با زمان متوسط یک ساعت استفاده گردید. سوالات مصاحبه‌ها شامل موقعیت‌های واقعی بودند که شرکت‌کنندگان بر حسب تجربه و یا تحصیلات با آن مواجه شده بودند که برخی از این سوالات مصاحبه عبارت بودند از:

۱. ویژگی‌های درونی در رسیدن به بلوغ حرفه‌ای حساب‌برسان کدامند؟
۲. ویژگی‌های ادراکی و بینش حرفه‌ای برای رسیدن به بلوغ در مسیر شغلی حساب‌برسان کدامند؟

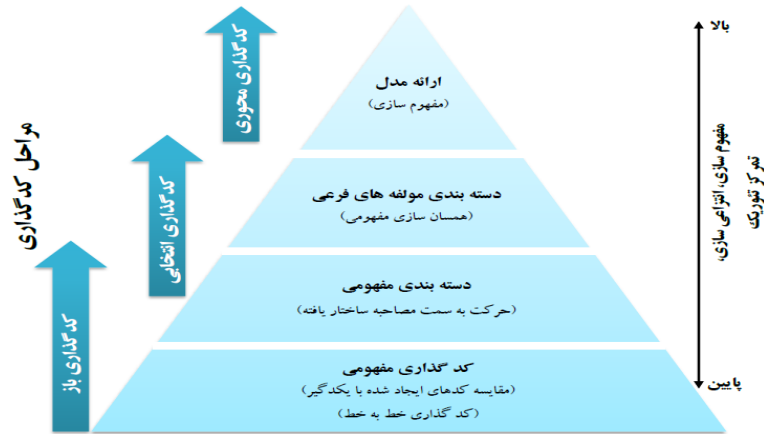
۳. چه معیارهای مهارتی و تخصصی در رسیدن به بلوغ حرفه‌ای حساب‌رسان نقش مهمی دارند؟

۴. ویژگی‌های فرهنگی محیط کاری حساب‌رسان در رسیدن به بلوغ حرفه‌ای نقش دارند؟

۵. جایگاه و اعتبار شغل حسابداری در رسیدن به بلوغ حرفه‌ای حساب‌رسان نقش دارد؟

در آغاز فرآیند تحقیق مصاحبه‌ها عموماً بدون ساختار انجام می‌شد چراکه این موضوع به ایجاد دیدگاه‌های متفاوت در مورد موضوع پژوهش به محقق کمک می‌نمود، اما در مراحل بعدی فرآیند تحقیق، بدلیل معنا پیدا کردن مفاهیم، مصاحبه‌ها به سمت نیمه ساختار یافته هدایت شد، تا چارچوب نظری هدفمندی به منظور تولید محتوای اثربخش‌تر ایجاد شود. این کار می‌تواند به کاهش تأثیرگذاری گرایش یا جهت ناشی از تئوری‌های مبتنی بر ادبیات تحقیق در حین گردآوری داده‌ها، کمک شایانی نماید. یکی از مهمترین بخش‌های تحلیل داده بنیاد، اتمام مصاحبه‌ها می‌باشد، که رسیدن به نقطه اشباع به عنوان یک فرآیند و استراتژی در این تحلیل بسیار حائز اهمیت بود. محققان پس از هر مصاحبه، شروع به کدگذاری باز و تاحدی کدگذاری انتخابی می‌نمودند تا مفاهیم و اشتراکاتشان مشخص گردد و بر این اساس در هر مرحله کدهای ایجادشده از مرحله کدگذاری انتخابی با هم مورد مقایسه قرار می‌گرفتند. چراکه استفاده از مقایسه دائمی سبب کنترل پی‌درپی مفاهیم جدید، بسط و توسعه و مقایسه طبقه‌بندی‌ها و تصمیم‌گیری درباره کافی بودن یا نبودن طبقه‌بندی‌های موجود می‌شود (واستیل، ۲۰۰۱). در واقع در مرحله کدگذاری محوری، محقق هر گونه ایده نوظهور، کدها و طبقه‌بندی‌های احتمالی و روابط بین طبقه‌بندی‌های اصلی و فرعی را بر مبنای مشابهت ثبت و ضبط می‌کند. در مرحله کدگذاری انتخابی طبقه‌بندی‌های فرعی و طبقه‌بندی اصلی بر مبنای چارچوب نظری ساخته می‌شوند. روند انجام مصاحبه‌ها بر این مبنای بود که از مصاحبه اول تا مصاحبه ۹ تقریباً مدل شکل گرفت چراکه بعد از هر مصاحبه محققان شروع به تحلیل مصاحبه‌ها بر مبنای کدگذاری باز و محوری می‌نمودند. از مصاحبه ۹ تا مصاحبه ۱۴ برای

مطمئن شدن از رسیدن به نقطه اشباع مصاحبه‌ها ادامه یافت و اغلب کدها در مصاحبه‌ها تکرار می‌شدند و بر این مبنا در مصاحبه ۱۴، پایان انجام مصاحبه اعلام گردید.



شکل (۳): مراحل تحلیل در گزینده تئوری (واستل، ۲۰۰۱)

اعتبار تحقیق

مفهوم اعتبار در تحقیقات کیفی از منظرهای مختلفی به کار رفته است. این مفهوم واحد نبوده، بلکه مفهومی پیچیده و فراگیر و همه‌جانبه بوده است. در مصاحبه با رویکرد کیفی، ذهنیت نقش برجسته‌ای دارد، بنابراین، درباره اینکه آیا مصاحبه‌ها قابل تکرار و نتایج قابل تعمیم هستند، جای شک و تردید وجود دارد و پژوهشگران باید از فونونی که در تحقیق‌های کیفی برای نشان دادن قابلیت اعتماد و صحت یافته‌ها به کار گرفته می‌شود، استفاده کنند. در این پژوهش از روش سه سو سازی یا چندجانبه‌گری برای سنجش اعتبار تحقیق استفاده شده است.

برای محقق شدن چندجانبه‌نگری در پژوهش حاضر رویکردهای مختلف مصاحبه شوندگان در ۴ بعد زیر مورد بررسی قرار گرفت و علاوه بر تقویت نتایج، داده‌های معتبرتری فراهم شده است.

اعتباریابی یا بازیابی توسط مصاحبه‌شوندگان

این روش عبارت است از بررسی صحت یافته‌های پژوهش توسط مصاحبه‌شوندگان به منظور تعیین آنکه آیا این پژوهش به شکل صحیح دیدگاه‌های آنان را درباره موضوع پژوهش تحت پوشش قرار می‌دهد یا نه؟ برای تحقق این روش با ۱۰ نفر از بین ۱۴ مشارکت‌کننده پس از اتمام مصاحبه و تجزیه و تحلیل داده‌ها، در مورد مطابقت دیدگاه‌های ایشان با مصاحبه‌شوندگان سؤال و بحث انجام شد که در همه موارد محقق درک صحیحی از اظهارات مصاحبه‌کنندگان داشته است، این امر می‌تواند ناشی از تعامل مطلوب و درک نظری مصاحبه‌شوندگان و مصاحبه‌کننده درباره‌ی موضوع تحقیق باشد.

مرور همتا

با استفاده از این راهبرد، پژوهشگر طی انجام پژوهش، به منظور فراهم کردن نقدی درباره شیوه‌های به کار گرفته شده و بررسی نتایج و صحت آنها، از سایر محققان کمک می‌گیرد؛ از آنها می‌خواهد تا به بررسی یادداشت‌ها، مقوله‌بندی انجام شده با استفاده از فهرست مقوله‌ها و تحلیل‌های رایانه‌ای که در حین پژوهش انجام شده است، پردازند. به دلیل محدودیت‌های موجود کمک گرفتن از سایر محققان در این تحقیق امکان‌پذیر نبود اما برای تحقق این روش، تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه پس از دو هفته مجدداً انجام گرفت و در درک مفاهیم مربوط به مصاحبه در دو زمان، اختلاف قابل ملاحظه‌ای وجود نداشت.

توضیح شیوه یادداشت‌برداری و انجام پژوهش

در این مرحله پروتکل و فرآیند انجام مصاحبه‌ها در اختیار ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا تایید نمایند، آیا نحوه تحلیل درست طی شده است یا خیر، که مرور یادداشت‌ها نشان داد، روند پژوهش و تحلیل کدها در مسیر درستی پیشرفته است.

تهیه گزارش مفصل نتایج

در تحلیل تفسیری، با توجه به این اصل که معناها برخاسته از موقعیت هستند، هریک از نتایج باید همراه با موقعیت، به طور کامل در نظر گرفته شود و خواننده پژوهش توجهی خاص به موقعیت داشته باشد. بنابراین، لازم است جزئیات موقعیت پژوهش در گزارش توضیح داده

شود. بر این مبنا ضبط مصاحبه‌ها، یادداشت‌برداری و گزارش‌دهی مرتب نتایج، منجر به فراهم نمودن داده‌های معتبر گردید که این موضوع مورد تایید قرار گرفت.

یافته‌های تئوریک

هیچ لیست از قبل تعیین شده و قطعی درباره ویژگی‌ها و مولفه‌های بلوغ حرفه‌ای حساب‌رسان، و هیچ احتمال قطعی برای شناسایی و محدود ساختن تمامی ویژگی‌های مرتبط با مسیر شغلی حساب‌رسان در یک مجموعه مشخص از ویژگی‌ها با مرزبندی‌های شفاف و متمایز کننده وجود ندارد. با وجود این، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مصاحبه‌شوندگان در این مطالعه می‌توانند ویژگی‌های بلوغ حرفه‌ای را شناسایی نمایند و ویژگی‌ها و خصایص موفقیت در مسیر حرفه‌ای حساب‌رسان را از سایر حساب‌رسان تمییز دهند. نگاره (۲) فرآیند سه مرحله‌ای کدگذاری را نشان می‌دهد:

نگاره (۲): کدهای مفهومی و طبقه‌بندی شده ناشی از مصاحبه‌ها

کدگذاری تئوری	کدگذاری‌های اصلی		
	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
طبقه‌بندی اصلی	طبقه‌بندی فرعی	طبقه‌بندی مفهومی	کدهای مفهومی
بلوغ حرفه‌ای حساب‌رسان	ویژگی‌های شناختی	بلوغ روانشناختی	کنترل فشار روانی
			ثبات هیجانی
			وظیفه‌شناسی
			گشودگی به تجربه
			مسئولیت‌پذیری
			تحمل ابهام
		کنترل استرس	
		بلوغ ادراکی	درک محتوای حرفه حساب‌رسانی
			درک تفاوت‌های ویژگی شغلی
			درک معیارهای وظیفه‌ای
			قضاوت‌های مبتنی بر واقعیت و شواهد
			درک تضاد منافع
	درک استقلال حساب‌رسان		
	بلوغ مهارتی	افزایش تجربه‌های مهارتی	

کدگذاری تئوری	کدگذاری‌های اصلی		
	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
طبقه‌بندی اصلی	طبقه‌بندی فرعی	طبقه‌بندی مفهومی	کدهای مفهومی
			کسب تجربه از اشتباهات
			تصمیم‌گیری شهودی
			اشتراک مهارت‌های کاری
			ساده‌سازی مشکلات حرف‌های
	ویژگی‌های چندبعدی	بلوغ ساختاری	سازگاری با استانداردهای حسابداری
			شناخت فلسفی حرفه حسابداری
			روایت‌گری در حسابداری
			احاطه به قوانین و مقررات تجارت و بورس
			احاطه با مباحث علمی و تئوریک حسابداری
	بلوغ جایگاه شغلی		ایجاد ارزش کثرت‌گرا
			خلاصیت حرف‌های
			ایجاد ارزش‌های اخلاقی
			انگیزه‌های شغلی بالا
			آرامش روانی و ذهنی
	ویژگی‌های فراشغلی	بلوغ فرهنگی	اتکا به عمق ارزش‌های حرفه حسابداری
			شناخت نمادهای فرهنگ اخلاقی در حسابداری
			اتکا به داستان‌های اخلاقی در حرفه حسابداری
			شناخت الگوهای مرسوم در حرفه حسابداری
	بلوغ اجتماعی		تعهد حرف‌های نسبت به ارزش‌های اجتماعی
			تعالی حرف‌های در حسابداری
			اتکا به هنجارهای اجتماعی
			رعایت عرف اجتماعی در حرفه حسابداری

در ادامه یافته‌های تحقیق، به ویژه بحث درباره مفاهیم و طبقه‌بندی فرعی در سایه تحقیقات انجام شده درباره بلوغ حرفه‌ای حساب‌رسان، ارایه، و به طور همزمان پیدایش و توسعه مولفه‌های تشکیل دهنده هر کدام از طبقه‌بندی‌های مفهومی توضیح داده می‌شود. همانطور که از نگاره (۲) مشاهده شد: سه طبقه‌بندی فرعی وجود دارد که عبارتند از:

ویژگی‌های شناختی، ویژگی‌های چندبعدی و ویژگی‌های فراشغلی. نگاره (۳)، تعریف هر کدام از طبقه‌بندی‌های فرعی را ارائه می‌کند. متغیرها در مؤلفه‌های تشکیل دهنده بلوغ حرفه‌ای با یکدیگر ارتباط درونی دارند.

نگاره (۳): تعاریف طبقه‌بندی‌های فرعی

تعریف	طبقه‌بندی‌های فرعی
میزان تلفیق دیدگاه‌های مختلف از حیث ویژگی‌های روانشناختی و ادراکی در راستای ارتقای سطح مهارت‌های فردی برای هموارتر کردن مسیر حرف‌های حساب‌رسان تعریف می‌شود.	ویژگی‌های شناختی
اشاره به علل بلوغ ساختاری که مبتنی بر شناخت و هماهنگی با استانداردهای حسابداری و حسابرسی می‌باشد که به افزایش خلاقیت‌های فردی، ارزش‌های اخلاقی و ارتقای جایگاه شغلی به عنوان معیارهای بلوغ جایگاه شغلی نسبت به سایر حرفه‌های مرتبط می‌شود.	ویژگی‌های چندبعدی
ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی حرفه حسابرسی می‌باشد که در تقویت رفتارهای حرف‌های در مسیر شغلی حساب‌رسان منجر خواهد شد.	ویژگی‌های فراشغلی

ویژگی‌های شناختی

حرفه حسابرسی همچون هر حرفه دیگری به دلیل دارا بودن محتوای مسئولانه و تخصصی، نیازمند وجود توانمندی‌های رفتاری و مهارتی فرد در طول تجربه کاری می‌باشد که فرد را نسبت به مراحل اولیه کار در سطح بالاتری از سایر حساب‌رسان قرار می‌دهد و آرامش و رضایتمندی بیشتری در فرد به دلیل داشتن شغل حسابرسی ایجاد می‌نماید (دیاز و همکاران، ۲۰۱۷). این ویژگی‌ها شامل عواملی همچون علل ایجاد کننده بلوغ روانشناختی، بلوغ ادراکی و مهارتی می‌باشد که بر حسب دیدگاه‌های تخصصی مصاحبه‌شوندگان ایجاد شده است که در ادامه به تشریح هر یک از این علل پرداخته خواهد شد.

بلوغ روانشناختی

این نوع از بلوغ اشاره به همراستاسازی ویژگی‌های درونی و شخصیتی هر حسابرس با ویژگی‌های تنش‌زا و پر مسئولیت حرفه حسابرسی دارد که باعث می‌شود فرد در گذر زمان به ویژگی‌های روانی کارآمدتری برای ایفای نقش بهتر در حرفه حسابرسی دست یابد و اثربخشی

بهتری در انجام مسئولیت‌های تخصصی خود ارائه دهد. نظر زیر بر اهمیت این عوامل در ارتقای سطح قابلیت‌های شناختی حسابرسان صحه می‌گذارد:

به عقیده من، یک حسابرس زمانی می‌تواند در مسیر حرف‌های خود به ویژگی‌های روانشناختی دست یابد، چرا که به دلیل پیچیدگی‌های عملکردی صاحبکاران و باتوجه به فشار زمان رسیدگی طبق ساعات تعریف شده حسابرسی، حسابرس تحت فشار زیادی قرار می‌گیرد و زمانی می‌توان نقش خود را به درستی ایفا نماید، که مسئولانه نسبت به تحمل این فشارها، صبوری داشته و از استقلال رفتاری و تخصصی خارج نشود.

همچنین یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان درباره بلوغ روانشناختی به ماهیت گشودگی به تجربه اشاره نمود. او در این باره بیان کرد:

یک حسابرس دارای بلوغ حرفه‌ای یک شبهه و بر حسب تصادف نمی‌تواند دارای توانمندی‌های رفتاری و بینشی نسبت به شغل خود شود. به نظر من، گشودگی و کسب تجربیات شغلی، آگاهی حسابرسان را نسبت به پیچیدگی و فضای رقابتی کار در حرفه حسابرسی به خصوص در بازار ایران که قوانین تاحد زیادی راه فرار را برای صاحبکاران باز گذاشته است، افزایش می‌دهد.

در واقع، بلوغ روانشناختی یکی از ابعاد بلوغ درونی یا بلوغ فردی است که به فرد در پخته‌تر شدن کمک می‌کند چرا که فرد با کسب تجربه‌های مختلف توانمندی بهتری از نظر تطبیق خود با شرایط حرف‌های حسابرسی پیدا می‌کند و این موضوع از انتقال فشار کاری به فرد و خانواده‌اش جلوگیری می‌کند (باترز و همکاران، ۲۰۱۷). در واقع این عوامل را می‌توان از نظر مفاد قانونی نیز بررسی نمود. به عنوان مثال به موجب مفاد ماده ۲ آیین رفتار حرف‌های جامعه حسابداران رسمی آمریکا، حسابرسان و حسابداران رسمی به منظور خدمت رسانی به منافع عمومی، متعهد به پذیرش مسئولیت می‌باشند. افزون بر این اصل ۳۰۱ بیان می‌دارد که در خدمات حرف‌های حسابرسان متعهد، به پذیرش هر گونه فشار در جهت حفظ منافع عمومی می‌باشند که در عین صریح بودن و حفظ وظیفه شناسایی مجاز به افشای اطلاعات محرمانه صاحبکاران بدون مجوز صریح در مجامع ای به غیر از نهادهای ذیربط نمی‌باشند (پانی و ژانگ، ۲۰۱۳). این موضوع ضمن حفظ حریم اطلاعاتی و عملکردی صاحبکاران، ثبات

هیجانی حسابرسان همراستا با نتایج بدست آمده در این تحقیق را نشان و ماهیت این نتایج را در راستای عوامل بلوغ روانشناختی تایید می‌نماید.

بلوغ ادراکی

این نوع از بلوغ که اصطلاحاً به آن بلوغ ذهنی گفته می‌شود، اشاره به ویژگی‌های رفتاری حسابرسان در محیط‌های کاری دارد که به آن‌ها کمک می‌کند تا ادراک جامع‌تری نسبت به محتوای شغلی و ویژگی‌های حرف‌های کار مبتنی بر تفاوت‌های بین فردی و شغلی پیدا کند و در هنگام قضاوت که به عنوان یک مبنای حرفه حسابرسی مطرح می‌باشد، کمتر دچار قضاوت‌های خودخواهانه و فردی شود و براساس واقعیت‌های موجود و شواهد دست به اظهار نظر نماید (گیمبار و همکاران، ۲۰۱۶). در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان نمود:

من فکر می‌کنم، اگر آگاهی از خود، نقاط قوت و ضعف وجود نداشته باشد، یا اگر حسابرسان به نقاط قوت خود توجه داشته باشند، آنها قادر به انجام تنها بخشی از کار هستند. در این شرایط نسبت به تضاد منافع بین صاحبکاران، سهامداران، سرمایه‌گذاران و حسابرسان درک بهتری برایشان ایجاد خواهد شد.

در واقع این دیدگاه به نقش شناخت ادراکی کلان حسابرسان هم از منظر ویژگی‌ها و توانمندی‌های رفتاری و تخصصی می‌تواند منجر شود و هم به شناخت بهتر نسبت‌انگیزه‌های منافع صاحبکاران در راستای تضاد منافع موجود، آگاهی بیشتری پیدا می‌کنند. ویژگی مهم دیگری که در این بخش براساس مصاحبه‌ها ایجاد شده، نقش ادراک محتوای حرفه و وظایف حسابرس در قبال جامعه بود. این موضوع نیز ویژگی مهم دیگری بود که حتی لودوینگ و همکاران (۲۰۱۱) به نقش آن در تغییر و تحولات آتی حسابرسی صحنه گذاشتند و نقش تقویت‌کننده‌ها و محرک‌های رفتاری بر حسابرسان را مورد تأکید قرار دادند تا حسابرسان از طریق نگاهی فراتر از واقعیت‌های موجود ارائه‌شده صاحبکاران، منافع سهامداران و سرمایه‌گذاران را در اولویت قرار داده و تلاش خود را نسبت به تأمین اطلاعات شفاف‌تر در مسیر حرف‌های به سرانجام برسانند. از طرف دیگر درک تفاوت‌های مسئولیتی شغل حسابرسی با سایر حرفه‌ها، خود دلیل دیگری در تقویت ادراکی می‌باشد. تحقیقات زیادی بر اهمیت بلوغ ادراکی در حیطه‌های پژوهشی حسابرسی رفتاری صحنه گذاشته‌اند و آن را معیاری مهم

چه در بعد قضاوت و چه بعد رفتار حرف‌های حساب‌برسان عامل مهمی دانستند که در این پژوهش ضمن اتکا به مبانی نظری یاد شده، بلوغ ادراکی به عنوان یک مولفه ویژگی‌های شناختی بلوغ حرفه‌ای حساب‌برسان مورد تأکید قرار گرفت که از منظر مفهومی مطابق با دیدگاه‌های محققانی همچون جورج (۲۰۰۰) تأیید می‌کند که از طریق خودآگاهی، حساب‌برسان قادر هستند تا به اطلاعات بیشتری درباره تضاد منافع و ادراک محتوایی به هنگام تصمیم‌گیری و قضاوت، دسترسی داشته باشند. همچنین پژوهش‌های دیگری همچون رایت (۱۹۸۸) و با (۲۰۱۶) از منظر مفهومی به نقش این مولفه‌ها در ارتقای کیفیت مهارت‌های رفتاری و عملکردی حساب‌برسان صحنه گذاشتند که نتایج بدست آمده را همراستا با نتایج این محققان، تأیید می‌نماید.

بلوغ مهارتی

آخرین نوع بلوغ درونی یا شناختی، بلوغ مهارتی است که اشاره به کسب تجربه‌های وظیفه‌ای و مهارتی فرد در گذر زمان دارد و قدرت حل مسئله و تصمیم‌گیری لازم را در زمان‌های تنش‌زا بدست می‌آورد و مدیریت فردی‌اش در این زمان‌ها بالاتر می‌رود، چراکه از اشتباهات گذشته درس گرفته است و یک فرد توانمند و دارای بلوغ در این بعد توانمندی انتقال دانش و تجربیات خود را به دیگران دارا می‌باشد و کمتر دچار سوگیری و اشتباهات ناشی از اهمال کاری می‌شود. هر چند تعیین مرز مشخصی بین ابعاد مختلف بلوغ فردی کار ساده‌ای نیست و مرز خاکستری بین هر سه بعد وجود دارد، اما می‌توان بیان نمود شناخت این سه بعد در شناخت فرد از مسیر شغلی‌اش بسیار می‌تواند بر ارتقای سطح رضایت شغلی و تعهد شغلی‌اش مؤثرتر باشد (فیشر و همکاران، ۲۰۱۶). در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان نمود:

یادگیری از اشتباهات به اتخاذ تصمیمات بهتر کمک شایانی می‌کند. به عقیده من، حساب‌رسی بدون توانمندی است که هرگز به اشتباهات گذشته خود نمی‌اندیشد و آن اشتباهات را بارها و بارها تکرار می‌کند. اگر یک حساب‌برس مرتکب اشتباه شود، وی از اشتباه خود مطلع می‌شود، درباره آن تعمق، و از افتاق مجدد آن جلوگیری می‌کند.

این موضوع نقش تجربه در کنار دانش تخصصی را نشان می‌دهد که الزام به گذراندن دوره‌های آموزشی حتی براساس سال‌های تجربه می‌باشد. از طرف دیگر ساده‌سازی مشکلات

در جریان حرفه حسابرسی به عنوان یک راوی و بیان کننده داستانی عبرت آموز می‌تواند به ارتقای سطح بلوغ حرفه‌ای کمک نماید. به عنوان مثال مصاحبه شونده‌ای بیان نمود:

شروع یک کار جدید در حسابرسی، نیازمند ایجاد خط داستانی برای ادراک مهارتی بیشتر نسبت به عملکردهای صاحبکار مورد نظر می‌باشد. یعنی حسابرس نباید با پیش فرض ذهنی خود به سراغ شروع یک کار حسابرسی رود و روند شناخت یک مسئله و ریشه‌یابی آن به عنوان یک خلاء چه از منظر استانداردهای حسابرسی، به عنوان یک مهارت شغلی محسوب می‌شود، که حسابرس زمانی که تجارب متفاوتی از کار داشته باشد، به آن دست می‌یابد و براساس آن بلوغ مهارتی برای او ایجاد می‌شود.

این موضوع شاید به عنوان یک سبک یا پروتکل در فرآیند بررسی‌های حسابرسی مطرح باشد، اما همین که یک حسابرس توانایی شناخت مسئله و حل آن را از طریق روایت‌گری داشته باشد، می‌تواند به افزایش مهارت‌ها و توانمندی‌های بالغانه حسابرس در مسیر حرفه‌ای که می‌پیماید، کمک نماید. ویژگی دیگر بلوغ مهارتی افزایش قدرت تصمیم‌گیری یک حسابرس براساس ویژگی‌های شهودی و درونی است که حسابرسان دارای بلوغ حرفه‌ای قادر به انجام آن هستند. این یافته‌ها تاحدی از منظر مفهومی با نتایج تحقیقات توبا (۲۰۱۱) و بکوف و همکاران (۲۰۱۵) که در پژوهش‌های خود به نقش توانمندی‌های مهارتی حسابرس براساس ویژگی‌هایی همچون کسب تجربه از اشتباهات و افزایش مهارت‌های تصمیم‌گیری هوشمندانه تأکید نموده بودند، مطابقت دارد.

ویژگی‌های چندبعدی

این نوع از بلوغ اشاره به محیط کاری حسابرسان و وجود الزامات و دستورالعمل‌های کاری برای حسابرس می‌باشد که فرد بلوغ‌یافته قدرت و توانمندی لازم را جهت تطبیق با این شرایط در راستای اهداف شغلی و کاری ساختار حسابرسی را دارا می‌باشد. به عبارت دیگر یک فرد تکامل یافته نه تنها براساس ویژگی‌های درونی خود بلکه براساس ویژگی‌های محیط شغلی نیز به بلوغ می‌رسد و توانمندی‌های اثربخش‌تری در ارائه خدمات با کیفیت‌تر خواهد داشت (حاجیه‌ها، ۱۳۹۰). در این پژوهش ویژگی‌های چند بعدی به دو طبقه مفهومی بلوغ ساختاری و بلوغ جایگاه شغلی تفکیک شده است:

بلوغ ساختاری

این نوع از بلوغ اشاره به ویژگی‌های تکامل یافته فرد در چارچوب قوانین و آیین‌نامه‌ها و استانداردهای الزام‌آور حرفه حسابرسی و ساختارهای رسمی حسابرسی شاغل در آن‌ها دارد که باعث می‌گردد، فرد دارای این نوع از بلوغ به عنوان یک فرد متخصص شناخته شود، چراکه علاوه بر داشتن ویژگی‌های بلوغ فردی، دارای توانمندی‌های تئوریک و تخصصی در حرفه حسابرسی می‌باشد و این می‌تواند به عنوان یک مزیت رقابتی شناخته شود (ملانظری و اسماعیلی کیا، ۱۳۹۳). یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره‌ی این نوع از بلوغ بیان نمود:

حرفه‌ی حسابرسی دارای اصول و الزاماتی است و زمانی یک حسابرس قادر و توانمند به رعایت آن‌ها و الزام درونی به باور به حفظ آن‌ها در انجام کارهای حسابرسی خواهد بود، که محتوای وظیفه‌ای و ساختارهای الزام‌آور را پذیرفته باشد و موازی با آن حرکت کند، در این صورت می‌توان انتظار داشت حسابرس به بلوغ مطلوبی از بخش ساختاری رسیده است. یا یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان بیان نمود:

بلوغ حسابرس زمانی کامل می‌شود که احاطه لازم بر قوانین و مقررات حاکمه بر بازار بورس و تجارت را داشته باشد و در بزنگاه‌های خاص، از آن‌ها استفاده نماید و خود را محدود به رعایت و عدم عبور از خط قرمزها نماید.

این نوع از بلوغ به دلیل ویژگی‌های ساختاری و الزام‌آوری که حسابرسان ملزم به رعایت آن هستند، نیازمند تغییر لایه‌های تفکری و نگرشی حسابرس نسبت به محیط و محتوای شغلی خود می‌باشد تا از این طریق بتواند نه تنها به عنوان یک استفاده‌کننده از قوانین و الزامات، بلکه به عنوان یک مفسر و حتی نقدکننده، در پویایی بیشتر استانداردها با واقعیت‌های عملکردی شرکت‌ها انجام وظیفه نماید. نتایج کسب شده در این بخش، با نتیجه گلد و همکاران (۲۰۱۲) که بر نقش ارزیابی استانداردها توسط حسابرسان به منظور فرآیند ارتباطی بین آن‌ها با ذینفعان تأکید نمودند، مطابقت دارد.

بلوغ جایگاه شغلی

این نوع از بلوغ اشاره به سطح یادگیری فراگرفته شده حسابرس در حرف‌های حسابرسی دارد که باعث ایجاد تفاوت او با سایر حسابرسانی که کمتر دارای توانمندی‌های ارزشی و

دانشی هستند می‌شود. در واقع این نوع از بلوغ یک گام از بلوغ ساختاری جلوتر است چراکه حسابرس توانایی و توانمندی لازم را در برای کسب جایگاه شغلی و کسوت حسابرسی دارا می‌باشد و اصطلاحاً فلسفه حرفه حسابرسی را برای توسعه هر چه بهتر فراتر از منظرهای تخصصی و تئوریک دارا می‌باشد. حسابرسان در این نقطه از بلوغ ممکن است از دانش و تجربیات خود استفاده کنند و کارهای خلاقانه‌ای همچون روش‌های بررسی‌های مختلف، تالیف کتاب و... را در اختیار دیگران قرار دهند (گودرزی و حاجیها، ۱۳۹۵). در این رابطه مصاحبه شونده‌ای بیان نمود:

حسابرسان باید به پیرامون خود توجه نمایند، چراکه توجه به آن‌ها می‌تواند به افزایش قدرت پیش‌بینی حسابرس کمک می‌کند و ارزش‌های فنی و بار اظهار نظر حسابرس را افزایش می‌دهد.

در واقع این روحیه معنوی‌گری در حسابرس موضوع مورد توجه بلوغ جایگاه شغلی بوده است، چراکه حسابرس را از هرگونه منفعت‌طلبی مادی دور می‌کند و انگیزه‌های معنوی را در او تقویت می‌نماید. از طرف دیگر ایجاد ارزش کثرت‌گرا ویژگی دیگری است که در این بخش به آن اشاره شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بیان نمود:

حسابرسی یعنی تولید محتوا و ارزش برای تصمیم‌گیری زمانی حسابرس می‌تواند ارزش ایجاد کنند که دلایل و راه کارهای عملکردهای مالی شرکت‌ها را افشا و در قالب گزارش‌های تفصیلی، اطلاعات لازم را در اختیار ذینفعان و سازمان‌های نظارتی قرار دهد در اینصورت می‌توان انتظار داشت ارزش جمع‌گرایانه مورد توجه حسابرس بوده است که این نقطه می‌تواند در رسیدن به بلوغ حسابرسی کارآمد باشد.

این نتایج با تحقیق نوبل (۲۰۰۱) که هوش معنوی را زیر بنای فرآیند حسابرسی بیان نمود، مطابقت دارد.

ویژگی‌های فراشغلی

ویژگی‌های فراشغلی در بلوغ حسابرس، شامل ویژگی‌های خارج از حرفه حسابرسی و کلان‌تری همچون فرهنگ و محیط اجتماعی جامعه در حدود عرف و هنجارها نسبت به شغلی حسابرسی می‌باشد که در افزایش اهمیت آن در میان سایر مشاغل جامعه و میزان

مسئولیت‌پذیری بودن آن‌ها در دل جامعه تأکید می‌نماید. معمولاً مشاغل دارای مسئولیت‌های اجتماعی بیشتر، تحت تأثیر ویژگی‌های فرهنگی، عرفی و هنجاری جامعه قرار می‌گیرند و این موضوع می‌تواند در رسیدن به بلوغ حسابرسی نقش داشته باشد، چراکه در اگر فرهنگ تعریف شده در مورد آن وجود نداشته باشد، بدلیل عدم انسجام اجتماعی دچار ابهام در تعریف آن می‌شود.

بلوغ فرهنگی

این نوع از بلوغ اشار به ویژگی‌های فرهنگی چه در متن جامعه و چه در متن مؤسسات و سازمان‌های نظارتی حرفه حسابرسی دارد. در واقع فرهنگ لازمه‌ی موفقیت هر حرف‌های در جوامع تلقی می‌شود که باعث شکل‌گیری فضای فکری شاغلان آن حرفه می‌گردد و رعایت به آن را بدون هیچ قانونی مصوب، یک تکلیف می‌دانند. در این رابطه مصاحبه شونده‌ای بیان نمود:

فرهنگ ماهیتی پیچیده اما اثرگذار بر حرفه حسابرسی دارد. به عنوان مثال فرهنگ وجدان‌گرایی در انجام درست یک حرفه، در سطح جامعه، الزامی مبتنی بر قانون نیست، بلکه به عنوان یک رویه مهم اخلاقی در فرهنگ کشورهای مختلف همچون کشور ما براساس تاریخ فرهنگی تأکید شده است.

از طرف دیگر، همواره در فرهنگ‌سازی در دل جوامع، داستان‌سرایی از مهم‌ترین ویژگی‌های تقویت فرهنگی در ابعاد مختلف همچون فرهنگ‌سازی رفتاری در انجام مسئولانه حرفه‌های فعال در سطح جامعه، همچون حسابرسی بوده است. مصاحبه شونده دیگری درباره بلوغ فرهنگی بیان نمود،

شناخت الگوی‌های مرسوم در حرفه حسابرسی کمک می‌کند، تا حسابرسان ضمن رعایت اصول و چارچوب‌های حسابرسی، براساس آیین و مرسومات فرهنگی اقدام به بررسی حسابرسی نماید و در بیان اظهارنظر ضمن قاطعیت، آیین‌های فرهنگی را مد نظر قرار دهد.

همچنین نقش نمادهای فرهنگی نیز در یکی از مصاحبه‌ها به شرح زیر توسط مصاحبه شونده‌ی دیگر مطرح شد:

الگوسازی و نمادسازی به عنوان یکی راه کارهای حرف‌های در کشورهای مختلف خیلی مورد توجه است، در حسابرسی نیز هرچند این کار چندان مرسوم نبوده است، اما به عنوان یک عامل زمینه‌ای فرهنگی می‌تواند در تقویت بلوغ فرهنگی حرفه‌ی حسابرسی مورد توجه قرار گیرد.

الگوسازی و نمادگرایی در کشور ما چندان صورت پذیرفته است، و دلیل آن نیز اهمیت ندادن چندان به موضوع حرفه حسابرسی می‌باشد. اما موضوع مهمی است که در کشورهای دیگر به دلیل وجود تاریخچه‌های فرهنگی در این حرفه برای توسعه و تقویت فرهنگی بارها و بارها به آن استناد شده است. به عنوان مثال ونگ آن وینگ و لوی (۲۰۱۳) به نقش ارزش‌های فرهنگی همچون نمادگرایی و داستان‌سرایی در تقویت اخلاق حسابرسی پرداخت و بر آن تأکید نمود.

بلوغ اجتماعی

این نوع از بلوغ عوامل زمینه‌ای رفتارهای اجتماعی مطلوب همچون تعهد حرف‌های نسبت به ارزش‌های اجتماعی، تعالی حرف‌های در حسابرسی، اتکا به هنجارهای در حرفه حسابرسی، تمرکز بر عرف اجتماعی در حرفه حسابرسی را در بر می‌گیرد. یکی از مصاحبه شونده‌گان در این باره بیان نمود:

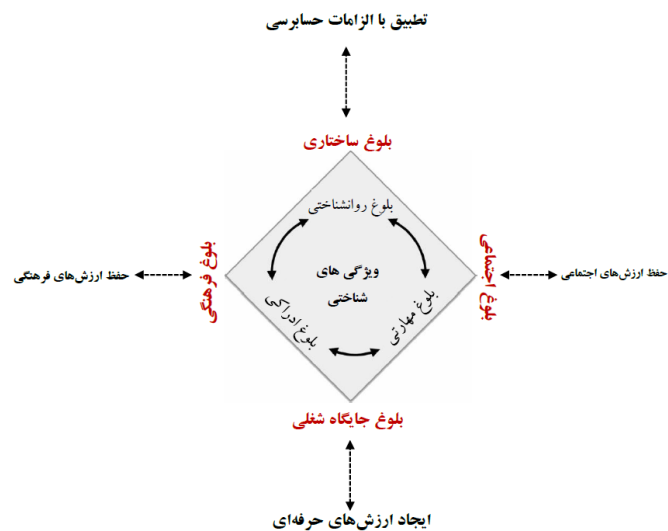
تعهد به حرفه و ذینفعان و پاسخگویی در قبال جامعه مورد نظر همچون سازمان‌ها و سهامداران و سرمایه‌گذاران یک حسابرس متعهد، نسبت به تمامی ارزش‌های اجتماعی متعهدانه و مسئولانه تفکر و عمل می‌نماید و خود را نسبت به هر گونه انحرافی خارج از این چارچوب متعهد می‌داند.

عرف، هنجار و ارزش‌های اجتماعی ابعاد گسسته اما وابسته به هم در دل جامعه می‌باشند که اگر رعایت گردند، به فرد کمک می‌کنند، تا مسیرهای درستی از حرفه حسابرسی را طی نمایند. همانطور که بارها در این پژوهش اشاره گردید، پیمودن مسیر حرف‌های حسابرسی زمانی خوشایند خواهد بود که بلوغ حرفه‌ای در ذهنیت، ماهیت وجودی و عملکردی حسابرس ایجاد شود، که اجتماع و معیارهای وابسته به آن بخش مهمی از آن را تشکیل می‌دهند. نتایج این بخش با تحقیق استال و تانگ (۲۰۱۵) و پاتل و همکاران (۲۰۰۲) که بر نقش ارزش‌های

اجتماعی در توانمندی قضاوتی و رفتاری حسابرسان تأکید نموده اند و آن را نتیجه گیری کردند، مطابقت دارد.

چارچوب تئوریک

پس از شناسایی و تشریح مولفه‌های طبقه‌بندی مفهومی، فرعی و اصلی و براساس کدهای ایجاد شده ناشی از تحلیل مصاحبه‌ها در سه بخش کدگذاری، یعنی کدگذاری باز، سوالات باز را از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد و سپس براساس کدگذاری محوری، مفاهیم زیاد ایجاد شده را مختصر و در مسیر پژوهش هدایت گردید و در این بخش براساس کدگذاری انتخابی، مدل پژوهش به منظور نظریه‌پردازی ارائه می‌گردد. چارچوب تئوریک علل زمینه‌ای بلوغ حرفه‌ای حسابرسان به ترتیب زیر ارائه می‌شود:



شکل (۴): چارچوب تئوریک علل زمینه‌ای بلوغ حرفه‌ای حسابرسان (یافته‌های پژوهشگر)

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تئوری‌پردازی در خصوص علل زمینه‌ای ایجادکننده بلوغ حرفه‌ای حسابرسان می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل شده می‌توان بیان نمود، بلوغ حرفه‌ای حسابرس لایه‌ای پنهان و نهفته در هر حسابرس است که زمانی به شکل ارزش‌های حرفه‌ای و دانش‌افزا

خود را نشان می‌دهد، که فرد در مسیر شغلی خود به درستی و گام به گام آن را طی نموده باشد. در این پژوهش از منظر روانی در بعد ویژگی‌های شناختی، فرد زمانی می‌تواند به بلوغ حرفه‌ای برسد که با اتکا به مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی، استرس ناشی از شغل را از نظر هیجانات کاذب کنترل نماید. لذا فرد براساس گشودگی در برابر تجربه در طی دوره حرفه‌ای قادر خواهد بود تا حد زیادی نسبت به استرس‌های احتمالی واکنش مناسب‌تری از خود نشان دهد. از طرف دیگر از نظر ادراکی، حسابرس با درک معیارهای وظیفه‌ای و تضاد منافع، می‌تواند به طور تدریجی استقلال رفتاری خود را تقویت نمایند و براساس ادراک مناسب‌تری از محتوای شغلی، بدور از هر وابستگی و براساس جدا کردن متن از محتوا، قضاوت‌های مبتنی بر واقعیت را ارائه دهد و پیش‌فرض‌های ذهنی قبلی را که نسبت به یک صاحبکار ممکن است برایش ایجاد شده باشد را کنار می‌گذارد و فقط و فقط به صحت و درستی انجام وظیفه خود تمرکز کند. نهایتاً در بلوغ مهارتی حسابرس با کسب تجربه از اشتباهات و با مشارکت و اشتراک تجربیات خود با سایرین، به آگاهی مهارتی و تخصصی بیشتری نسبت به قبل دست خواهد یافت و براساس این توانمندی‌ها، قدرت تصمیم‌گیری شهودی او نیز افزایش می‌یابد، قدرتی که ممکن است ضمن وجود مستندات، لایه‌های پنهان‌تری از عملکردهای مالی صاحبکاران و شرکت‌ها را رصد نماید. از طرف دیگر، ویژگی‌های چندبعدی به دلیل ساختارها و جایگاه شغلی که فرد در طی مسیر حرفه‌ای خود حتماً با آن‌ها مواجه خواهد شد، حائز اهمیت می‌باشد و زمانی می‌تواند در این مسیر به بلوغ رسیده باشد، که ضمن درک الزام‌های ساختاری، قدرت تفسیر و روایت‌گری مناسبی نسبت به آن‌ها داشته باشد. در واقع بلوغ ساختاری، ویژگی تقویت شده‌ی تفسیری و روایت‌گری در حسابرس می‌باشد که به دلیل وجود استانداردها؛ مقررات موجود و نظارت‌های سازمان‌های مسئول سبب می‌گردد فرد صرفاً از نقش بررسی‌کننده‌ی صورت‌های مالی خارج شود و به عنوان یک حسابرس باتجربه نسبت به وجود ضعف در قوانین و استانداردها احساس مسئولیت نماید و تلاش کند تا نسبت به بیان این چالش‌های در حرفه حسابرسی نظرات خود را مطرح نماید. از طرف دیگر بلوغ جایگاه شغلی به نقش ارزش‌آفرینی حسابرس در حرفه حسابرسی اشاره دارد، که براساس آن حسابرس صرفاً اقدام به اظهارنظر در مورد عملکردهای مالی صاحبکاران نمی‌کند، بلکه براساس فلسفه‌های حرفه‌ای که دنبال می‌نماید، از طریق ارائه گزارش‌های توضیحی در پی افزایش قدرت تصمیم‌گیری ذینفعان می‌باشد و در این راه با آرامش روانی و ذهنی که به

واسطه‌ی بلوغ در حرفه حسابرسی کسب نموده است، ارزش‌های کثرت‌گرا را در اولویت قرار داده و از وابستگی به منافع شخصی و صاحبکاران فاصله می‌گیرد. در ویژگی‌های فراشغلی نیز که شامل علل فرهنگی و اجتماعی تسهیل‌کننده بلوغ حرفه‌ای است باید بیان نمود، وجود عوامل تأثیرگذار کلانی همچون علل فرهنگی که در متن جامعه به صورت نامشهود در طی سالیان ایجاد شده است، می‌تواند به حسابرسان در تقویت بلوغ فرهنگی کمک نماید. در واقع بلوغ فرهنگی شناخت عمیق‌تری از ارزش‌های اجتماعی حسابرسان می‌باشد که در دل خود نمادها و الگوهای مبتنی بر آداب و رسوم فرهنگ حسابرسان را جای داده است و باعث می‌شود، فرد در عرصه حسابرسان، تطبیق مناسبی بین ویژگی‌های حرفه‌ای خود با ابعاد فرهنگی ایجاد نماید. از طرف دیگر بلوغ اجتماعی نیز نوعی تعالی حرفه‌ای در متن جامعه براساس هنجارها و عرف‌هایی است که اگر چه به شکل قانون تدوین نشده است، اما به واسطه‌ی نامشهود بودنشان، بر حرفه حسابرسان و شخص حسابرسان تأثیرگذار خواهد بود و تعهد حرفه‌ای حسابرسان را نسبت به جامعه افزایش می‌بخشد.

از آنجایی که، ظرفیت اثربخشی حرفه‌ای حسابرسان نامحدود و صرفاً متکی به دانش تخصصی نمی‌تواند باشد، لزوم توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی در آموزه‌های حسابرسان و دوره‌های تقویت توانمندی حسابرسان از جانب سازمان‌هایی همچون دیوان محاسبات و سایر سازمان‌های نظارتی، مورد توجه قرار گیرد. ادراک حسابرسان از ماهیت تأثیرگذار اجتماعی حرفه‌ای که در آن مشغول هستند، می‌تواند به تعالی و تعهد رفتاری بیشتری برای حسابرسان منجر شود و آن‌ها را در برابر هرگونه نفوذی با اتکا به نهادینه کردن همین ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی مستحکم می‌نماید. همچنین پیشنهاد می‌شود، از حسابرسان برای تدوین آیین‌نامه‌ها و استانداردهای حسابرسان به دلیل شناخت تجربی که در طی دوره حرفه‌ای کسب می‌نمایند، استفاده شود و با برگزاری جلسات اصلاح و یا تدوین، استانداردهای همسوتر با قوانین و واقعیت‌های عملکردی شرکت‌ها چه از منظر گزارشگری مالی و چه از منظر عملکردهای مالیاتی ایجاد شود، تا به تقویت هرچه بیشتر انگیزه‌های حسابرسان چه از نظر ساختاری و چه از نظر جایگاه شغلی، بلوغ حرفه‌ای حسابرسان هموارتر گردد. در نهایت پیشنهاد می‌شود، به ویژگی‌های روانشناختی و به کارگیری علوم جدید روانشناسی در عرصه حسابرسان توجه شود، زیرا مرز خاکستری که بین درونیات حسابرسان با

قوانین و مقررات حرف‌های حسابرسی وجود دارد و توجه و برنامه‌ریزی آموزشی و ساختاری می‌تواند به تقویت ویژگی‌های تطبیقی شناخت حسابرس با استانداردهای حسابرسی کمک نماید. چراکه در بسیاری موارد وجود قوانین مبهم حسابرسان را دچار تردید و تنش می‌نماید و این موضوع باعث می‌گردد، تحمل و کنترل فشار روانی نه تنها بر حسابرس، بلکه به خانواده‌های آن‌ها در قالب تعارض شغل و خانواده نمود پیدا نماید. استفاده از علم روانشناسی مالی هر چند در کشورهای پیشرفته در چندسال اخیر جذابیت‌های زیادی ایجاد نموده است، اما این علم در کشور ما کماکان دستخوش تمرکز صرف بر ویژگی‌های کمی رفتار حسابرسان تحت تأثیر قرار گرفته است و نیازمند بازنگری جدی در این زمینه می‌باشد. همچنین می‌توان برای تحقیقات آتی به موضوعی با عنوان طراحی مدل سازه‌های رفتاری و شناختی در بلوغ حسابرسی اشاره نمود.

از آنجایی که پژوهش‌ها با رویکرد تحلیل داده بنیاد به دنبال نظریه‌سازی و یکپارچه نمودن تئوری‌ها در قالب مدلی در راستای موضوع پژوهش می‌باشد، دارای محدودیت‌هایی همچون گستردگی فهم نظری و پیچیدگی معنایی در رابطه با موضوع پژوهش می‌باشند. لذا این پژوهش نیز از این محدودیت مستثنی نبوده و در پاره‌ای از مواقع در حین مصاحبه، محتوایی غیر از بلوغ حرفه‌ای مورد بحث قرار می‌گرفت که ضمن افزایش مدت زمان مصاحبه باعث فرسودگی در روند مصاحبه‌ها می‌شد. از طرف دیگر محدودیت ذاتی پژوهش‌های کیفی عدم تبیین مدل در جامعه هدف می‌باشد که پیشنهاد می‌شود نتایج این پژوهش پس از تعیین پایایی در قالب ابزارهای کمی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- بیگی هرچگانی، ابراهیم، بنی مهد، بهمن، رئیس‌زاده، محمدرضا، رویایی، رضاعلی. (۱۳۹۶). ارزش‌های انگیزشی و هشداری اخلاقی حسابرسان درباره خطا کاری. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۲ (۴): ۱-۱۶.
- حاجیها، زهره. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین شاخص‌های بلوغ حرفه‌ای حسابرسان و درک آنها از ریسک‌های واحد مورد رسیدگی. مجله حسابداری مدیریت، سال چهارم، شماره دهم، پاییز، ۱۷-۳۳.
- رهنورد، فرج‌اله، خلیل پور تیلیمی، سمیه. (۱۳۹۴). سنجش بلوغ سازمانی بر اساس مدل اِزل. فصلنامه مدیریت توسعه، دوره ۲۸، بهار، شماره ۱، پیاپی ۹۱، ۱۰۱-۱۱۶.

سلطانی، ایرج، بهرامی نژاد جونقانی، ریحانه. (۱۳۸۹). تأثیر بلوغ سازمانی بر سرآمدی سازمان در شرکت فولاد مبارکه. فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول، شماره ۶۲، تابستان و پاییز، ۱۶۳-۱۹۳.

شمس‌زارع، میلاد، طهماسبی، رضا، یزدانی، حمیدرضا. (۱۳۹۷). ارزیابی بلوغ فرآیندهای مدیریت منابع انسانی براساس مدل فیلیپس، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال دهم، شماره ۱، پیاپی ۳۱، بهار، ۷۵-۱۰۰.

عباس‌زاده، محمد. (۱۳۹۱). تاملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳ (۱): ۱۹-۳۴.

گودرزی، سعید، حاجیها، زهره. (۱۳۹۵). رابطه ویژگی‌های شخصیتی با شکل‌گیری قضاوت اخلاقی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوازدهم، شماره ۴، ۶-۱.

ملانظری، مهناز، اسماعیلی کیا، غریبه. (۱۳۹۳). شناسایی ویژگی‌های روان‌شناختی اثرگذار بر مهارت حسابرسان در انجام قضاوت‌های حسابرسی. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۴، زمستان، ۵۰۵-۵۲۶.

- Abbaszadeh, M. , Abbaszadeh, M. (2012). Validity and reliability in qualitative researches. *Journal of Applied Sociology*, 23 (1) , 19-34 (In Persian)
- Andreas, H. , Zarefar, A. , Rasuli, H. M. (2016). Analysis of Factors Affecting the Auditors' Professional Skepticism and Audit Result Quality: The Case of Indonesian Government Auditors. *I J A B E R*, 14 (6) : 3807-3817.
- BA. J. E. (2016). Measuring performance audit effectiveness: the case of Estonia, Thesis in partial fulfillment of the requirements for the Master of Arts Degree in Public Administration and Social Policy. University of Tartu.
- Backof, A. G. , Carpenter, T. D. , and J. Thayer. (2015). Auditing Complex Estimates: How Do Information Format and Priming Impact Auditors' Consideration of Inconsistent Evidence? McIntire School of Commerce 2013 summer research grant and 2011 PwC IN Quires Research Grant.
- Barker, P. , Monks, K. , & Buckley, F. (1999). The role of mentoring in the career progression of chartered accountants. *The British Accounting Review*, 31 (3) : 297-312.
- Beygi harchegani, E. , Banimahd, B. , Rayezzadeh, M, R. , Rpyayee, R. (2017). Motivational Values and Auditor's Ethical Whistle Blowing about Wrongdoing. *Ethics in science and Technology*. 2018; 12 (4) :120-135 (In Persian)
- Butzer, S. , Schötz, S. , Steinhilper, R. (2017). Remanufacturing Process Capability Maturity Model. 14th Global Conference on Sustainable Manufacturing, GCSM 3-5 October 2016, Stellenbosch, South Africa, *Procedia Manufacturing* 8; 715 – 722.
- Diaz, M, Ch. , Loraas, T, M. , Apostolou, B. (2017). How do mentoring rewards influence experienced auditors?. *The British Accounting Review*, <https://doi.org/10.1016/j.bar.2017.09.009>

- Finkelstein, L. M. , Poteet, M. L. (2010). Best practices in workplace formal mentoring programs. The Blackwell handbook of mentoring: A multiple perspectives approach. West Sussex, UK: Blackwell Publishing Ltd.
- Fischer, J. , Márcio, A. , Scavarda, T. (2016). Development and Application of a Maturity Measurement Framework for Supply Chain Flexibility. *Procedia CIRP*, 41 (8) : 514-543.
- George, J. M. (2000). Emotions and leadership: The roles of emotional intelligence. *Human Relations*, 53 (8) , 1027–1055
- Gimbar, C. H. , Hansen, B. , Ozlanski, M, E. (2016). Early evidence on the effects of critical audit matters on auditor liability. *Current Issues in Auditing*; 10 (1) : 824–833.
- Glaser, B. G. (1992). *Basics of grounded theory analysis: Emergence vs. forcing*. Mill Valley, CA: Sociology Press
- Gold, A. , Gronewold, U. , Pott, C. (2012). The ISA 700 Auditor's Report and the audit expectation gap- Do Explanations Matter? *International Journal of Auditing*, forthcoming.
- Goodarzi, S. , Hajiha, Z. (2016). The Relationship between Personality Characteristics and the Formation of Ethical Judgments. *Ethics in science and Technology*. 2018; 12 (4) :167-173 (In Persian)
- Gray, G. L. , Turner, J. L. , Coram, P. H. , & Mock, T. J. (2011). Perceptions and misperceptions regarding the unqualified auditor's report by financial statement preparers, users, and auditors. *Accounting Horizons*, Vol. 25, No. 4, pp. 659-684.
- Hjiha, Z. (2011). The Investigation on Relationship between Auditors' Professional Maturity and Their Perception of Auditee Risks. *Management Accounting*, 4: 23-17 (In Persian)
- Kogut. B. , Zander, U. (1992). Knowledge of the Firm, Combinative Capabilities, and the Replication of Technology. *Organization Science*, Vol. 3, No. 3, pp. 383-397
- Liu, L. M. (2009). Revision and Development Characteristics of Occupational Maturity Questionnaire for Undergraduates. Master's Thesis, Southwestern University, Chongqing.
- Ludwig, J. , Sanbonmatsu, L. , Gennetian, L. , Adam, E. , Greg J. (2011). Neighborhoods, Obesity, and Diabetes-a Randomized Social Experiment. *The New England Journal of Medicine* 365 (16) : 1509–19.
- Molanazari, M. , Esmaili Kia, G. (2014). Psychological characteristics contributing to expertise in audit judgment. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 21 (4) , 505-526 (In Persian)
- Noble, K. D. (2001). *Riding the windhorse: spiritual intelligens and the growth of the self*. New jersey: Hampton press.
- Pany, K. , Zhang, J. (2013). Reporting Illegal Acts Externally, A Conflict between Confidentiality and the Public Interest. *The CPA Journal*, March, 23 (2) : 64-67.
- Patel, C. , Harrison, G, L. , McKinnon, J, L. (2002). Cultural influences on judgements of professional accountants in auditor-client conflict resolution. *Journal of International Financial Management and Accounting* 13 (1) : 1–31.

- Payne, S. C. , & Huffman, A. H. (2005). A longitudinal examination of the influence of mentoring on organizational commitment and turnover. *Academy of Management Journal*, 48 (1) , 158-168.
- Rahnavard F, Khalil-Pour S. (2015). Measurement of Organizational Maturity based on Earl's Model. *Journal of Management and Development Process.* ; 28 (1) :101-116 (In Persian)
- Robinson, H. S. , Anumba, C. J. , Carrillo, P. M. , Al-Ghassani, A. M. (2006). STEPS: a knowledge management maturity roadmap for corporate sustainability. *Business Process Management Journal*, Vol. 12 No. 6, pp. 793-808
- Rottinghaus, P. J. , Day, S. X. , & Borgen, F. H. (2005). The Career Futures Inventory: A measure of career-related adaptability and optimism. *Journal of Career Assessment*, 13, 3-24.
- Russell, J. E. A. (2008). Promoting subjective well-being at work. *Journal of Career Assessment*, 16, 117-131.
- Savickas, M. L. (1994) Measuring Career Development: Current Status and Future Directions. *Career Development Quarterly* , 43, 54-62. <https://doi.org/10.1002/j.2161-0045.1994.tb00846.x>
- Savickas, M. L. , & Porfeli, E. J. (2012). Career Adapt-Abilities Scale: Construction reliability, and measurement equivalence across 13 countries. *Journal of Vocational Behavior*, 80, 661-673.
- Savickas, M. , Porfeli, E. (2011). Revision of the Career Maturity Inventor: The Adaptability Form. *Journal of Career Assessment*, N. 4, p. 355-374.
- Schultz, J. , Johnson, D. , Morris, D. , Dyrnes, S. (1993). An investigation of the reporting of questionable acts in an international setting. *Journal of Accounting Research*; 31: 75-103.
- Shams zare, M. , Tahmasbi, R. , yazdani, H. (2018). Evaluating the Maturity of Human Resource Management Processes Based on Philips Model. *Journal of Research in Human Resources Management*, 10 (1) , 1-24 (In Persian)
- Soltani, I. , Reihaneh, B. (2011). Determining the rate of organizational maturity effect on the excellence of organization in Mobarakeh Steel Company. *Management Studies in Development and Evolution*, 17 (62) , 163-193 (In Persian)
- Stahl, G. K. , Tung, R L. (2015). Towards a more balanced treatment of culture in international business studies: The need for positive cross-cultural scholarship. *Journal of International Business Studies*, 46 (4) : 391-414.
- Strauss, A, L. , Corbin, J. (1990). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, Sage.
- Sweeney, B. , Arnold, D. , Pierce, B. (2010). The impact of perceived ethical culture of the firm and demographic variables on auditors' ethical evaluation and intention to act decisions. *Journal of Business Ethics*, 93 (4) : 531-551
- Taylor, E, Z. , Curtis, M, B. (2009). An examination of the layers of workplace influences in ethical judgments: Whistleblowing likelihood and perseverance in public accounting. *Journal of Business Ethics*; 93 (1) : 21-37.
- Toba, Y. (2011). Toward A Conceptual Framework Of Professional Skepticism In Auditing, *Waseda Business & Economic Studies*, 47 (1) : 83-110.

- Verburg, R. M. , den Hartog, D. N. & Koopman, P. L. (2007). Configurations of human resource management practices: a model and test of internal fit. *The International Journal of Human Resource Management*, 18 (2) : 184-198.
- Wastell, D. G. (2001). Barriers to effective knowledge management: Action research meets grounded theory. *Journal of Systems&Information Technology*, 5 (2) , 21-35
- Wong-On-Wing, B. , G. Lui. (2013). beyond cultural values: An implicit theory approach to cross-cultural research in accounting ethics. *Behavioral Research in Accounting*, 25 (1) : 15-36.
- Wright, W. F. (1988). Audit judgment experience and consensus, in Ferris, K. R. (ed.) , *A Critical Analysis*. Columbus, OH: Century VII Publishing Company, pp. 305-328.

ارتقای سطح اثربخشی معیارهای رقابتی شرکت‌ها براساس تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک از طریق تحلیل‌های درخت تصمیم و تئوری راف توسعه یافته

کریم نخعی^۱، حسن یزدی فر^۲، مهدی فغانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۱

مقاله پژوهشی

چکیده

امروزه حسابداری مدیریت استراتژیک به عنوان الگوی شناخته شده‌ای برای اصلاح الگوی مصرف منابع، ابزار و روش‌هایی را برای استفاده از اطلاعات حسابداری و مالی برای کمک به ارتقای سطح اثربخشی رقابتی شرکت‌ها در اختیار مدیران و تحلیل‌گران مالی قرار می‌دهد و به تحلیل‌گران مالی و سیاست‌گذاران در تدوین راهبردهای بلندمدت برای مدیریت بهای تمام شده و دستیابی به اهداف بلندمدت یاری می‌رساند و باعث افزایش سطح رقابتی شرکت‌ها می‌گردد. هدف این پژوهش ارتقای سطح اثربخشی رقابت شرکت‌ها براساس تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک از طریق تحلیل‌های درخت تصمیم (CARD) و تئوری راف توسعه یافته (ERST) می‌باشد. در این پژوهش تعداد ۱۷ نفر از متخصصان و نخبگان حسابداری مدیریت مشارکت در داخل و خارج مشارکت داشتند. روش این پژوهش ترکیبی است که در بخش کیفی، اقدام به شناسایی تکنیک‌های حسابداری و معیارهای سطح اثربخشی رقابت شرکت‌ها براساس واکاوی محتوایی شد و در بخش کمی ابتدا براساس تحلیل دلفی و تحلیل سلسله مراتبی خاکستری میزان مطلوبیت معیارهای مشخص گردید و سپس براساس تحلیل درخت تصمیم و تئوری راف توسعه یافته اقدام به انتخاب بهترین تکنیک حسابداری مدیریت استراتژیک برای ارتقای سطح اثربخشی رقابت شرکت‌ها شد. نتایج نشان داد، از بین ۵ تکنیک حسابداری مدیریت استراتژیک، تکنیک قیمت گذاری پویا به عنوان یک تکنیک تأثیرگذار بر سطح اثربخشی رقابت شرکت‌ها دارای اولویت می‌باشد و از طریق حد فاصل بین افزایش رتبه افشا و کاهش محدودیت‌های مالی می‌تواند به کسب مزیت‌های رقابتی شرکت‌ها کمک نماید تا از این طریق به موفقیت بیشتری در سطح بازار نائل آیند.

واژه‌های کلیدی: تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک، اثربخشی سطح رقابت شرکت‌ها، تحلیل درخت تصمیم، تئوری راف توسعه یافته.

طبقه‌بندی موضوعی: M49، M4، M41.

10.22051/jera.2019.23809.2293.DOI

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران، (karim_nakhaei_1360@yahoo.com).

^۲ استاد حسابداری و رئیس گروه حسابداری و مالی و اقتصاد، دانشگاه بورنموث، انگلستان، (نویسنده مسئول)، (hyazdifar@bournemouth.ac.uk).

^۲ استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (faghani@acc.usb.ac.ir).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

یکی از ویژگی‌های بارز عصر حاضر، تغییرات فزاینده در دانش بشری و عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک است. در چنین شرایطی، یکی از الزامات اساسی رقابت، شناخت ماهیت تغییرات و پیش‌بینی روند آتی بازار، فناوری‌ها، نوآوری‌ها، ترجیحات و الگوهای رفتار مشتریان است (مرادی و سپهوندی، ۱۳۹۴: ۷۶). جستجوی مداوم برای یافتن روش‌های جدید مبارزه در بازارهای رقابتی همواره یکی از موضوعات اصلی در مباحث استراتژیک بوده است، که موجب خلق مفهوم مزیت رقابتی پایدار شده و عاملی برای حفظ بقای سازمان است و بستر اعتقاد دارد. هر تصمیم بازاریابی که بر اساس رفتار رقبا شکل نگرفته باشد، مانند حرکت کورکورانه در یک مسیر تاریک است (آگنیهوتری، ۲۰۰۹: ۱۲). در واقع اثربخشی رقابتی یکی از ابزارهای تأثیرپذیر از تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک و یکی از سریع‌ترین زمینه‌های رشد تجاری شرکت‌ها در سطح بازار و صنعت محسوب می‌شود که باعث می‌گردد شرکت‌ها با شناخت از فضای حاکم بر بازار و سرمایه‌گذاران، غافلگیر نشوند و از این طریق در مسیر توسعه و کسب مزیت رقابتی قرار گیرند (لین و لین، ۲۰۱۹: ۱۷۲). در این پژوهش‌ها بر کسب مزیت رقابتی برای موفقیت در یک بازار و صنعت تأکید شده است و مزیت رقابتی را عاملی قلمداد می‌کنند که سبب می‌شود مشتری محصول (کالا و خدمات) یک شرکت را به رقبا ترجیح دهد. در واقع ارزش بیشتر برای مشتری همواره متناظر با مزیت رقابتی برای سازمان است. هدف اصلی شرکت‌ها از ایجاد مزیت رقابتی با تکیه بر منابع و قابلیت‌هایی که در اختیار دارد، رقابت‌پذیری و دستیابی به موقعیتی ممتاز از لحاظ عملکردی در بازار است (بودانراک و همکاران، ۲۰۱۶؛ لین و لین، ۲۰۱۹: ریجیو و همکاران، ۲۰۱۴). نقش تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک در این بخش می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد، زیرا این تکنیک‌ها به توسعه اثربخشی رقابتی شرکت‌ها کمک می‌کند. حسابداری مدیریت از طریق تلفیق ویژگی‌های مالی و عملکردی با تصمیم‌های مدیریتی می‌تواند به تقویت ثبات جایگاه رقابتی شرکت‌ها کمک نماید و باعث گردد سطح جذابیت‌های سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها تقویت شود. در گذشته نقش حسابداران مدیریت سنتی به ارائه اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری محدود شده بود ولی مطالعات اخیر نشان می‌دهد که حسابداران مدیریت معاصر جزء جدایی‌ناپذیری از فرآیند تصمیم‌گیری استراتژیک

هستند (آور و کادیز، ۲۰۰۹). این پژوهش در تلاش است به واسطه شناسایی تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک، ابتدا با اولویت‌بندی آن‌ها، مهمترین تکنیک حسابداری مدیریت استراتژیک را به منظور ارتقای سطح اثربخشی رقابتی شرکت‌ها برای کسب مزیت رقابتی شناسایی نماید و با تعیین حد فاصل بین مطلوب‌ترین معیارهای رقابتی در سطح بازار برای شرکت‌ها، بهترین تصمیم‌ها را اتخاذ کند تا از این طریق سطح اطمینان و اعتماد بیشتری را در بین سهامداران و به‌طور کلی ارکان بازار بورس ایجاد نماید. به عبارت دیگر، تطبیق تکنیک‌های حسابداری مدیریت برای توسعه اثربخشی رقابتی شرکت‌ها در سطح بازار، موضوعی مهم محسوب می‌شود که در حسابداری مدیریت استراتژیک انعکاس یافته و هدف آن غلبه بر رقابت با شرکت‌های رقیب است، به شکلی که بتواند باعث حفظ و توسعه فرآیند کسب و کار و تجاری شرکت‌ها گردد. به عبارت دیگر، شناخت تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک در مسیر توسعه اثربخش سطح رقابتی، باعث می‌گردد، ارتباط تمام فعالیت‌های شرکت با استراتژی‌های تجاری شرکت دارای انسجام و یکپارچگی بیشتری گردد و افزایش رقابت‌پذیری تقویت شود. لذا سوال اصلی پژوهش این است که مهمترین تکنیک حسابداری مدیریت استراتژیک برای ارتقای سطح اثربخشی معیارهای رقابتی شرکت‌ها کدام است؟ با توجه به سوال اصلی و بیان شکاف تئوریک و کاربردی پژوهش، سوال‌های زیر به عنوان مبنای تحلیل پژوهش مدنظر می‌باشد:

۱. مهمترین معیارهای رقابتی شرکت‌ها کدامند؟
۲. مهمترین تکنیک‌های حسابداری مدیریت کدامند؟
۳. مهمترین تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک برای اثربخشی معیارهای رقابتی شرکت‌ها کدامند؟

مبنای نظری پژوهش

حسابداری مدیریت استراتژیک

در گذشته نقش حسابداران مدیریت سنتی به ارائه اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری محدود شده بود. ولی مطالعات اخیر نشان می‌دهد که حسابداران مدیریت معاصر جزء جدایی‌ناپذیری

از فرآیند تصمیم‌گیری استراتژیک هستند (بوستجان و کادز، ۲۰۰۹). همکاری حسابداری مدیریت برای توسعه استراتژی‌های کسب‌وکار در حسابداری مدیریت استراتژیک انعکاس یافته و هدف آن غلبه یافتن در رقابت با شرکت‌های رقیب است، به شکلی که می‌تواند باعث حفظ و توسعه فرآیند کسب و کار شرکت‌ها گردد. به عبارت دیگر، حسابداری مدیریت استراتژیک باعث ارتباط تمام فعالیت‌های شرکت با استراتژی کسب‌وکار شده و موجب افزایش رقابت‌پذیری شرکت می‌گردد (مانیورانگ و کاساسی، ۲۰۱۳). بازنگری در شیوه‌های حسابداری مدیریت تکنیک‌های نوین متنوعی در زمینه‌های هزینه‌یابی، تصمیم‌گیری استراتژیک، کنترل و مدیریت عملکرد استراتژیک، ارزیابی رقبا و مشتریان را به وجود آورده است. به موازات توسعه سطح تکنیک‌های منحصر به فرد حسابداری مدیریت، اصطلاح جدید حسابداری مدیریت استراتژیک معرفی شده است (ابراهیمی کهریزسنگی و بخردی‌نسب، ۱۳۹۸).

در حالت کلی حسابداری مدیریت استراتژیک فرآیند شناسایی، جمع‌آوری، انتخاب و تجزیه و تحلیل داده‌های حسابداری برای کمک به تیم مدیریت جهت تصمیم‌گیری استراتژیک و ارزیابی اثربخشی سازمانی می‌باشد (هاکو، ۲۰۰۱). سیستم‌های حسابداری مدیریت استراتژیک شیوه‌ها و تکنیک‌هایی هستند که به تازگی به عنوان وسیله‌ای برای غلبه بر محدودیت‌های روش حسابداری مدیریت سنتی در برخورد با مسائل استراتژیک ارائه شده‌اند (کورای و فاپروک، ۲۰۱۰). در واقع حسابداری مدیریت استراتژیک نقش محوری در ایجاد و پیاده‌سازی استراتژی‌های تجاری شرکت‌ها ایفا می‌نماید و این موضوع می‌تواند در مسیر موفقیت‌های شرکت‌ها بسیار حائز اهمیت قلمداد شود. گرچه ادبیات حسابداری مدیریت استراتژیک تاکنون رشد زیادی داشته است، اما هنوز هم درباره معنای دقیق حسابداری مدیریت استراتژیک توافق و اجماع محدودی وجود دارد (ابراهیمی کهریزسنگی و بخردی‌نسب، ۱۳۹۸). بیشتر مقالات به صورت مفهومی بوده و تعداد اندکی از آنها به صورت پژوهشی و تجربی دقیقاً به موضوع حسابداری مدیریت استراتژیک پرداخته‌اند (کادز و گولدینگ، ۲۰۰۷؛ آفیز و آیدی، ۲۰۱۴).

اثربخشی رقابتی شرکت‌ها

تجارت در شرایط امروزی، اقدامی نامطمئن است. از آن‌جا که جهان آینده از درون جهان حال متولد می‌شود، بنگاه‌های پیشتاز به کشف و مهندسی هوشمندانه آینده توجه دارند؛ اقدامی که نیازمند افزایش مدیریت اطلاعات می‌باشد. از آن‌جا که شرکت‌ها همواره به دنبال موقعیت رقابتی خود بوده‌اند، نمی‌توان اثربخشی رقابتی را مفهوم جدیدی دانست. در واقع اثربخشی رقابتی اولاً اشاره به پردازش و ذخیره اطلاعات نسبت به ویژگی‌های خود شرکت و ثانیاً نسبت به محیط و عملکردهای رقبا دارد، تا آینده بهتری را برای ذینفعان رقم بزند. اگرچه اطلاعات، می‌تواند محور اصلی اثربخشی رقابتی شرکت‌ها محسوب شود، اما این مفهوم تنها جمع‌آوری اطلاعات را در بر نمی‌گیرد و تمرکز بر عملکردهای حرف‌های شرکت در فضای رقابتی می‌تواند باعث تقویت کارکردهای رقابتی شرکت گردد (انراک و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۱۲). اثربخشی رقابتی به مجموع کارکردهای شرکت‌ها اشاره دارد، که باعث می‌گردد نسبت به سایر رقبا، موقعیت شرکت مستحکم‌تر گردد و این موضوع منجر می‌شود تا از طریق مزیت رقابتی که بدست می‌آورند، باعث ایجاد جذابیت‌های سرمایه‌گذاری برای سهامداران و سرمایه‌گذاران گردد. به عبارت دیگر شرکت‌هایی قابلیت رسیدن به اثربخشی را خواهند داشت که معیارهای عملکردی مطلوبی همچون کیفیت افشا اطلاعات، نظارت‌های حاکمیت شرکتی، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های تامین منابع مالی و... را داشته باشند و از این طریق بتوانند اعتماد و اطمینان بیشتری نسبت به سایر رقبا برای خود ایجاد کنند (لین و لین، ۲۰۱۹: ۱۷۳).

پیشینه تجربی پژوهش

راشید و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی تحت عنوان رویکردهای حسابداری مدیریت استراتژیک: بررسی ادبیات و فرصتی برای تحقیقات آینده انجام دادند. هدف این پژوهش توسعه رویکردهای حسابداری مدیریت استراتژیک در کسب و کارهای کوچک و متوسط واحدهای اقتصادی می‌باشد و از طریق تحلیل فراترکیب پژوهش‌های مشابه باهدف ارزیابی عملکردهای حسابداری مدیریت استراتژیک مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد، توسعه حسابداری رقابتی؛ قیمت‌گذاری استراتژیک و حسابداری مزیت مشتریان به عنوان مهمترین تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک هستند که مبنایی برای عملکردهای رقابتی شرکت‌های امروز در محیط اقتصادی در حال تغییر می‌باشند.

بایون و آگیلرا (۲۰۲۰) پژوهشی تحت عنوان «برداشت‌های مدیریتی از ارتباط استراتژیک منابع و قابلیت‌ها و پیکربندی آن برای توسعه مزیت رقابت شرکت‌ها: یک مطالعه اکتشافی» انجام دادند. ابزار جمع‌آوری داده‌های پژوهش، استفاده از پرسشنامه الکترونیکی بود که براساس تجزیه و تحلیل خوشه‌ای انتخاب و تعداد ۶۲ مدیر شرکت‌های کوچک و متوسط مشارکت داشتند. نتایج نشان داد، وجود برداشت‌های مدیریتی از کارکردهای حسابداری مدیریت استراتژیک باعث استفاده از پتانسیل منابع و ایجاد ظرفیت‌های توسعه‌ی شرکت‌های می‌گردد.

گویسالاکا و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به تعیین تأثیرگذارترین تکنیک حسابداری مدیریت استراتژیک برای ارتقای توانمندی و ظرفیت منابع شرکت‌ها در بازار رقابتی پرداختند. در این پژوهش که از روش‌های تحلیل فازی استفاده شده بود، ۲۲ متخصص هم در سطح دانشگاهی و هم در سطح هر صنعت مشارکت داشتند. نتیجه نشان داد، تکنیک هزینه‌یابی هدف با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی همچون ظرفیت منابع انسانی، بازاریابی، تولید و فروش مؤثرترین تکنیک در مورد شرکت‌های در حال رشد و شرکت‌های تازه وارد می‌باشد. اوبوه و آجیبالاتا (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان حسابداری مدیریت استراتژیک و تصمیم‌گیری در بانک‌های تجاری کشور نیجریه انجام دادند. ابزار پژوهش پرسشنامه بود و ۲۵۵ مدیر بانک تجاری در قالب ۱۶ بانک در کشور نیجریه در این پژوهش مشارکت داشتند که برای تحلیل و آزمون مدل از تحلیل حداقل مربعات جزئی ((PLS استفاده شد. نتایج نشان داد، بین محک‌زنی روش‌های کاری (الگوبرداری)؛ ارزیابی یکپارچه عملکرد و هزینه‌یابی کیفیت با تصمیم‌گیری‌های رقابتی بانک ارتباط معناداری وجود دارد.

امیریکی لنگرودی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی تحت عنوان الگوی یکپارچه حسابداری مدیریت توسعه پایدار انجام دادند. در واقع این پژوهش به بررسی اکتشافی عوامل انگیزشی و الزامات حسابداری مدیریت توسعه پایدار و یکپارچگی پیامدهای حسابداری مدیریت پایدار با تصمیمات استراتژیک شرکت و همچنین ارزیابی پیامدهای آن پرداخته است و هدف غایی آن، تدوین مدل یکپارچه حسابداری مدیریت توسعه پایدار است. برای این منظور از روش تحقیق کیفی نظریه داده بنیاد استفاده شده که داده‌های لازم از طریق مصاحبه‌های عمیق با خبرگان دانشگاهی و حرف‌های کشور طی سال‌های ۹۶ و ۹۷ استخراج و پس از

کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌ها، مبنای توسعه الگوی یکپارچه حسابداری مدیریت توسعه پایدار قرار گرفت.

رستمی مازویی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به واکاوی و تبیین اثرات کنشگران فنی و انسانی بر کارکردهای سیستم اطلاعاتی حسابداری مدیریت پرداختند. در این پژوهش با استفاده از نظریه شبکه کنشگران، اقدام به نظرسنجی از بین نمونه‌ای ۳۱۰ نفره از مدیران مالی و حسابداران گردید. نتایج نشان داد، کنشگران فنی و انسانی نقش مؤثری در بهبود کارکردهای نظام حسابداری مدیریت ایفا می‌نمایند و برخلاف رویکرد سنتی متداول، در رویکرد کنشگری این بازیگران به‌عنوان مداخله‌گرانی که توانایی تأثیر و تغییر تصمیم‌های استراتژیک را دارند نگریده می‌شوند.

ابراهیمی کهریزسنگی و بخردی‌نسب (۱۳۹۸) در پژوهشی به نقش راهبری شرکتی در حسابداری مدیریت استراتژیک پرداختند. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد، شرکت‌هایی که مالکان نهادی فعال و استقلال بالا در کمیته حسابرسی دارند، بیش از دیگر شرکت‌ها از تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک استفاده نموده‌اند.

بررسی پیشینه پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد، پژوهشی با رویکرد توسعه تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک با هدف افزایش اثربخشی مزیت رقابتی انجام نشده است و این پژوهش می‌تواند به عنوان مبنایی برای پیشبرد تأثیرگذاری تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک به گونه‌ای اثربخش باشد.

روش پژوهش

از لحاظ هدف انجام، این تحقیق جزء تحقیقات کاربردی است، از لحاظ روش توصیفی به شمار می‌رود و به لحاظ نوع داده جزء پژوهش‌های کیفی و کمی (ترکیبی) می‌باشد. چراکه براساس روش پژوهش کیفی ابتدا معیارها متغیرهای پژوهش از متن پژوهش‌های مختلف شناسایی و سپس براساس تدوین چک لیست‌هایی اقدام به تحلیل راف توسعه یافته و درخت تصمیم شد. رویکرد پژوهشی در این مطالعه، به لحاظ منطق گردآوری داده‌ها از نوع استقرای-

قیاسی است؛ بدین منظور ابتدا با بررسی مبانی نظری و تئوریک تحقیق ابتدا تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک شناسایی و سپس مؤلفه‌های مربوط به سطح رقابتی شرکت‌ها در قالب چک لیست امتیازی تهیه و تدوین گردید و بر مبنای رویکرد قیاسی تلاش شد نظر متخصصان در مورد تأثیر گذارترین تکنیک حسابداری مدیریت استراتژیک برای اثربخشی سطح رقابتی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

این پژوهش از نظر نتیجه، جزء تحقیقات توسعه‌ای قلمداد می‌گردد، زیرا به دنبال بکارگیری مدل مجموعه تئوری راف توسعه یافته برای بررسی اثربخشی تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک بر سطح رقابتی شرکت‌ها می‌باشد و تا قبل از بررسی این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نتایج این پژوهش می‌تواند تا اندازه‌ای به توسعه این موضوع کمک نماید. همچنین برای تحلیل اثربخشی معیارهای رقابتی شرکت‌ها نیز از تحلیل درخت تصمیم‌گیری ((CARD استفاده می‌شود. در این پژوهش تعداد ۱۷ نفر از متخصصان دانشگاهی که از طریق روش نمونه‌گیری همگن انتخاب شده‌اند، به عنوان اعضای جامعه هدف مشارکت داشتند. علت استفاده از این روش با توجه به تخصصی بودن موضوع، وجود رویکردهای مشترک بین متخصصان در رابطه با ماهیت و هدف این پژوهش بود. اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در نگاره زیر ارائه شده است:

روش تعیین تکنیک‌های حسابداری مدیریت و اثربخشی رقابتی شرکت‌ها

برای ایجاد مدل درخت تصمیم و تعیین معیارها و مؤلفه‌های تصمیم‌ساز، ابتدا مبتنی بر روش واکاوی محتوایی منابع مربوط، داده‌های پژوهش استخراج گردید. ابتدا با فیش‌برداری و نکته‌نویسی از هر منبع، اقدام به تعیین کلیدواژه و معیارهای مربوط به متغیر پژوهش گردید. روایی چک لیست براساس روش تحلیل دلفی و تحلیل سلسله مراتبی به واسطه وجود نخبگان براساس شاخص (CVR) برازش شد. سپس براساس تحلیل دلفی و تحلیل سلسله مراتبی برای تعیین میزان مطلوبیت هر یک از مؤلفه‌ها، پایایی آن مشخص شد. در ادامه جهت شناسایی تکنیک‌های حسابداری مدیریت (X) و معیارهای اثربخشی رقابتی (Y) طبق نگاره‌های (۱) و (۲) عمل می‌شود.

تک‌اره (۱): اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

مورد	جنسیت	سن	مدرک	حوزه تخصصی	دانشگاه
نفر اول	مرد	۳۹ سال	دکتری	مدیریت مالی	دانشگاه علامه طباطبایی
نفر دوم	مرد	۳۹ سال	دکتری	مدیریت مالی	دانشگاه گیلان
نفر سوم	زن	۴۰ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه آزاد واحد گرگان
نفر چهارم	مرد	۴۰ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه آزاد واحد بندرگز
نفر پنجم	مرد	۳۹ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه آزاد واحد شاهرود
نفر ششم	مرد	۴۷ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه آزاد واحد اراک
نفر هفتم	مرد	۴۱ سال	دکتری	مدیریت مالی	عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شاهرود
نفر هشتم	زن	۴۲ سال	دکتری	مدیریت مالی	عضو هیات علمی دانشگاه سمنان
نفر نهم	زن	۴۰ سال	دکتری	مدیریت مالی	دانشگاه آزاد واحد گرگان
نفر دهم	مرد	۴۲ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه آزاد واحد گرگان
نفر یازدهم	مرد	۴۴ سال	دکتری	مدیریت مالی	دانشگاه آزاد واحد ساوه
نفر دوازدهم	مرد	۴۰ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه آزاد واحد بیرجند
نفر سیزدهم	مرد	۴۶ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه آزاد واحد بیرجند
نفر چهاردهم	مرد	۵۱ سال	دکتری	مدیریت مالی	دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد
نفر پانزدهم	زن	۴۲ سال	دکتری	مدیریت مالی	عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی
نفر شانزدهم	زن	۴۱ سال	دکتری	حسابداری	عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی سمنان
نفر هفدهم	مرد	۴۵ سال	دکتری	حسابداری	عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

شناسایی تکنیک‌های حسابداری مدیریت (x)

در سال‌های اخیر، در کتب و مقالات به دوره گذار در حسابداری مدیریت به کرات اشاره شده است. به اعتقاد کاپلان و جانسون (۱۹۸۷)، حسابداری مدیریت تا اوایل قرن بیستم تغییری را تجربه نکرد و از هدف اصلی خود یعنی تهیه گزارش‌های مالی و غیرمالی جهت تصمیم‌گیری مدیران مغفول ماند. اما رفته رفته و شاید در پاسخ به این انتقادات، برخی تکنیک‌های بدیع حسابداری مدیریت در تعدادی از صنایع ارائه گردید. جانسون و کاپلان معتقدند که با توجه به اینکه سال‌های ۱۸۲۵ تا ۱۹۲۵ دوره اوج شکوفایی حسابداری مدیریت است، اما تکنیک و روش جدیدی در این دوره ظهور نکرده است. در سال ۱۹۹۸ کمیته حسابداری مالی و مدیریت (FMAC) که زیرمجموعه‌ای از فدراسیون بین‌المللی حسابداری (IFCA) محسوب می‌شود، بیانیه تجدیدنظر شده رویه‌ی بین‌المللی حسابداری مدیریت را

صادر نمود، که در آن تمامی مفاهیم مرتبط با حسابداری مدیریت، تعریف شده است. این بیانیه، دامنه کاربرد حسابداری مدیریت را به تمامی فعالیت‌های فرآیند مدیریت در تمامی سازمان‌های تجاری تعمیم داد و آن را بخشی جدا نشدنی از فرآیند مدیریت، برای تهیه و ارائه اطلاعات لازم برای برنامه‌ریزی، ارزیابی، کنترل و تصمیم‌گیری قلمداد کرده است. پس حسابداری مدیریت عبارت است از فرآیند شناسایی، اندازه‌گیری، جمع‌آوری اطلاعات (اعم از مالی و غیرمالی) و تجزیه و تحلیل آنها به منظور کمک به مدیریت سازمان در ایفای وظایف ارزیابی، برنامه‌ریزی و کنترل سازمان است.

تکانه (۲): تعیین تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک براساس واکاوی محتوایی

منابع	تکنیک‌های حسابداری
برگ (۲۰۱۵)؛ آفیز و آيادی (۲۰۱۴)؛ آکسویلا و آيکان (۲۰۱۳)؛	هزینه‌یابی کیفیت
جوراس (۲۰۱۴)؛ کادیز و گویلدینگ (۲۰۰۸)	هزینه‌یابی چرخه عمر محصول
کالینز و آيچبولادی (۲۰۱۷)؛ کادیز و گویلدینگ (۲۰۰۸)	هزینه‌یابی زنجیره ارزش
سامونل (۲۰۱۸)؛ کی و ماتیرلی (۲۰۱۳)	هزینه‌یابی هدف
آکسویلا و آيکان (۲۰۱۳)؛ صیادی سومار و همکاران (۱۳۹۷)	الگوبرداری
کادیز و گویلدینگ (۲۰۰۸)	هزینه‌یابی ویژگی محصول
لاچمن و همکاران (۲۰۱۳)؛ سینکاپنی و تنوسی (۲۰۱۰)؛ وطن‌پرست و همکاران (۱۳۹۷)	اندازه‌گیری عملکرد یکپارچه
کادیز و گویلدینگ (۲۰۰۸)؛ وطن‌پرست و همکاران (۱۳۹۷)	قیمت‌گذاری استراتژیک
کی و ماتیرلی (۲۰۱۳)؛ کادیز و گویلدینگ (۲۰۰۸)؛ صیادی سومار و همکاران (۱۳۹۷)	ارزیابی هزینه رقیب
مارتین و همکاران (۲۰۱۵)؛ آکسویلا و آيکان (۲۰۱۳)؛ وطن‌پرست و همکاران (۱۳۹۷)	ارزشیابی برند

با توجه به تکنیک‌های شناسایی شده حسابداری مدیریت استراتژیک می‌توان تعاریف

خلاصه آن را در نگاره زیر مشاهده نمود:

تکانه (۳): تعاریف تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک شناسایی شده

تشریح	تکنیک‌های حسابداری مدیریت
این تکنیک متمرکز است بر جستجوی بهترین عملکرد که شامل فرآیند مقایسه‌ای (تطبیقی) مداومی است که می‌تواند در تمام زمینه‌های فعالیت‌های یک سازمان بکار گرفته شود، شامل توسعه استراتژیک، عملیات و خدمات مشتری (برونلی، ۱۹۹۹: ۸۹).	محک‌زنی‌روش‌های کاری (الگوبرداری)
این تکنیک هم شامل مقیاس‌های مالی و هم غیرمالی می‌شود و همه ابعاد سازمان را در برمی‌گیرد. به هنگام ترکیب با یکدیگر، این مقیاس‌ها، راه را برای ترجمه استراتژی به صورت مجموعه‌ای منسجم از مقیاس‌ها، فراهم می‌کنند (کنهال، ۲۰۰۵).	ارزیابی یکپارچه عملکرد
هزینه‌یابی کیفیت از هزینه‌های ارائه کیفیت مطلوب و همچنین هزینه‌های به وجود آمده به وسیله عدم کیفیت تشکیل شده است (آکسویلا و آیکان، ۲۰۱۳).	هزینه‌یابی کیفیت
به عقیده سیموندز (۱۹۸۲) داده‌های مورد استفاده در اتخاذ تصمیمات قیمت‌گذاری باید با اطلاعات مربوط به واکنش‌های محتمل رقیبان به تغییر پیشنهادی در سیاست قیمت‌گذاری، تکمیل گردد.	قیمت‌گذاری استراتژیک
هزینه‌یابی هدف روشی نظام یافته و قاعده‌مند است، به منظور دستیابی به اهداف بهای تمام شده محصول، براساس عوامل بازار مدار. در واقع در این روش ابتدا قیمت فروش محصول مشخص شده و سپس بهای تمام شده هدف مشخص می‌گردد. هزینه‌هایی هدف بر کاهش هزینه‌ها در مراحل تحقیق و توسعه، طراحی و تولید یک محصول تأکید می‌ورزد (بلوچر، ۲۰۰۹).	هزینه‌یابی هدف
هزینه‌های چرخه عمر یک محصول دربرگیرنده کلیه هزینه‌هایی است که برای خلق، طراحی و توسعه، تولید، بکارگیری، نگهداری و تعمیرات و هزینه‌های اسقاط یک محصول اتفاق می‌افتد. گاهی اوقات ممکن است هزینه اولیه خرید یک محصول نسبت به سایر محصولات پایین باشد ولی هزینه‌های چرخه عمر آن نسبت به سایر محصولات بالاتر باشد (چنهال، ۲۰۰۵).	هزینه‌یابی چرخه محصول
تکنیکی که به وسیله آن به صورت منظم و به روز هزینه هر واحد رقیب برآورد می‌گردد (کی و ماتیرلی ۲۰۱۳).	ارزیابی هزینه‌های رقیب
هزینه‌یابی ویژگی خاص محصول است که به وسیله مشتریان درخواست می‌شود. ویژگی‌هایی که ممکن است شامل این هزینه‌یابی شوند مانند تقویت تزئینات، قابلیت اطمینان عرضه، ترتیبات ضمانت، خدمات پس از فروش است (کادینز و گولبدینگ، ۲۰۰۸).	هزینه‌یابی ویژگی محصول
یک مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت است که شامل تمامی فعالیت‌های موجود در زنجیره ارزش (تحقیق و توسعه، طراحی، تولید، بازاریابی، توزیع و خدمات به مشتریان) می‌شود.	هزینه‌یابی زنجیره ارزش

شناسایی معیارهای اثربخشی رقابتی (۷)

در طی سالیان اخیر موضوع اثربخشی رقابتی شرکت‌ها به عنوان یک موضوع گمشده در انبوهی از ادبیات حوزه استراتژی‌های بازرگانی محسوب می‌شود که به دلیل بی‌توجهی به آن، معیارهای مشخصی برای تعیین و ارزیابی اثربخشی یا عدم اثربخشی سطح رقابتی شرکت‌ها

تعیین نگردیده است. زیرا با توجه توسعه ابعاد روش شناختی بخش کیفی حتی در حوزه‌های مالی و رفتاری، این انتظار حداقل در طی سال‌های اخیر دور از ذهن به نظر نمی‌رسید که شرکت‌ها از طریق مشخصه‌هایی همچون معیارهای شفافیت عملکردی و اطلاعاتی به‌منظور تعیین اثربخشی جایگاه رقابتی در بازار مورد ارزیابی قرار گیرند. این پژوهش با اتکا به مطالعه کتابخانه‌ای تلاش نمود، معیارهای مشخصی برای سنجش اثربخشی رقابتی شرکت‌ها تعیین نماید که مبتنی بر واقعیت‌های عملکردی شرکت‌ها در این فضا باشد.

تکراه (۴) : معیارهای اثربخشی رقابتی شرکت‌ها

منابع	معیارهای رقابتی شرکت‌ها
اویومی و همکاران (۲۰۱۸)؛ گالیگا آلوارز و کونینا کوستودیو (۲۰۱۶)؛ کریستوفی و همکاران (۲۰۱۲)؛ ال قول و همکاران (۲۰۱۲)؛ گالیگا آلوارز و همکاران (۲۰۰۸)	افشای گزارش‌های مسئولیت اجتماعی
هونگ و همکاران (۲۰۱۸)؛ والیس و همکاران (۲۰۱۸)؛ چان و همکاران (۲۰۱۶)؛ پاریدا و همکاران (۲۰۱۶)	رشد فروش
گولدتین و یانگ (۲۰۱۹)؛ چان و همکاران (۲۰۱۶)؛ هفلین و همکاران (۲۰۱۱)	رتبه افشا
چالمرز و همکاران (۲۰۱۸)؛ آلزبان و ویلیام (۲۰۱۴)؛ چنگ و همکاران (۲۰۱۳)؛ ساعدی و دستگیر (۱۳۹۶)	اثربخشی کنترل‌های داخلی
ناکپودیا و آدبیت (۲۰۱۷)؛ فیلتوتوچیو و همکاران (۲۰۱۳)؛ هنیفا و کوک (۲۰۰۲)؛ حساس یگانه و نادى قمی (۱۳۸۵)	اثربخشی حاکمیت شرکتی
اورهان (۲۰۱۸)؛ رضانی و تانو (۲۰۱۷)؛ کونسی و همکاران (۲۰۱۱)	افشای اختیاری گزارش‌های مالی
گالیگا آلوارز و کونینا کوستودیو (۲۰۱۶)؛ کریستوفی و همکاران (۲۰۱۲)؛ ال قول و همکاران (۲۰۱۲)؛ ولیان و همکاران (۱۳۹۷)	کاهش آلاینده‌گی‌های زیست محیطی
جین و همکاران (۲۰۱۸)؛ چن و وانگ (۲۰۱۲)؛ سدیدی و محمدی سانیانی (۱۳۹۳)	فقدان محدودیت‌های مالی
دوتا و همکاران (۲۰۱۷)؛ چان و همکاران (۲۰۱۶)؛ پالمروسی و همکاران (۲۰۰۴)	فقدان گزارش تعدیل سنواتی
لی و همکاران (۲۰۱۸)؛ وانگ و شایلیر (۲۰۱۷)؛ فیلتوتوچیو و همکاران (۲۰۱۳)؛ هنیفا و کوک (۲۰۰۲)	فقدان ساختار مالکیت‌های خانوادگی
وانگ و یین (۲۰۱۸)؛ طاهری و همکاران (۱۳۹۷)	تخصص مالی مدیرعامل
دینگ و همکاران (۲۰۱۶)؛ چان و همکاران (۲۰۱۶)؛ هفلین و همکاران (۲۰۱۱)	وجود سهام شناور آزاد

هر چند تعیین معیارهای دیگر می‌توانست به توسعه ادبیات این حوزه از استراتژی‌های رقابتی شرکت‌ها کمک نماید، اما بررسی و شناخت همین ابعاد می‌تواند به اتخاذ سیاست‌های و استراتژی‌های متناسب با شرایط بازار و مؤلفه‌های بیان شده به ارتقای اثربخشی شرکت‌ها کمک نماید.

روش تحلیل داده‌ها

در این بخش باهدف پاسخ به سوال سوم پژوهش از تحلیل مجموعه راف استفاده شده است که در ادامه به تشریح این روش پرداخته می‌شود.

تعیین مولفه های اصلی

تئوری راف از سیستم‌های اطلاعاتی برای تدوین دانش و مدیریت داده‌های ناصحیح استفاده می‌کند. این روش شامل چهار رویکرد اصلی به نام‌های نمایش دانش، تقریب مجموعه، کاهش دانش و قیاس مجموع قوانین می‌شود. سیستم اطلاعاتی شامل ویژگی‌های محیطی و یک ویژگی تصمیم‌گیری است که در ادامه آورده شده است:

$$IS = (U, \Omega, W, f) \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن، U برابر با یک مجموعه کراندار و غیر تهی با n شی شامل $\{p_1, p_2, \dots, p_n\}$ ؛ Ω برابر با یک مجموعه کراندار و غیر تهی با m شی شامل $\{q_1, q_2, \dots, q_n\}$ ؛ W برابر با دامنه حاصلضرب $\Omega \times U$ ؛ f برابر با $f: \Omega \times U \rightarrow W$ که نشان دهنده تابع اطلاعات برای $q \in \Omega$ ، $f(p, q) \in w$ ، $p \in U$ است به علاوه $(x, y) \in U \times U$ و x نشان دهنده دو شیء می‌باشند. تجزیه ناپذیری نشان دهنده عدم توانایی متمایز سازی بین اشیا در یک مجموعه مجزا است و منجر به اطلاعات مشابه مشتق شده از مشاهدات متفاوت می‌شود. رابطه تجزیه ناپذیری x و y بصورت زیر نشان داده می‌شود:

$$IND(Q) = \{(x, y) \in U \times U: f(x, q) = f(y, q) \forall q \in Q\} \quad \text{رابطه (۲)}$$

ارتباط تجزیه ناپذیر، معیار U جهانی را به یک گروه از کلاس‌های معادل تقسیم می‌کند. کلاس‌های معادل در رابطه (۲) عبارتند از: $IND(Q)$ مجموعه elementary - Q در IS نام دارند. $[x]_{IND(Q)}$ برابر با مجموعه elementary - Q است که شامل x اشیا عینی است که زیر مجموعه U می‌باشد $x \in U$. اشیا در مجموعه‌های اولیه (elementary)، شامل اشیایی هستند که بر حسب شرایط می‌توانند تمیز داده شوند. با وجود این، هیچ کدام از این اشیاء نمی‌توانند بر حسب شرایط در یک مجموعه خاص، جای بگیرند. تقریب پایینی و تقریب بالایی، دو مفهوم پایه ریاضی هستند که برای یافتن اطلاعات در داده‌های ناصحیح مورد استفاده قرار می‌گیرند. تقریب‌های پایینی، اشیایی هستند که به طور قاطع متعلق به یک زیر

مجموعه مشخص از مجموعه مورد نظر و تقریب بالایی، شامل اشیاهایی است که ممکن است به طور دقیق متعلق به آن زیر مجموعه خاص نباشند. در اینجا $Q \subseteq U$ و $X \subseteq U$ عبارتست از تقریب که به دو صورت پایین و بالا می‌باشد. تقریب پایین (QL) می‌باشد و تقریب بالا (QU) می‌باشد که به صورت رابطه (۳) ارائه می‌شود:

$$X(Q_L) = \{x \in U: [X]_{IND(P)} \subseteq X\} \quad \text{رابطه (۳)}$$

$$X(Q_U) = \{x \in U: [X]_{IND(P)} \cap X \neq \emptyset\} \quad \text{رابطه (۴)}$$

در مقابل تقریب بالا (فوقانی) و پایین (تحتانی)، ناحیه مرزی نیز وجود دارد. به عبارت دیگر، اگر یک شی به عنوان منطقه مرزی طبقه‌بندی شود، تشخیص اینکه متعلق به کدام مجموعه است، غیرممکن می‌باشد. این مجموعه‌ها، براساس رابطه تجزیه‌ناپذیری مجموعه‌های اولیه است که قبلاً در $IND(Q)$ درباره آنها صحبت شد. مجموعه $RED(Q)$ و $CORE(Q)$ برای کاهش اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرند. کاهش ویژگی‌ها به منظور حذف ویژگی‌های نامرتب یا تکراری بدون کاهش کیفیت تقریب یک سیستم اطلاعاتی براساس مجموعه اصلی ویژگی‌ها، انجام می‌شود (پای و همکاران، ۲۰۱۰). رابطه تجزیه‌ناپذیری یک مجموعه از ویژگی‌ها، به هنگام حذف ویژگی‌های نامرتب یا تکراری، بدون تغییر باقی می‌ماند. $reduct$ حداقل ویژگی‌ها از یک زیرمجموعه است که قادر به طبقه‌بندی مشابه مؤلفه‌ها به عنوان کل ویژگی‌ها است. بنابراین، ویژگی‌هایی که متعلق به یک $reduct$ نیست، با توجه به طبقه‌بندی مؤلفه‌ها، زائد و غیر ضروری می‌باشد. هسته $CORE$ ، بخش مشترک یا فصل مشترک تمامی $reduct$ ها و مهم‌ترین زیرمجموعه ویژگی‌ها محسوب می‌شود. ماتریس $discernibility$ مجموعه‌ای است که می‌تواند بین دو شی یا دو مجموعه، تمیز قائل شود. رابطه بین $reduct$ ها و هسته $CORE$ ، بصورت زیر می‌باشد:

$$CORE(Q) = RED(Q) \quad \text{رابطه (۵)}$$

تئوری مجموعه راف می‌تواند اطلاعات مفید را نشان دهد، اما نمی‌تواند به طور بصری مشاهده شود. قوانین مفید براساس نگاره جدید تصمیم‌گیری، ارائه می‌شود که یک $reduct$ معین را مورد استفاده قرار می‌دهد. هر کدام از قوانین تصمیم‌گیری تنها بخشی از کل نگاره اطلاعات، توصیف می‌کند و تعداد رکوردهای متناظر با قوانین، را نشان می‌دهد. معادله شماره

(۶)، یک حائل یا پشتیبان از قانون را نشان می‌دهد. در اینجا X برابر با شناسایی قوانین خاص و درخت تصمیم برابر با قدرتمندی مجموعه می‌باشد.

$$\text{Supp}_x = \text{CARD} [(\Omega (x) \cap W (x))] \quad \text{رابطه (۶)}$$

از طرف دیگر، معادله شماره (۷)، میزان قدرت قانون را نشان می‌دهد. میزان قدرت قانون به منظور نشان دادن نسبت این قانون به نگاره اطلاعات، مورد استفاده قرار می‌گیرد. مقدار حمایت به تعداد اشیا در نگاره اطلاعات، تقسیم می‌شود. هرچقدر مقدار قدرت یک قانون بیشتر باشد، اطلاعات بیشتری در پایگاه اطلاعاتی که می‌تواند برحسب قوانین تصمیم‌گیری طبقه‌بندی شود، در اختیار ما قرار می‌دهد.

$$\text{Strength} = \text{Supp}_x / \text{CARD} (U) \quad \text{رابطه (۷)}$$

به علاوه، عامل پوشش، معیار مهم دیگری است که برای اندازه‌گیری عملکرد مجموعه تئوری راف (RST) مورد استفاده قرار می‌گیرد. عامل پوشش، درجه باورپذیری یک تصمیم است که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{Coverage}(W) = \text{Supp} (W) / \text{CARD} (W) \quad \text{رابطه (۸)}$$

$\text{Supp} (W)$ و $\text{CARD} (W)$ به ترتیب، تعداد کل اشیاء و حمایت برای یک کلاس خاص از تصمیم‌گیری را نشان می‌دهند. در نهایت، معادله شماره (۹)، دقت یک تقریب از مجموعه X را برحسب مجموعه ویژگی Q نشان می‌دهد و به عنوان نسبت قدرتمندی تقریب پایین به قدرتمندی تقریب بالا، تعریف می‌شود.

$$\text{Accuracy} = [\sum \text{CARD} (X (QL)) / \sum \text{CARD} (X (QU))] \quad \text{رابطه (۹)}$$

به هنگام انجام روش مجموعه تئوری راف دو مشکل مهم رخ می‌دهد. مشکل اول، زمان محاسبه برای ساخت reduct و مشکل دوم، تعیین بهترین reduct در یک مجموعه از آن می‌باشد. بنابراین، تحلیل راف توسعه یافته برای مدیریت بهترین انتخاب در بهترین زمان ممکن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تعیین معیارهای اثربخشی رقابتی و درخت تصمیم

طبقه‌بندی و درخت تصمیم، یک روش ناپارامتریک است که هیچ فرضی درباره توزیع داده‌ها، ارایه نمی‌کند. درخت تصمیم یک روش تقسیم دودویی و بازگشتی است که داده‌ها را زیر گروه‌های منحصر بفرد و دوطرفه تقسیم می‌کند. این زیرگروه‌ها با توجه به پاسخ‌ها در مقایسه با داده‌های اولیه، از همگنی بیشتری برخوردار می‌باشند. این روش در مرحله اول به سه قسمت تقسیم می‌شود. در وهله اول، یک درخت بسیار بزرگ است که برحسب پاریشن‌بندی بازگشتی مجموعه داده، رشد می‌کند. این درخت شامل تعداد گره‌های ترمینال است. اگرچه این درخت، مجموعه داده را به صورت کامل توصیف می‌کند، اما معمولاً نتایج پیش‌بینی ضعیفی برای نمونه‌های جدید ارایه می‌نماید. بنابراین، یافتن یک درخت کوچکتر با قدرت پیش‌بینی بیشتر بدون از دست دادن دقت، ضروری است. در مرحله دوم، که هرس کردن نام دارد، درخت تصمیم شاخه‌های درخت بیش از اندازه بزرگ بدون از دست دادن دقت، کوتاه می‌شود. این رویه، توالی درختان کوچک را تعیین و از طریق محاسبه هزینه-پیچیدگی، با دقت‌ترین حالت را می‌سازد. معادله (۱۰)، معادله هزینه-پیچیدگی، است که با Pa نشان داده می‌شود

$$pa = P(J) + a|J| \Leftrightarrow a = Pa - P(J) / \bar{J} \quad \text{رابطه (۱۰)}$$

در فرمول فوق: $P(J)$ خطای محاسبه شده جانشینی مجدد است که برای یک CARD خطای طبقه‌بندی اشتباه نام دارد. $|J|$ اندازه درخت فرعی؛ a پارامتر پیچیدگی است. در طی مرحله هرس کردن، فرآیند a بین مقادیر ۰ تا ۱ را می‌پذیرد. اندازه توالی درخت‌های تو در تو کاهش پیدا می‌کند (کائینو و همکاران، ۲۰۰۵). در میان تمامی زیردرخت‌ها با اندازه مشابه، تنها یک درخت وجود دارد که برابر با رابطه (۱۰) است. در نهایت، آخرین مرحله، انتخاب اندازه بهینه درخت است. اندازه بهینه درخت برابر با کوچکترین خطای پیش‌بینی برای نمونه‌های جدید است. برآورد خطای پیش‌بینی معمولاً به صورت یکی از دو روش زیر صورت می‌گیرد: مجموعه آزمون مستقل و اعتبار سنجی متقابل (cross-validation). زمانیکه مجموعه داده اصلی به اندازه‌ای بزرگ باشد که بتوان آن را دو مجموعه آزمون و مجموعه تمرین تقسیم کرد، می‌توان از روش مجموعه آزمون مستقل استفاده نمود. زمانیکه مجموعه داده اصلی به

اندازه کافی بزرگ نباشد، بالاجبار باید از روش اعتبار سنجی متقابل $V - fold$ استفاده نمود. خطای نهایی پیش‌بینی، برابر با نرخ کل طبقه‌بندی اشتباه برای درخت با هر اندازه است.

یافته‌های پژوهش

تعیین مؤلفه‌های اصلی مدل

در این بخش به منظور تعیین مؤلفه‌های تحقیق در مدل، ابتدا مؤلفه‌های شناسایی شده تحقیق در قالب چک لیست امتیازی طبق نگاره (۵) بین ۱۷ نفر از نخبگان انتخاب شده از طریق روش نمونه‌گیری همگن، توزیع شد تا مشخص گردد نظر آنها در رابطه با ویژگی‌های شناسایی شده در مورد تکنیک‌های حسابداری و معیارهای رقابتی شرکت‌ها امتیاز لازم را کسب می‌کند یا خیر.

بر اساس اطلاعات بدست آمده از نگاره فوق مشخص می‌گردد، از مجموع ۲۲ شاخص در قالب دو مؤلفه تکنیک‌های حسابداری و معیارهای رقابتی شرکت‌ها، ۹ شاخص که میانگین زیر ۵ (با توجه به مقیاس لیکرت ۷ گزینه‌ای) و ضریب توافق زیر ۰/۵ داشته‌اند، حذف شدند.

نگاره (۵): تحلیل دلفی

معیارها	شاخص‌ها	ضریب اهمیت شاخص‌ها			
		میانگین \pm انحراف معیار دور اول	آماره کاپا میانگین \pm انحراف معیار دور دوم	تایید/حذف	
معیارهای رقابتی	افشای گزارش‌های مسئولیت اجتماعی	۵/۰۵ \pm ۰/۵۹	۰/۷۷	تایید	
	رشد فروش	۴/۶۷ \pm ۱/۱۱	۰/۴۹	حذف	
	رتبه افشا	۵/۶۲ \pm ۰/۸۷	۰/۶۴	تایید	
	اثربخشی کنترل‌های داخلی	۵/۰۹ \pm ۰/۷۵	۰/۵۲	تایید	
	اثربخشی حاکمیت شرکتی	۵/۸۲ \pm ۱/۰۰۲	۰/۷۱	تایید	
	افشای اختیاری گزارش‌های مالی	۳/۷۶ \pm ۱/۹۲	۰/۴۵	حذف	
	کاهش آلاینده‌گی‌های زیست‌محیطی	۳/۹۱ \pm ۱/۸۲	۰/۴۶	حذف	
	فقدان محدودیت‌های مالی	۵/۳۲ \pm ۰/۷۷	۰/۶۵	تایید	
	فقدان گزارش تعدیل سنواتی	۵/۰۳ \pm ۰/۷۴	۰/۸۴	تایید	
	فقدان ساختار مالکیت‌های خانوادگی	۵/۴۷ \pm ۱/۰۱	۰/۶۳	تایید	
	تخصص مالی مدیرعامل	۴/۵۰ \pm ۱/۲۲	۰/۴۱	حذف	
	وجود سهام شناور آزاد	۵/۲۱ \pm ۰/۹۳	۰/۶۴	تایید	
			۵/۶۹ \pm ۱/۰۳	۰/۷۹	تایید

ضریب اهمیت شاخص‌ها					شاخص‌ها	معیارها
تایید/حذف	آماره کاپا	میانگین \bar{x} انحراف معیار	آماره کاپا	میانگین \bar{x} انحراف معیار		
تایید	۰/۶۰	۵/۳۷ \bar{x} ۰/۸۸	۰/۵۵	۵/۱۱ \bar{x} ۰/۹۲	هزینه‌یابی کیفیت	تکنیک‌های حسابداری
		حذف	۰/۳۹	۳/۷۷ \bar{x} ۱/۹۵	هزینه‌یابی چرخه عمر محصول	
		حذف	۰/۴۴	۳/۹۰ \bar{x} ۱/۷۹	هزینه‌یابی زنجیره ارزش	
		حذف	۰/۴۹	۴/۸۱ \bar{x} ۱/۰۹	هزینه‌یابی هدف	
		حذف	۰/۴۰	۴/۵۰ \bar{x} ۱/۱۹	الگوبرداری	
		حذف	۰/۴۸	۴/۸۲ \bar{x} ۱/۱۳	هزینه‌یابی ویژگی محصول	
تایید	۰/۶۶	۵/۵۵ \bar{x} ۰/۹۰	۰/۵۴	۵/۲۲ \bar{x} ۱/۰۱	اندازه‌گیری عملکرد یکپارچه	
تایید	۰/۷۸	۵/۶۷ \bar{x} ۰/۹۴	۰/۶۷	۵/۶ \bar{x} ۱/۲۱	قیمت‌گذاری استراتژیک	
تایید	۰/۵۶	۵/۲۰ \bar{x} ۰/۹۰	۰/۵۰	۵/۰۷ \bar{x} ۰/۸۵	ارزیابی هزینه رقیب	
تایید	۰/۶۳	۵/۲۹ \bar{x} ۰/۸۸	۰/۵۴	۵/۱۰ \bar{x} ۰/۶۹	ارزشیابی برند	

سنجش وزن مولفه‌های پژوهش

پس از شناسایی معیارهای مربوط به هر دو متغیر سطح رقابتی شرکت‌ها و تکنیک‌های حسابداری مدیریت، نوبت به محاسبه وزن معیارهای پژوهش با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی خاکستری می‌رسد. بدین منظور، پس از شکل‌گیری ماتریس مقایسه زوجی مسئله، نظر خبرگان جمع‌آوری شد. در گام بعد، میزان ناسازگاری هر یک از ماتریس‌های مقایسه زوجی مشخص گردید. چنانچه مقدار ناسازگاری پرسشنامه‌های مقایسه زوجی در حد استاندارد (کمتر از ۰/۱) باشد، می‌توان گام بعد را آغاز کرد، در غیر این صورت پرسشنامه‌های مقایسه زوجی به خبرگان بازگردانده می‌شوند تا بازنگری شوند. همانطور که مشاهده می‌شود تمامی معیارها مورد تایید قرار گرفت. در نگاره (۶) نتایج به دست آمده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی خاکستری مشاهده می‌شود.

نگاره (۶): نتایج فرآیند تحلیل سلسله مراتبی خاکستری

معیارهای فرعی	شاخص‌ها	کد	وزن شاخص‌ها		ورن نهایی شاخص‌ها	
			حد بالا (U)	حد پایین (L)	حد بالا (U)	حد پایین (L)
معیارهای رقابتی	افشای گزارش‌های مسئولیت اجتماعی	(C1)	۰/۳۳۱	۰/۳۸۲	۰/۳۸۲	۰/۳۸۲
	رتبه افشا	(C2)	۰/۲۰۹	۰/۳۰۲	۰/۳۰۲	۰/۳۰۲
	اثر بخشی کنترل‌های داخلی	(C3)	۰/۳۴۰	۰/۴۱۸	۰/۴۱۸	۰/۴۱۸
	اثر بخشی حاکمیت شرکتی	(C4)	۰/۱۶۱	۰/۲۸۰	۰/۲۸۰	۰/۲۸۰
	فقدان محدودیت‌های مالی	(C5)	۰/۱۳۹	۰/۲۸۹	۰/۲۸۹	۰/۲۹۰
	فقدان گزارش تعدیل سنواتی	(C6)	۰/۴۷۹	۰/۶۱۹	۰/۶۱۹	۰/۶۱۹
	فقدان ساختار مالکیت‌های خانوادگی	(C7)	۰/۳۴۹	۰/۶۲۲	۰/۶۲۲	۰/۶۲۲
	وجود سهام شناور آزاد	(C8)	۰/۷۱۸	۰/۹۳۵	۰/۹۳۵	۰/۹۳۵
تکنیک‌های حسابداری	هزینه‌یابی کیفیت	(A1)	۰/۲۸۸	۰/۴۸۹	۰/۴۸۹	۰/۴۹۰
	اندازه‌گیری عملکرد یکپارچه	(A2)	۰/۳۲۱	۰/۵۳۶	۰/۵۳۶	۰/۵۷۶
	قیمت‌گذاری استراتژیک	(A3)	۰/۴۷۹	۰/۷۰۳	۰/۷۰۳	۰/۷۰۳
	ارزیابی هزینه رقیب	(A4)	۰/۵۵۱	۰/۸۸۴	۰/۸۸۴	۰/۸۸۴
	ارزشیابی برند	(A5)	۰/۴۵۳	۰/۶۶۸	۰/۶۶۸	۰/۶۶۸

تحلیل درخت تصمیم و تئوری راف توسعه یافته

پس از طی کردن مراحل آماده‌سازی چک لیست و کاهش پراکندگی آنها، اقدام به بررسی و تحلیل مدل تئوری راف توسعه یافته می‌شود. طبق نگاره زیر (Testing Accuracy) و (Testing Coverage) انجام می‌گیرد.

همانطور که در نگاره (۷) مشاهده می‌کنید، براساس مجموعه آزمون دقت (Testing Accuracy) و آزمون اعتبار/پوشش (Testing Coverage) که به آن اصطلاحاً انباشته مدل (STAC) می‌باشد، مشخص گردید، بالاترین میزان اثر بخشی معیار رقابتی در سطح شرکت‌ها، می‌تواند توسط تکنیک قیمت‌گذاری استراتژیک (A3) صورت می‌پذیرد. در واقع این روش، میزان اعتبار متقابل یا اصطلاحاً (CROSS VALIDATION) نام دارد که براساس ۵ تکنیک حسابداری مدیریت استراتژیک یعنی هزینه‌یابی کیفیت، اندازه‌گیری عملکرد

یکپارچه، قیمت‌گذاری استراتژیک ارزیابی هزینه رقیب و ارزشیابی برند محتمل‌ترین اثربخشی سطح رقابتی شرکت‌ها را نشان می‌دهد.

نگاره (۷): نتایج آزمون اعتبار متقابل برای بررسی معیارهای حسابداری مدیریت

تکنیک‌های حسابداری	کداختصاصی	بهترین هرس در قوانین	آزمون دقت	آزمون اعتبار	انباشت مدل
هزینه‌یابی کیفیت	A1	هرس کردن (محدود کردن) قوانین با مقادیر زیر ۱	۰/۸۸۰	۰/۷۰	۱/۲۹۹
اندازه‌گیری عملکرد یکپارچه	A2	هرس کردن (محدود کردن) قوانین با مقادیر زیر ۱	۰/۸۹۶	۰/۷۲	۱/۳۰۲
قیمت‌گذاری استراتژیک	A3	هرس کردن (محدود کردن) قوانین با مقادیر زیر ۱	۰/۹۲۱	۰/۸۷	۱/۶۵۹*
ارزیابی هزینه رقیب	A4	هرس کردن (محدود کردن) قوانین با مقادیر زیر ۱	۰/۹۱۱	۰/۸۳	۱/۴۴۳**
ارزشیابی برند	A5	هرس کردن (محدود کردن) قوانین با مقادیر زیر ۱	۰/۶۵۳	۰/۶۸	۱/۱۲۰

مزیت این روش این است که از مشکل احتمالی ایجاد شباهت در بین گزینه‌ها که اصطلاحاً به آن (over – fitting) گفته می‌شود جلوگیری می‌کند. حال به منظور انتخاب تأثیرگذارترین ویژگی معیارهای رقابتی شرکت‌ها که براساس کدهای دستوری ایجاد شده در نگاره (۸) اقدام به بررسی درخت تصمیم‌گیری که اشاره به کاهش داده‌ها از طریق تحلیل درخت تصمیم دارد، اقدام می‌شود. در این مرحله نظر هریک از نخبگان در مورد ویژگی‌های معیارهای رقابتی براساس نگاره (۸) تعیین می‌شود. همانطور که توضیح داده شد، در این پژوهش تعداد ۱۷ خبره مشارکت داشتند که بدلیل محدودیت تعداد صفحات مقاله تنها بخشی از این نتایج ارائه می‌گردد.

پس از توزیع و تحلیل نظر خبرگان درباره وضعیت هر یک از تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک (یعنی هزینه‌یابی کیفیت، اندازه‌گیری عملکرد یکپارچه، قیمت‌گذاری استراتژیک ارزیابی هزینه رقیب و ارزشیابی برند) در هر یک از معیارهای رقابتی شرکت‌ها (C1 تا C8)، اقدام به تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری جهت تحلیل مسئله یعنی شناخت اثربخش‌ترین معیار رقابتی شرکت‌ها در سطح بازار می‌شود.

نگاره (۸): نظر خبرگان درباره‌ی ویژگی‌های سطح رقابتی براساس حسابداری مدیریت

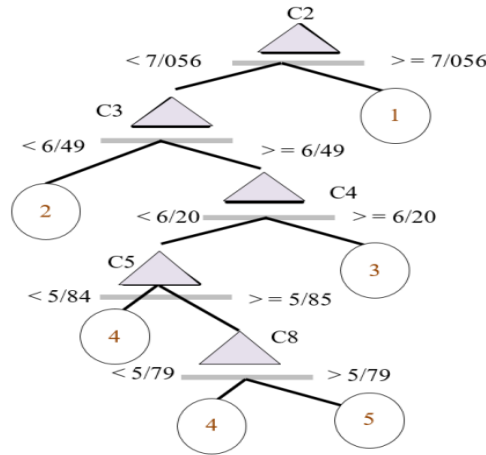
C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	
امتیازات مشارکت کننده اول								
۲	۵	۴	۴	۳	۴	۳	۶	A1
۳	۴	۶	۲	۵	۵	۵	۳	A2
۴	۶	۶	۵	۳	۳	۴	۴	A3
۴	۶	۴	۳	۴	۴	۴	۳	A4
۴	۳	۴	۳	۴	۳	۷	۴	A5

برای تشکیل نگاره تصمیم‌گیری، ابتدا باید تحلیل‌های نظر ۱۷ خبره در این پژوهش را به اعداد فاصله‌ای تبدیل کرد. براساس رابطه (۱۰) و نگاره (۹) نتایج مجموع از امتیازها مشخص می‌شود و در قالب شکل (۱) ارائه شده است.

نگاره (۹): میزان اهمیت هر یک از معیارهای سطح رقابتی

درجه تبیین	اهمیت	کدهای تخصصی	معیارهای سطح رقابتی
۵/۱۵	۰/۲۵۱	C1	افشای گزارش‌های مسئولیت اجتماعی
۷/۰۵۶	۰/۳۱۱	C2	رتبه افشا
۶/۴۹	۰/۲۸۷	C3	اثربخشی کنترل‌های داخلی
۶/۲۰	۰/۲۸۲	C4	اثربخشی حاکمیت شرکتی
۵/۸۴	۰/۲۶۶	C5	فقدان محدودیت‌های مالی
۳/۱۲	۰/۱۲۱	C6	فقدان گزارش تعدیل سنواتی
۱/۶۱	۰/۰۹۵	C7	فقدان ساختار مالکیت‌های خانوادگی
۵/۷۹	۰/۲۶۰	C8	وجود سهام شناور آزاد

باید گفت، اثربخش‌ترین معیار سطح رقابتی به ترتیب (C2)، (C3)، (C4)، (C5) و (C8) می‌باشد.



شکل (۱): انتخاب ویژگی با استفاده از تحلیل درخت تصمیم

به عبارت دیگر، همانطور که در شکل (۱) مشاهده می‌شود، مهمترین ویژگی‌های معیارهای رقابتی انتخاب شده در عملکردهای شرکت‌ها مشخص شدند. براین اساس، رتبه افشا معیار مهمی در ایجاد مزیت‌های رقابتی برای شرکت‌ها محسوب می‌شود و داشتن کنترل داخلی و نظام راهبری شرکتی اثربخش می‌تواند به افزایش سطح رقابت پذیری شرکت‌ها کمک نماید. در ادامه به منظور تعیین مهمترین تکنیک حسابداری مدیریت استراتژیک برای اثربخشی سطح رقابتی شرکت‌ها از تحلیل توسعه یافته راف استفاده می‌شود. در این تحلیل از اعتبارسنجی متقابل ۵ بخشی استفاده شد و قوانین تصمیم‌گیری مدل تحلیل راف توسعه یافته را شکل دادند. مقدار قدرت هر قانون به عنوان آستانه‌ی قوانین تصمیم‌گیری ناب مورد استفاده قرار می‌گیرد. بعد از فرآیند هرس کردن، مدل مبتنی بر قانون، ساخته شد. سپس، دقت و میزان پوشش مدل تحلیل راف توسعه یافته محاسبه گردید. براساس این مدل، با توجه به دقت و میزان پوشش دهی تعداد قوانین تصمیم‌گیری در فرآیند هرس کنی کاهش پیدا می‌کند. مجموعه دقت و پوشش، به عنوان معیاری برای روش هرس کنی قوانین مورد استفاده قرار می‌گیرد (پای و همکاران، ۲۰۱۰). مقدار انباشت مدل برابر با مجموعه آزمون دقت و آزمون پوشش است. نگاره (۸)،

بهترین روش هرس کنی، تعداد قوانین، میزان آزمون پوشش و مقدار انباشت مدل را نشان می‌دهد.

تگاره (۱۰): قوانین تصمیم‌گیری مستق شده از (A2) در مدل راف توسعه یافته

درصد توافق	قوانین تصمیم‌گیری
۰/۷۴	C2 (رتبه افشا) برابر با سطح اهمیت ۰/۳۱۱ می‌باشد که بر این اساس مؤثرترین عامل در اثربخشی سطح رقابتی شرکت‌ها است.
۰/۷۱	C3 (اثربخشی کنترل داخلی) برابر با سطح اهمیت ۰/۲۸۷ می‌باشد که بر این اساس مؤثرترین در رتبه دوم اثربخشی سطح رقابتی شرکت‌ها است.
۰/۶۹	C4 (اثربخشی حاکمیت شرکتی) برابر با سطح اهمیت ۰/۲۸۲ می‌باشد که بر این اساس مؤثرترین در رتبه سوم اثربخشی سطح رقابتی شرکت‌ها است.
۰/۵۸	C5 (فقدان محدودیت‌های مالی) برابر با سطح اهمیت ۰/۲۶۶ می‌باشد که بر این اساس مؤثرترین در رتبه چهارم اثربخشی سطح رقابتی شرکت‌ها است.
۰/۴۷	C8 (سهام شناور آزاد) برابر با سطح اهمیت ۰/۲۶۰ می‌باشد که بر این اساس مؤثرترین در رتبه پنجم اثربخشی سطح رقابتی شرکت‌ها است.
۰/۸۲	C1 (رتبه افشا) برابر با سطح اهمیت ۰/۴۸۳ و C5 (فقدان محدودیت‌های مالی) برابر با سطح اهمیت ۰/۰۳۷- می‌باشد که از مشتق کران‌های بالا و پایین محاسبه شد.
<p>نکته: با توجه به اینکه (A3) یعنی تکنیک قیمت‌گذاری استراتژیک به‌عنوان مهمترین تکنیک حسابداری مدیریت استراتژیک برای اثربخشی معیارهای رقابتی، بهترین مقدار را در بین سایر ویژگی‌ها اعمال قلب یعنی (A1)، (A2)، (A4) و (A5) کسب نموده است، لذا سایر قوانین تصمیم‌گیری را از مقدار (A3) را مشتق‌گیری می‌کنیم. سپس براساس کران‌های به‌دست آمده از سطح بالا و پایین در فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی مشتق می‌گیریم تا از این طریق حد فاصل بین اثربخشی معیارهای رقابتی را مشخص نماییم. بر این اساس از تابع ایجاد شده شامل انتگرال حد بالا و پایین، مشتق گرفته می‌شود، که باید از قاعده زیر استفاده شود و مستقیماً فرمول محاسبه مشتق انتگرال را به ما می‌دهد. مشتق انتگرال $\int_{n(x)}^{m(x)} h(t)dt$ برابر است با</p> $\left(\int_{n(x)}^{m(x)} h(t)dt \right)' = m'(x) \cdot h(m(x)) - n'(x) \cdot h(n(x))$ <p>یعنی مشتق تابعی که شامل انتگرالی با یک تابع تک متغیره مانند $h(t)$ و کران‌هایی بر حسب x مانند $m(x)$ (کران بالا) و $n(x)$ (کران پایین) باشد، برابر است با مشتق کران بالا، ضربدر تابع داخل انتگرال که کران بالا به جای متغیر آن جایگزین شده است، منهای مشتق کران پایین، ضربدر تابع داخل انتگرال که کران پایین به جای متغیر آن جایگزین شده باشد.</p>	

بر اساس نتیجه این نگاره قیمت گذاری استراتژیک به عنوان بهترین راه (قانون) یعنی بهترین تکنیک حسابداری مدیریت استراتژیک برای اثربخشی سطح رقابتی شرکت‌ها به-منظور کسب مزیت رقابتی محسوب می‌شود. چراکه هم از نظر آزمون دقت و هم از نظر آزمون پوشش بیشترین میزان را کسب نموده است و مقدار انباشت مدل بالاترین میزان نسبت به ۴ معیار دیگر تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک جهت شناسایی اثربخش-ترین معیار سطح رقابتی محسوب می‌شود.

نگاره (۱۰) نشان می‌دهد، مشارکت کنندگان با توجه به بالاتر بودن درصد توافق، معتقد هستند برای تعیین اثربخشی مهمترین معیارهای رقابتی سطح شرکت‌ها به واسطه تکنیک قیمت گذاری استراتژیک می‌توان از دو شاخص بالا بودن رتبه افشا (C1) و پایین بودن محدودیت مالی (C5) به عنوان تکنیک‌های دارای اولویت نسبت به سایر تکنیک‌های بررسی شده در این پژوهش استفاده شود.

نتیجه گیری

هدف این پژوهش اولویت بندی اثربخشی تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک نسبت به معیارهای رقابتی شرکت‌ها بر اساس تحلیل‌های درخت تصمیم و توری راف توسعه یافته بود. یافته‌ها نشان داد، از مجموع ۵ تکنیک حسابداری مدیریت استراتژیک، تکنیک قیمت گذاری استراتژیک به عنوان اولین اولویت برای افزایش سطح رقابتی شرکت‌ها محسوب می‌شود. این نتیجه تأیید می‌نماید که شرکت‌ها برای کسب سهم بیشتری از بازار و جذب مزیت‌های رقابتی ناگزیر به انتخاب شیوه‌های مدیریتی پویا برای قیمت گذاری رقابتی هستند. در واقع شرکت‌ها بر اساس واکنش نسبت به رقبا و نوسانات قیمت می‌بایست انعطاف پذیری لازم را برای حفظ سهم بازار خود داشته باشند تا از این طریق بتوانند کسب قیمتی مناسبی نسبت به سایر رقبا خود کسب نمایند و از طریق صرفه جویی ناشی از مقیاس و تجربه‌ای که در بازار کسب نموده‌اند، سهم بازار خود را حفظ و در شرایط ناثبات اقتصادی، سهم بیشتری را برای خود کسب نمایند. همچنین مشخص گردید، ارزیابی هزینه رقبا به عنوان دومین تکنیک دارای اهمیت در سطح اثربخشی سطح رقابتی شرکت‌ها محسوب می‌شود که از طریق آن شرکت‌ها با تحلیل سطح هزینه‌های رقبا خود می‌توانند استراتژی مطلوب‌تری را در بازار اتخاذ نمایند. زیرا شرکت‌ها به واسطه مرز گسترده تیم‌های بازاریابی خود می‌توانند اطلاعات

مناسبی را از بازارهای کسب کنند و در زمان مناسب تصمیم‌های لازم را برای حفظ سهم بازار و برتری رقابتی در صنعت اتخاذ کنند. زیرا ارزیابی هزینه رقبا به شرکت‌ها کمک می‌کند تا دید و وسیع‌تری را نسبت به علائم بازارها و رقبا داشته باشند و با تصمیم‌های مبتنی بر شرایط، موفقیت بیشتری را در بازار کسب نمایند.

همچنین نتایج در بخش تحلیل درخت تصمیم نشان داد، از میان شاخص‌های مربوط به سطح رقابتی شرکت‌ها، شاخص رتبه افشا، اثربخشی کنترل داخلی، اثربخشی حاکمیت شرکتی، فقدان محدودیت‌های مالی و داشتن سهام شناور آزاد می‌تواند به رسیدن یک شرکت به سطح مزیت رقابتی برای برتری در یک بازار و صنعت دارای اولویت باشند. زیرا شاخص رتبه افشا که یک شاخص ارزیابی توسط سازمان بورس اوراق بهادار می‌باشد می‌تواند به شرکت‌ها کمک نماید با ایجاد اطمینان بر ارکان بازار جریان نقدی بیشتری را وارد شرکت کند و از این طریق سرمایه‌گذاری‌های آتی جذاب‌تری از منظر سودآوری برای سهامداران و سرمایه‌گذاران رقم بزند. زیرا رتبه افشا می‌تواند عامل مهمی برای کاهش میزان ریسک تصمیم‌گیری سهامداران و سرمایه‌گذاران محسوب شود و باعث گردد تا سهام شرکت دارای جذابیت‌های بیشتری نسبت به سایر رقبا باشد. از طرف دیگر مشخص شد، اثربخشی کنترل داخلی و حاکمیت شرکتی به عنوان دو شاخص سطح رقابتی شرکت‌ها محسوب می‌شوند که می‌توانند نقش مهمی برای کسب مزیت رقابتی در بازار ایفا نمایند. با افزایش سطح اثربخشی کنترل داخلی، عملکرد مالی شرکت‌ها همراستایی بیشتری با استانداردهای حسابداری خواهد داشت و این موضوع ضمن پوشش نقاط ضعف داخلی شرکت بر اظهار نظر مطلوب تر حسابرسان مستقل تأثیر می‌گذارد. از طرف دیگر اثربخشی مکانیزم‌های راهبری شرکتی باعث می‌شود تا ارکان نظارتی بر عملکرد مدیریت دارای پویای بیشتری باشد و باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌ها شوند. تحت این شرایط می‌توان انتظار داشت با کاهش هزینه‌های فرصت‌طلبی مدیران شرکت‌ها، ارزش‌های حداکثری سهامداران و سرمایه‌گذاران حفظ می‌شود و آن‌ها اعتماد و اطمینان بیشتری نسبت به شرکت‌های دیگر به شرکت مزبور کسب می‌نمایند. همچنین نتایج نشان داد، شاخص فقدان محدودیت‌های مالی نیز می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا با خیال راحت‌تری منابع مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در طرح‌ها و پروژه‌ها را از بیرون شرکت براساس تأمین منابع مالی خارجی کسب نمایند.

شرکت‌هایی که کمتر دچار محدودیت‌های مالی باشند پاسخگویی مناسب‌تری نسبت به فرصت‌های آتی خواهند داشت و این موضوع به افزایش حداکثری بازه‌های آتی شرکت کمک می‌کند.

در نهایت با توسعه تحلیل راف مشخص شد با توجه به اینکه تکنیک قیمت‌گذاری استراتژیک به عنوان مهمترین اولویت نسبت به سایر تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک انتخاب گردید، می‌توان انتظار داشت در حد فاصل دو شاخص رتبه افشا و فقدان محدودیت‌های مالی بیشترین تأثیرگذاری را از خود نشان دهد. براساس این نتیجه، شرکتی که بخواهد بر مبنای تکنیک قیمت‌گذاری استراتژیک بیشترین اثربخشی را بر شاخص‌های رقابتی در سطح بازار داشته باشد، لازم است به دو معیار رتبه افشا در بالاترین سطح و فقدان محدودیت مالی در پایین‌ترین سطح توجه داشته باشد تا از این طریق بتواند بیشترین مزیت رقابتی لازم را کسب نماید. به عبارت دیگر قیمت‌گذاری استراتژیک با اتکا به رتبه افشا و عملکردهای مسئولانه شرکت در برابر سهامداران و سرمایه‌گذاران می‌تواند به کسب سهم بیشتری در بازار امیدوار باشد. همچنین با کاهش محدودیت‌های مالی منابع نقدی بیشتری برای سرمایه‌گذارای‌های آتی خود کسب نماید تا از این طریق به حداکثر سازی ثروت سهامداران کمک نماید. البته وجود عوامل مداخله‌گری همچون نوع صنعت، ساختار اقتصادی، فرهنگ، رفتار سرمایه‌گذاری و... می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. براساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود، شرکت‌ها براساس شرایط بازار و شناخت ویژگی‌های رقا، استراتژی‌های حسابداری مدیریت را اتخاذ نمایند تا از این طریق ضمن دستیابی به سطح مزیت رقابتی نسبت به سایر رقا، موفقیت استراتژیک قابل توجه‌تری را کسب نمایند. در واقع تکنیک‌های مبتنی بر شناخت رقا به شرکت کمک می‌کند با تغییرات بازار و سطح صنعت پاسخ‌های مناسب‌تری ارائه شود و از این طریق منافع سهامداران را در مسیر حداکثرسازی ثروت سهامداران و ارزش‌های رقابتی شرکت قوت بخشند. همچنین پیشنهاد می‌شود با استفاده از تکنیک قیمت‌گذاری رقابتی در بازار و ضمن ارتقای سطح رتبه افشا و کاهش میزان محدودیت‌های مالی به جلب اطمینان و اعتماد بیشتر ارکان بازار و بهبود عملکرد رقابتی بپردازد. در نهایت پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها بر مبنای وضعیت بازار و سطح رقابتی، اولویت‌های تصمیم‌گیری در خصوص رسیدن به سهم بیشتر از بازار را برای خود مشخص نمایند و با

همسان‌سازی با سازوکارهای اقتصادی جایگاه رقابتی خود در بازار را حفظ و یا توسعه بخشند. شناخت معیارهای رقابتی و اولویت‌بندی آن نه تنها به ویژگی‌های بازار بلکه می‌تواند منبعث از فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط قوت و ضعف شرکت در یک فضای رقابتی باشد که لازم است با ارزیابی‌های دوره‌ای از عملکردهای خود، بهترین تصمیم را در این زمینه اتخاذ نمایند. با توجه به فرآیند پژوهش، پیشنهاد می‌شود برای پژوهش‌های آتی اقدام به واکاوی سطح تأثیرگذاری تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک بر بهبود بهره‌وری مالی و کاهش محدودیت‌های تامین مالی گردد تا براین اساس شرکت‌ها به مزیت رقابتی برای توسعه طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری خود دست یابند.

منابع

- ابراهیمی کهریزسنگی، خدیجه؛ بخردی‌نسب، وحید. (۱۳۹۸). نقش راهبری شرکتی در حسابداری مدیریت استراتژیک. حسابداری مدیریت، ۱۲ (۴۱): ۸۹-۶۹.
- امیریکی لنگرودی، حبیب، کردستانی، غلامرضا، رضایی، فرزین. (۱۳۹۹). الگوی یکپارچه حسابداری مدیریت توسعه پایدار. حسابداری مدیریت، ۱۳ (۴۴): ۲۱-۱.
- حاجیها، زهره؛ حقیقی، حسین. (۱۳۹۵). بررسی رابطه کاربرد ابزارهای حسابداری مدیریت بر صلاحیت حرف‌های حسابرسی داخلی در شرکت‌های تولیدی بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۵ (۱۹): ۶۰-۴۷.
- رستمی‌مازویی، نعمت؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ رییس‌زاده، سیدمحمدرضا؛ پورزمانی، زهرا. (۱۳۹۸). واکاوی و تبیین اثرات کنشگران فنی و انسانی بر کارکردهای سیستم اطلاعاتی حسابداری مدیریت با استفاده از نظریه شبکه کنشگران. حسابداری مدیریت، ۱۲ (۴۱): ۱۱۰-۹۱.
- رضایی دولت‌آبادی، حسین؛ مهرآذین، سمیرا. (۱۳۹۲). تحلیل نقش حسابداری مدیریت در ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان‌ها، در محیط‌های متغیر و پویا. پژوهش حسابداری، ۸ (۱): ۸۹-۹۱.
- ساعدی، رحمان؛ دستگیر، محسن. (۱۳۹۶). تأثیر ضعف کنترل‌های داخلی و شکاف سهامداران کنترلی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۹ (۴): ۳۸-۱۷.
- سدیدی، مهدی؛ محمدی‌سانبانی، احمد. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط حساسیت سرمایه‌گذاری جریان نقدی با سطح مخارج سرمایه‌گذاری. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال یازدهم، ۴۱ (۱): ۱۰۵-۱۲۹.

مرادی، محمد؛ سپهوندی، سعیده. (۱۳۹۴). تأثیر استراتژی‌های رقابتی بر پایداری عملکرد مالی و ریسک. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۷(۳): ۷۵-۹۰.

وطن‌پرست، محمدرضا؛ تصدی‌کاری، محمدجواد؛ احمدزاده‌لایق، نرگس. (۱۳۹۷). مروری بر تاریخچه و تکنیک‌های حسابداری مدیریت. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۱(۲): ۳۹-۵۳.

ولیان، حسن؛ عبدلی، محمدرضا؛ کریمی، شبنم. (۱۳۹۷). طراحی الگوی کارکردهای نوآورانه زیست محیطی برای توسعه عملکردهای کسب و کار با رویکرد فازی (مطالعه موردی: شرکت‌های دارویی بورس اوراق بهادار تهران). حسابداری مدیریت، ۱۱(۳۷): ۵۹-۷۵.

- Affes, H. , Ayadi, F. (2014). Contextual factors impact on the use of new management accounting practices: An empirical analysis in the Tunisian context. *Journal of Research in International Business and Management*, 4 (12) : 45-55.
- Agnihotri, R. S. (2009). *Salesperson Competitive Intelligence Use: A Social Identity Perspective* (Doctoral dissertation). Retrieved from ProQuest Dissertations and Theses database.
- Aksoylu S. , Aykan. E. (2013). Effects of Strategic Management Accounting Techniques on Perceived Performance of Businesses. *Journal of US-China Public Administration*, 10 (10) : 1004-1017.
- Aksoylu, S. , Aykan, E. (2013). Effects of Strategic Management Accounting Techniques on Perceived Performance of Businesses. *Journal of US-China Public Administration*, Vol. 10, No. 10, 1004-1017
- Alzeban, A. , Gwilliam, D. (2014). Factors affecting the internal audit effectiveness: A survey of the Saudi public sector. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 23 (2) :74-86
- Amirbeyki Langroudi, H. , Kordestani, G. , Rezaei, F. (2020). An integrated model of sustainable development management accounting. *Management Accounting*, 13 (44) : 1-21. (In Persian)
- Bayon, M. and Aguilera, P. (2020). Managerial perceptions of the strategic relevance of resources and capabilities and its configuration for firm competitiveness: an exploratory study, *Competitiveness Review*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/CR-01-2020-0023>
- Berg, T. (2015). A compass for teaching enterprise governance. *Accounting Education*. 24 (6) , 559-563. <http://dx.doi.org/10.1080/09639284.2015.1108776>.
- Bodnaruk, A. , O'brien, W. , Simonov, A. (2016). Captive finance and firm's competitiveness. *Journal of Corporate Finance*, 37 (3) : 210-228
- Bostjan, A. , Cadez, S. (2009). Management Accountant's Participation in Strategic Management Processes: a Cross-industry Comparison. *Journal for East European Management Studies*, Vol. 14, No. 3, pp. 310 - 322
- Brownlie, D. (1999). Benchmarking your marketing process, *Long Range Planning*. 31 (3) : 88-95.

- Cadez, S. , Guilding, C. (2008). An exploratory investigation of an integrate contingency model of strategic management accounting, *Accounting, Organizations and Society*, 33 (7/8) : 836-63.
- Chalmers, K. , Hay, D. , Khlif, H. (2018). Internal control in accounting research: A review. *Journal of Accounting Literature*, <https://doi.org/10.1016/j.acclit.2018.03.002>
- Chan, T. , Gountas, S. , Zhang, L. , Handley, B. (2016). Western firms' successful and unsuccessful business models in China. *Journal of Business Research*, 69 (10) : 4150-4160.
- Chen, Sh, S. , Wang, Y. (2012). Financial constraints and share repurchases. *Journal of Financial Economics*, 105 (2) : 311-331
- Cheng, M. , Dhaliwal, D. , and Y. Zhang. (2013). Does Investment Efficiency Improve after the Disclosure of Material Weaknesses in Internal Control over Financial Reporting?. *Journal of Accounting and Economics*, 31 (2) : 1-18.
- Chenhall, R. H. (2005). Integrative strategic performance measurement systems, strategic alignment of manufacturing, learning and strategic outcomes: an exploratory study. *Accounting, Organizations and Society*, 30 (11) : 395-422
- Christofi, A. , Christofi, P. and Sisaye, S. (2012). Corporate sustainability: historical development and reporting practices. *Management Research Review*, Vol. 35 No. 2, pp. 157-172.
- Cinquini, L. , Tenucci, A. (2010). Strategic management accounting and business strategy: a loose coupling?. *Journal of Accounting & Organizational*, 6 (2) : 228-25.
- Collins, S, O. , Ajibolade, S, O. (2017). Strategic management accounting and decision making: A survey of the Nigerian Banks. *Future Business Journal*, 3 (2) : 119-137
- Davies, I, A. , Ryals, L, J. (2017). The effectiveness of Key Account Management practices. *Industrial Marketing Management*, 43 (7) : 1182-1194.
- Ding, X. , Ni, Y. , Zhong, L. (2016). Free float and market liquidity around the world. *Journal of Empirical Finance*, 38 (11) : 236-257
- Dutta, I. , Duta, Sh. , Raahemi, B. (2017). Detecting financial restatements using data mining techniques. *Expert Systems with Applications*, 90 (3) : 374-393.
- Ebrahimi Kahrizsangi, K. , Bekhradi Nasab, V. (2019). The Role of Corporate Governance in Strategic Management Accounting. *Management Accounting*, 12 (41) , 69-89. (In Persian).
- El Ghouli, S. , Guedhami, O. , Kwok, C. and Mishra, D. (2011). Does Corporate Social Responsibility Affect the Cost of Capital?. *Journal of Banking and Finance*, Vol. 35 No. 9, pp. 2388-2406.
- Filatotchev, I. , Jackson, G. , Nakajima, C. (2013). Corporate governance and national institutions: a review and emerging research agenda. *Asia Pacific Journal of Management*, 30 (4) : 965-986
- Gallego-Alvarez, I. , Garcia-Sanchez, I. M. and Rodriguez-Dominguez, L. (2008). Voluntary and compulsory information disclosed online. The effect of industry concentration and other explanatory factors. *Online Information Review*, 32 (5) : 595-622.
- Gallego-Álvarez, I. , Quina-Custodio, I, A. (2016). Disclosure of corporate social responsibility information and explanatory factors. *Online Information*

- Review, Vol. 40 Issue: 2, pp. 218-238, <https://doi.org/10.1108/OIR-04-2015-0116>.
- Goldstein, I. , Yang, L. (2019). Good disclosure, bad disclosure. *Journal of Financial Economics*, 131 (1) : 118-138.
- Guesalaga, R. , Gabrielsson, M. , Rogers, B. , Ryals, L. , Cuevas, J, M. (2018). Which resources and capabilities underpin strategic key account management?. *Industrial Marketing Management*, 75 (2) :160-172.
- Hajiha, Z. , haghghi, H. (2016). Review of the relationship between application of management accounting tools on with internal audit professional competence in the company production listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 5 (19) , 47-60. (In Persian)
- Hasasyeganeh, Y. , Nadighomi, V. (2006). The Role of Transparency in the Effectiveness of Corporate Governance. *Auditor's Journal*, vol. 21, No. 179. (In Persian)
- Heflin, F. , Shaw, K, W. , Wild, J, J. (2011). Credit ratings and disclosure channels. *Research in Accounting Regulation*, 23 (1) : 20-33.
- Hong, P, K. , Lee, S. , Mynatt, P. , Ramakrishnan, R. (2018). The value relevance of timely information: The case of comparable store sales growth. *Advances in Accounting*, <https://doi.org/10.1016/j.adiac.2018.11.002>
- Hoque, Z. (2001). *Strategic Management Accounting: Concepts, Processes and Issues*, Spiro Press, London.
- Jin, M. , Zhao, Sh. , Kumbhakar, S, C. (2018). Financial constraints and firm productivity: Evidence from Chinese manufacturing. *European Journal of Operational Research*, <https://doi.org/10.1016/j.ejor.2018.12.010>
- Juras, A. (2014). Strategic management accounting – what is the current state of the concept?. *Economy Transdisciplinary Cognition*, 17 (2) : 76-83.
- Kee, R. , Matherly, M. (2013). Target Costing in the Presence of Product and Production Interdependencies. *Advances in Management Accounting*, 22 (14) : 135-158.
- Koonce, L. , Seybert, N. , Smit, J. (2011). Causal reasoning in financial reporting and voluntary disclosure, *Accounting, Organizations and Society*, 36 (4) : 209-225
- Korravee, Ch, A. , Phaprueke, U. (2010). Strategic management accounting and corporate performance of Thai-listed companies: a mediating effect of management. *Process, International Journal of Strategic Management*, vol 10, N. 1, pp. 1-29.
- Lachmann, M. , Knauer, T. , Trapp, R. (2013). Strategic management accounting practices in hospitals: Empirical evidence on their dissemination under competitive market environments. *Journal of Accounting Organizational Change*, 9 (3) : 336-369
- Lee, E, J. , Chae, J. , Lee, Y, K. (2018). Family ownership and risk taking, *Finance Research Letters*. 25 (3) : 69-75.
- Lin, H, Ch. , Lin, P, Ch. (2019). The interplay between CEO-TMT exchange level and differentiation: Implications for firm competitive behaviors and performance. *Journal of Business Research*, 95 (3) :171-181

- Liu, G. , Yin, X. , Pengue, W. , Benetto, E. (2018). Environmental accounting: In between raw data and information use for management practices. *Journal of Cleaner Production*, 197 (1) : 1056-1068
- Mamdoohi, A. R. , Taherpoorkalantari, A. A. , Sobhani, M. S. (2011). Evaluation of the Effectiveness of Marketing Systems with Strategic Approach. *Business Management Perspective*, No. 8, Winter, 79-91. (In Persian)
- Manurung, E. , KosasihElsje, T. (2013). The Implementation of SMEs Sector's Strategic Management Accounting to Win the Local Competition Relating to Facing Global Business Competition. *IBEA, International Conference on Business, Economics, and Accounting*, pp. 1-8.
- Martin, R. W. , Hiebl, M. R. W. , Duller, C. , Feldbauer-Durstmüller, B. , Ulrich, P. (2015). Family influence and management accounting usage - findings from Germany and Austria *Schmalenbach Business Review*. 67 (9) : 368-404
- McLellan, J. D. (2014). Management Accounting Theory and Practice: Measuring the Gap in United States Businesses. *Journal of Accounting – Business & Management*, 21 (1) , 53-68.
- Moradi, M. , sepahvandi, S. (2015). The Impact of Competitive Strategies on Stability of Financial Performance and Risk. *Journal of Financial Accounting Research*, 7 (3) , 90-75. (In Persian)
- Nakpodia, F. , Adegbite, E. (2017). Corporate governance and elites. *Accounting Forum*, 42 (1) : 17-31
- Oboh, C. S. , Ajibolade, S. O. (2017). Strategic management accounting and decision making: A survey of the Nigerian Banks. *Future Business Journal*, 3 (2) : 119-137
- Orhun, E. (2018). Voluntary disclosure and market competition: Theory and evidence from the U. S. services sector. *Research in International Business and Finance*, 47 (11) : 354-370
- Oyewumi, O. R. , Ogunmeru, O. A. , Oboh, C. S. (2018). Investment in corporate social responsibility, disclosure practices, and financial performance of banks in Nigeria. *Future Business Journal*, 4 (2) : 195-205
- Palmrose, Z. V. , Richardson, V. , Scholz, S. (2004). Determinants of market reactions to restatement announcements. *Journal of Accounting and Economics*, 37 (1) : 59-89.
- Parida, V. , Patel, P. C. , Wincent, J. , Kohtamaki, M. (2016). Network partner diversity, network capability, and sales growth in small firms. *Journal of Business Research*, 69 (6) : 2113-2117.
- Rajiv, D. B. , and Raj, M. , and Arindam. T. (2014). Does a Differentiation Strategy Lead to More Sustainable Financial Performance than a Cost Leadership Strategy?. *Management Decision*, 52 (5) : 872 - 896
- Rashid, M. M. , Ali, M. M. and Hossain, D. M. (2020). Strategic management accounting practices: a literature review and opportunity for future research, *Asian Journal of Accounting Research*6 (1) : 109-132
- Rezaee, Z. , Tuo, L. (2017). Voluntary disclosure of non-financial information and its association with sustainability performance. *Advances in Accounting*, 39 (14) : 47-59
- Rezaei Dolatabadi, H. , maher azin, S. (2013). Analysis of the role of management accounting in creating competitive advantage for organizations in dynamic and

- dynamic environments. *Journal of Accounting Research*, 3 (1) , 89-99. (In Persian)
- Rostami Mazouei, N. , Rahnamay Roodposhti, F. , Raeiszadeh, S. , Poorzamani, Z. (2019). Examining and explaining the effects of technical and human actors on the functions of the management accounting information system using actor network theory. *Management Accounting*, 12 (41) , 91-110. (In Persian).
- Sadidi, M. , Mohamadi Saniani, A. (2014). The Relationship between Cash Flow Sensitivity of Investment with Level of Capital Expenditure M. *Empirical Studies in Financial Accounting*. 11 (41) , 105-129. (In Persian)
- Saedi, R. , Dastger, M. (2018). The Effect of Internal Control Weakness and Controlling Shareholders' Wedge on Investment Efficiency of Companies Listed on Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 9 (4) , 17-38. (In Persian)
- Samuel, S. (2018). A conceptual framework for teaching management accounting. *Journal of Accounting Education*, <https://doi.org/10.1016/j.jaccedu.2018.05.004>
- Sayadi Somar, A. , Nasri, K. , Sabzalipoor, F. (2018). Evolution management accounting tools; the solution to reduce the ominous shadow opportunistic restatements. *Management Accounting*, 11 (38) , 59-78. (In Persian)
- Simmonds, K. (1982). Strategic management accounting for pricing: a case example. *Accounting & Business Research*, 46 (2) : 206-14
- Valiyan, H. , Abdoli, M. , Karimi, S. (2018). Designing of model of innovative environmental functions for the development of business functions with fuzzy approach (Case Study: Tehran Stock Exchange pharmaceutical companies). *Management Accounting*, 11 (37) , 59-75. (In Persian)
- Vatanparast, M, R. , Tasadikar, M, J. , Ahmadzadeh Layegh, N. (2018). An overview of the history and techniques of management accounting. the perspective of accounting and management, 1 (2) : 39-53. (In Persian)
- Wales, W. , Beliaeva, T. , Shirokova, G. , Stettler, T, R. , Gupta, V, K. (2018). Orienting toward sales growth? Decomposing the variance attributed to three fundamental organizational strategic orientations. *Journal of Business Research*, <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2018.12.019>
- Wang, K, T. , Shailer, G. (2017). Family ownership and financial performance relations in emerging markets. *International Review of Economics & Finance*, 51 (3) : 82-98
- Wang, Y, Yin, S. (2018). CEO educational background and acquisition targets selection. *Journal of Corporate Finance*, 52 (17) : 238-259

خوانایی متن صورت‌های مالی و استراتژی‌های حسابرسان در مواجهه با ریسک حسابرسی

نازنین بشیری منش^۱، امین صمیمی^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۱۳

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر میزان ابهام و پیچیدگی در صورت‌های مالی بر نوع استراتژی‌های حسابرسان در مواجهه با افزایش سطح ریسک حسابرسی است. پیچیدگی متن یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی منجر به ابهام مطالب و عدم درک آن برای سرمایه‌گذاران می‌شود و از طرفی می‌تواند به عنوان رویکردی برای پنهان‌سازی اطلاعات استفاده شود؛ لذا حسابرسان برای بررسی سطح مطلوبیت اطلاعات مالی ارائه شده لازم است از سازوکارهای مناسبی استفاده کند و خود را مقابل افزایش ریسک حسابرسی مصون سازند. در این راستا با نمونه‌ای شامل ۸۳۲ مشاهده (سال-شرکت) طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ تأثیر خوانایی صورت‌های مالی بر حق‌الزحمه، تأخیر در ارائه گزارش، اظهار نظر و تغییر حسابرس بررسی شد. یافته‌ها نشان داد، با افزایش میزان پیچیدگی و ابهام متن صورت‌های مالی، حسابرسان وقت بیشتری برای انجام فرآیندهای حسابرسی صرف نموده و در نتیجه حق‌الزحمه حسابرسی و میزان تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی افزایش می‌یابد. همچنین یافته‌ها نشان داد، حسابرسان در مواجهه با ابهام در متن صورت‌های مالی از اظهار نظر مشروط استفاده می‌کنند تا ریسک دعوی حقوقی را کاهش دهند ولی استفاده از استراتژی عدم پذیرش صاحبکار بدلیل پیچیدگی متن صورت‌های مالی مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: خوانایی صورت‌های مالی، حق‌الزحمه حسابرسی، تأخیر در گزارش حسابرسی، اظهار نظر

حسابرس، تغییر حسابرس.

طبقه‌بندی موضوعی: G11, M41

10.22051/jera.2020.31275.2679:DOI

^۱ استادیار حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (bashirimanesh@gmail.com).

^۲ کارشناس ارشد حسابرسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (a.tsamimi64@gmail.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

امروزه با وضع قوانین و دستورالعمل‌های مختلف در خصوص نحوه ارائه اطلاعات در گزارش‌های مالی، شاهد تغییرات در الزامات افشای اطلاعات شرکت‌ها بوده که منجر به افزایش قابل توجه کمیت اطلاعات گزارش شده گردیده است. همچنین مدیران از مکانیزم افشای اختیاری به‌عنوان ابزاری برای کاهش اثرات منفی نمایندگی و ابزاری برای علامت‌دهی به بازار سرمایه برای بهبود تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند. لذا شفافیت و قابلیت درک این بخش عمده از اطلاعات، امری حیاتی برای درک و تفسیر اطلاعات ارائه شده در متن صورت‌های مالی می‌باشد (لو و همکاران، ۲۰۱۸). این موضوع به حدی مهم است که به‌عنوان پل ارتباطی بین استفاده‌کنندگان و تصمیم‌گیری مفید یاد کرده‌اند. به‌عبارت دیگر تا زمانی که اطلاعات درک نشود، توانایی استفاده بعدی از آن نیز وجود نخواهد داشت. یکی از عوامل مهم برای دستیابی به اطلاعات قابل فهم این است که شخص هنگام مطالعه، بتواند به درستی آن را بخواند و اطلاعات آن را به راحتی پردازش کند. از این قابلیت در مبانی نظری دهه اخیر با عنوان خوانایی یاد می‌شود. نتایج پژوهش‌های پیشین، به صورت مستقیم و غیرمستقیم حاکی از آن است که خوانایی گزارش‌های مالی یکی از عوامل مهم اثرگذار بر تصمیمات سرمایه‌گذاران است (باقری ازغندی و همکاران، ۱۳۹۷). طبق فرضیه ابهام‌مدیریت، در زمانی که عملکرد شرکت مطلوب نیست، مدیران با کاهش شفافیت اطلاعات افشا شده اقدام به ارائه اطلاعات مبهم و پیچیده می‌کنند. از این‌رو مدیران ممکن است، به‌منظور جلوگیری از تأثیرگذاری اطلاعات بر روی قیمت سهام، اطلاعاتی که نمی‌خواهند توسط سرمایه‌گذاران بررسی شود را به شیوه‌ای پیچیده‌تر منتشر کنند (اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷). بلومفید (۲۰۰۲) بیان می‌کند، مدیران اطلاعاتی که نمی‌خواهند توسط سرمایه‌گذاران درک و استفاده شود را در بیان مبهم و پیچیده ارائه می‌کنند. لی (۲۰۰۸) بیان می‌دارد، مدیران اخبار بد دائمی و اخبار خوب موقتی رو در بیان مبهم و پیچیده ارائه می‌کنند تا از منظر استفاده‌کنندگان پنهان بماند.

روگرز و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند، مدیران برای حفاظت خود در برابر اعتراض سرمایه‌گذاران نسبت به عملکردشان از بیان خوش‌بینانه در متن صورت‌های مالی بیشتر استفاده می‌کنند. آجینا و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند، شرکت‌های دارای مدیریت سود گزارش‌های مالی پیچیده‌تر و با خوانایی کمتری منتشر می‌کنند تا بدین طریق، رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را

پنهان نموده و امکان شناسایی آن توسط سرمایه‌گذاران، تحلیلگران مالی و سایر نهادهای قانونی را کاهش دهند. با توجه به اینکه صورت‌های مالی ارائه شده توسط مدیران حسابرسی می‌شوند، سوال اصلی پژوهش این است که خوانایی صورت‌های مالی که متأثر از انگیزه‌های مختلف مدیران می‌باشد چه تأثیری بر استراتژی‌های حسابرسان در مواجهه با ریسک حسابرسی دارد؟ انگیزه‌های مدیران در پنهان کردن اطلاعات نشان می‌دهد، ارائه اطلاعات مبهم و پیچیده می‌تواند ریسک حسابرسی را افزایش دهد، حسابرسان با چند استراتژی می‌توانند ریسک حسابرسی را کاهش دهند. یکی از استراتژی‌های مرتبط برای کاهش ریسک حسابرسی، افزایش تلاش حسابرسی است. اگر این کار نتواند ریسک حسابرسی را تا حد مطلوبی کاهش دهد، آنگاه ممکن است حسابرسان، صرف ریسک حسابرسی را دریافت کنند. به گفته جانستون و بدارد (۲۰۰۴) هم افزایش تلاش حسابرسی و هم دریافت صرف ریسک، هر دو حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد. استراتژی دیگر برای کاهش ریسک حسابرسی، انتقال ریسک حسابرسی به صاحبکاران به وسیله کاهش سطح اطمینان لازم برای ارائه اظهارنظر مقبول است. ارائه اظهارنظر مشروط و اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت قبل از ورشکستگی صاحبکار، ریسک دعاوی حقوقی حسابرسان را کاهش می‌دهد (کاپلان و ویلیامز، ۲۰۱۳). راهکار دیگر این است که حسابرسان در مواجهه با افزایش پیچیدگی و ابهام متن صورت‌های مالی به منظور کاهش ریسک حسابرسی، صدور گزارش حسابرسی را با تأخیر انجام دهند (آبرناسی و همکاران، ۲۰۱۵). راهکار نهایی حسابرسان برای کاهش ریسک حسابرسی، کناره‌گیری از حسابرسی است. به گفته شو (۲۰۰۳) حسابرسان می‌توانند ریسک حسابرسی را به وسیله تغییر صاحبکاران دارای ریسک بالا کاهش دهند. با توجه به اینکه در پژوهش‌های داخلی این موضوع مورد تحلیل و بررسی واقع نشده است لذا هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه خوانایی متن گزارش‌های مالی با استراتژی‌های حسابرسان در مواجهه با ریسک حسابرسی می‌باشد. این پژوهش به غنای ادبیات خوانایی متن و نقش آن در فرآیند حسابرسی می‌افزاید.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق خوانایی صورت‌های مالی

با افزایش الزامات افشای اطلاعات به منظور بهبود شفافیت اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، مفید بودن اطلاعات متنی برای استفاده کنندگان بیرونی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این راستا، کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا در سال ۱۹۶۷ یک گروه مطالعاتی برای ارائه رهنمودهایی به منظور بهبود خوانایی و قابلیت فهم رویه های افشای شرکت‌ها شکل داد. نتایج این گزارشات که در سال ۱۹۶۹ با عنوان گزارش ویت منتشر شد، توصیه می‌کرد از آنجا که همه سرمایه‌گذاران قادر به فهم سریع گزارشات پیچیده شرکت‌ها نیستند، لذا شرکت‌ها باید از انتشار گزارش‌های پیچیده، طولانی و یا زاید، خودداری نمایند (آجینا و همکاران، ۲۰۱۶).

خوانایی گزارشگری مالی به عنوان یکی از معیارهای مهمی که کیفیت گزارش‌های مالی را افزایش می‌دهد، شایان توجه بسیاری از پژوهشگران داخلی و خارجی است. لی (۲۰۰۸) نشان داد، در گزارش‌های مالی پیچیده و مبهم میزان ثبات سودآوری پایین تر است. لذا بکارگیری مفید و مؤثر گزارش‌های مالی توسط سرمایه‌گذاران مقدور نیست. یو و ژانگ (۲۰۰۹) نشان دادند، سرمایه‌گذاران کم واکنشی بیشتری نسبت به گزارش‌های طولانی و مبهم داشته و گزارش‌های مالی کوتاه و ساده را ترجیح می‌دهند. میلر (۲۰۱۰) دریافتند که تجزیه و تحلیل گزارشات پیچیده، مستلزم صرف هزینه و زمان زیادی جهت استخراج اطلاعات مفید است، لذا سرمایه‌گذاران در مواجهه با این گزارش‌ها اقدام به سرمایه‌گذاری ننموده و حجم معاملات کاهش می‌یابد. لو و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند، شرکت‌ها برای مدیریت اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود واقعی صورت‌های مالی پیچیده و مبهم ارائه می‌کنند. در واقع پیچیدگی متن صورت‌های راهکاری برای پنهان‌سازی دستکاری اطلاعات می‌باشد. حسن (۲۰۱۷) نشان داد، مدیران توانمند به منظور آگاه ساختن سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران از عملکرد شرکت و توانمندی‌های خود، اقدام به انتشار صورت‌های مالی خواناتر و قابل فهم‌تر می‌نمایند. لو و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند، شرکت‌های منتشرکننده صورت‌های مالی خوانا و قابل فهم هزینه‌های نمایندگی کمتری خواهند داشت. خوانایی صورت‌های مالی ابزار نظارتی بر رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران بوده و در نتیجه هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهد. با شا

و آنجیا (۲۰۱۹) نشان دادند، عملکرد اجتماعی با میزان خوانایی صورت‌های مالی رابطه مثبت و معناداری دارد. شرکت‌هایی که در حوزه عملکرد اجتماعی افشای شفاف‌تری دارند از طریق بهبود خوانایی صورت‌های مالی، ایفای مسئولیت اجتماعی و رعایت اصول اخلاقی را بهتر منعکس می‌کنند. تامس و همکاران (۲۰۲۰) در بررسی گزارش‌های ۳۰ شرکت پذیرفته شده در بورس آلمان دریافتند؛ میزان پیچیدگی ابهام در متن صورت‌های مالی متوجه اخبار خوب یا بد و عملکرد شرکت می‌باشد. در شرکت‌هایی که اخبار بد وجود دارد، صورت‌های مالی از خوانایی کمتری برخوردار هستند. صفری گرایلی (۱۳۹۶) نشان دادند، که اعمال مدیریت سود موجب کاهش خوانایی گزارش‌گری مالی شرکت‌ها می‌شود. در واقع شرکت‌های دارای مدیریت سود گزارش‌های مالی پیچیده‌تر و با خوانایی کمتری منتشر می‌کنند تا بدین طریق رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را پنهان نمایند. باقری ازغندی و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که با افزایش خوانایی، حساسیت سرمایه‌گذاران یا سایر استفاده‌کنندگان بر اطلاعات متن صورت‌های مالی بیشتر و بر ارقام و اعداد حسابداری ارائه شده در صورت‌های مالی کمتر می‌شود. لذا ممکن است کاهش خوانایی صورت‌های مالی، به جای آنکه سرمایه‌گذار را به استفاده از سایر منابع اطلاعاتی ترغیب کند، به تمرکز بیشتر بر قسمت‌های غیرمتنی (ارقام صورت‌های مالی) رهنمون سازد. صفری گرایلی (۱۳۹۸) نشان دادند، شرکت‌های دارای استراتژی تهاجمی به منظور پنهان نمودن عملکرد نامطلوب خود و حفظ مزیت رقابتی، اقدام به انتشار گزارش‌های مالی پیچیده و دشوار نموده که این به نوبه خود منجر به کاهش سطح خوانایی گزارش‌گری مالی آنها می‌گردد.

مرور ادبیات حوزه خوانایی صورت‌های مالی نشان می‌دهد، صورت‌های مالی پیچیده و مبهم یکی از ابزارهای مدیریت برای پنهان-سازی اطلاعات و رفتارهای فرصت‌طلبانه می‌باشد. بنابراین، پیچیدگی صورت‌های مالی منجر به افزایش میزان ریسک حسابرسی می‌گردد. با توجه به اینکه حسابرسی صورت‌های مالی یکی از مهمترین ارکان اعتباربخشی و ارائه اطلاعات با کیفیت به سرمایه‌گذاران است؛ حسابرسان تلاش می‌کنند با اتخاذ استراتژی‌های مناسب، فرآیند حسابرسی را به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا نمایند که شواهد و مدارک لازم را جهت اظهارنظر تخصصی و حرف‌های فراهم نموده و ریسک حسابرسی را به حداقل ممکن رسانند. براین اساس فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین گردید:

خوانایی صورت‌های مالی و حق الزحمه حسابرسی

یکی از مهمترین استراتژی‌های حسابرسان در مواجهه با افزایش ریسک حسابرسی، افزایش حجم رسیدگی‌ها می‌باشد. تلاش بیشتر حسابرسان منجر به صرف وقت بیشتر و افزایش میزان حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. خو و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند، بین خوانایی متن صورت‌های مالی و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه متقابل و معناداری وجود دارد. ابهام و پیچیدگی متن صورت‌های مالی میزان حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد و از طرفی افزایش حق‌الزحمه منجر به بهبود خوانایی متن صورت‌های مالی می‌شود. هویتاش و هویتاش (۲۰۱۵) و صالحی و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند، دشواری مطالعه متن صورت‌های مالی می‌تواند نشانه‌ای از ابهام و پیچیدگی متن باشد که می‌تواند نشانه‌ای از پنهان‌کاری مدیریت و کیفیت پائین سود باشد. لذا حسابرس در این شرایط که با صرف ریسک بالاتری مواجه شده است، سعی می‌کند بخشی از ریسک را با افزایش میزان حق‌الزحمه به صاحبکار منتقل کند. بر این اساس فرضیه اول پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: بین خوانایی صورت‌های مالی و حق‌الزحمه حسابرسی و رابطه معناداری وجود دارد.

خوانایی صورت‌های مالی و تأخیر در گزارش حسابرس

اولین استراتژی حسابرسان در مواجهه با افزایش ریسک حسابرسی، تلاش بیشتر است.

حسابرسان سعی می‌کنند در فرآیند برنامه‌ریزی با افزایش حجم کار احتمال عدم کشف اشتباه یا تقلب را کاهش دهند؛ با افزایش حجم رسیدگی‌ها صدور گزارش حسابرسی با تأخیر صورت می‌گیرد. لذا انتظار می‌رود، افزایش ابهام و پیچیدگی متن صورت‌های مالی منجر به افزایش ریسک حسابرسی و در نتیجه افزایش حجم رسیدگی به اسناد و مدارک و تأخیر در ارائه گزارش شود. یافته‌های آبرناسی و همکاران (۲۰۱۹) و صالحی و همکاران (۲۰۲۰) نیز نشان داد، پیچیدگی و ابهام صورت‌های مالی با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه مستقیم و معناداری دارد. از این رو فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه دوم: بین خوانایی صورت‌های مالی و تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

خوانایی صورت‌های مالی و اظهار نظر مشروط حسابرسان

یکی دیگر از راهکارهای حسابرسان برای کاهش ریسک حسابرسی و کاهش دعوی حقوقی و از دست دادن شهرت، اظهار نظر مشروط است. کاپلان و ویلیامز (۲۰۱۳) نشان دادند، حسابرسان در مواجهه با افزایش سطح ریسک حسابرسی احتمال بیشتری دارد که اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت ارائه کنند. یافته‌های پژوهش‌های پیشین بیانگر این است که در شرکت‌های دارای اقلام تعهدی اختیاری بالا که نشان از مدیریت سود فرصت طلبانه دارد، اظهار نظر مشروط و اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری بیشتر مشاهده می‌شود (کارسون و همکاران، ۲۰۱۳؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۳). گیجر و همکاران (۲۰۱۶) نیز نشان دادند، حسابرسان در شرایط پرسیک، رفتاری متفاوت از خود نشان داده و محتاطانه عمل می‌کنند. به گونه ای که آنها در شرایط پرسیک، تمایل کمتری به ارائه اظهار نظر تعدیل نشده (اظهار نظر مقبول) داشته و بیشتر به دنبال ارائه اظهار نظر تعدیل شده (مشروط، مردود و عدم اظهار نظر) می‌باشند تا بدین طریق از انگیزش ذینفعان گزارشات حسابرسی در شکایت علیه خود جلوگیری نمایند. در زمانی که مدیران انگیزه‌های فرصت طلبانه در ارائه صورت‌های مالی داشته باشند، سعی می‌کنند با افزایش پیچیدگی و ابهام متن صورت‌های مالی مسائل را پنهان کنند و در نتیجه احتمال دارد، اظهار نظر مشروط حسابرسان دریافت کنند. لذا فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه سوم: بین خوانایی صورت‌های مالی و اظهار نظر مشروط حسابرسان رابطه معناداری وجود دارد.

خوانایی صورت‌های مالی و تغییر حسابرسان

اگر راهکارهای فوق نتواند میزان ریسک حسابرسی را به سطح معقولی کاهش دهد، حسابرسان برای حفظ اعتبار و شهرت خود از پروژه حسابرسی کناره‌گیری می‌کنند (شو، ۲۰۰۲). کیم و پارک (۲۰۱۴) دریافتند، زمانی که صاحبکار دست به فعالیت‌های فرصت طلبانه نظیر دستکاری فعالیت‌های واقعی یا مدیریت سود می‌زند و میزان ریسک حسابرسی و احتمال دعوی حقوقی را افزایش می‌دهد، میزان تغییر حسابرسان افزایش می‌یابد. خدایمی پور و علی پور (۱۳۹۱) نشان دادند، ریسک محیط فعالیت صاحبکار مهمترین عامل در رد یا پذیرش حسابرسی می‌باشد. اقامه دعوی حقوقی از سوی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی علاوه بر تحمیل هزینه

های مالی بر حسابرس، لطمه جبران ناپذیری بر شهرت و اعتبار وی خواهد داشت. لذا حسابرسان همواره تلاش می‌کنند از پذیرش و همکاری با صاحبکاران پر ریسک اجتناب کنند. براین اساس، فرضیه چهارم پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه چهارم: بین خوانایی صورت‌های مالی و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، از پژوهش‌های کاربردی می‌باشد و از نظر روش، پژوهشی توصیفی مبتنی بر تحلیل همبستگی می‌باشد که در آن از رویکرد رگرسیون چند متغیره با داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود و از نظر گردآوری داده‌ها از نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) است.

جامعه آماری پژوهش به تمامی شرکت‌هایی محدود شد که بازه زمانی پژوهش از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ می‌باشد. که: (۱) پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفند باشد، (۲) در طی دوره پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشند، (۳) جزء بانک‌ها یا مؤسسات مالی، بیمه‌ها، لیزینگ و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند و (۴) اطلاعات آن‌ها در دسترس و سهام شرکت‌ها طی هر یک از سال‌های دوره پژوهش معامله شده باشد. با مدنظر قراردادن این معیارها، ۱۰۴ شرکت جامعه آماری پژوهش را تشکیل داد. برای تدوین مبانی نظری پژوهش نیز از روش کتابخانه‌ای، و برای فراهم کردن اطلاعات شرکت‌های نمونه از منابع مختلفی از جمله سایت اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزار ره‌آوردنویین استفاده گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات با نرم‌افزارهای Eviews و Stata انجام شد.

مدل آزمون فرضیه‌ها

برای بررسی تأثیر خوانایی صورت‌های مالی بر نوع استراتژی‌های حسابرسان در مواجهه با پیچیدگی صورت‌های مالی از مدل‌های پژوهش آبرناسی و همکاران (۲۰۱۵) استفاده شد.

مدل فرضیه اول

$$Fee_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Readability_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 RECINV_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 LOSS_{i,t} + \beta_7 BIGN_{i,t} + \beta_8 AUDITORCHANGE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل فرضیه دوم

$$DL_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Readability}_{i,t} + \beta_2 \text{LEV}_{i,t} + \beta_3 \text{Size}_{i,t} + \beta_4 \text{RECINV}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{Loss}_{i,t} + \beta_7 \text{BIG}_{i,t} + \beta_8 \text{AUDITORCHANGE}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در فرضیه اول و دوم متغیر وابسته مدل‌ها (حق الزحمه حسابرسی و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی) متغیرهای کمی پیوسته بوده، لذا در برازش مدل‌ها از رویکرد رگرسیون خطی استفاده شده است.

مدل فرضیه سوم

$$\text{Opinion}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Readability}_{i,t} + \beta_2 \text{LEV}_{i,t} + \beta_3 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_4 \text{AGE}_{i,t} + \beta_5 \text{ZSCORE}_{i,t} + \beta_6 \text{LOSS}_{i,t} + \beta_7 \text{Liquidity}_{i,t} + \beta_8 \text{GROWTH}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل فرضیه چهارم

$$\text{Tournover}_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 \text{Fog}_{i,t} + \beta_2 \text{LEV}_{i,t} + \beta_3 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_4 \text{RECINV}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{LOSS}_{i,t} + \beta_7 \text{BIGN}_{i,t} + \beta_8 \text{GROWTH}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در فرضیه سوم و چهارم متغیر وابسته مدل‌ها (اظهار نظر مشروط و تغییر حسابرس) متغیرهای دو وجهی بوده، لذا در برازش مدل‌ها از رویکرد رگرسیون لاجیت استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای وابسته

DL: تأخیر در گزارش حسابرسی، عبارت است از لگاریتم طبیعی فاصله زمانی بین تاریخ پایان سال مالی و تاریخ امضای گزارش حسابرسی.

Fee: حق الزحمه حسابرسی، عبارت است از لگاریتم طبیعی هزینه حسابرسی شرکت.

Tournover: تغییر حسابرس، اگر حسابرس شرکت تغییر کرده عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر.

Opinion: اظهار نظر حسابرس، اگر حسابرس در گزارش حسابرسی نظر مشروط ارائه کرده باشد عدد 1 و در غیر این صورت عدد صفر.

متغیر مستقل

در این پژوهش برای اندازه‌گیری خوانایی متن یادداشت‌های توضیحی از شاخص فوگ استفاده می‌شود. این شاخص، در سایر پژوهش‌های خوانایی صورت‌های مالی نظیر برندک و رضوانی (۱۳۹۸)، عباس زاده و همکاران (۱۳۹۸) و باقری ازغندی و همکاران (۱۳۹۷) استفاده شده است. شاخص فوگ تابعی از دو متغیر است: میانگین تعداد، کلمات در هر جمله و درصد کلمات پیچیده (درصد کلماتی که در یک متن دارای سه سیلاب یا بیشتر هستند) مجموع این مقادیر با ضرب در عدد ۰/۴ متناسب می‌شوند.

بنابراین شاخص فوگ به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{(درصد کلمات پیچیده + میانگین تعداد کلمات در هر جمله)} \times 0.4 = \text{شاخص فوگ}$$

نحوه تعیین خوانایی صورت‌های مالی در شاخص بالا به ترتیب زیر است: ۱. انتخاب یک نمونه یکصد کلمه‌ای از ابتدا، یک نمونه یکصد کلمه‌ای از وسط و یک نمونه یکصد کلمه‌ای از اواخر صورت‌های مالی بصورت تصادفی؛ ۲. شمارش تعداد جمله‌های هر نمونه؛ ۳. محاسبه متوسط طول جمله‌ها از طریق تقسیم تعداد کلمات به تعداد جمله‌های کامل هر نمونه یکصد کلمه‌ای؛ ۴. شمارش تعداد کلمات سه‌هجایی و بیش از سه‌هجایی موجود (کلمات پیچیده) در هر یک از متون یکصد کلمه‌ای؛ ۵. جمع کردن تعداد کلمات پیچیده با تعداد متوسط کلمات در جمله‌ها؛ ۶. ضرب کردن نتیجه مرحله قبل در عدد ۰/۴؛ ۷. انجام مراحل ۴، ۵ و ۶ برای دو نمونه یکصد کلمه‌ای دیگر؛ ۸. محاسبه میانگین نتایج هر سه نمونه از طریق جمع کردن و تقسیم به تعداد (فضل الهی و ملکی توانا، ۱۳۸۹).

رابطه بین شاخص فوگ و سطح خوانایی بدین شرح است که $FOG \geq 18$ یعنی متن بسیار پیچیده است، ۱۴-۱۸ (متن سخت)، ۱۲-۱۴ (متن مناسب)، ۱۰-۱۲ (متن قابل قبول) و ۸-۱۰ (متن آسان) است.

کلمات پیچیده دارای سه بخش (سیلاب) یا بیشتر هستند. جملات طولانی و نسبت زیاد تعداد کلمات پیچیده، موجب افزایش این شاخص و در نتیجه کاهش خوانایی می‌شود. برای محاسبه کلمات پیچیده در شاخص یاد شده، موارد زیر منظور نمی‌شود: ۱. سامی خاص؛ ۲.

کلماتی که با خط تیره به هم متصل هستند؛ ۳. افعالی که به واسطه داشتن پسوند، سه سیلابی یا بیشتر شده اند؛ ۴. اسامی مرکب.

متغیرهای کنترلی

مبتنی بر پژوهش آبرناسی و همکاران (۲۰۱۵) متغیرهای کنترلی مشخص شد که عبارتند از: اندازه شرکت (SIZE): این متغیر برابر با لگاریتم طبیعی کل فروش در پایان سال مالی است.

اهرم مالی (LEV): این متغیر از طریق تقسیم ارزش دفتری کل بدهی‌ها بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها در پایان سال مالی بدست می‌آید.

متغیر توانایی مالی (Z-Score):

$$z = 0.717x_1 + 0.847x_2 + 3.107x_3 + 0.42x_4 + 0.998x_5$$

x_1 - سرمایه در گردش / کل دارایی، x_2 - سود انباشته / کل دارایی، x_3 - درآمد قبل از بهره و مالیات / کل دارایی

x_4 - ارزش بازار سهام / ارزش دفتری بدهی، x_5 - کل فروش / کل دارایی

در این مدل اگر Z محاسبه شده برای شرکت مقدار کمتر از ۱/۲۱ داشته باشد به عنوان ورشکسته و اگر بیشتر از ۲/۹ باشد به عنوان غیر ورشکسته و اگر مقدار Z بین ۲/۹ و ۱/۲۱ باشد دسته‌بندی خاصی صورت نمی‌گیرد و احتمال ورشکستگی ضعیف است.

بازده دارایی‌ها (ROA): این متغیر از طریق نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌ها بدست می‌آید.

RECINV = جمع حساب‌های دریافتی و موجودی کالا تقسیم بر کل دارایی‌ها در پایان

سال مالی

LOSS = در صورتی که شرکت‌ها دارای زیان باشد عدد یک و در غیر این صورت از صفر

استفاده می‌شود.

BIG = اگر شرکت حسابرسی جز شرکت‌های حسابرسی گروه الف بورس اوراق بهادار است عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر.

AUDITORCHANGE = در صورتی که شرکت تغییر حسابرس را تجربه کرده باشد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود.

LIQUIDITY = دارایی جاری تقسیم بر بدهی جاری می‌باشد.

GROWTH = برابر با درصد افزایش فروش می‌باشد.

AGE = سن شرکت بر اساس فاصله زمانی بین تاریخ پذیرش شرکت در بورس تا پایان دوره زمانی پژوهش، اندازه‌گیری می‌شود.

آمار توصیفی

نگاره (۱) آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی می‌باشد را نشان می‌دهد.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	میانگین	میانگین
سن شرکت	AGE	۴/۰۷	۶	۲۵	۱۸	۱۸/۳۸
اندازه شرکت	Size	۱/۳۶۷	۱۰/۱۶۶	۱۸/۶۹۱	۱۳/۶۱۲	۱۳/۷۰۵
رشد فروش	GROWTH	۰/۴۴۸	-۰/۸۲	۳/۵۷۹	۰/۱۵۷	۰/۲۲۸
اهرم مالی	Lev	۰/۲۰۱	۰/۰۶۱	۰/۹۶	۰/۶۱	۰/۶۰۳
حق الزحمه حسابرسی	LNAUDFEE	۱/۴۶۳	۴/۲۱۹	۹/۳۴۸	۶/۶۰۹	۶/۴۷۳
تاخیر گزارش حسابرسی	DL	۲۵/۰۷۰	۲۳	۱۳۵	۶۹	۷۲/۶۵
خوانایی صورت‌های مالی	READABLIATY	۴/۹۳۲	۱۳/۳۸	۱۷/۵	۱۴/۰۲	۱۴/۱۹۳
نسبت جاری	RECINV	۰/۹۲۲	۰/۱۱۲	۶/۳۸۳	۱/۲۲۴	۱/۴۵۴
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۳	-۰/۲۰۷	۰/۵۴	۰/۰۶۸	۰/۰۹۶

همان‌گونه که در این نگاره ملاحظه می‌شود، مقدار میانگین متغیر خوانایی متن صورت‌های مالی (۱۴/۱۹)، حاکی از آن است که به‌طور متوسط خوانایی متن صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه پژوهش سخت و پیچیده می‌باشد. طبق شاخص فوگک (۱۸-۱۴) در رده متن‌های سخت

قرار می‌گیرد. و متوسط لگاریتم حق الزحمه حسابرسی ۱۸/۳۸ می‌باشد. همچنین به‌طور متوسط تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی (۷۲/۶۵) بوده که نشان می‌دهد، متوسط تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی بیش از ۲ ماه می‌باشد.

همچنین در خصوص متغیرهای کیفی، بررسی درصد فراوانی نشان می‌دهد، بیش از ۴۲ درصد شرکت‌های نمونه اظهار نظر مشروط دریافت کردند. ۴۸/۴۴ درصد شرکت‌های پژوهش با تغییر حسابرسی مواجه شدند که نشان می‌دهد پدیده چرخش حسابرسی در تقریباً نیمی از شرکت‌های نمونه پژوهش رخ داده است. همچنین بیش از ۷۲ درصد شرکت‌های نمونه پژوهش از حسابرسان گروه الف معتمد بورس استفاده کردند که نشان می‌دهد سطح کیفیت حسابرسی در نمونه پژوهش مطلوب می‌باشد و این دسته از حسابرسان دقت مناسبی به ریسک حسابرسی دارند. درصد فراوانی شرکت‌های زیان‌ده ۱۱/۵۶ و شرکت‌های درمانده مالی ۱۷/۳۱ می‌باشد که نشان می‌دهد، اغلب شرکت‌های پژوهش موقعیت مالی مطلوبی در بورس داشته‌اند.

تکانه (۲): متغیرهای کیفی، بررسی درصد فراوانی

متغیر	وجود		عدم وجود		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
اظهار نظر حسابرسی	۳۵۴	۴۲/۵۵	۴۷۸	۵۷/۴۵	۸۳۲
چرخش حسابرسی	۴۰۳	۴۸/۴۴	۴۲۹	۵۱/۵۶	۸۳۲
نوع حسابرسی	۵۰۷	۶۰/۹۴	۳۲۵	۳۹/۰۶	۸۳۲
درماندگی مالی	۱۴۴	۱۷/۳۱	۶۸۸	۸۲/۶۹	۸۳۲
زیان‌ده بودن	۹۷	۱۱/۶۵	۷۳۵	۸۸/۳۵	۸۳۲

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول

از آنجا که مدل آزمون فرضیه مبتنی بر پژوهش آبرناسی و همکاران (۲۰۱۵) یک مدل رگرسیون خطی می‌باشد، بنابراین قبل از ارائه نتایج آزمون فرضیه پژوهش، لازم است فروض کلاسیک رگرسیون به شرح زیر بررسی شود:

۱. آزمون عدم هم خطی: عامل تورم واریانس (VIF) شدت همخطی چندگانه را در تحلیل رگرسیون کمترین مربعات معمولی ارزیابی می‌کند. این شاخص بیان می‌دارد چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت همخطی افزایش یافته است. اگر آماره آزمون VIF به یک نزدیک باشد نشان‌دهنده عدم وجود همخطی است. به عنوان یک قاعده تجربی مقدار VIF نباید بزرگتر از ۵ باشد. یافته‌های آزمون بیانگر عدم هم خطی متغیرهای مدل و قابلیت اتکا نتایج می‌باشد.

۲. با توجه به اینکه مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل رگرسیون با داده‌های ترکیبی می‌باشد، برای تعیین تخمین مناسب آن بایستی ابتدا باید نوع داده‌ها (پولد یا پانل) مشخص شود. نتیجه حاصل از آزمون چاو حاکی از این است که داده‌های مربوط به این مدل از روش پانل تبعیت می‌کنند. برای مشخص شدن نوع اثرات ثابت یا اثرات تصادفی داده‌های پانلی از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتیجه حاصل از آزمون هاسمن نشان می‌دهد، روش برآورد پارامترهای این مدل روش پانلی با اثرات ثابت است.

۳. همچنین، نتایج آزمون بروش پاگان نشان‌دهنده این است که مدل‌های مورد بررسی فرضیه تحقیق دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشند و در نتیجه ناهمسانی واریانس وجود دارد. بنابراین در تخمین نهایی مدل با اجرای دستور GLS اقدام به رفع ناهمسانی واریانس شده است.

نگاره (۳): تأثیر خوانایی متن صورت های مالی بر حق الزحمه حسابر

$Fee_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Readability_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 RECINV_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 LOSS_{i,t} + \beta_7 BIGN_{i,t} + \beta_8 AUDITORCHANGE_{i,t} + \epsilon_{i,t}$				
متغیر	ضریب	آماره Z	معناداری	همخطی (VIF)
خوانایی متن	۰/۳۲۱	۶/۸۸	۰/۰۰۰	۲/۴۱۰
اهرم مالی	۲/۹۶۷	۲/۳۰	۰/۰۲۲	۰/۱۹۹
اندازه شرکت	۰/۰۰۰۶	۴/۳۵	۰/۰۰۰	۰/۲۵۹
نسبت ح دریافتی و موجودی کالا	-۰/۳۴۲۴	-۱/۲۴	۰/۲۷	۲/۹۰۹
بازده دارایی ها	۱۰/۷۸۲	۳/۱۱	۰/۰۰۲	۲/۴۴۳
زیان دهی	۰/۵۵۷	۲/۱۲	۰/۰۳۰	۲/۸۳۶
نوع حسابر	-۰/۵۳۲	-۰/۳۹	۰/۶۹۸	۲/۴۱۰
تغییر حسابر	-۰/۰۱۷	-۰/۰۴	۰/۹۷۲	۰/۱۹۹
مقدار ثابت	۲۴/۴۹۹	۶/۳۸	۰/۰۰۰	
آماره چاو	۷/۳۷	سطح معناداری چاو	۰/۰۰۰	تابلویی
آماره هاسمن	۲۴۷/۷۰	سطح معناداری هاسمن	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
آماره بروش پاگان	۱/۷۵	احتمال بروش پاگان	۰/۰۲۱	وجود ناهمسانی واریانس
ضریب تعیین	۰/۴۸			
آماره والد	۳۷/۲۶	سطح معناداری آماره والد	۰/۰۰۰	

یافته های نگاره (۳) نشان می دهد، خوانایی متن صورت های مالی در سطح ۹۵ درصد اطمینان با ضریب ۰/۰۸۶ رابطه مثبت و معنی داری بر حق الزحمه حسابرسی دارد. این بدین معناست که حسابرسانی که با ابهام و پیچیدگی متن مواجه می شوند، زمان بیشتری برای اجرای فرآیندهای حسابرسی صرف نموده تا درک مناسبی از صورت های مالی داشته و اطمینان معقولی از صحت اطلاعات پیدا کنند، لذا حق الزحمه بیشتری دریافت خواهند کرد. در شرکت های دارای سطح اهرم مالی بالا نیز میزان حق الزحمه حسابرسی افزایش می یابد. در واقع نسبت بدهی، رابطه نمایندگی و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی را از طریق میزان تأمین مالی خارج

از حوزه مالکیت نشان می‌دهد و منجر به افزایش حجم رسیدگی حسابرس و حق الزحمه حسابرسی می‌شود. یافته‌های آدین فر و همکاران (۱۳۹۸) نیز مؤید این مطلب می‌باشد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد، در شرکت‌های بزرگتر با توجه به گستردگی حجم اطلاعات مالی، میزان فعالیت‌های حسابرسی افزایش یافته و در نتیجه حق الزحمه حسابرس افزایش می‌یابد.

آزمون فرضیه دوم

در آزمون فرضیه دوم نیز از رگرسیون خطی با داده‌های پنل استفاده شده و برحسب آزمون مفروضات رگرسیون، مدل برحسب روش تابلویی با اثرات ثابت برآورد گردید. یافته‌های نگاره (۴) نشان می‌دهد، سطح ابهام و پیچیدگی متن صورت‌های مالی در سطح ۹۵ درصد اطمینان با ضریب ۲/۵۲۲ با تأخیر در گزارش حسابرس رابطه مثبت و معناداری دارد. این نشان می‌دهد، افزایش ابهام و پیچیدگی در متن صورت‌های مالی منجر به افزایش سطح ریسک حسابرسی شده و در نتیجه حسابرسان برای اجرای فرآیندهای حسابرسی و کسب اطمینان معقول از مطلوبیت صورت‌های مالی زمان بیشتری صرف کرده و در نتیجه گزارش حسابرسی با تأخیر ارائه می‌شود. همچنین متغیر اهرم مالی در سطح ۹۵ درصد اطمینان با ضریب مثبت (۶/۹۳۰) تأثیر مستقیم و معنی‌داری بر تأخیر گزارش حسابرسی دارد. براین اساس در شرکت‌های دارای سطح اهرم مالی بالا میزان بررسی حساب‌های مرتبط با وام‌های بلند مدت و بیشتر بودن بدهی‌های متفرقه شرکت سطح فعالیت حسابرسی رو افزایش داده و ارائه گزارش حسابرسی با تأخیر انجام می‌شود. همچنین متغیر سودآوری شرکت در سطح ۹۵ درصد اطمینان با ضریب مثبت (۳۶/۷۰) تأثیر مستقیم و معنی‌داری بر تأخیر گزارش حسابرسی دارد. به‌منظور کنترل سطح اقلام تعهدی و اجتناب از افزایش میزان مدیریت سود یا سطح تقلب در صورت‌های مالی، حسابرسان تلاش می‌کنند دقت عمل لازم رو داشته باشند که این مساله باعث می‌شود حسابرسان زمان بیشتری را صرف حسابرسی کنند.

آزمون فرضیه سوم

با توجه به اینکه در فرضیه دوم متغیر وابسته مدل (اظهارنظر مشروط) متغیر دوجهی می‌باشد، این مدل برحسب الگوی لاجیت برازش گردید. نتایج نگاره (۵) نشان می‌دهد، مقدار آماره

ضریب مک فادن برابر با ۰/۳۶ است که نشان می‌دهد، متغیرهای توضیحی ۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد.

یافته‌های نگاره (۵) نشان می‌دهد، متغیر خوانایی در سطح ۹۵ درصد با ضرایب ۰/۰۰۹ تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اظهارنظر مشروط حسابرسی دارد. این بدین معناست که مدیران در شرایط افزایش ریسک فعالیت‌ها و عملکرد ضعیف تلاش می‌کنند با افزایش سطح ابهام و پیچیدگی در صورت‌های مالی، اطلاعات را پنهان نمایند. لذا با افزایش سطح ابهام و پیچیدگی متن صورت‌های مالی احتمال دریافت اظهار نظر مشروط حسابرسی افزایش می‌یابد. همچنین متغیر سن شرکت در سطح پنج درصد با ضرایب ۰/۰۱ تأثیری مثبت و معنی‌داری بر اظهارنظر حسابرسی دارد. شرکت‌های با تجربه، کاملاً با مسائل تهیه صورت‌های مالی و نقطه نظرات حسابرسان آشنا هستند. لذا تلاش می‌کنند صورت‌های مالی مطلوبی ارائه دهند که مدنظر حسابرسان باشد، در نتیجه احتمال دریافت اظهار نظر مقبول بیشتری دارند.

نگاره (۵): تأثیر خوانایی متن صورت‌های مالی بر اظهارنظر حسابرسان

Opinion _{i,t} = β ₀ + β ₁ Readability _{i,t} + β ₂ LEV _{i,t} + β ₃ SIZE _{i,t} + β ₄ AGE _{i,t} + β ₅ ZSCORE _{i,t} + β ₆ LOSS _{i,t} + β ₇ Liquidity _{i,t} + β ₈ GROWTH _{i,t} + ε _{i,t}				
متغیر	ضریب	آماره Z	سطح معناداری آماره Z	همخطی (VIF)
خوانایی متن	-۰/۰۳۱۳	-۲/۰۷	۰/۰۳۹	۰/۵۸۲
اهرم مالی	۲/۴۳۱	۵/۲۰	۰/۰۰۰	۰/۷۵۷
اندازه شرکت	۰/۹۴۱	۱/۳۸	۰/۱۶۹	۰/۸۳۲
عمر شرکت	۰/۱۱۹۷	۶/۵۰	۰/۰۰۰	۰/۶۵۲
درماندگی مالی	۰/۰۸۲۵	۰/۵۵	۰/۵۸۵	۰/۱۶۶
زیان‌دهی	-۰/۰۴۶۱	-۰/۸۰	۰/۴۲۳	۱/۴۶۰
نقدینگی	۲/۵۲۸	۴/۴۵	۰/۰۰۰	۰/۱۹۸
رشد شرکت	۰/۳۱۵۶	۱/۰۰	۰/۳۱۷	۰/۵۸۲
مقدار ثابت	۰/۰۱۳۵	۰/۰۱	۰/۹۸۹	
ضریب مک فادن	۰/۳۶			
آماره LR	۶۷/۸۰			
سطح معناداری آماره LR	۰/۰۰۰			

آزمون فرضیه چهارم

در آزمون فرضیه سوم نیز از روش رگرسیون لاجیت استفاده شده است. یافته‌های نگاره (۶) نشان می‌دهد، متغیر خوانایی در سطح ۹۵ درصد با ضرایب $-۰/۰۲۹$ - رابطه معناداری با تغییر حسابرس ندارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد، میزان ابهام و پیچیدگی متن صورت‌های مالی تأثیری بر تغییر حسابرس ندارد. شاید با توجه به کاهش سهم بازار حسابرسان و افزایش رقابت در بازار حسابرسی، حسابرسان با وجود افزایش ریسک حسابرسی در اثر ابهام متن صورت‌های مالی از پذیرش صاحبکار اجتناب نمی‌کنند و از طریق افزایش بندهای توضیحی و اظهار نظر مشروط ریسک دعاول حقوقی را کاهش می‌دهند. همچنین در شرکت‌های زیان‌ده احتمال تغییر حسابرس بسیار زیاد است. زیرا در این شرکت‌ها ریسک حسابرسی بالا بوده و فرآیند حسابرسی از دقت نظر و پیچیدگی بالایی برخوردار است؛ لذا در دوره بعد حسابرس از پذیرش صاحبکار اجتناب می‌کند.

نگاره (۶): تأثیر خوانایی متن صورت‌های مالی بر تغییر حسابرس

$\text{Tournover}_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 \text{Fog}_{i,t} + \beta_2 \text{LEV}_{i,t} + \beta_3 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_4 \text{RECINV}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{LOSS}_{i,t} + \beta_7 \text{BIGN}_{i,t} + \beta_8 \text{GROWTH}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیر	ضریب	آماره Z	سطح معناداری آماره Z	همخطی (VIF)
خوانایی متن	$-۰/۰۲۹۳$	$-۱/۹۳$	$۰/۰۵۴$	$۲/۷۰۴$
اهرم مالی	$۰/۹۶۸$	$۱/۴۲$	$۰/۱۵۷$	$۲/۷۹۰$
اندازه شرکت	$-۰/۰۰۹$	$-۰/۱۵$	$۰/۸۷۷$	$۰/۹۸۷$
نسبت ح دریافتی و موجودی کالا	$-۰/۰۰۰۲$	$-۲/۰۲$	$۰/۰۴۳$	$۰/۶۶۰$
بازده دارایی‌ها	$-۲/۷۱۷$	$-۱/۷۳$	$۰/۰۸۳$	$۰/۹۹۸$
زیان‌دهی	$-۲/۴۳۷$	$-۵/۲۱$	$۰/۰۰۰$	$۲/۴۸۲$
نوع حسابرس	$۰/۰۵۴$	$۰/۳۶$	$۰/۷۱۸$	$۲/۷۴۵$
رشد فروش	$۰/۳۴۷$	$۱/۱۰$	$۰/۲۷۳$	$۲/۷۹۰$
مقدار ثابت	$-۰/۱۱۹$	$-۰/۱۳$	$۰/۸۹۸$	$۲/۷۰۲$
ضریب مک فادن	$۰/۳۶$			
آماره LR	$۷۲/۳۱۵$			
سطح معناداری آماره LR	$۰/۰۰۰$			

نتیجه‌گیری

صورت‌های مالی شرکت‌ها یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی فعالان بازار سرمایه، تحلیلگران و قانون‌گذاران می‌باشد. با توجه به افزایش قابل ملاحظه کمیت اطلاعات افشا شده در یادداشتهای توضیحی، ارزش اطلاعات موجود در متن متوجه قابل درک و فهم بودن برای استفاده‌کنندگان است و زمانی به طور کامل تشخیص داده می‌شود که قابلیت خوانایی متن، بالا باشد. خوانایی گزارش‌های مالی می‌تواند به درک بهتر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی کمک نماید و می‌تواند تصمیمات بهتر سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان را به همراه داشته باشد؛ در نتیجه منجر به تصمیمات بهینه استفاده‌کنندگان و سرمایه‌گذاران می‌شود. حساب‌رسان با اعتبار بخشی به صورت‌های مالی می‌توانند برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان اطلاعاتی معتبر و قابل اتکا فراهم کنند که در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مفید واقع شود. حساب‌رسان در مواجهه با ریسک حسابرسی تلاش می‌کنند با راهکارهای مناسب و افزایش سطح فعالیت به اطمینان معقول درباره صورت‌های مالی دست یابند. در این پژوهش به استراتژی‌های حساب‌رسان در مواجهه با افزایش سطح ابهام و پیچیدگی صورت‌های مالی پرداخته شد. یافته‌ها نشان داد، با افزایش شاخص فوگ به عنوان معیار خوانایی متن میزان حق-الزحمه حساب‌رس نیز افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، سختی متن صورت‌های مالی منجر به افزایش سطح فعالیت و تلاش حساب‌رسان شده و در نتیجه وقت بیشتری صرف بررسی صورت‌های مالی شده و حق‌الزحمه حساب‌رسی افزایش می‌یابد. نتایج این پژوهش با یافته‌های رضوانی و برندک (۱۳۹۸) سازگار است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد، حساب‌رسان در مواجهه با افزایش سطح ابهام و پیچیدگی متن صورت‌های مالی، دقت نظر بیشتری در بررسی صورت‌های مالی داشته و در نتیجه وقت بیشتری برای اجرای فرآیند حساب‌رسی صرف می‌کنند؛ لذا ارائه گزارش حساب‌رسی با تأخیر انجام می‌شود. یافته‌های ناچل و پاین (۲۰۰۱)، ناچل و همکاران (۲۰۰۹) و آبرناسی و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان می‌دهد، افزایش حجم رسیدگی‌های حساب‌رس منجر به تأخیر در ارائه گزارش حساب‌رس می‌شود.

نتایج فرضیه سوم پژوهش نشان داد، حساب‌رسان در مواجهه با پیچیدگی و ابهام متن صورت‌های مالی از استراتژی اظهارنظر مشروط استفاده می‌کنند. در واقع افزایش سطح ابهام صورت‌های مالی منجر به افزایش سطح ریسک حساب‌رسی و ارائه گزارش مشروط می‌شود تا

از این طریق ریسک دعاوی حقوقی برای حساب‌رسان کاهش یابد. این یافته‌ها در پژوهش عبدی و همکاران (۱۳۹۷) و آبرناسی و همکاران (۲۰۱۵) نیز مشاهده می‌شود.

یافته‌های فرضیه چهارم نشان داد، رابطه معناداری بین سطح پیچیدگی متن صورت‌های مالی و تغییر حساب‌رس در دوره بعد مشاهده نمی‌شود. حساب‌رسان با بکارگیری سایر استراتژی‌ها نظیر افزایش حق‌الزحمه، تأخیر در گزارش حساب‌رسی و اظهارنظر مشروط تلاش می‌کنند سطح ریسک حساب‌رسی را کاهش دهند؛ لذا با وجود ابهام در متن صورت‌های مالی از پذیرش صاحبکار اجتناب نمی‌کنند. یافته‌های آبرناسی و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان داد بین خوانایی متن مبتنی بر شاخص فوگ و تغییر حساب‌رس رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود.

یافته‌های این پژوهش به غنای ادبیات خوانایی متن صورت‌های مالی و استراتژی‌های حساب‌رسان در مواجهه با افزایش ابهام صورت‌های مالی منجر می‌شود. شواهد این پژوهش نشان داد، میزان پیچیدگی و ابهام در متن صورت‌های مالی عامل مؤثری در سنجش حساب‌رسان از ریسک صاحبکار بوده و منجر به اتخاذ استراتژی‌های مناسب برای کاهش سطح ریسک دعاوی حقوقی می‌شود. یافته‌های این پژوهش می‌تواند مدیران را نسبت به تأثیرگذاری خوانایی متن بر هزینه‌های حساب‌رسی، تأخیر در گزارش حساب‌رسی و اظهارنظر مشروط آگاهی بخشد تا اقدامات لازم در جهت روان‌سازی و خوانایی صورت‌های مالی انجام دهند. همچنین حساب‌رسان می‌توانند از یافته‌های این پژوهش استفاده کنند و در پذیرش صاحبکار، قیمت‌گذاری خدمات حساب‌رسی و اظهارنظر نسبت به مطلوبیت صورت‌های مالی به عامل خوانایی متن صورت‌های مالی دقت بیشتری نمایند و همچنین در تعامل با کمیته حساب‌رسی رهنمودهای لازم برای افزایش سطح خوانایی و رفع ابهام متن صورت‌های مالی ارائه دهند. به محققان آتی پیشنهاد می‌شود، با توجه به استفاده از شاخص فوگ در این پژوهش در تحقیقات آتی از سایر شاخص‌ها خوانایی نظیر فلش، پاورز، گانینگ و... استفاده شود و نتایج با یافته‌های این پژوهش مقایسه و تحلیل گردد. همچنین تأثیر سطح خوانایی متن صورت‌های مالی بر حق‌الزحمه غیرعادی حساب‌رسان و اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت به توسعه ادبیات این حوزه کمک می‌کند.

منابع

- آذین فر، کاوه؛ قدرتی زوارم، عباس؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۸). تأثیر ابعاد ریسک بر قیمت گذاری حسابرسی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی ۱۱ (۴۴): ۱۷۴-۱۵۵.
- حصارزاده، رضا؛ رجبعلی زاده، جواد؛ عارفی، فرشته؛ علیزاده، ندا؛ علیخانی، سمیرا. (۱۳۹۵). کمی سازی و ارزیابی تجربی معیار نوین کیفیت حسابداری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۲۱ (۱): ۹۱-۱۱۳.
- خدای پور، احمد؛ کاظم علی پور، سرمست. (۱۳۹۱). بررسی روابط بین حسابرس-صاحبکار و رتبه بندی مشکلات مربوطه در محیط حسابرسی ایران. پژوهش‌نامه حسابداری مالی و حسابرسی، ۴ (۱۴): ۱۱۱-۱۳۴.
- رضوانی، فریبا؛ برندک، سجاد. (۱۳۹۸). خوانایی گزارشگری مالی و هزینه‌های حسابرسی. چشم انداز حسابداری و مدیریت. ۲ (۱۸): ۱۱۲-۱۲۶.
- فضل‌الهی، سیف‌اله؛ ملکی توانا، منصوره. (۱۳۸۹). روش‌شناسی تحلیل محتوا با تأکید بر تکنیک‌های خوانایی سنجی و تعیین ضریب درگیری متون. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۲ (۱): ۷۱-۹۴.
- صفری گرایلی، مهدی؛ رضائی پسته نوئی، یاسر. (۱۳۹۸). استراتژی تجاری و خوانایی گزارشگری مالی. فصلنامه حسابداری مالی. ۱۱ (۴۲): ۱۵۰-۱۳۰.
- صفری گرایلی، مهدی؛ رضایی پسته نوئی یاسر، نوروزی محمد. (۱۳۹۶). مدیریت سود و خوانایی گزارشگری مالی: آزمون تجربی رویکرد فرصت طلبانه. دانش حسابرسی. ۱۷ (۶۹): ۲۱۷-۲۳۰.
- صفری گرایلی، مهدی؛ رضائی پسته نوئی، یاسر. (۱۳۹۷). توانایی مدیریت و خوانایی گزارشگری مالی: آزمون نظریه علامت‌دهی. دانش حسابداری، ۹ (۲): ۲۱۸-۱۹۱.
- عبدی، مصطفی؛ زلفی، حسن؛ کاظمی علوم، مهدی. (۱۳۹۷). رابطه محافظه کاری با استراتژی‌های حسابرسان به منظور مواجهه با ریسک صاحبکار. دانش حسابداری مالی. ۵ (۱): ۱۰۱-۱۲۵.
- میرجعفری اردکانی، سید احمد؛ عبدالرحیمیان، محمدحسین؛ احمدخانی، مسعود. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین تغییرات سود با خوانایی گزارش سالانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه، ۳ (۴): ۱-۱۱.
- Abdi, M. , zalaghi, H. , kazemi Olum, M. (2018). The relationship of conservatism with the auditor's strategies to deal with the client risk. Journal of Financial Accounting Knowledge, 5 (1) , 101-125. (in Persian)
- Abernathy, John. Guo. Feng, R. Kubick. Thomas, Adi Masli. (2015). Annual Report Readability and Corporate Audit Outcomes. working paper: Kennesaw university.

- Abernathy, John. Guo. Feng, R. Kubick. Thomas, Adi Masli. (2019) Financial Statement Footnote Readability and Corporate Audit Outcomes. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*: 38 (2) : 1-26.
- Ajina, A. Laouiti, M. , and Msolli, B. (2016). Guiding through the Fog: Does Annual Report Readability Reveal Earnings Management? *Research in International Business and Finance*, 38: 509-516.
- Azinfar, Kaveh, Ghodrati Zavaram, Abbas, Norouzi, Mohammad. (2019). The effect of risk dimensions on audit pricing. *Financial Accounting and Auditing Research*, 11 (44) , 155-174. (in Persian)
- Bacha, S. and Ajina, A. (2019). CSR performance and annual report readability: evidence from France. *Corporate Governance*, 20 (2) : 201-215.
- Bloomfield, R. J. (2002). The “incomplete revelation hypothesis” and financial reporting. *Accounting Horizons* 16, 233–243.
- Carson, E. N. Fargher, M. Geiger, C. Lennox, K. Raghunandan, M. Willekens. (2013). Audit Reporting for Going-Concern Uncertainty: A Research Synthesis. *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, 32 (Supplement 1) , pp. 353–384.
- Fazlollahi, S. , Malakytavana, M. (2010). Methodology of content analysis techniques with an emphasis on readability and the index conflict literature survey. *Journal of Research*, 2 (1) , 71-94. (In Persian)
- Feng Chen, Kevin Lam, Wally Smieliauskas and Minlei Ye. (2016). Auditor Conservatism and Banks' Measurement Uncertainty during the Financial Crisis. *International Journal of Auditing*. 20 (1) : 52-65.
- Khodamipour, A. , Ali Porsarmast, K. (2013). The Investigation Influencing Factors Over Accept or Reject of the Client on The Independent Auditors. *Journal of Accounting Research*, 3 (2) , 17-35. (in Persian)
- Hasan, M. M. (2017). Managerial ability, annual report readability and disclosure tone. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2957135>.
- hesarzade, R. , rjabalizade, J. , arefi, F. , alizade, N. , alikhani, S. (2016). Quantization and Empirical Evaluation of New Measure of Accounting Quality. *Empirical Research in Accounting*, 6 (3) , 91-114. (in Persian)
- Johnstone, K. M, and Bedard, J, C. (2004). Earnings manipulation risk, corporate governance risk, and auditors' planning and pricing decisions. *The Accounting Review*, 78 (4) : 1003–1025.
- Kaplan, S. and Williams, D. (2013). Do going concern audit reports protect auditors from litigation? A simultaneous equations approach. *The Accounting Review*, 88 (1) : 199–232.
- Kim, Y. and M. S. Park. (2014). Real activities manipulation and auditors' client-retention decisions. *The Accounting Review*, 89, 1: 367-401.
- Knechel, W. R. , and J. L. Payne. (2001). Additional evidence on audit report lag. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 20 (1) : 137-146.
- Knechel, W. R. , Rouse, P. , and C. Schelleman. (2009). A modified audit production framework: Evaluating the relative efficiency of audit engagements. *The Accounting Review*, 84 (5) : 1607-1638.
- Li, F. (2008). Annual report readability, current earnings, and earnings persistence. *Journal of Accounting and Economics* 45 (2–3) : 221–247.

- Lo, K. ,Ramos, F. & Rogo,R. (2017). Earnings management and annual report readability. *Journal of Accounting and Economics*. 63 (1) :1-25.
- Luo, J-h. , Li, X. and Chen, H. (2018). Annual report readability and corporate agency costs. *China Journal of Accounting Research*, 11 (3) , 187-212.
- Miller, P. B. (2010). The effects of reporting complexity on small and large investor trading. *The Accounting Review* 85 (6) : 2107–2143.
- rezvani, F. , Barandak, S. (2020). Financial report readability and audit fees. *Journal of Accounting and Management Vision*, 2 (18) , 112-126. (in Persian)
- Rogers, J. , Van Buskirk, A. , and S. C. Zechman. (2011). Disclosure Tone and Shareholder Litigation. *The Accounting Review*. Vol. 86, No. 6, pp. 2155-2183.
- safari gerayyli M, Rezaei Pitenoei Y. (2019). Business strategy and financial reporting readability. *quarterly financial accounting journal*. 11 (42) :130-150. (in Persian)
- safari gerayyli M, Rezaei Pitenoei Y. (2018). Managerial Ability and Financial Reporting Readability: A Test of Signaling Theory. *Journal of Accounting knowledge*. 9 (2) :191-218. (in Persian)
- Safari Graili, M, Rezaei Pitehnoei, Y, Nowruzzi, M. (2017). Profit Management and Financial Reportability: An Empirical Test of the Opportunistic Approach. *Auditing knowledge*. 17 (69) : 217-230. (in Persian)
- Salehi, M. , Lari Dasht Bayaz, M. , Mohammadi, S. , Adibian, M. S. and Fahimifard, S. H. (2020) , Auditors' response to readability of financial statement notes. *Asian Review of Accounting*, 28 (3) : 463-480.
- Shu, S. (2000). Auditor resignations: Clientele effects and legal liability. *Journal of Accounting and Economics*, 29: 173–205.
- Thoms, C. , Degenhart, A. & Wohlgemuth,K. (2020). Is Bad News Difficult to Read? A Readability Analysis of Differently Connoted Passages in the Annual Reports of the 30 DAX Companies. *Journal of Business and Technical Communication*, 34 (2) : 157-187.
- You, H. , and X. Zhang. 2009. Financial reporting complexity and investor underreaction to 10-K information. *Review of Accounting Studies* 14 (4) : 559–586.
- Xu, Q. , Fernando, G. , Tam, K. and Zhang, W. (2019). Financial report readability and audit fees: a simultaneous equation approach. *Managerial Auditing Journal*, 35 (3) :345-372.

شناسایی و تعیین قابلیت پایش مستمر ریسک‌های

مالی و غیرمالی صنعت دارو در حسابرسی داخلی

جواد شکرخواه^۱، جعفر باباجانی^۲، احسان حمزه^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۱۹

مقاله پژوهشی

چکیده

ارائه توصیه درباره شناسایی، ارزیابی و پایش ریسک، و تلاش برای استقرار نظام مدیریت ریسک سازمان، از مسئولیت‌های مشاوره‌ای حسابرسی داخلی است. شناسایی و پایش مستمر ریسک از جنبه‌های حیاتی مدیریت ریسک است که ابعاد آن کمتر در ایران بررسی شده است. در این پژوهش با رویکردی جامع، ۵ بعد ریسک (مالی، راهبردی، عملیاتی، گزارشگری، و قانونی و رعایت) شامل ۲۵ مؤلفه شناسایی و سپس اهمیت و قابلیت پایش مستمر آن‌ها ارزیابی شد. برای این منظور دیدگاه‌های ۲۲ نفر از خبرگان مالی و غیرمالی صنعت دارو شامل مدیران عامل، اعضای هیئت‌مدیره، مدیران و کارشناسان ارشد؛ و مدیران ارشد کنونی و سابق وزارت بهداشت، با استفاده از روش دلفی فازی استفاده شد. نتایج تحلیل داده‌های گردآوری شده بیانگر این است که از ریسک‌های شناسایی شده، ۱۵ ریسک (تأمین سرمایه و جریان نقدی، سبد محصول، تغییرات قانونی و مقرراتی، فروش، خرید، شاخص‌های اقتصادی، تغییر فناوری، تولید، حاکمیت، رقبا، اعتباری، منابع انسانی، حسن شهرت، تخصیص منابع و بودجه‌ریزی، و مدیریت موجودی) با اهمیت‌اند؛ و ۹ ریسک (مدیریت موجودی، تأمین سرمایه و جریان نقدی، فروش، سبد محصول، اعتباری، تخصیص منابع و بودجه‌ریزی، خرید، حفاظت از دارایی‌ها، و تولید) قابلیت پایش مستمر دارند. ضمناً ۸ ریسک (تأمین سرمایه و جریان نقدی، سبد محصول، فروش، خرید، تولید، اعتباری، تخصیص منابع و بودجه‌ریزی، و مدیریت موجودی) دارای اهمیت و قابلیت پایش مستمر هستند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت ریسک سازمانی، پایش ریسک مستمر، ارزیابی ریسک، صنعت دارو، دلفی فازی.

طبقه‌بندی موضوعی: M42, D81, G30.

10.22051/jera.2021.31198.2676:DOI

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، نویسنده مسئول، (j_shekarkhah@yahoo.com).

^۲ استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (jafar.babajani@gmail.com).

^۳ دانشجوی دکتری، مدرس گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (ehsanhamze@yahoo.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

شرکت‌های تولیدکننده داروی کشور به‌خاطر ماهیت صنعت و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، با ریسک‌های عدیده‌ای مواجه هستند (جابری‌دوست و همکاران، ۲۰۱۵). عدم مدیریت صحیح یک ریسک مهم، می‌تواند به سرعت به بحران مالی تبدیل یا واحد تجاری را نابود کند (روگوف و راینهارت، ۲۰۱۱). در شرکت‌های دارویی، وقوع رویداد ریسکی، می‌تواند وجهه و اعتماد به سلامت عمومی و سلامت و ایمنی بیماران را خدشه‌دار کند و حاشیه سود و قیمت سهام را کاهش دهد (انیندا و همکاران، ۲۰۱۰). چون دارو محصولی شدیداً تحت نظارت نهادهای مقررگذار عمومی است، اهمیت مدیریت ریسک در این صنعت بیشتر است (کوه و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین، عرضه دارو به‌عنوان یک کالای استراتژیک در کشورهای در حال توسعه فاقد ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، با عدم قطعیت و آسیب‌پذیری بیشتری همراه است (جابری‌دوست و همکاران، ۲۰۱۳). از آنجا که ۹۵ درصد حجم داروی مصرفی ایران تولید داخل است، لذا ریسک‌ها می‌تواند بر اثربخشی نظام سلامت مؤثر باشد (مهرعلیان و همکاران، ۲۰۱۲).

از جمله مسئولیت‌های حسابرسی داخلی ارائه توصیه به مدیریت درباره شناسایی و ارزیابی ریسک‌ها، تلاش برای استقرار سیستم مدیریت ریسک سازمان، ایفای نقش مرکزیت هماهنگی‌ها و اصلاح فرآیند مدیریت ریسک، پایش ریسک‌ها در کل شرکت و پیاده‌سازی چارچوب مدیریت ریسک است (انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۰۹). حسابرسی داخلی در ایفای نقش خود در زمینه مدیریت ریسک شرکت‌ها با چالش‌هایی روبه‌رو است. از جمله این چالش‌ها حجم داده‌ها و دشواری تحلیل آن‌ها، پراکندگی اطلاعات سازمانی و محدودیت منابع (باکسا، ۲۰۱۵) و انتخاب مهم‌ترین ریسک‌ها برای مدیریت (انیندا و همکاران، ۲۰۱۰) است. بنابراین، استفاده از ابزارهای نوین فناوری اطلاعات در تحلیل و گزارشگری، کم‌کم به یک ضرورت تبدیل شده و وابستگی حسابرسان داخلی به این ابزارها غیرقابل اجتناب است (باکسا، ۲۰۱۵). حسابرسی مستمر از جمله این ابزارها است که خود شامل پایش ریسک مستمر و ارزیابی کنترل مستمر است. پایش ریسک مستمر، ریسک‌های یک فرآیند یا سامانه را از طریق بررسی روندها، و مقایسه با سوابق گذشته یا سایر فرآیندها و سامانه‌های درون سازمان، شناسایی و ارزیابی می‌کند (کودرره، ۲۰۰۵). علاوه بر آن جهت شناسایی مهم‌ترین ریسک‌های

شرکت‌ها و مدیریت مؤثر آن، چارچوب‌های مشهور مدیریت ریسک سازمانی ۱، مانند کوزو و ایزو (کوزو، ۲۰۱۷؛ ایزو، ۲۰۱۸) ارایه شده‌اند.

نقطه شروع مدیریت ریسک، شناسایی ریسک‌ها و سپس، ارزیابی آن‌ها است (شکرخواه و همکاران، ۱۳۹۵). کوزو، اهداف و ریسک‌های دستیابی به آن‌ها را در چهار بعد راهبردی، عملیات، گزارشگری، و رعایت طبقه‌بندی کرده است (اولسون و وو، ۲۰۰۸). اگر بخواهیم روابط ریسک‌های داخل یک دسته (مثلاً ریسک‌های بازار) را ارزیابی کنیم، ارزیابی تأثیرات متقابل آن‌ها مفید است (دیلویت و توش، ۲۰۱۲)؛ لذا، در این تحقیق ضرورت ندارد.

با عنایت به سابقه و آشنایی محققان با صنعت دارو، سطح عدم اطمینان اقتصاد کشور، و محدودیت منابع حسابرسی داخلی و تفاوت ریسک‌های صنایع مختلف، ضرورت خودکار سازی پایش ریسک (پایش ریسک مستمر) در صنعت دارو احساس می‌شود. اگرچه مطالعاتی ریسک‌های مهم شرکت‌های دارویی را شناسایی کرده (مقتدر و همکاران، ۲۰۱۸؛ ترابی و همکاران، ۲۰۱۶؛ جابری‌دوست و همکاران، ۲۰۱۵؛ جابری‌دوست و همکاران، ۲۰۱۳؛ مهرعلیان و همکاران، ۲۰۱۲) اما با توجه به رشد نفوذ فناوری اطلاعات (فا) در سامانه‌های تجاری و نیاز به خودکار سازی فرآیندهای مدیریت ریسک، قابلیت پایش مستمر ۲ ریسک‌های این شرکت‌ها مطالعه نشده است. ضمناً اغلب ریسک زنجیره تأمین مطالعه شده و مفهوم ریسک به صورت جامع مدنظر نبوده است. لذا، هدف این تحقیق، ابتدا، شناسایی ریسک‌های کلیدی شرکت‌های تولید داروی کشور با رویکردی جامع (مالی، راهبردی، عملیاتی، گزار شگری، و رعایت) و سپس تعیین قابلیت پایش مستمر آن‌ها است. تعیین توانان اهمیت و قابلیت پایش مستمر ریسک‌ها به‌طور جامع، بدیع بوده و در توسعه سامانه‌های پایش مستمر ریسک و تعیین اینکه توسعه این سامانه را با کدام ریسک‌ها آغاز کنیم مهم است. لذا این پژوهش با هدف ارزیابی کیفی اهمیت و قابلیت پایش مستمر ریسک‌های شرکت‌های موجود در صنایع دارویی با استفاده از روش دلفی فازی انجام می‌شود. روش فازی برای کاهش اثر نظرات شخصی و سوپه‌های ذهنی استفاده می‌شود (لو و چن، ۲۰۱۲). همچنین، حسابرسان داخلی می‌توانند برای ارزیابی کفایت و فرصت‌های بهبود سامانه مدیریت ریسک از نتایج تحقیق بهره ببرند. نهادهای قانونی و نظارتی می‌توانند از نتایج برای بهبود فرآیندهای نظارتی صنعت دارو استفاده کنند.

در این پژوهش، ابتدا با مرور ادبیات، فهرست اولیه ریسک‌ها احصاء و سپس از طریق مصاحبه با خبرگان و روش دلفی فازی، ریسک‌های مهم شرکت‌های تولید داروی کشور و قابلیت پایش مستمر آن‌ها تعیین می‌شود. ساختار پژوهش به این صورت است که در ادامه پیشینه، روش، و یافته‌های پژوهش، و در نهایت نتایج و پیشنهادها ارائه می‌شود.

مروری بر پیشینه پژوهش

دیلویت (۲۰۱۰) معتقد است علی‌رغم اینکه مدیریت ریسک عملاً در سطح عملیاتی می‌تواند منشأ اثر باشد، اغلب مدیران ارشد برای برقراری ارتباط میان تعاریف کلی ریسک و جزئیات عملیاتی با مشکل مواجه هستند؛ و حسابرسی مستمر و پایش مستمر می‌توانند این ارتباط را برقرار کنند و در سطح عملیاتی به کار روند.

مقتدر و همکاران (۲۰۱۸) ۱۶ ریسک زنجیره تأمین شرکت‌های دارویی را در چهار دسته تأمین، عملیاتی، مالی، و تقاضا دسته‌بندی کرد و نتیجه گرفت ریسک‌های تأمین (از جمله نوسان در رسیدن اقلام وارداتی، عدم اشتراک اطلاعات، شکست تأمین‌کننده کلیدی، و عدم دسترسی به مواد اولیه) اولویت بالاتری دارند.

ترابی و همکاران (۲۰۱۶) ریسک‌های مهم زنجیره تأمین شرکت‌های دارویی را در دو دسته (ریسک‌های اختلال و عملیاتی)، شناسایی، و چارچوب ارزیابی ریسک و فنون تحلیلی آن را پیشنهاد کرد. نتایج بیانگر اثربخشی چارچوب مزبور بود.

کی‌پی‌ام‌جی (۲۰۱۶ و ۲۰۰۹) در تحقیقاتی بین‌المللی مهمترین ریسک‌های صنعت دارو را به ترتیب اهمیت، رگولاتوری، سرمایه انسانی، مدیریت مالی، سیاسی، و حسن شهرت، نرخ ارز، فناوری اطلاعات، بازار، کشور، اعتباری، تروریسم، جرائم و امنیت فیزیکی، و مخاطرات طبیعی دانست. پیشرفت سریع فناوری دیجیتال را از عوامل کلیدی ایجاد وضعیت موجود برشمرد.

جابری‌دوست و همکاران (۲۰۱۵) با فرآیند تحلیل سلسله مراتبی ۵۰ ریسک زنجیره تأمین شرکت‌های دارویی ایران را شناسایی کردند. اغلب آن‌ها در حوزه مالی و اقتصادی و مدیریت مالی مهم‌ترین عامل ریسک بود. ضمناً، شرایط سیاسی و ریسک‌های آن، شرکت‌ها را وادار به تمرکز بیشتر بر مدیریت مالی و تأمین نموده و از تمرکز آن‌ها بر مدیریت کیفیت کاسته بود. با

وجود انجام تحقیق در شرایط تحریم‌های اقتصادی، نیمی از ریسک‌های شناسایی شده قابل کنترل بود.

انجمن حساب‌رسان داخلی (۲۰۱۴) در پرسشنامه ارزیابی ریسک خود، فهرست ۵۳ ریسک واحد تجاری و جرب و همکاران (۲۰۱۳) فهرست ۱۸۳ ریسک زنجیره تأمین را در ۸ طبقه را به‌عنوان فهرست ریسک اولیه در ارزیابی ریسک سازمان منتشر کردند و معتقدند می‌تواند به‌عنوان فهرست اولیه شناسایی ریسک شرکتی به کار رود.

صابری و همکاران (۱۳۹۶) معتقدند افزایش کیفیت گزارشگری مالی منجر به کاهش ریسک قیمت سهام شرکت (کاهش بازده غیرمتعارف) می‌شود. سایرین (سایمون، ۲۰۱۶؛ اولسون و وو، ۲۰۰۸؛ هال، ۲۰۰۷) نیز فهرستی از ریسک‌های شرکت ارائه کردند.

پس از بررسی ریسک‌های شناسایی شده در تحقیقات پیشین (انجمن حساب‌رسان داخلی، ۲۰۱۴؛ کی‌پی‌ام‌جی، ۲۰۰۹؛ جابری‌دوست و همکاران، ۲۰۱۵؛ هال، ۲۰۰۷؛ کی‌پی‌ام‌جی، ۲۰۱۶؛ جرب و همکاران، ۲۰۱۳؛ سایمون، ۲۰۱۶؛ اولسون و وو، ۲۰۰۸؛ ترابی و همکاران، ۲۰۱۶) و نحوه طبقه‌بندی آن‌ها، و ادغام ریسک‌های مشابه و حذف ریسک‌های تکراری، ماتریس ریسک‌های استخراج شده شامل ۲۵ ریسک در ۵ بعد راهبردی، مالی، عملیاتی، گزارشگری، و قانونی و رعایت به شرح نگاره (۱) است. در نگاره مزبور و برای رعایت اختصار، به هر مؤلفه ریسک یک نماد ۲ یا ۳ حرفی شامل حروف اول بعد و مؤلفه مربوطه اختصا دادیم. مثلاً نماد مؤلفه ریسک صنعت (رص) شامل «ر» حرف اول بعد راهبردی و «ص» حرف اول مؤلفه صنعت است.

بعد راهبردی شامل ریسک‌های رقبا، صنعت، حسن شهرت، سبد محصول، تغییر فناوری، سیاسی-اجتماعی، و جغرافیایی است. بعد مالی شامل ریسک‌های تأمین سرمایه، جریان نقد، اعتباری و وصول مطالبات، و شاخص‌های کلان اقتصادی مانند تورم و نرخ ارز می‌شود. بعد عملیاتی دربرگیرنده ریسک‌های چرخه‌های عملیاتی مانند فروش، خرید، منابع انسانی، تولید و فناوری اطلاعات (فا) است. بعد گزار شگری ریسک‌هایی چون برنامه و بودجه‌ریزی، صحت داده‌ها، به‌موقع بودن، و دسترسی به اطلاعات را شامل می‌شود. بعد قانونی و رعایت، دعاوی حقوقی، تغییرات قانونی مقرراتی، و رعایت را شامل می‌شود.

تکانه (۱). ریسک‌های گزارش شده به همراه منبع مربوطه و نماد آن‌ها

تکرار	خ	ح	چ	ج	ث	ت	پ	ب	آ	مؤلفه‌های ریسک (نماد)	ابعاد
۶	x	x	x		x	x			x	رقبا (رر)	راهبردی
۵	x		x		x	x			x	صنعت (رص)	
۵	x		x			x		x	x	حسن شهرت (رش)	
۴	x		x	x		x				حاکمیت (رح)	
۷	x	x	x	x	x		x		x	سبد محصول (رس)	
۴	x	x				x			x	تغییر فناوری (رف)	
۶	x			x		x	x	x	x	سیاسی، اجتماعی (رسا)	
۴						x	x	x	x	جغرافیایی (رج)	
۵					x	x	x	x	x	تامین سرمایه/جریان نقد (من)	مالی
۷	x		x	x		x	x	x	x	اعتباری (ما)	
۶	x			x	x	x	x	x	x	شاخص‌های اقتصادی (مش)	
۷	x	x	x	x	x	x			x	فروش (عفر)	عملیاتی
۵	x		x	x			x		x	خرید/بازرگانی (عخ)	
۵	x		x	x		x	x			مدیریت موجودی (عم)	
۹	x	x	x	x	x	x	x	x	x	منابع انسانی (عا)	
۶	x			x	x	x	x		x	تولید (عت)	
۴	x		x			x			x	حفاظت از دارایی‌ها (عد)	
۶	x	x			x	x		x	x	فناوری اطلاعات (عفا)	
۶	x	x	x			x	x		x	تخصیص منابع و بودجه (گب)	گزارش
۴	x	x				x			x	صحت داده‌ها (گد)	گری
۱		x								به‌موقع بودن (گیم)	
۵		x	x	x		x			x	ارتباط/دسترس اطلاعات (گاد)	
۴	x				x			x	x	تغییر قانون و مقررات (قت)	قانونی و
۴		x	x		x	x				دعاوی حقوقی (قد)	رعایت
۷		x	x		x	x	x	x	x	رعایت (قر)	

*آ: انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۱۴؛ ب: کی‌پی‌ام‌جی، ۲۰۰۹؛ پ: جابری دوست و همکاران، ۲۰۱۵؛ ت: هال، ۲۰۰۷؛ ث: کی‌پی‌ام‌جی، ۲۰۱۶؛ ج: جرب و همکاران، ۲۰۱۳؛ چ: سایمون، ۲۰۱۶؛ ح: اولسون و وو، ۲۰۰۸؛ تراپی و همکاران، ۲۰۱۶.

روش پژوهش

مراحل انجام تحقیق برای دستیابی به اهداف تعیین شده به شرح زیر است:

مطالعه ادبیات: براساس مطالعه مبانی نظری و تحقیقات تجربی، ۶۷ مؤلفه ریسک استخراج و مطابق کوزو در ۴ بعد راهبردی، عملیاتی، گزارشگری و رعایتی طبقه‌بندی شد.

طراحی سوالات مصاحبه: پس از حذف و ادغام ریسک‌های تکراری و مصاحبه با تعدادی از خبرگان و اخذ نظرات ایشان، فهرستی از ۲۵ مؤلفه ریسک حاصل شد؛ ضمناً، با توجه به نظر مصاحبه‌شوندگان، بعد مالی به ابعاد چهارگانه فوق افزوده شد.

نظرخواهی از خبرگان: در روش دلفی اعضای جامعه باید دارای تخصص، تجربه و آگاهی وسیعی در زمینه مربوطه و انگیزه شرکت در پژوهش باشند. به این منظور سوالات تهیه شده از طریق مصاحبه (رودررو یا تلفنی) با خبرگان دارای بیش از ۵ سال تجربه در صنعت دارو شامل ۲۲ نفر از مدیران عامل، اعضای هیئت‌مدیره، مدیران میانی و کارشناسان ارشد شرکت‌های تولیدکننده فعال و مؤثر صنعت داروی کشور، و نیز مسئولان ارشد کنونی و سابق وزارت بهداشت تکمیل شد (نگاره ۲). ضمناً از پاسخ‌دهندگان درخواست شد اگر ریسکی برای هدف تحقیق بااهمیت بود و در فهرست نبود آن را اضافه کنند.

نگاره (۲): ویژگی‌های جمعیت‌شناسی خبرگان

تجربه شغلی	میزان تحصیلات	رشته تحصیلی	سمت سازمانی	سابقه فعالیت					
زیر ۱۰ سال	۶	دکتری و بالاتر	۸	۱۱	حسابداری و حسابرسی	۱۳	مدیرعامل یا عضو هیئت‌مدیره	۵	بخش خصوصی
۱۰-۲۰ سال	۹	دانشجوی دکتری	۵	۷	داروسازی و پزشکی	۶	مدیر یا معاون	۱۳	دولتی و شبه‌دولتی
بیش از ۲۰ سال	۷	کارشناسی ارشد کارشناسی	۵	۴	سایر	۳	رئیس، سرپرست، کارشناس	۴	هر دو بخش
	۲۲		۲۲	۲۲		۲۲		۲۲	

دلفی روشی برای کسب داده‌های ساختاری مبتنی بر اجماع خبرگان درباره یک موضوع است (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰؛ میلر، ۲۰۰۶). دلفی، نیازمند دورهای متعدد برای حصول اجماع است، اما دلفی فازی امکان اجماع در یک دور را دارد و منجر به کاهش هزینه و زمان

تحقیق می‌شود (چانگ و همکاران، ۲۰۱۱؛ قمرالزمان و همکاران، ۲۰۱۵). مارتینو (۱۹۷۲) برای جمعیت خبرگان ناهمگون، ۱۵ تا ۳۰ نفر خبره را کافی می‌داند (نقل از اعرابی، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۶). اکیتر و همکاران (۲۰۰۵) ۱۵ خبره را برای دلفی کافی می‌داند؛ این تعداد با توجه به درصد ریزش موردانتظار تعدیل می‌شود. گام‌های دلفی فازی به شرح زیر است:

گام ۱: نظرات خبرگان، به صورت عبارت‌های کلامی نگاره (۳) اخذ و مبتنی بر طیف هفت گانه لیکرت به اعداد فازی مثلثی نگاشت می‌شود (چانگ و همکاران، ۲۰۱۱).

نگاره (۳): اعداد فازی مثلثی برای مقیاس هفت گانه

رقم	عبارات کلامی اهمیت	عبارات کلامی پایش‌پذیری مستمر	عدد فازی مثلثی
۱	کاملاً بی‌اهمیت	کاملاً پایش‌ناپذیر	(۰, ۰, ۰/۱)
۲	بسیار بی‌اهمیت	بسیار پایش‌ناپذیر	(۰, ۰/۱, ۰/۳)
۳	بی‌اهمیت	پایش‌ناپذیر	(۰/۱, ۰/۳, ۰/۵)
۴	تاحدودی با اهمیت	تاحدودی پایش‌پذیر	(۰/۳, ۰/۵, ۰/۷)
۵	با اهمیت	پایش‌پذیر	(۰/۵, ۰/۷, ۰/۹)
۶	بسیار با اهمیت	بسیار پایش‌پذیر	(۰/۷, ۰/۹, ۱)
۷	کاملاً با اهمیت	کاملاً پایش‌پذیر	(۰/۹, ۱, ۱)

گام ۲: اگر ارزیابی هر خبره، عدد فازی مثلثی زیر باشد، میانگین ارزیابی خبرگان برای هر ریسک، مطابق فرمول (۱) است (چنگ و لین، ۲۰۰۲):

$$A_i = (l_i, m_i, u_i), i = 1, \dots, n$$

$$\tilde{A}_m = (l_m, m_m, u_m) = \left(\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n l_i, \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n m_i, \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n u_i \right) \quad \text{فرمول (۱)}$$

گام ۳: برای هر خبره، فاصله ارزیابی وی از میانگین، طبق فرمول (۲) است (چن، ۲۰۰۰). اگر فاصله بین میانگین و ارزیابی خبره کمتر از آستانه ۰/۲ باشد، اجماع حاصل می‌شود. اگر میان تمام ارزیابی‌های خبرگان دستیابی به اجماع بیش از ۰/۷۵ باشد، به گام بعد، وگرنه به دور بعد دلفی می‌رویم (سلیمان و همکاران، ۲۰۱۹؛ مروان و علی، ۲۰۱۹؛ چانگ و همکاران، ۲۰۱۱).

$$d(\tilde{A}_m, A_i) = \sqrt{\frac{1}{3} [(l_m - l_i)^2 + (m_m - m_i)^2 + (u_m - u_i)^2]} \quad \text{فرمول (۲)}$$

گام ۴: دیدگاه تجمیع شده فازی خبرگان از رابطه زیر به دست می‌آید. در آن حد پایین عدد فازی تجمیع شده، کمینه حدود پایین نظرات خبرگان، و حد بالای آن بیشینه حدود بالای نظرات خبرگان است (هسو و چن، ۲۰۰۷). با درج حدود بالا و پایین، پراکنندگی نظرات خبرگان روشن تر است. چون میانگین هندسی برای اعداد غیر مثبت قابل محاسبه نیست، میانگین حسابی حدود میانی محاسبه شد.

$$F_{AGR} = (L, M, U) = (\min (l_i), \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n m_i, \max (u_i)) \quad \text{فرمول (۳)}$$

گام ۵: در فازی زدایی، عدد فازی مثلثی به یک عدد کلاسیک تبدیل می‌شود. برای کنترل اثر پراکنندگی ناشی از استفاده از حدود بالا و پایین نظرات در فازی زدایی، میانگین حسابی با وزن ۴ منظور و از فرمول زیر استفاده شد:

$$F = \frac{L+4 \times M+U}{6} \quad \text{فرمول (۴)}$$

گام ۶: پس از فازی زدایی، ریسک‌هایی که عدد فازی زدایی شده آن‌ها بالاتر از آستانه ۷۰ است، به عنوان ریسک‌های اولویت دار در نظر گرفته می‌شوند.

یافته‌های پژوهش

پس از انجام مصاحبه با استفاده از پرسشنامه ساختاریافته، روش دلفی فازی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. از منظر اهمیت در دور اول دلفی در مؤلفه‌های سیاسی-اجتماعی و جغرافیایی، در صد توافق میان خبرگان، به ترتیب معادل ۴۱٪ و ۳۲٪، با در نظر گرفتن معیار گفته شده در گام ۳ روش شناسی تحقیق کمتر از آستانه ۷۵٪ بود؛ لذا، اجماع حاصل نشد (نگاره (۴)). در خصوص سایر مؤلفه‌های ریسک از منظر اهمیت، اجماع حاصل شد. از این رو، برای دو مؤلفه فوق مجدداً دور دوم دلفی اجرا و از خبرگان درخواست شد که با توجه به مجموع نظرات جمع‌آوری شده در دور اول دلفی، پاسخ قبلی خود را تأیید یا تغییر دهند. در دور دوم برای هر دو مؤلفه اجماع حاصل شد. همچنین از منظر قابلیت پایش مستمر، در دور اول دلفی برای مؤلفه‌های ریسک صنعت، حاکمیت، تغییر فناوری، سیاسی-اجتماعی، جغرافیایی، و برنامه‌ریزی، تخصیص منابع و بودجه‌ریزی درصد توافق میان خبرگان، به ترتیب معادل ۴۵٪، ۴۱٪، ۴۵٪، ۵۰٪، ۲۷٪ و ۵۵٪ بود که با در نظر گرفتن آستانه اجماع بالاتر از ۷۵ درصد، اجماع حاصل نشد (نگاره (۵)). در خصوص سایر مؤلفه‌های ریسک از منظر قابلیت پایش مستمر،

اجماع حاصل شد. لذا، برای ۶ مؤلفه فوق مجدداً دور دوم دلفی اجرا و از خبرگان درخواست شد با توجه به مجموع نظرات دور اول، پاسخ قبلی خود را تأیید یا تغییر دهند. در دور دوم برای هر ۶ مؤلفه اجماع حاصل شد. ضمناً، خبرگان ریسک جدیدی به ریسک‌های پیشنهادی اضافه نکردند.

نتایج ارزیابی اهمیت ریسک‌ها پس از اجرای روش دلفی فازی در **Error! Reference source not found.** ارائه شد. باتوجه به آستانه، به ترتیب ۱۵ مؤلفه ریسک تأمین سرمایه و جریان نقدی (۰/۸۷۴)، سبد محصول (۰/۸۶۸)، تغییرات قانونی و مقرراتی (۰/۸۴۱)، فروش (۰/۸۳۵)، خرید و بازرگانی (۰/۸۳۲)، شاخص‌های اقتصادی (۰/۷۸۳)، تغییر فناوری (۰/۷۶۸)، حاکمیت (۰/۷۶۲)، تولید (۰/۷۶۲)، رقبا (۰/۷۵۰)، اعتباری (۰/۷۴۱)، منابع انسانی (۰/۷۳۲)، حسن شهرت (۰/۷۲۶)، برنامه‌ریزی، تخصیص منابع و بودجه‌ریزی (۰/۷۲۰)، و مدیریت موجودی (۰/۷۰۵) به عنوان ریسک‌های بااهمیت برگزیده شدند.

تک‌اره (۴): نتایج ارزیابی اهمیت ریسک‌ها (عنوان نماد هر مولفه مطابق تک‌اره (۱) است)

نماد	دور یکم			دور دوم		
	عدد تجمیعی فازی	میانگین	توافق	عدد تجمیعی فازی	میانگین	توافق
رر	(۰/۳، ۰/۸، ۱)	۰/۷۵۰	۷۷	-	-	-
رص	(۰/۱، ۰/۷۳۲، ۱)	۰/۶۷۱	۸۲	-	-	-
رش	(۰/۱، ۰/۸۱۴، ۱)	۰/۷۲۶	۹۱	-	-	-
رح	(۰/۳، ۰/۸۱۸، ۱)	۰/۷۶۲	۸۶	-	-	-
رس	(۰/۵، ۰/۹۲۷، ۱)	۰/۸۶۸	۹۱	-	-	-
رف	(۰/۳، ۰/۸۲۷، ۱)	۰/۷۶۸	۹۱	-	-	-
رسا	(۰، ۰/۶۵، ۱)	۰/۶۰۰	۴۱	(۰/۳، ۰/۶۴۵، ۱)	۰/۶۴۷	۹۶
رج	(۰، ۰/۵۵۵، ۱)	۰/۵۳۷	۳۲	(۰/۱، ۰/۵۹۵، ۱)	۰/۵۸۰	۸۲
من	(۰/۵، ۰/۹۳۶، ۱)	۰/۸۷۴	۹۱	-	-	-
ما	(۰/۱، ۰/۸۳۶، ۱)	۰/۷۴۱	۸۶	-	-	-
مشا	(۰/۳، ۰/۸۵، ۱)	۰/۷۸۳	۹۱	-	-	-
عفر	(۰/۵، ۰/۸۷۷، ۱)	۰/۸۳۵	۱۰۰	-	-	-
عخ	(۰/۵، ۰/۸۳۷، ۱)	۰/۸۳۲	۱۰۰	-	-	-
عم	(۰/۱، ۰/۷۸۲، ۱)	۰/۷۰۵	۷۷	-	-	-
عا	(۰/۳، ۰/۷۷۳، ۱)	۰/۷۳۲	۷۷	-	-	-
عت	(۰/۳، ۰/۸۱۸، ۱)	۰/۷۶۲	۹۵	-	-	-
عد	(۰، ۰/۷۰۹، ۱)	۰/۶۳۹	۸۲	-	-	-
عفا	(۰، ۰/۷۵۹، ۱)	۰/۶۷۳	۷۷	-	-	-
گب	(۰/۱، ۰/۸۰۵، ۱)	۰/۷۲۰	۸۲	-	-	-
گد	(۰، ۰/۷۵۵، ۱)	۰/۶۷۰	۷۷	-	-	-
گیم	(۰، ۰/۶۸۶، ۱)	۰/۶۲۴	۸۲	-	-	-
گاد	(۰/۱، ۰/۶، ۱)	۰/۵۸۳	۷۷	-	-	-
قت	(۰/۵، ۰/۸۸۶، ۱)	۰/۸۴۱	۱۰۰	-	-	-
قد	(۰، ۰/۷، ۱)	۰/۶۳۳	۷۷	-	-	-
قر	(۰، ۰/۷۷۳، ۱)	۰/۶۸۲	۸۲	-	-	-

تگاره (۵): نتایج ارزیابی قابلیت پایش مستمر ریسک‌ها (عنوان نماد هر مولفه مطابق تگاره (۱) است)

نماد	دور یکم	میانگین	توافق	عدد تجمیعی فازی	دور دوم	میانگین	توافق	عدد تجمیعی فازی	رتبه	کلی
رر	(۰، ۰/۶۷۷، ۱)	۰/۶۱۸	۸۲	-	-	-	-	-	۳	۱۵
رص	(۱، ۰/۵۹۱، ۱)	۰/۵۷۷	۴۵	(۰/۱، ۰/۶۳۶، ۱)	۰/۶۰۷	۷۷	۴	۱۶	۴	۱۶
رش	(۰، ۰/۷۰۹، ۱)	۰/۶۳۹	۸۲	-	-	-	-	-	۲	۱۱
رح	(۰، ۰/۵۵۵، ۱)	۰/۵۳۷	۴۱	(۰/۹، ۰/۵۲۷، ۱)	۰/۵۱۸	۸۲	۷	۲۴	۷	۲۴
رس	(۰/۱، ۰/۸۳۲، ۱)	۰/۷۳۸	۸۶	-	-	-	-	-	۱	۴
رف	(۰، ۰/۵۶۸، ۱)	۰/۵۴۵	۴۵	(۰/۱، ۰/۶۰۹، ۱)	۰/۵۸۹	۸۶	۵	۱۹	۵	۱۹
رسا	(۰، ۰/۵۰۹، ۱)	۰/۵۰۶	۵۰	(۰، ۰/۵۶۴، ۱)	۰/۵۴۳	۸۲	۶	۲۱	۶	۲۱
رج	(۰، ۰/۴۷۳، ۱)	۰/۴۸۲	۲۷	(۰، ۰/۴۲۷، ۱)	۰/۴۵۱	۷۷	۸	۲۵	۸	۲۵
من	(۰/۳، ۰/۸۰۹، ۱)	۰/۷۵۶	۸۲	-	-	-	-	-	۱	۲
ما	(۰/۳، ۰/۷۸۲، ۱)	۰/۷۳۸	۷۷	-	-	-	-	-	۲	۴
مشا	(۰/۱، ۰/۷۰۹، ۱)	۰/۶۵۶	۸۲	-	-	-	-	-	۳	۱۰
عفر	(۰/۳، ۰/۷۸۶، ۱)	۰/۷۴۱	۸۲	-	-	-	-	-	۲	۳
عخ	(۰/۱، ۰/۸۰۵، ۱)	۰/۷۲۰	۹۱	-	-	-	-	-	۳	۷
عم	(۰/۳، ۰/۸۲۳، ۱)	۰/۷۶۵	۹۱	-	-	-	-	-	۱	۱
عا	(۰، ۰/۷۰۵، ۱)	۰/۶۳۷	۹۱	-	-	-	-	-	۷	۱۳
عت	(۰، ۰/۸۰۵، ۱)	۰/۷۰۳	۹۱	-	-	-	-	-	۵	۹
عد	(۰/۱، ۰/۸۰۵، ۱)	۰/۷۲۰	۹۵	-	-	-	-	-	۳	۷
عفا	(۰، ۰/۷۰۹، ۱)	۰/۶۳۹	۸۲	-	-	-	-	-	۶	۱۱
گب	(۰، ۰/۷۲۷، ۱)	۰/۶۵۱	۵۵	(۰/۳، ۰/۷۵۹، ۱)	۰/۷۲۳	۸۲	۱	۶	۱	۶
گد	(۰، ۰/۶۴۵، ۱)	۰/۵۹۷	۸۲	-	-	-	-	-	۳	۱۷
گبم	(۰، ۰/۷، ۱)	۰/۶۳۳	۷۷	-	-	-	-	-	۲	۱۴
گاد	(۰/۱، ۰/۵۹۱، ۱)	۰/۵۷۷	۷۷	-	-	-	-	-	۴	۲۰
قت	(۰، ۰/۵۵۵، ۰/۹)	۰/۵۲۰	۸۲	-	-	-	-	-	۳	۲۳
قد	(۰، ۰/۵۴۵، ۱)	۰/۵۳۰	۷۷	-	-	-	-	-	۲	۲۲
قر	(۰/۱، ۰/۶۰۹، ۱)	۰/۵۸۹	۸۲	-	-	-	-	-	۱	۱۸

همچنین، نتایج ارزیابی قابلیت پایش مستمر ریسک‌ها در **Error! Reference source not found.** ارائه شده است. با توجه به آستانه، خبرگان به ترتیب ۹ ریسک مدیریت موجودی (۰/۷۶۵)، تأمین سرمایه و جریان نقدی (۰/۷۵۶)، فروش (۰/۷۴۱)، سبد محصول

(۰/۷۳۸)، اعتباری (۰/۷۳۸)، برنامه‌ریزی، تخصیص منابع و بودجه‌ریزی (۰/۷۲۳)، خرید و بازرگانی (۰/۷۲۰)، حفاظت از دارایی‌ها (۰/۷۲۰)، و تولید (۰/۷۰۳) را مستمراً قابل پیش دانستند.

تعداد مؤلفه‌ها و اهمیت نسبی ابعاد ریسک در نگاره (۶) درج شد. از میان مؤلفه‌های ریسک مهم، به ترتیب ابعاد راهبردی (۰/۳۳۱)، عملیاتی (۰/۳۳۰)، مالی (۰/۲۰۵)، قانونی و رعایت (۰/۰۷۲) و گزارشگری (۰/۰۶۲) بیشترین اهمیت نسبی را دارند. از میان مؤلفه‌های ریسک قابل پیش مستمر، به ترتیب ابعاد عملیاتی (۰/۵۴۱)، مالی (۰/۲۳۱)، راهبردی (۰/۱۲۴)، گزارشگری (۰/۱۰۳)، و قانونی و رعایت (صفر) بیشترین اهمیت نسبی را دارند.

نگاره (۶): تعداد مؤلفه‌ها و اهمیت نسبی ابعاد ریسک به تفکیک

ابعاد	مؤلفه‌ها		همه		بااهمیت		قابل پیش مستمر		بااهمیت و قابل پیش مستمر	
	تعداد	اهمیت	تعداد	اهمیت	تعداد	اهمیت	تعداد	اهمیت	تعداد	اهمیت
راهبردی	۸	۰/۳۱۹	۵	۰/۳۳۱	۱	۰/۱۲۴	۱	۰/۱۳۷	۱	۰/۱۳۷
مالی	۳	۰/۱۳۲	۳	۰/۲۰۵	۲	۰/۲۳۱	۲	۰/۲۵۵	۲	۰/۲۵۵
عملیاتی	۷	۰/۲۸۶	۵	۰/۳۳۰	۵	۰/۵۴۱	۴	۰/۴۹۵	۴	۰/۴۹۵
گزارشگری	۴	۰/۱۴۳	۱	۰/۰۶۲	۱	۰/۱۰۳	۱	۰/۱۱۴	۱	۰/۱۱۴
قانونی و رعایت	۳	۰/۱۱۹	۱	۰/۰۷۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۲۵	۱	۱۵	۱	۹	۱	۸	۱	۱	۱

نهایتاً، الگوی پیش مستمر ریسک در نگاره (۷) ارائه شد. ۸ ریسک تأمین سرمایه و جریان نقد، سبد محصول، فروش، خرید، تولید، اعتباری، تخصیص منابع و بودجه‌ریزی، و مدیریت موجودی، که مهم و قابل پیش مستمر هستند، به‌عنوان ریسک‌های اولویت‌دار برای ایجاد سامانه پیش ریسک مستمر پیشنهاد می‌شود. مهم‌ترین ابعاد الگوی پیشنهادی راهبردی (۰/۴۹۵)، مالی (۰/۲۵۵)، راهبردی (۰/۱۳۷) و گزارشگری (۰/۱۱۴) هستند. هیچ مؤلفه‌ای از بعد قانونی و رعایت قابلیت پیش مستمر نداشت؛ لذا، این بعد در الگوی پیشنهادی نیست.

تکرار (۷): الگوی پایش ریسک مستمر پیشنهادی

رتبه قابلیت پایش مستمر	رتبه اهمیت	وزن نسبی	میانگین اهمیت	مؤلفه (نماد)	وزن نسبی	بعد
۳	۴	۰/۱۳۲	۰/۸۳۵	فروش (عفر)	۰/۴۹۵	عملیاتی
۷	۵	۰/۱۳۱	۰/۸۳۲	خرید (عخ)		
۹	۸	۰/۱۲۰	۰/۷۶۲	تولید (عت)		
۱	۱۵	۰/۱۱۱	۰/۷۰۵	مدیریت موجودی (عم)		
۲	۱	۰/۱۳۸	۰/۸۷۴	تامین سرمایه/وجه نقد (من)	۰/۲۵۵	مالی
۴	۱۱	۰/۱۱۷	۰/۷۴۱	اعتباری (ما)		
۴	۲	۰/۱۳۷	۰/۸۶۸	سبد محصول (رس)	۰/۱۳۷	راهبردی
۶	۱۴	۰/۱۱۴	۰/۷۲۰	تخصیص منابع و بودجه ریزی (گب)	۰/۱۱۴	گزارشگری

نتیجه گیری

در این پژوهش، ریسک‌های کلیدی شرکت‌های تولیدکننده دارو، شناسایی، و اهمیت و قابلیت پایش مستمر آن‌ها تعیین شد. نتایج به شرح زیر است:

در الگوی پایش ریسک مستمر پیشنهادی این پژوهش که در واقع شامل ریسک‌های مهم و قابل پایش مستمر است، به ترتیب ابعاد عملیاتی (۰/۴۹۵)، مالی (۰/۲۵۵)، راهبردی (۰/۱۳۷)، و گزارشگری (۰/۱۱۴) دارای بیشترین اهمیت (وزن) هستند. ۴ ریسک (فروش، خرید، تولید، و مدیریت موجودی) از ۸ ریسک برگزیده برای ایجاد سامانه پایش ریسک مستمر، از بعد عملیاتی هستند. مطابق نگاره (۶) از ۵ ریسک با اهمیت بعد مذکور، ۴ ریسک قابل پایش مستمر هستند. بعد مالی، با ۲ ریسک (تامین سرمایه و جریان نقد، و اعتباری) دومین بعد وزنی است. اگرچه از میان مؤلفه‌های ریسک مهم، بعد راهبردی (۰/۳۳۱) با ۵ مؤلفه مهم‌ترین بعد ریسک بود، اما ۴ مؤلفه این بعد (تغییر فناوری، حاکمیت، رقبا، و حسن شهرت)، فاقد قابلیت پایش مستمر هستند که می‌تواند ناشی از دشواری گردآوری داده‌های مورد نیاز برای اندازه‌گیری این ریسک‌ها از منابع دیجیتال کنونی باشد؛ پس تنها ریسک سبد محصول از این بعد در الگوی پیشنهادی است. در نهایت بعد گزارشگری ۱ ریسک (تخصیص منابع و

بودجه‌ریزی) در الگوی پیشنهادی دارد. ریسک تغییرات قانون و مقررات، از بعد قانونی و رعایت، اگرچه سومین ریسک مهم بود، اما قابلیت پایش مستمر ندارد. لذا، ریسکی از بعد اخیر در الگوی پیشنهادی وجود ندارد. نتایج این پژوهش با پیشینی دیلویت (۲۰۱۰) مبنی بر مناسب بودن به کارگیری حسابر سی و پایش ریسک مستمر کل سازمان در سطح عملیاتی همخوانی دارد.

مطابق جابری دوست و همکاران (۲۰۱۵)، ریسک‌های مالی (جریان نقد، اعتباری یا وصول مطالبات و شاخص‌های کلان اقتصادی) نقش مهمی در شرکت‌های دارویی دارند. اما بر خلاف ایشان، بعد مالی مهم‌ترین بعد ریسک نیست و به ترتیب ابعاد راهبردی، عملیاتی، و مالی با اهمیت ارزیابی شدند. درحالی‌که ریسک‌های مالی قابلیت پایش مستمر خوبی دارند و دومین بعد مهم در الگوی پیشنهادی پایش ریسک مستمر هستند.

قابل پایش‌ترین ابعاد به ترتیب عملیاتی (۷۱ درصد، ۵ ریسک از ۷ ریسک)، مالی (۶۷ درصد، ۲ ریسک از ۳ ریسک)، گزارشگری (۲۵ درصد، ۱ ریسک از ۴ ریسک)، راهبری (۱۲ درصد، ۱ ریسک از ۸ ریسک)، و قانونی و رعایت (صفر درصد) است. پرتکرارترین موانع پایش مستمر مطابق نظرات خبرگان برای ابعاد عملیاتی، مالی، قانونی و رعایت، و گزارشگری، ناکارایی عملکرد یک مدل پیش‌بین به‌هنگام در مقایسه با قضاوت انسانی؛ و بعد راهبری، عدم امکان کسب داده‌های مورد نیاز برای اندازه‌گیری ریسک از منابع دیجیتال کنونی؛ عنوان شد. لذا، در صورت کسب و انبارش داده‌های دیجیتالی، قابلیت پایش مستمر بعد راهبری که دارای بیش از یک سوم (۰/۳۳۱) اهمیت ریسک است، بهبود می‌یابد. مثلاً درباره ریسک رقبا، آمارنامه دارویی با تأخیر منتشر می‌شود. لذا، تولیدکنندگان برای رصد بازار و رقبا به اطلاعات دریافتی از شرکت‌های پخش و داروخانه‌ها متوسل می‌شوند که هزینه و زمان بر است.

در ادامه ریسک‌های بااهمیت شنا سایی شده شرکت‌های دارویی را مورد بحث بیشتر قرار می‌دهیم تا حتی‌الامکان بر اساس مصاحبه‌های انجام شده دلایل وجود آن‌ها مطرح شود.

از ریسک‌های بااهمیت، ریسک‌های خرید و بازرگانی، تأمین سرمایه و جریان نقدی، تغییر فناوری، تولید، و شاخص‌های کلان اقتصادی، با توجه به اعمال شدیدترین تحریم‌های یک‌جانبه امریکا علیه ایران در دوره انجام پژوهش، تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم تحریم‌ها

قرار دارند. از سویی، انتقال وجه صادرات و واردات با دشواری‌های فراوان روبه‌رو است. از دیگر سو، خرید ماشین‌آلات، خطوط و تجهیزات تولید اگر ممکن باشد بسیار مشکل است و اغلب به بهانه کاربرد دوگانه آن‌ها از همکاری شرکت‌های تأمین‌کننده با شرکت‌های دارویی ایران جلوگیری می‌شود. تحصیل فناوری نو معمولاً نشدنی است. لذا، شرکت‌های تولیدکننده داروی کشور اغلب با سطح فناوری شرکت‌های بین‌المللی فاصله دارند و این فاصله به دلیل عدم سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین رو به افزایش است. البته بعضی شرکت‌ها پیشرفت‌های مهمی در زمینه محصولات با فناوری بالا، از جمله محصولات مبتنی بر دانش سلول‌های بنیادی، داشته‌اند.

مشکلات نقل و انتقال وجه ناشی از تحریم‌ها، توسعه بازارهای صادراتی را مخاطره‌آمیز می‌کند و شرکت‌ها بیشتر بر بازار داخلی متمرکز هستند. چون تولید بیش از مصرف داخلی است، ریسک رقابت تشدید می‌شود. می‌توان به این عوامل نوسانات شاخص‌های کلان اقتصادی (از جمله کاهش ارزش ریال، افزایش نرخ تورم و بهره) را اضافه نمود.

یکی از مشتریان عمده دارو، بیمارستان‌های دولتی هستند. به دلیل مشکلات مالی دولت، وصول مطالبات ممکن است بیش از یک سال طول بکشد که منجر به تحمیل هزینه‌های مالی بر شرکت‌های دارویی می‌شود. این امر ریسک‌های جریان نقدی و اعتباری را افزایش می‌دهد. برخی خبرنگاران معتقدند شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی از جمله در تعیین حقوق و مزایا و پاداش کارکنان، ارایه تخفیف حجمی (پروموشن) و نقدی، و جوایز محدودیت‌هایی دارند که باعث ضعف آن‌ها در حفظ کارکنان کلیدی و مشتریان می‌شود. همچنین، کارایی و تولید سرانه شرکت‌های خصوصی از دولتی بیشتر است و استفاده بهتری از نیروی انسانی می‌کنند. افزون بر این، به دلیل چالاکی بیشتر بخش خصوصی، توان رقابتی آن‌ها در بازارهای صادراتی بیشتر است. ثبات مدیریت بخش دولتی و شبه‌دولتی کمتر است و با تغییر مدیران ارشد، سایر مدیران معمولاً تغییر می‌کند که منجر به هدررفت زمان و هزینه در مقایسه با بخش خصوصی است. ضمناً آگاهی ناکافی برخی مدیران ارشد شرکت‌ها از اصول مدیریتی، مالی و اقتصادی مورد تأکید برخی خبرنگاران بود. این موضوع از جنبه‌های ریسک‌های حاکمیت و منابع انسانی است.

تصمیمات دولتی بر صنعت مؤثر است. به ارز مورد نیاز صنعت دارو یارانه تعلق می‌گیرد؛ تخصیص ارز زمان‌بر و محدود است که می‌تواند ریسک تأمین سرمایه و جریان نقدی را افزایش دهد. ضمناً، اگرچه سازوکارهای کنترلی برای کسب اطمینان از کیفیت مواد اولیه توسط سازمان غذا و دارو (نهاد ناظر) مستقر است، اما تعیین قیمت فروش دارو توسط دولت، ممکن است شرکت‌ها را به استفاده از مواد اولیه ارزان‌تر ترغیب کند.

ریسک تغییرات قانونی و مقرراتی، از جمله با توجه به تلاطم اقتصاد و بازارهای پول و ارز و تصمیمات مختلف بانک مرکزی جهت کنترل آن، متأثر از سایر بازیگران، تصمیمات اقتصادی، و حتی تحریم‌ها است. ضمناً با توجه به تحریم‌ها و تنش‌ها با ایالات متحده، ممکن است اهمیت ریسک سیاسی بیش از شرایط عادی ارزیابی شده باشد. همچنین، شاید چالش‌هایی که هر یک از خبرگان در زمان انجام تحقیق با آن‌ها مواجه بوده‌اند، بر انگاره آن‌ها از اهمیت ریسک‌ها مؤثر بوده باشد و در شرایط عادی اهمیت این ریسک‌ها کمتر ارزیابی شود.

نتایج این تحقیق برای بهبود مدیریت ریسک در شرکت‌های تولیدکننده دارو و برای حساب‌رسان داخلی به منظور اقناع مدیران شرکت‌ها در خصوص حوزه‌های ریسکی و ضرورت استقرار پایش ریسک مستمر کاربرد دارد. نتایج بیانگر امکان‌پذیری پایش ریسک مستمر است. همچنین، نتایج برای سیاست‌گذاران، نهادهای ناظر و تصمیم‌گیرندگان از جمله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مجلس شورای اسلامی، سازمان برنامه و بودجه کاربرد دارد.

پیشنهاد‌های زیر مستخرج از نتایج تحقیق با هدف ارتقای مدیریت ریسک در صنعت داروی کشور است. نویسندگان انتظار دارند استقرار موارد پیشنهادی منجر به بهبود پایش مستمر و مدیریت ریسک شرکت‌های تولیدکننده صنعت و نیز بهبود نظارت نهاد ناظر شود:

- ۸ ریسک سبد محصول، تأمین سرمایه و جریان نقد، اعتباری، فروش، خرید، مدیریت موجودی، تولید و تخصیص منابع و بودجه‌ریزی که با اهمیت و قابل پایش مستمر هستند، در اولویت شرکت‌ها برای ایجاد سامانه رایانه‌ای پایش ریسک مستمر قرار گیرند.

- حسابرسان داخلی نتایج این تحقیق را برای برنامه‌ریزی و تعیین حوزه‌های نیازمند رسیدگی، و تبیین ضرورت استقرار سامانه پایش ریسک مستمر به کار ببرند.
- شرکت‌ها برنامه‌های مدیریت ریسک مناسب برای ریسک‌های مهم و قابل مدیریت از جمله جریان نقدی، سبب محصول، فروش، خرید، حاکمیت، تولید، اعتباری، منابع انسانی، مدیریت موجودی، و تخصیص منابع و بودجه را طراحی و مستقر کنند.
- وزارت بهداشت یک سامانه برخط به‌هنگام برای رصد عرضه، کنترل و تشخیص قاچاق دارو ایجاد کند تا رصدها بازار برای آن وزارت و شرکت‌های تولیدکننده تسهیل شود و شفافیت افزایش و هدررفت منابع ملی کاهش یابد.
- در صورت فزونی مزایا بر معایب واگذاری مالکیت و مدیریت شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی صنعت دارو به بخش خصوصی، موضوع در دستور کار سیاست‌گذاران یا قانون‌گذاران قرار گیرد. در این زمینه می‌توان از ظرفیت و رونق بازار سرمایه و اقبال به شرکت‌های دارویی بهره برد. لذا، مطالعات تعیین امکان‌پذیری و صرفه این واگذاری‌ها و نیز ادغام شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی موجود انجام شود.
- با توجه به اهمیت ریسک حاکمیت، تعیین شایستگی‌های کلیدی مطلوب، وضعیت موجود و فاصله با وضعیت مطلوب مدیران ارشد صنعت پیشنهاد می‌شود. سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران در تعیین شرایط احراز مدیران دولتی و بورسی، این عوامل را الزامی کنند.
- مطالعات آتی برای تعیین اثر حذف ارزش‌یارانه‌ای بر شرکت‌های تولیدکننده دارو و تبعات آن برای نظام سلامت کشور انجام شود. قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران آزادسازی نرخ ارزش تخصیصی به صنعت را مدنظر قرار دهند.

پی‌نوشت

- ۱ Enterprise Risk Management (ERM) ۲ Continuous monitoring (CM)

منابع

- اعرابی، مهرا. (۱۳۹۷). الگوی محاسبه حق عضویت خاص اعضاء صندوق ضمانت سپرده‌ها بر اساس ریسک در ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- سرمد، زهره؛ حجازی، الهه؛ بازرگان، عباس. (۱۳۹۰). روش تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
- شکرخواه، جواد؛ مرشدزاده، مهناز؛ قربانی، محمود. (۱۳۹۵). رهبری تفکر در مدیریت ریسک جامع: مجموعه بیانیه‌های کوزو. تهران: ترمه.
- صابری، مریم؛ اسفندیارپور، مهدیه؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۶). تأثیر متغیرهای حسابداری محرک ریسک بر بازده غیرمتعارف سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۷۱-۱۸۹.
- Aarabi, Mehran. (2019). Model of calculating the special membership fee of the members of the Deposit Guarantee Fund based on risk in Iran. Tehran: Allameh Tabataba'i University. (In Persian)
- Akins, Ralitsa. B. ; Tolson, Homer; Cole, Bryan R. (2005). Stability of response characteristics of a Delphi panel: Application of bootstrap data expansion. BMC Medical Research Methodology, 1-12.
- Baksa, Robert. (2015). Continuous Monitoring Of Enterprise Risks: A Delphi Feasibility Study. ProQuest LLC. New Jersey.
- Chang, PL; Hsu, CW; Chang, PC. (2011). Fuzzy Delphi method for evaluating hydrogen production technologies. International Journal of Hydrogen Energy, 14172-9.
- Chen, Chen-Tung. (2000). Extensions of the TOPSIS for group decision-making under fuzzy environment. Fuzzy Sets and Systems, 1-9.
- Cheng, Ching-Hsue; Lin, Yin. (2002). Evaluating the best main battle tank using fuzzy decision theory with linguistic criteria evaluation. European Journal of Operational Research, 174-186.
- Coderre, D. (2005). Global Technology Audit Guide. Continuous Auditing: Implications for Assurance, Monitoring, and Risk Assessment, 44.
- COSO. ERM Presentation. Retrieved March 28, 2018, from: [coso.org/Documents/COSO-ERM-Presentation-September-2017.pdf](https://www.coso.org/Documents/COSO-ERM-Presentation-September-2017.pdf)
- D'Arcy, S. (2001). Enterprise Risk Management. Journal of Risk Management of Korea, 12 (1).
- Deloitte Development. (2010). Continuous Monitoring and Continuous auditing: from Idea to implementation. Retrieved July, 2020, from: <https://www2.deloitte.com/content/dam/Deloitte/us/Documents/audit/us-aers-continuous-monitoring-and-continuous-auditing-whitepaper-102910.pdf>.
- Deloitte Touche LLP; Curtis, Patchin; Carey, Mark. (2012). Thought Leadership in ERM: Risk Assessment in Practice. Durham: COSO.
- Enyinda, Chris I. ; Mbah, Chris H. N. ; Ogbuehi, Alphonso. (2010). An Empirical Analysis of Risk Mitigation in the Pharmaceutical Industry Supply Chain: A Developing-Country Perspective. Thunderbird Int. Business Rev, 45-54.

- Hall, John. (2007). Internal Auditing and ERM: Fitting in and Adding Value. Institute of Internal Auditors Research Foundation.
- HSU, PI-FANG; CHEN, BI-YU. (2007). Developing and Implementing a Selection Model for Bedding Chain Retail Store Franchisee Using Delphi and Fuzzy AHP. *Quality & Quantity*, 275-290.
- IIA. (2009). The Role Of Internal Auditing In ERM. IIA. Retrieved January 18, 2018, from <https://na.theiia.org>.
- IIA. (2014). Risk Assessment Questionnaire. Retrieved December 28, 2018, from: <https://na.theiia.org/standards-guidance/Public Documents/Risk Assessment Questionnaire.xls>.
- ISO. (2018). ISO 31000:2018 Risk Management Guidelines. ISO. Retrieved November, 2018, from <https://www.iso.org/obp/ui#iso:std:iso:31000:ed-2:v1:en>
- Jaberidoost, Mona; Nikfar, Shekoufeh; Abdollahiasl, Akbar; Dinarvand, Rassoul. (2013). Pharmaceutical Supply Chain Risks: A Systematic Review. *DARU Journal of Pharmaceutical Sciences*, 1-7.
- Jaberidoost, Mona; Olfat, Laya; Hosseini, Alireza; Kebriaeezadeh, Abbas; Abdollahi, Mohammad; Alaeddini, Mahdi; Dinarvand, Rassoul. (2015). Pharmaceutical supply chain risk assessment in Iran using analytic hierarchy process (AHP) and simple additive weighting (SAW) methods. *Journal of Pharmaceutical Policy and Practice*.
- Jereb, Borut; Cvahte, Tina. (2013). Risk Catalog. Retrieved June 12, 2019, from <http://labinf.fl.uni-mb.si/risk-catalog/>.
- Kamarulzaman, Norhaslina; Jomhari, Nazean; Raus, NorakyaireeMohd; Mohd Yusof, Mohd Zulkifli. (2015). Applying the Fuzzy Delphi Method to Analyze the user Requirement for user Centred Design Process in Order to Create Learning Applications. *Indian Journal of Science and Technology*, 1-7. doi: 10.17485/ijst/2015/v8i32/92146.
- KMPG. (2009). Risk Management in the Pharmaceuticals and Life Sciences Industry: An Economist Intelligence Unit research program. The Economist.
- KPMG. (2016). Pharmaceutical Risks. Retrieved December 2018, from: <https://home.kpmg.com/content/dam/kpmg/za/pdf/2016/11/Pharmaceutical-Risks-2016.pdf>.
- Koh, Robin; Schuster, Edmund W. ; Chackrabarti, Indy; Bellman, Attilio. (2003). Securing the Pharmaceutical Supply Chain. Massachusetts: Auto-ID Center Massachusetts Institute of Technology.
- Lo, Chi-Chun; Chen, Wan-Jia. (2012). A hybrid information security risk assessment procedure considering interdependences between controls. *Expert Systems with Applications*, 247-257.
- Marwan, Hazlina; Ali, Azita. (2019). Experts' Consensus to Identify Elements of Career Management Competencies in Work-Based Learning (WBL) Program Using Fuzzy Delphi Analysis. *International Journal of Emerging Technologies in Learning (iJET)*, 73-86.
- Mehralian, Gholamhossein; Rajabzadeh Gatari, Ali; Morakabati, Mohadese; Vatanpour, Hossein. (2012). Developing a Suitable Model for Supplier Selection Based on Supply Chain Risks: An Empirical Study from Iranian

- Pharmaceutical Companies. The Iranian Journal of Pharmaceutical Research (IJPR) , 209-219.
- Miller, L. (2006). Determining what could/should be: The Delphi technique and its application. Annual meeting of the Mid-Western Educational Research Association. Columbus, Ohio.
- Moktadir, Md. Abdul ; Ali, Syed Mithun; Mangla, S. Kumar; Sharmy, T. Ahmed; Luthra, S. ; Mishra, N. ; Garza-Reyes, J. Arturo. (2018). Decision Modeling of Risks in Pharmaceutical Supply Chains. Industrial Management & Data Systems, doi. org/10. 1108/IMDS-10-2017-0465.
- Olson, David L. ; Wu, Desheng Dash. (2008). Financial Engineering and Risk Management: Enterprise Risk Management (Vol. I). Singapore: World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd.
- Reinhart, C. ; Rogoff, K. (2011). This Time Is Different: Eight Centuries of Financial Folly. Princeton University Press.
- Saberi, Maryam; Esfandyarpoor, Mahdieh; Noroozi, Mohammad. (2017). The Effect of Accounting Variables on Abnormal Return in Tehran Stock Exchange. Journal of Empirical Research in Accounting, No. 25, pp. 171-189. (In Persian)
- Saffie, N. Amira M. ; Shukor, Nur ‘Amirah Mohd; Rasmani, Khairul A. (2016). Fuzzy Delphi Method: Issues and Challenges. International Conference on Logistics, Informatics and Service Sciences (LISS) , 1-7.
- Sarmad, Zohreh; Hejazi, Elaheh; Bazargan, Abbas. (2011). Research Methods in Behavioral Sciences. Tehran: Agah. (In Persian)
- Shekarkhah, Javad; Morshedzadeh, Mahnaz; Ghorbani, Mahmood. (2016). Thought Leadership in Enterprise Risk Management: COSO Statements Collection. Tehran: Termeh. (In Persian)
- Simon, Elizabeth. (2016). How to Implement a Robust Compliance Risk Assessment: Building your Universe of Risk. Retrieved June 2019, from: [www. linkedin. com/pulse/how-implement-robust-compliance-risk-assessment-building-simon. /](http://www.linkedin.com/pulse/how-implement-robust-compliance-risk-assessment-building-simon/)
- Sulaiman, H. Fariha; Ismail, Rosnah; Mohd Yusoff, Hanizah; Anuar, Norziela; Mohd Jamil, Mohd Ridhuan; Daud, Faiz. (2019). Validation of Occupational Zoonotic Disease Questionnaire Using Fuzzy Delphi Method. Agromedicine, 25:2, 166-172.
- Torabi, S. Ali; Giahi, Ramin; Sahebjamnia, Navid. (2016). An Enhanced Risk Assessment Framework for Business Continuity Management Systems. Safety Science, No. 89, 201-218.

بررسی واکنش بازار به کیفیت کار شرکای حسابداری مسعود طاهری‌نیا^۱، محسن رشیدی^۲، آیت عموزاده^۳، زهرا منصوری^۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۰۶

مقاله پژوهشی

چکیده

مشکلات نمایندگی در نتیجه تضاد منافی که میان مدیران و سهامداران وجود دارد، ایجاد می‌شود. حسابداری به عنوان راهکاری کارآمد برای محدود کردن اختیارات مدیران در روابط قراردادی محسوب می‌شود. در این مقاله، هدف بررسی نوسانات و واکنش بازار به کیفیت کار شرکای حسابداری است. به همین منظور، داده‌های مربوط به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ استخراج و از الگوی رگرسیون داده‌های مقطعی و ترکیبی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. نتایج فرضیه اول نشان می‌دهد، در شرکت‌هایی که شرکای حسابداری کیفیت کار بالایی دارند، درآمدها انعکاس بالاتری در قیمت سهام دارند. کیفیت کار بالایی شریک حسابداری میزان عدم تقارن اطلاعاتی و از این رو، مشکلات نمایندگی در ارتباط با تصمیمات مدیریتی شرکت را به نحو مناسبی راهبری و کنترل می‌کند. نتایج فرضیه دوم حاکی از واکنش مثبت بازار به تغییر حسابرس و انتخاب حسابرس با کیفیت بالاتر می‌باشد. در صورتی که اعتقاد بازار بر این باشد که با بکارگیری حسابرسان با کیفیت کار بالا محتوای اطلاعاتی سودها افزایش می‌یابد و نیز بازده غیرعادی کاهش می‌یابد، واکنش بازار حسابداری به هنگام تعویض حسابرس و انتخاب شریک حسابداری با کیفیت بالاتر به واقعیت (سطوح پیش‌بینی شده) نزدیک‌تر می‌شود. همچنین نتایج فرضیه سوم نشان می‌دهد، حسابداری توسط شرکای با کیفیت بالایی کار حسابداری تأثیر معناداری بر مبلغ تسهیلات دریافتی دارد. زیرا کیفیت کار شرکای حسابداری بر دیدگاه اعتباردهندگان نسبت به ریسک و زمان‌بندی بازپرداخت مطالبات تأثیر با اهمیتی می‌گذارد و از این رو مبلغ تسهیلات اعطایی افزایش می‌یابد. از طرفی، قیمت سهام نیز در این شرکت‌ها بازتابی از درآمدهای واقعی شرکت‌های مزبور است.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حسابداری، واکنش بازار، شرکای حسابداری.

طبقه‌بندی موضوعی: M42, G41

10.22051/jera.2021.28470.2561:DOI

^۱ استادیار حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، نویسنده مسئول، (taherinia.m@lu.ac.ir)

^۲ استادیار حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، (rashidi.m@lu.ac.ir)

^۳ دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، خمین، ایران، (amoozadeh1359@gmail.com)

^۴ کارشناس ارشد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، (mansourizahra66@gmail.com)

مقدمه

قیمت گذاری و رقابت بازار برای خدمات حسابرسی موضوعی بااهمیت برای قانون گذاران، محققان و سرمایه گذاران به شمار می آید (سنایت، ۱۹۷۷). های و نیکل (۲۰۱۰) با مطالعه تأثیر تبلیغات و تقاضا بر هزینه های حسابرسی مشاهده کردند که تبلیغات به شرکت ها اجازه می دهد روی بهبود کیفیت حسابرسی تمرکز کنند، به همین دلیل ماهیت حسابرسی به عنوان کالایی اعتباری، منجر به تحمیل هزینه و زمان بیشتر یا کمتر از حد در حسابرسی برای افزایش کیفیت حسابرسی می شود. با افزایش تمرکز بازار خدمات حسابرسی و وقوع برخی ناتوانی های حسابرسی، مسئله کیفیت حسابرسی نیز مورد توجه قرار گرفت. کمیته های حسابرسی، افراد شاغل در حسابرسی و نیز بازار رقابتی، باعث ایجاد انگیزه نوآوری و خلاقیت در حسابرسی شده است. کمیسیون اروپا (۲۰۱۰) به این نتیجه رسید که بازار در برخی بخش ها کاملاً متمرکز بوده و توانایی تصمیم گیری صاحبکاران در ارتباط با انتخاب حسابرسان را سلب کرده است. بنابراین، شناخت و بررسی نوسانات کیفیت حسابرسی در زمینه رقابت بازار این خدمات، به نظر بااهمیت می باشد.

جی هری و میهو (۲۰۱۹) دریافتند که حسابرسان و شرکای حسابرسی با افزایش کیفیت کار خود در بازار تلاش های پژوهشی خود را کاهش می دهند، این کاهش پژوهش ها همراه با رفتار اعتباردهندگان و واکنش بازار سبب می شود که مدیران طیف گسترده ای از کیفیت حسابرسی را طلب کنند با وجود ادبیات مستحکم در ارتباط با کیفیت حسابرسی، جزئیات آن از جمله صرف ناشی از کاهش هزینه بدهی، محدودیت های قراردادهای و سایر جنبه ها، به طور کامل مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. رفتار بازار نسبت به کیفیت کار شرکای حسابرسی در طول زمان، به طور کامل شناسایی نشده و بررسی واکنش بازار در بلندمدت بیانگر شناخت ما از بازار حسابرسی می باشد. پژوهش های صورت گرفته در ارتباط با نوسانات و تغییرات افزایشی و کاهش در کیفیت حسابرسی بسیار محدود می باشد از جمله این پژوهش ها می توان به واعظ، رمضان احمدی و رشیدی باغی (۱۳۹۳) و عباس زاده و همکاران (۱۳۹۹) اشاره کرد. در پژوهش های خارجی نیز دانیل و همکاران (۲۰۱۵) واکنش بازار به کیفیت حسابرسی و ارتباط آن با تغییرات محیطی از جمله عرضه اولیه سهام را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند. دیدگاه های متفاوت و ناهمگون نسبت به آنچه که کیفیت حسابرسی را تشکیل

میدهد، ناشی از درک متفاوت ذینفعان از کیفیت حسابرسی در فرایند گزارشگری مالی است (نکل و همکاران، ۲۰۱۳). آنچه که مهم است واکنش این ذینفعان (مثل استفاده کنندگان از صورت های مالی - موسسات حسابرسی - قانون گذاران - نهادهای ناظر و تحلیلگران بازار) به گزارشات حسابرسی و کیفیت آن می باشد. بنابراین در این پژوهش واکنش بازار که می تواند بیانگر شاخصی از واکنش ذینفعان نسبت به تغییر متغیرهایی را که معمولاً به عنوان عوامل اصلی کیفیت حسابرسی در نظر گرفته می شوند (از جمله اندازه، پیچیدگی و ریسک)، مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

شرکای حسابرسی و قیمت سهام

بال و همکاران (۲۰۱۲) فرضیه تصدیق (تایید) را اینگونه بیان کردند که گزارشگری مالی حسابرسی شده و افشای اطلاعات خصوصی مدیران مکمل هم هستند. آنها نشان دادند شرکت هایی که پیش بینی های مدیریتی با دفعات بیشتر و دقیق تری را ارائه می دهند متعهد به تایید گسترده تر و بیشتر صورت های مالی توسط حسابرسان مستقل و با کیفیت هستند زیرا واکنش بیشتری را از سمت بازار دریافت می کنند. فرانسیس (۲۰۱۱) برای حسابرسی با کیفیت چارچوب جامع سنجش کیفیت کار حسابرسی را مطرح می کند که شامل عوامل پیشین یعنی عوامل ورودی و فرایند حسابرسی مثل تخصص حسابرسان، ارزیابی ریسک، تردید حرفه ایی و... و پیامدهای کیفیت حسابرسی مثل تغییر قیمت سهام، واکنش بازار و... می باشد.

شواهد قیمت گذاری نشان میدهد که صاحبکاران شرکت های حسابرسی بزرگ بطور داوطلبانه خدمات متمایزی را خریداری کرده و برای آن ها قیمت بالاتری نیز پرداخت می کنند و درجه بالاتری از کیفیت حسابرسی ارائه می نمایند (دیوید و همکاران، ۲۰۱۴).

شرکای حسابرسی با کیفیت کار بالا از دو طریق می توانند برای فعالان در بازار سرمایه ارزش اطلاعاتی ایجاد کنند. نخست، بکارگیری حسابرسی با کیفیت می تواند به عنوان علامتی درباره ارزش پایه ای شرکت برای سرمایه گذاران غیرمطلع در نظر گرفته شود. به نحوی که تیمن و ترومن (۱۹۸۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده اند که حسابرسان با کیفیت بالا قادر به ارائه اطلاعات دقیق تری درباره ارزش شرکت هستند و از این رو، کارآفرینانی که دارای

اطلاعات مساعدی درباره شرکت خود می‌باشند، حسابرسان با کیفیت بالاتر را انتخاب می‌کنند. این دیدگاه مبتنی بر این رویکرد است که ارزش اطلاعاتی حسابرسی با توجه به انتظارات افراد نسبت به کیفیت حسابرسی متغیر است (دای، ۱۹۹۳). دوم، از آن جایی که شریک حسابرسی با کیفیت کار بالاتر اطلاعات دقیق‌تری را درباره شرکت فراهم می‌کند بنابراین بکارگیری آن، عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد. شکاف اطلاعاتی با توجه به شرایط طرفین، متفاوت است. زمانی که اطلاعات سرمایه‌گذار برای شناسایی ارزش شرکت کافی نباشد و نیاز به اطلاعات خارجی باشد، کیفیت حسابرسی نقش اساسی را در سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند. در این شرایط نقش علامت‌دهی حسابرسی نسبت به نقش کنترلی برتری دارد. نقش علامت‌دهی حسابرسی باعث حذف عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و بازار سرمایه می‌شود (واعظ و رشیدی باغی، ۱۳۹۳).

بر اساس پژوهش‌های پیشین، اطلاعات مربوط به اعلام سودهای جدید در قیمت سهام منعکس می‌شود و به‌عنوان معیاری از انتظارات سرمایه‌گذاران نسبت به کیفیت سود مدنظر قرار می‌گیرد. این نوع از ارزش‌گذاری تحت تأثیر ویژگی‌های خاص مؤسسات حسابرسی قرار می‌گیرد (تئو و وانگ، ۱۹۹۳). به عبارتی، با توجه به اطمینانی که کیفیت حسابرسی نسبت به کیفیت سود فراهم می‌سازد، بازار سرمایه نسبت به بکارگیری شرکای حسابرسی با کیفیت کار بالا، واکنش نشان می‌دهد. از طرفی، مؤسسات بزرگ حسابرسی از فرآیندهای حسابرسی استاندارد برای رسیدگی صاحبکاران استفاده می‌کنند که منجر به واکنش بازار سرمایه نسبت به انتخاب این مؤسسات می‌شود. بنابراین، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه اول: در شرکت‌هایی که شرکای حسابرسی با کیفیت کار بالا را بکار می‌گیرند، درآمدها انعکاس بالاتری در قیمت سهام دارند.

واکنش بازار و تغییر حسابرسی

نیکولز و اسمیت (۱۹۸۳) در تحقیق خود یافتند که تغییر حسابرسی از شرکت‌های حسابرسی بزرگ به شرکت‌های حسابرسی غیر بزرگ، منجر به واکنش منفی بازار حوالی تاریخ اعلام تغییر میشود و تغییرات از شرکت‌های حسابرسی غیر بزرگ به شرکت‌های حسابرسی بزرگ باعث واکنش مثبتی در بازار میشود، گرچه خالص تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نبود. تئو و

ونگ (۱۹۹۳) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که میزان واکنش قیمتی بازار به سود غیر منتظره به طور قابل توجهی برای صاحبکاران شرکت های حسابرسی بزرگ، بیشتر از صاحبکاران شرکت های حسابرسی غیر بزرگ است.

در صورتیکه بازار اعتقاد داشته باشد که محتوای اطلاعاتی سودها به هنگام بکارگیری حسابرسان با کیفیت کار بالا افزایش یابد، بنابراین انتظار بر این است که به هنگام تغییر حسابرسان توسط شرکت ها و انتخاب حسابرسان با کیفیت کار بالاتر، بازار واکنش مثبتی داشته باشد. این رویکرد مطابق با این دیدگاه است که واکنش بازار به تغییر حسابرسان بستگی به خصوصیات حسابرسان دارد. در همین راستا، نیکل، نایکر و پاچیکو (۲۰۰۷) نشان دادند که واکنش بازار به تغییر حسابرسان بستگی به تخصص حسابرسان پیشین دارد. سجادی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود نشان دادند که تغییر حسابرسان در سطح شریک می تواند عاملی برای افزایش کیفیت حسابرسی تلقی شود. بنابراین فرضیه دوم پژوهش بصورت زیر مطرح می شود:

فرضیه دوم: تغییر حسابرسان و انتخاب حسابرسان با کیفیت بالاتر منجر به واکنش مثبت بازار می شود.

کیفیت حسابرسی و اعتبار دهندگان

برای فعالان بازار بدهی، گزارش های حسابرسی های با کیفیت ارزشمند است. در قراردادهای بدهی از صورت های مالی استفاده می شود و حسابرسی با کیفیت هزینه های نمایندگی را برای اعتبار دهندگان کاهش می دهد (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶). با توجه به خطر رقابت، اعتبار دهندگان مجبور به تحمل هزینه های نمایندگی به شکل کاهش نرخ بهره یا پذیرش شرایط اعتبار گیرنده مثل اخذ وثائق کمتر در قرارداد می باشند. بنابراین مشکلات نمایندگی، نوسانات بازار، عدم تقارن اطلاعاتی و نیز عوامل کلان اقتصادی در تعیین نرخ های وام مؤثر واقع می شوند (فرانسیس و وانگ، ۲۰۲۰). پژوهش های پیشین نشان می دهد که در شرکت های خصوصی، انجام حسابرسی منجر به پرداخت نرخ بهره بانکی کمتری نسبت به شرکت های دیگر می شود (بلک وول، نولاند و وینترز، ۱۹۹۸). از طرفی، مینس (۲۰۱۱) به این نتیجه رسید که اعتبار دهندگان در تعیین نرخ وام به اطلاعات مالی حسابرسان شده وزن بیشتری می دهند. در مقایسه با سایر وام ها و تسهیلات، قراردادهای بدهی مربوط به شرکت ها بدلیل ماهیت فعالیت،

تنوع عملیات تجاری، استراتژی ها و نوع مدیریت شرکت بسیار متفاوت است. در فرآیند پذیره نویسی قراردادهای بدهی بانک برای استنباط چشم انداز بازپرداخت، به ترکیبی از تجزیه و تحلیل کمی و کیفی اعتماد می کند. تجزیه و تحلیل کمی شامل جمع آوری اطلاعات خصوصی (به عنوان مثال، پیش بینی های مالی، ارزیابی وثیقه، داده های هزینه داخلی) و عمومی (به عنوان مثال، گزارش های مالی، پرونده های نظارتی، ارزش وثیقه ها) است که یک رتبه بندی داخلی از نظر ریسک ایجاد می کند، و از این طریق توانایی بازپرداخت مورد انتظار وام گیرنده را خلاصه می کند. اطلاعات کمی به تنهایی برای ارزیابی کامل چشم انداز بازپرداخت وام گیرنده غالباً ناکافی است، زیرا پیش بینی و انعقاد صریح همه وقایع آینده که ممکن است بر توانایی بازپرداخت بدهی وام گیرنده تأثیر بگذارد، دشوار است. لذا علاوه بر اطلاعات کمی، در نظر گرفتن اطلاعات کیفی مثل نوع فعالیت شرکت، نوع صنعت، کیفیت حسابرسان شرکت و موارد دیگر در سطح خرد و کلان کشور میتواند در ارزیابی توان بازپرداخت وام گیرنده مورد استفاده قرار گیرد. صورت های مالی با کیفیت (حسابرسی شده) در کاهش هزینه های نمایندگی اعتبار دهندگان و دستیابی به شرایط قراردادی بهتر بدهی برای شرکت می تواند موثر باشد. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش به صورت زیر ارائه می شود:

فرضیه سوم: حسابرسی توسط شرکای با کیفیت بالای کار حسابرسی تأثیر معناداری بر مبلغ تسهیلات دریافتی دارد.

پیشینه پژوهش

علوی طبری، بشیری منش (۱۳۹۲) در مطالعه خود نشان دادند که کیفیت حسابرسان و تغییر به حسابرسان بزرگتر اثر مثبتی بر ضریب واکنش سود برای شرکتهای دارای سود غیر عادی مثبت (منفی) دارد و تغییر به حسابرسان کوچکتر اثر منفی بر ضریب واکنش سود برای شرکتهای دارای سود غیر عادی مثبت (منفی) دارد. تغییر به حسابرس بزرگتر کیفیت بالای سود را نشان می دهد و منجر به واکنش بیشتر سرمایه گذاران به تغییرات مثبت سود و افزایش قیمت و کاهش کمتر قیمت در صورت تغییرات منفی سود می شود. بطور مشابه تغییر به حسابرس کوچکتر می تواند بیانگر کیفیت پائین سود باشد و منجر به پاسخ منفی به بازار گردد. بطور کلی، در بازار سرمایه ایران اطلاعات درباره شرکت حسابرسی برای سرمایه گذار با ارزش تلقی می شود.

ودیعی، کاردان و هوشمند (۱۳۹۷) در پژوهش خود نشان دادند که بین موسسات حسابرسی گروه «الف» و خطای پیش‌بینی سود، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که نرخ بازده دارایی‌ها و اهرم مالی تأثیر مثبت و معناداری بر میزان خطای سود پیش‌بینی شده دارد. با وجود این، بین متغیرهای رتبه حسابرس و نوع اظهارنظر حسابرس با میزان خطای سود پیش‌بینی شده ارتباط معناداری مشاهده نگردید.

بهارمقدم، جوکار (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان " اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی بر تمایلات سرمایه‌گذاران در قیمت‌گذاری سهام" نشان دادند که گزارشات حسابرس، اعتماد سرمایه‌گذاران به اطلاعات حسابداری را تقویت می‌کند و بر تمایلات سرمایه‌گذاران در قیمت‌گذاری سهام تأثیر می‌گذارد؛ اما اندازه حسابرس دارای اثر تعدیل‌کنندگی نمی‌باشد و تأثیری بر تمایلات سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه ندارد.

زمانی، سهرابی (۱۳۹۷) در پژوهش خود تحت عنوان تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر تأمین مالی از طریق وام بانکی در شرکت‌های فعال در حوزه صنعت، معدن، بازرگانی و حمل‌ونقل به این نتیجه رسیدند که وجود حاکمیت شرکتی، تأثیر مثبت و معناداری بر تأمین مالی از طریق وام بانکی دارد؛ در حالی که کیفیت حسابرسی این تأثیر را ندارد.

خانی، رجب‌دری و صدوری (۱۳۹۹) در مطالعه رابطه کیفیت حسابرسی (اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و دوره تصدی حسابرس) و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس با اظهارنظر حسابرس نسبت به تداوم فعالیت به این نتیجه دست یافتند که کیفیت بالاتر حسابرسی، باعث کاهش ابهام در تداوم فعالیت می‌شود. همچنین، بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ابهام در تداوم فعالیت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. افزون بر آن، بین تخصص حسابرس در صنعت و ابهام در تداوم فعالیت رابطه منفی و معناداری مشاهده شد.

آذین‌فر و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه خود تحت عنوان کیفیت حسابرسی، سیاست چرخش مؤسسات حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرس: رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری دریافتند که کیفیت حسابرسی با سیاست چرخش حسابرس رابطه معناداری دارد و کیفیت حسابرسی منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرس خواهد شد.

دمرجین، دونووان و جنینگز (۲۰۲۰) در مطالعه ارزیابی صحت اطلاعات آینده‌نگرانه در مذاکرات قرارداد بدهی: دقت پیش‌بینی مدیریت و وام‌های خصوصی دریافتند که اطلاعات پیش روی وام‌دهندگان برای پیش‌بینی عملکرد آینده و بازده مورد انتظار وام مهم است. با این حال، برخلاف صورت‌های مالی تاریخی اطلاعات آینده‌نگر توسط وام‌دهندگان یا حسابرسان خارجی قابل تأیید نیستند. آنها بیان کردند که صحت پیش‌بینی‌های قبلی وام‌گیرنده معیاری را ارائه می‌دهد که به وام‌دهنده امکان ارزیابی توانایی وام‌گیرنده در تولید اطلاعات دقیق آینده‌نگر را می‌دهد و به وام‌دهنده اجازه می‌دهد اعتماد بیشتری به پیش‌بینی‌های وام‌گیرنده از ارزش آینده داشته باشد. مطابق با این استدلال، آنها دریافتند که قراردادهای بدهی با وام‌گیرندگان دارای پیش‌بینی‌های مدیریتی دقیق‌تر، نرخ بهره درست‌تری را نشان می‌دهند.

دونوان، مارتین و فیلیپس (۲۰۲۰) بررسی کردند که آیا شناخت اقلام در صورت‌های مالی در مقابل افشای آن در طراحی قرارداد بدهی تأثیر دارد؟ شواهد نشان می‌دهد که شناخت از طریق صورت‌های مالی امکان کنترل مؤثرتر و استفاده از میثاق‌ها را فراهم می‌کند زیرا صورت‌های مالی وضعیت مالی وام‌گیرنده را بهتر نشان می‌دهند.

لی و لیوین (۲۰۲۰) در مطالعه شناسایی نقش شریک حسابرسی در کیفیت حسابرسی به این نتیجه رسیدند که انگیزه شرکای حسابرسی برای ارائه حسابرسی با کیفیت بالا زمانی که کیفیت کنترل‌های داخلی مؤسسه حسابرسی بالا باشد، افزایش می‌یابد. اما ممکن است به‌طور همزمان انگیزه‌های شرکا را برای حفظ سیستم‌های کنترل کیفیت داخلی خوب کاهش دهد، که این امر منجر به مرور سبب کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود.

چمبرز و پاین (۲۰۰۸) در مطالعه خود با عنوان «کیفیت حسابرسی و اقلام تعهدی غیرعادی» به این نتیجه رسیدند که مقدار بازده عملیاتی مربوط به اقلام تعهدی غیرعادی با کیفیت حسابرسی رابطه منفی دارد.

لی و رودن (۲۰۰۷) در پژوهش خود نشان دادند که حسابرسی با کیفیت بالاتر، رابطه مثبت و معناداری با دقت پیش‌بینی بالاتر سود دارد. هرچه کیفیت حسابرسی افزایش یابد، کیفیت اطلاعات حسابداری افزایش می‌یابد، بنابراین پیش‌بینی که به پشتوانه این اطلاعات در مورد بازده صورت می‌گیرد، از خطای کمتری برخوردار است.

مطالعات انجام شده زوایای مختلفی از کیفیت حسابرسی و رابطه آن با متغیرهای مختلف اقتصادی را بررسی کرده اند آنچه که میتواند به غنای ادبیات موضوع بیفزاید مطالعه اثر کیفیت حسابرسی (شریک با کیفیت بالا) بر بازار و واکنش های بازار به آن است که در مطالعه حاضر بررسی شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع توصیفی و بر اساس ماهیت و روش از نوع همبستگی است. با توجه به اینکه این پژوهش می تواند در فرآیند تصمیم گیری سرمایه گذاران مورد استفاده قرار گیرد، نوع پژوهش کاربردی محسوب می شود. در اجرای طرح پژوهش توصیفی، محقق متغیرها را دستکاری نمی کند یا برای وقوع رویدادها شرایطی را به وجود نمی آورد. بر اساس این طبقه بندی به دلیل این که هیچ یک از متغیرهای پژوهش دستکاری نشده اند و به توصیف اطلاعات گردآوری شده بسنده می شود، روش پژوهش توصیفی است. پژوهش های همبستگی شامل پژوهش هایی است که در آن ها سعی می شود رابطه بین متغیرهای مختلف با استفاده از ضریب همبستگی، کشف یا تعیین شود. در پژوهش همبستگی، هدف اصلی مشخص کردن رابطه بین دو یا چند متغیر، اندازه و مقدار آن رابطه است.

در این پژوهش برای گردآوری داده ها و اطلاعات، ابتدا از روش کتابخانه ای استفاده شده است. در روش کتابخانه ای، مبانی نظری پژوهش، از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین گردآوری می شود. سپس، برای گردآوری داده های پژوهش حاضر از لوح های فشرده آرشیو تصویری و آماری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سایت رسمی شرکت بورس اوراق بهادار تهران و دیگر پایگاه های اینترنتی مرتبط، اطلاعات حسابداری شرکت های بورسی و دیگر منابع اطلاعاتی استفاده شده است.

مدل و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل گال و همکاران (۲۰۱۳) استفاده شده است:

مدل (۱)

$$CAR_{it} = a_0 + a_1 SURPRIS E_{it} + a_2 QPartner_{it} + a_3 SURPRIS E_{it} * QPartner_{it} \\ + \alpha_4 LEV_{it} + \alpha_5 SIZE_{it} + \alpha_6 LOSS_{it} + a_7 CURRENT_{it} \\ + \alpha_8 LINV_{it} + \alpha_9 STDRET_{it} + \varepsilon$$

در مدل مذکور؛

CAR بازده غیرعادی؛ SUPRRISE نوسان سود فصلی؛ QPARTNER کیفیت کار شریک حسابرسی؛ LEV اهرم مالی؛ SIZE اندازه شرکت؛ LOSS زیان شرکت؛ CURRENT نسبت جاری؛ LINV سرمایه گذاری بلندمدت و STDRET معیار ریسک است.

به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل زیر استفاده شده است:

مدل (۲)

$$CAR_{it} = a_0 + a_1 PartnerCH_{it} + a_2 LEV_{it} + a_3 SIZE_{it} + a_4 LOSS_{it} \\ + a_5 CURRENT_{it} + \alpha_6 LINV_{it} + \alpha_7 STDRET_{it} + \varepsilon$$

در مدل مذکور؛

CAR بازده غیرعادی؛ PartnerCH تغییر حسابرس؛ LEV اهرم مالی؛ SIZE اندازه شرکت؛ LOSS زیان شرکت؛ CURRENT نسبت جاری؛ LINV سرمایه گذاری بلندمدت و STDRET معیار ریسک است.

به منظور آزمون فرضیه سوم پژوهش از مدل زیر استفاده شده است:

مدل (۳)

$$ContractTe_{it} = a_0 + a_1 QPartner_{it} + a_2 LEV_{it} + a_3 SIZE_{it} + a_4 LOSS_{it} \\ + a_5 CURRENT_{it} + \alpha_6 LINV_{it} + \alpha_7 STDRET_{it} + \varepsilon$$

در مدل مذکور؛

ContractTe میزان تسهیلات دریافتی؛ QPartner کیفیت کار شریک حسابرسی؛ LEV اهرم مالی؛ SIZE اندازه شرکت؛ LOSS زیان شرکت؛ CURRENT نسبت جاری؛ LINV سرمایه گذاری بلندمدت و STDRET معیار ریسک است.

متغیر وابسته

بازده غیرعادی: بازده غیر عادی سهام عبارت است از تفاوت بازده واقعی شرکت و بازده بازار (رمضان احمدی و جمالی، ۱۳۹۲) و از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$AR_{i,t} = R_{i,t} - R_{m,t}$$

که در این رابطه:

$R_{m,t}$: برابر است با نرخ بازده بازار و برای محاسبه بازده بازار از شاخص بازده نقدی (R_m) و قیمت بورس اوراق بهادار تهران (TEDPIX) استفاده شده است که به شرح زیر است.

$$R_m = \frac{TEDPIX_t - TEDPIX_{t-1}}{TEDPIX_{t-1}}$$

برای محاسبه بازده سالانه سهام شرکت از فرمول جامع بازده طبق رابطه زیر استفاده شده است.

$$R_{it} = \frac{P_t(1 + \alpha + \beta) - (P_{t-1} + C\alpha) + D_t}{P_{t-1} + C\alpha}$$

که در آن:

P_t قیمت سهام در پایان دوره t ؛ P_{t-1} قیمت سهام در ابتدای دوره t یا پایان دوره $t-1$ ؛ D_t سود نقدی پرداختی در سال؛ A درصد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی؛ β درصد افزایش سرمایه از محل اندوخته؛ C مبلغ اسمی پرداخت شده توسط سرمایه گذار بابت افزایش سرمایه از محل آورده نقدی.

مبلغ تسهیلات دریافتی: در این پژوهش از میزان تسهیلات دریافتی به عنوان متغیر مستقل استفاده شده است و برابر با لگاریتم مجموع تسهیلات بلندمدت دریافتی از بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی می‌باشد (جوی و همکاران، ۲۰۱۴).

متغیرهای مستقل

نوسان سود فصلی: برابر با تفاوت بین سود فصل اول و چهارم ارایه شده توسط شرکت‌های بورسی تقسیم بر قیمت پایانی سهام در آن فصل است (گال و همکاران، ۲۰۱۳).

تغییر حسابرسی: متغیری مجازی است. تغییر شرکای حسابرسی با کیفیت کار پایین و انتخاب شرکای با کیفیت کار بالا، عدد یک را می‌پذیرد و در غیر این صورت صفر می‌باشد. اگر باقیمانده خطای مدل ۳ (مدل کیفیت کار شریک حسابرسی) بزرگتر از صفر باشد بیانگر کیفیت کار بالا شرکای حسابرسی و در غیر این صورت کیفیت کار پایین آنها است.

کیفیت حسابرسی: به منظور بررسی کیفیت حسابرسی هر شریک، مدل جونز تعدیل شده (۱۹۹۱) برای صاحبکاران هر شریک (بر اساس نام و امضای شریک در گزارش حسابرسی) برآورد می‌شود. در این مدل از اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌شود که تحت اختیار و کنترل مدیریت قرار دارد و مدیریت از طریق دست‌کاری آن سود را مدیریت می‌کند. این بخش از اقلام تعهدی معمولاً حاصل کسر اقلام تعهدی غیر اختیاری از جمع کل اقلام تعهدی است. با توجه به تأثیرهای متفاوت اقلام تعهدی اختیاری بر سود و زیان دوره، می‌توان این اقلام را در دو شکل اقلام تعهدی اختیاری و قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری مورد مطالعه قرار داد. به این ترتیب، در این پژوهش از این مدل برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری هر صاحبکار به عنوان شاخص کیفیت حسابرسی شرکای حسابرسی استفاده شده است:

$$TA_t = (\Delta CA_t - \Delta CL_t - \Delta CASH_t + \Delta STDEBT_t - DEPN_t) \quad \text{مدل (۴)}$$

مدل (۵)

$$TA_t/A_{t-1} = a_1(1/A_{t-1}) + a_2(\Delta REV_t - \Delta REC_t/A_{t-1}) + a_3(PPE_t/A_{t-1}) + \alpha_4 ROA_{t-1} + \varepsilon$$

در این معادله داریم:

TA_t : کل اقلام تعهدی در سال t ؛ ΔCA_t : تغییر در دارایی‌های جاری؛ ΔCL_t : تغییر در بدهی‌های جاری؛ $\Delta CASH_t$: تغییر در وجه نقد؛ $\Delta STDEBT_t$: تغییر در حصة جاری تسهیلات دریافتی در سال t ؛ $DEPN_t$: تغییر در هزینه استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود؛ ΔREV_t : درآمد سال t منهای درآمد سال $t-1$ ؛ PPE_t : اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (ناخالص) در پایان سال t ؛ A_{t-1} : کل دارایی‌ها در سال $t-1$ و REC_t : تغییر در حساب‌های دریافتی سال t تعریف شده است.

پس از برآورد مدل فوق، بر اساس پژوهش‌های آئوبدیا و همکاران (۲۰۱۵) مدل زیر به منظور تعیین کیفیت حسابرسی هر شریک (QPartner) برآورد می‌شود:

مدل (۶)

$$ABSDA = a_0 + a_1LOSS + a_2LEV + a_3TURN + \alpha_4SIZE_t + a_5BTM + a_6AGE + a_7CFO + \alpha_8STDCFO_t + \alpha_9IND_MKTSHARE_EP_t + a_{10}TENURE_{EP} + a_{11}BIG + a_{12}SIZE_EP + \alpha_{13}CI_EP_t + \varepsilon$$

در مدل مذکور؛

ABSDA اقلام تعهدی بدست آمده از مدل (۵)؛ LOSS زیان شرکت؛ LEV اهرم مالی؛ TURN گردش فروش؛ SIZE اندازه شرکت؛ BTM ارزش دفتری به ارزش بازار؛ AGE عمر شرکت؛ CFO جریان نقد عملیاتی؛ STDCFO انحراف معیار جریان نقد عملیاتی؛ IND_MKTSHARE_EP سهم بازار شریک حسابرسی؛ TENURE تداوم انتخاب شریک حسابرسی؛ BIG اندازه مؤسسه حسابرسی؛ SIZE_EP اندازه صاحبکاران شریک حسابرسی و CI_EP سطح اهمیت صاحبکار است.

متغیرهای کنترل

در این پژوهش برخی از مهمترین متغیرهای که بر مبنای پژوهش‌های قبلی به عنوان عوامل مؤثر بر بازده غیرعادی و تسهیلات دریافتی شناخته شده‌اند، به عنوان متغیرهای کنترلی مدنظر قرار گرفتند که عبارتند از:

اهرم مالی: از طریق نسبت بدهی‌ها به کل دارایی‌های محاسبه می‌شود.

اندازه شرکت: در این پژوهش از لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت استفاده شده است.

زیان: متغیر موهومی است که اگر شرکت در سال جاری، سال قبل و یا در دو سال قبل زیان داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌باشد.

نسبت جاری: برابر با نسبت دارایی‌های جاری به مجموع دارایی‌ها می‌باشد.

سرمایه‌گذاری بلندمدت: برابر با نسبت دارایی‌های ثابت به مجموع دارایی‌های ابتدای دوره می‌باشد.

ریسک: برابر با انحراف معیار بازده ۳ ساله شرکت است.

جامعه آماری و نحوه انتخاب شرکت‌ها

جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ است. در این پژوهش، برای انتخاب نمونه، از کل داده‌های در دسترس استفاده شده است. نخست تمام شرکت‌هایی که می‌توانستند در نمونه‌گیری شرکت کنند، انتخاب شدند. سپس، از بین کلیه شرکت‌های موجود، شرکت‌هایی که واجد هر یک از شرایط زیر نبوده‌اند، حذف شده و در نهایت شرکت‌های باقی مانده برای انجام آزمون انتخاب شده‌اند:

- ۱- به منظور همگن شدن نمونه آماری در سال‌های مورد بررسی، پیش از سال ۱۳۸۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 - ۲- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - ۳- نمونه آماری شامل شرکت‌های واسطه‌گری مالی، سرمایه‌گذاری، لیزینگ، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه نمی‌شود.
 - ۴- شرکت‌ها طی قلمرو زمانی این پژوهش تغییر فعالیت یا دوره مالی نداده باشند.
 - ۵- داده‌های مورد نظر شرکت‌ها در دسترس باشد.
- در نهایت شرکت‌های مورد بررسی در این پژوهش، شامل ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

برای آرایه یک نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه شده، در نگاره زیر برخی از مفاهیم آمار توصیفی این متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و اکثر مشاهدات ارائه شده است. بررسی نتایج کمی آمار توصیفی متغیرهای پژوهش با توجه به نگاره فوق بیانگر ارزش ۰/۰۴۲۸ برای میانگین بازده غیرعادی است. میانگین متغیر میزان تسهیلات

دریافتی برابر با ۵/۰۰۶۹ است. میانگین متغیرهای سود فصلی و کیفیت شریک حسابرسی نیز به ترتیب برابر با ۰/۰۵۸۷ و ۰/۰۲۱۵ است. ارزش میانگین برای تغییر حسابرس برابر با ۰/۳۸ می‌باشد. میانگین متغیر اهرم مالی ۰/۶۰ می‌باشد که بیانگر تأمین بخش عمده‌ای از منابع شرکت از طریق بدهی می‌باشد. میانگین نسبت جاری ۰/۶۴۹۰ می‌باشد. به عبارتی، بخش عمده‌ای از دارایی‌های شرکت‌ها جاری می‌باشند که نیازمند تلاش و رسیدگی حسابرسی بیشتر می‌باشد. میانگین متغیر سرمایه‌گذاری بلندمدت که برابر با نسبت دارایی ثابت به مجموع دارایی‌هاست، برابر با ۰/۳۸۱۲ می‌باشد که نشان‌دهنده محدود بودن دارایی‌های ثابت است که می‌توان علت آن را در حال رشد بودن شرکت‌ها عنوان نمود که هنوز به سطح بالایی از دارایی‌های ثابت و یا تجهیزات و ماشین‌آلات نرسیده‌اند (واعظ و همکاران، ۱۳۹۲).

تکانه (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
بازده غیرعادی	۰/۰۴۲۸	۰/۰۳۹۹	۰/۱۲۵۴	۰/۲۵۱۶	-۰/۱۰۲۵
مبلغ تسهیلات دریافتی	۵/۰۰۶۹	۴/۹۶۸۵	۰/۶۲۶۶	۷/۷۱۵۰	۳/۲۲۹۰
سود فصلی	۰/۰۵۸۷	۰/۰۴۰۰	۰/۰۷۱۲	۰/۱۰۲۱	۰/۰۰۰۰
کیفیت شریک حسابرسی	۰/۰۲۱۵	۰/۰۱۹۷	۰/۱۴۸۳	۰/۲۹۳۷	-۰/۱۹۳۴
تغییر حسابرس	۰/۳۱۴۸	۰/۰۰۰۰	۰/۴۶۴۹	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۶۰۲۸	۰/۵۸۰۹	۰/۲۴۲۹	۰/۸۷۶۴	۰/۱۵۴۱
اندازه شرکت	۵/۲۵۱۵	۵/۱۷۹۱	۱/۲۶۵۱	۹/۷۹۸۱	۴/۵۱۴۱
زیان	۰/۰۸۱۵	۰/۰۰۰۰	۰/۲۷۴۱	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
نسبت جاری	۰/۳۴۹۰	۰/۴۰۰۰	۰/۲۱۳۸	۰/۸۷۰۰	۰/۱۷۰۰
سرمایه‌گذاری بلندمدت	۰/۳۸۱۲	۰/۳۵۰۰	۰/۲۱۱۰	۰/۹۳۳۰	۰/۰۳۵۰
ریسک	۰/۱۷۴۷	۰/۱۵۷۰	۰/۱۲۶۴	۰/۴۷۲۱	۰/۰۳۰۸

آمار استنباطی

قبل از برازش الگوها لازم است تا آزمون F لیمر به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌ای ترکیبی انجام شود.

نگاره (۲): نتایج آزمون F لیمر برای الگوهای پژوهش

الگوی پژوهش	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی ۴	۶/۳۳۵۷	۰/۰۰۰۰	داده‌های تابلویی
الگوی ۵	۵/۲۵۱۸	۰/۰۰۰۰	داده‌های تابلویی
الگوی ۶	۵/۴۵۱۶	۰/۰۰۰۰	داده‌های تابلویی

نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای الگوی پژوهش در نگاره (۲) نشان داده شده است. با توجه به آماره و سطح خطای آزمون F لیمر برای الگوهای پژوهش، لازم است برای انتخاب از بین الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت یا داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی، آزمون هاسمن نیز انجام شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن نیز در نگاره (۳) نشان داده شده است.

نگاره (۳): نتایج آزمون هاسمن برای الگوهای پژوهش

الگوی پژوهش	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی ۴	۲/۰۲۹۷	۰/۰۰۵۱	الگوی اثرات ثابت
الگوی ۵	۳/۹۵۸۴	۰/۰۰۰۰	الگوی اثرات ثابت
الگوی ۶	۲/۵۵۱۴	۰/۰۰۱۲	الگوی اثرات ثابت

همانطور که در نگاره (۳) قابل مشاهده است، نتایج حاکی از رد شدن فرضیه H_0 برای الگوهای پژوهش بوده، در نتیجه الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت ارجح است. بنابراین، برای تخمین الگوهای پژوهش از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت استفاده شده است.

در پژوهش حاضر، از آزمون VIF جهت تشخیص همخطی استفاده شده است که در تمامی مدل‌ها کمتر از ۱۰ است. نگاره (۴) نتایج حاصل از برآورد مدل‌های پژوهش را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج تخمین مدل‌های چهارم، پنجم و ششم، می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های پژوهش معنادار است؛ زیرا مقدار سطح خطای احتمال مربوط به آماره F برای همه آنها برابر صفر و کمتر از ۵ درصد است. در نتیجه، حتی در سطح اطمینان ۹۹ درصد نیز معنادار بودن مدل‌ها پذیرفته می‌شود. همچنین، با توجه به مقدار آماره دوربین-واتسون مدل‌ها که در نگاره (۴) عنوان شده است، می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های پژوهش مشکل خود همبستگی ندارند. با توجه به تأیید شدن آماره‌های مدل‌ها، فرضیه‌های پژوهش بررسی می‌شوند.

با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره (۴)؛ آماره t مربوط به فرض صفر، مبنی بر اینکه در شرکت‌هایی که شرکای حسابرسی با کیفیت کار بالا را به کار می‌گیرند، درآمدها انعکاس بالاتری در قیمت سهام ندارند، برابر $۲/۷۷۲۴$ - است که سطح خطای آن کوچکتر از $۰/۰۵$ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود. در نتیجه، در شرکت‌هایی که شرکای حسابرسی با کیفیت کار بالا را به کار می‌گیرند، استفاده‌کنندگان بیشتر به گزارش‌های حسابرسی اتکا می‌کنند این افزایش اعتماد منجر به افزایش قیمت سهام می‌شود و چون در بازار قیمت سهام منعکس‌کننده اطلاعات درون‌سازمانی از جمله درآمد است در نتیجه بازده غیرعادی ناشی از تفاوت بازدهی سهم با بازدهی بازار کاهش یافته می‌یابد.

نگاره (۴): نتایج حاصل از برآورد مدل‌های پژوهش

متغیر	مدل ۴		مدل ۵		مدل ۶	
	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t
عرض از مبدا	-۰/۳۳۱۵	*-۳/۴۹۲۱	-۰/۲۵۱۲	*-۲/۴۵۹۱	۰/۱۹۸۷	*۲/۲۵۱۹
سود فصلی (a)	-۰/۱۹۵۴	*-۴/۱۹۷۴	-	-	-	-
کیفیت کار شریک (b) حسابرسی	۰/۵۲۱۴	*۳/۳۵۶۴	-	-	۰/۲۲۰۹	*۲/۸۴۲۵
سود فصلی* کیفیت کار شریک حسابرسی	-۰/۱۷۴۱	*-۲/۷۷۲۴	-	-	-	-
تغییر حسابرس	-	-	-۰/۲۵۶۷	*-۳/۲۱۵۳	-	-
اهرم مالی	۰/۰۱۳۵	۰/۹۹۴۱	-۰/۴۱۵۷	-۰/۳۳۸۵	۰/۱۹۲۲	**۱/۹۰۱۴
اندازه شرکت	۰/۲۹۸۴	*۴/۰۲۱۴	۱/۲۹۱۷	*۳/۳۳۲۹	۰/۱۴۲۵	*۴/۰۰۲۵
زیان	۱/۱۰۰۴	*۳/۱۸۰۳	۰/۵۴۴۷	*۲/۹۸۹۱	۰/۲۲۷۷	*۳/۴۱۵۶
نسبت جاری	-۰/۲۴۱۹	-۰/۵۰۱۲	-۰/۱۲۰۹	-۱/۲۱۲۵	۰/۰۲۱۶	۰/۱۳۲۸
سرمایه‌گذاری بلندمدت	۰/۳۲۴۱	*۴/۱۱۲۷	۱/۰۰۲۸	*۳/۶۶۵۲	۰/۳۶۹۳	*۲/۸۷۵۶
ریسک	۰/۰۲۵۴	*۳/۰۰۱۲	۰/۱۹۲۱	۰/۱۱۹۷	۰/۰۲۳۸	**۱/۹۲۵۹
ضریب تعیین	۰/۴۶۲۱		۰/۴۵۳۰		۰/۵۴۲۹	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۰۱۵		۰/۳۹۵۴		۰/۴۷۷۱	
آماره دوربین- واتسون	۱/۸۸۵۶		۱/۷۴۵۹		۱/۹۱۰۲	
آماره F	۶/۱۷۲۵		۷/۳۹۸۱		۷/۲۴۵۷	
احتمال آماره F	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	

* و ** به ترتیب بیانگر معناداری در سطوح ۱٪ و ۵٪ می‌باشند

سطح خطای مربوط به فرض صفر، مبنی بر اینکه تغییر حسابرِس و انتخاب حسابرِس با کیفیت بالاتر منجر به واکنش مثبت بازار نمی‌شود، کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود. در نتیجه، تغییر حسابرِس و انتخاب حسابرِس با کیفیت بالاتر منجر به واکنش مثبت بازار می‌شود.

در نهایت، سطح خطای مربوط به فرض صفر، مبنی بر اینکه شرکت‌هایی که توسط شرکای با کیفیت بالای حسابرسی، حسابرسی می‌شوند، تسهیلات دریافتی بالاتری دارند، سطح خطای آن کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود. در نتیجه، شرکت‌هایی که توسط شرکای با کیفیت بالای حسابرسی، حسابرسی می‌شوند، مبلغ تسهیلات دریافتی بالاتری دارند.

نتیجه‌گیری

مطابق فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه در شرکت‌هایی که شرکای حسابرسی با کیفیت کار بالا را بکار می‌گیرند، درآمدها انعکاس بالاتری در قیمت سهام دارند، تایید شده است. بنابراین می‌توان عنوان کرد که حسابرسی با کیفیت منجر به شفافیت مالی و اعتماد بیشتر استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی می‌شود که این خود موجب بالا رفتن موقعیت رقابتی و در نتیجه بالا رفتن درآمد می‌شود. از طرف دیگر شریک حسابرسی با کیفیت میزان عدم تقارن اطلاعاتی و از این رو، مشکلات نمایندگی را کاهش می‌دهد (دالکوئیست و رابرتسون، ۲۰۰۱). زیرا، کیفیت حسابرسی می‌تواند به‌نحو اثربخشی تلاش‌های مدیریت را برای دستکاری حساب‌ها راهبری و کنترل کند (وگت و وو، ۲۰۰۰). شرکای حسابرسی با کیفیت کار بالا تمام تلاش خود را می‌کنند تا وظایف خود را به بهترین نحو ممکن انجام داده و اطمینان منطقی را نسبت به کیفیت گزارشگری مالی، محافظت از منافع سهامداران و افزایش منافع ناشی از سرمایه‌گذاری را در سرمایه‌گذاران ایجاد کنند (یو، ۲۰۰۵). بنابراین، احتمال وقوع رفتارهای فرصت‌طلبانه از جمله استفاده نادرست از دارایی‌ها، برای شرکت‌هایی که توسط شرکای حسابرسی با کیفیت کار بالا رسیدگی می‌شوند، کاهش می‌یابد. با افزایش کیفیت کار شرکای حسابرسی، تصمیمات مدیریتی شرکت به‌نحو مناسبی راهبری شده و اقداماتی در جهت ایجاد اطمینان نسبت به کارایی و اثربخشی استفاده از سرمایه صورت می‌پذیرد و بازده غیرمنتظره ناشی از واکنش بازار نیز به‌منظور کنترل نوسانات و انتظارات سهامداران، کاهش می‌یابد.

شرکای حسابرسی با کیفیت کار بالا با استفاده از تخصص و دانش خود به شرکت‌ها برای دست‌یابی به حداکثر کارایی کمک می‌کنند. این حسابرسان، انگیزه بیشتری برای راهبری و کنترل فعالیت‌های مدیریتی دارند، به نحوی که با افزایش کیفیت کار آنها، کاهش بازده غیر منتظره معنی‌دارتر می‌شود (جیانگ، ۲۰۰۳). نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های جی‌هری و میهو (۲۰۱۹) که بیان می‌کنند مدیران برای کاهش دریافت گزارش حسابرسی منفی از بازده بالاتر چشم‌پوشی می‌کنند، مطابقت دارد. آنها بیان می‌کنند که شرکت‌ها سطح بالای از کیفیت حسابرسی را برای کاهش بی‌اعتمادی اعتباردهندگان طلب می‌کنند، این افزایش تقاضا به نوبه خود باعث افزایش کیفیت کار حسابرسان و شرکای آنها در رقابت با سایر همپیشگان خود می‌شود.

در تأیید فرضیه دوم می‌توان گفت که بخشی از واکنش بازار ناشی از اطلاعات ناقص می‌باشد. در این حالت فروشنده شناخت کافی نسبت به واکنش خریدار به تغییر حسابرسان ندارد. برای نمونه، شناختی نسبت به علت تغییر فروشنده توسط خریدار ندارد. زمانی که خریدار، فروشنده جدیدی را انتخاب می‌کند، عدم قطعیت کاهش می‌یابد زیرا، مشخص می‌شود که خریدار قصد تغییر فروشنده را دارد. بنابراین، یکی از عوامل شکاف در بازار که عامل عدم شناخت است، حذف شده و انتظار می‌رود که قیمت‌ها به سطح مورد انتظار نزدیک‌تر شوند (ویلرس، هایب و ژانگ، ۲۰۱۴). جانستون، بدارد و اترج (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیدند که در شرایط رقابتی، با افزایش تلاش برنامه‌ریزی شده بازار حسابرسان، بازده غیرعادی کاهش می‌یابد. بنابراین، انتظار می‌رود که واکنش بازار حسابرسی به هنگام تعویض حسابرسان و انتخاب شریک حسابرسی با کیفیت بالاتر به واقعیت (سطوح پیش‌بینی شده) نزدیک‌تر شوند. نتایج حاصل از این پژوهش با پژوهش واعظ، رمضان احمدی و رشیدی باغی (۱۳۹۲) هماهنگی دارد.

در توجیه نتیجه فرضیه سوم پژوهش می‌توان ابراز داشت که استفاده کنندگان از صورت‌های مالی، از جمله کارشناسان اعتباری بانک‌ها، گزارش‌های حسابرسان نسبت به صورت‌های مالی و کنترل‌های داخلی را در ارزیابی وضعیت و اعتبار مشتریان و تصمیم‌گیری نسبت به اعطای تسهیلات به آنان توجه می‌کنند. ارزیابی‌ها و تصمیماتی که اگر در ست انجام و اتخاذ نشوند، می‌توانند منجر به ایجاد مطالبات معوق در بانک‌ها شوند. رشد مطالبات، هم برای بانک‌ها و هم

برای اقتصاد کشورها تبعات منفی دارد. با افزایش مطالبات معوق، قسمتی از دارایی‌های بانک‌ها بلوکه شده و متعاقب آن با کاهش گردش مطالبات و افزایش دوره وصول مطالبات معوق، بانک‌ها امکان برنامه‌ریزی مؤثر و بهینه را در عمل از دست می‌دهند. بنابراین با افزایش کیفیت کار شریک حسابرسی، ریسک و زمان‌بندی بازپرداخت مطالبات کاهش پیدا کرده و مبلغ تسهیلات اعطایی افزایش می‌یابد. یافته پژوهش با نتایج پژوهش چوی و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد.

سرمایه‌گذاران به احتمال زیاد در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری و دادوستد می‌کنند که شفافیت اطلاعاتی داشته و یا قضاوت می‌کنند که دارای شفافیت اطلاعاتی هستند. با افزایش کیفیت حسابرسی، میزان رویت‌پذیری شرکت افزایش می‌یابد و هزینه‌های پردازش اطلاعات عمومی خاص شرکت کاهش می‌یابد، از این رو کیفیت حسابرسی منجر به انعکاس اطلاعات در قیمت‌ها می‌شود. پیشنهاد می‌شود واحدهای تجاری با بکارگیری حسابرسان با کیفیت بالا، دیدگاه سهامداران نسبت به شفافیت اطلاعات را افزایش دهند. افزایش کیفیت حسابرسی منجر به تسهیل تحلیل و شناسایی اطلاعات مالی جهت اجتناب از گزینش نادرست می‌گردد و مانع از تحمیل هزینه‌های مازاد می‌گردد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی عوامل درون‌سازمانی از جمله رویکردهای شخصیتی مدیران صاحبکار نیز در مدل‌ها وارد و مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- آذین‌فر، کاوه؛ قدرتی‌زوارم، عباس؛ تیمورپور، سهیلا؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۹). کیفیت حسابرسی، سیاست چرخش مؤسسات حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی: رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری. *دانش حسابرسی*، ۱۹(۱۷)، ۲۹۰-۲۷۵.
- بهارمقدم، مهدی؛ جوکار، حسین. (۱۳۹۷). اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی بر تمایلات سرمایه‌گذاران در قیمت‌گذاری سهام. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۴(۵۷)، ۱۴۶-۱۲۳.
- خانی، ذبیح‌الله؛ رجب‌دوری، حسین؛ صدری، ندا. (۱۳۹۹). رابطه کیفیت حسابرسی (اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرسی در صنعت و دوره تصدی حسابرسی) و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی با اظهارنظر حسابرسی نسبت به تداوم فعالیت. *دانش حسابرسی*، ۲۰(۷۹).
- زمانی، زهرا؛ سهرابی، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی اثر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر تامین مالی از طریق وام بانکی در شرکت‌های خصوصی. *مدیریت دارایی و تامین مالی*، ۶(۳)، ۱۴۶-۱۳۳.
- احمدی، محمدرضان، جمالی، کامران. (۱۳۹۲). تأثیر کیفیت حسابرسی بر بازده آتی سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۰(۴)، ۲۰-۱.
- سجادی، سیدحسین؛ کاویانی، مریم؛ رشیدی‌باغی، محسن؛ صبرجو، جلال. (۱۳۹۶). تأثیر چرخش حسابرسی در سطح شریک و مؤسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی. *علمی-پژوهشی*، ۲۲(۶۹)، ۵۹.
- ۸۰ —
- عباس‌زاده، محمد رضا؛ نصیرزاده، فرزانه؛ پورحسینی، حصار. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین نوسان‌پذیری سود و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابرسی*، ۲۰(۷۸)، ۴۱۹-۳۹۲.
- علوی طبری، سید حسین، بشیری منش، نازنین. (۱۳۹۲). اثر کیفیت حسابرسی و تغییر حسابرسی بر بازار سرمایه. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۲(۶)، ۶۵-۷۶.
- واعظ، سید علی؛ رمضان احمدی، محمد؛ رشیدی باغی، محسن. (۱۳۹۳). تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های بورسی. *مجله دانش حسابداری مالی*، ۳(۱)، ۱۱۴-۹۲.
- ودیعی، محمد حسین، کاردان، بهزاد، هوشمندزعفرانی، رحمت‌اله. (۱۳۹۷). اثر کیفیت حسابرسی بر میزان خطای سود پیش‌بینی شده واحدهای تجاری: معیار رتبه‌بندی حسابرسی پژوهش‌های تجربی حسابداری. ۸(۲)، ۱۵۲-۱۳۵.
- Abaszadeh, M., Nasirzadeh, F., & Poorhoseini, H., (2020). Earnings Volatility and Audit Fee in TSE. *Journal of Audit Science*, 20 (78), 392-419. (In Persian).
- Ahmadi, M., Jamali, K. (2014). The Effect of Audit Quality on Future Stock Returns of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting and*

- Auditing Review, 20 (4), 1-20. doi: 10. 22059/acctgrev. 2014. 36582. (In Persian).
- Azinfar, k., ghodraticovarm, A., Teimorpor, S. & Norozi, M., (2019). The Effect of Mandatory Audit Firm Rotation on Audit Quality and Audit Fees, *Journal of Audit Science*, 19 (77)., 275-290. (In Persian)
- Alavi Tabari, S., & Bashirimanesh, N., (2013). The Effect of the Audit Quality and Auditor Switches on Capital Market. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 29(6), 65-76 (in Persian).
- Baharmoghaddam, M., & Jokar, H. (2018). The Effect of Moderating Audit Quality on Investor Sentiment in Stock Pricing. *Journal of Management and Accounting School*, 14(57)., 123-146. (in Persian).
- Ball, R., Jayaraman, L. & Shivakumar, S. (2012). Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: A test of the confirmation hypothesis. *Journal of accounting and economics*. 53. 136-166
- Blackwell, D. W.; T. R. Noland, & D. B. Winters. (1998). The value of auditor assurance: Evidence from loan pricing. *Journal of Accounting Research*. 36 (1), 57-70.
- Chambers, D. & Payne, J. (2008). Audit Quality and Accrual Reliability: Evidence from the Pre-and Post-Sarbanes-Oxley Periods. Working Paper. Available at SSRN: <http://ssrn.com>, abstract =1136787
- Charl de Villiers, David Hayb, & Zhizi (Janice) Zhang. (2014). Audit fee stickiness, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1771045>.
- Choi, J. H., Doogar, R. K., & Ganguly, A. R. (2014). The riskiness of large audit firm client portfolios and changes in audit liability regimes: Evidence from the U.S. audit market. *Contemporary Accounting Research*, 21(4), 747-785.
- Dahlquist, M. & Robertson, G. (2001). Direct foreign ownership, institutional investors, and firm characteristics. *Journal of Financial Economics*, 59, 413-440.
- Demerjian, P. R; Donovan, J. B., & Jennings, J. (2020). Assessing the Accuracy of Forward-Looking Information in Debt Contract Negotiations: Management Forecast Accuracy and Private Loans. *Journal of Management Accounting Research*, 32(1), 79-102.
- Donovan, J.; McMartin, A. S, & Phillips, M. (2019). Does Recognition versus Disclosure Affect Debt Contract Design? Evidence from SFAS 158. Evidence from SFAS, 158.
- European Commission. (2010). Green paper: Audit policy: Lessons from the crisis. Brussels: 13th of October 2010, European Commission, Brussels.
- Firth, M. A. & Smith, A. M. C. (1992). Selection of auditor firms by companies in the issue market. *Applied Economics*, 24, 247-255.
- Francis, J. R. & Wang, W. (2020). Common Auditors and Private Bank Loans. *Contemporary Accounting Research*.
- Francis, J. R. (2011). A framework for understanding and researching audit quality auditing. *A Journal of practice & theory*. 30(2), 125-152

- Goodwin, J. & D. Wu. (2014). Is the effect of industry expertise on audit pricing an office-level or a partner-level phenomenon? *Review of Accounting Studies*. 19 (4), 1532–1578.
- Gul, F. A.; D. Wu, & Z. Yang. (2013). Do individual auditors affect audit quality? Evidence from archival data. *The Accounting Review*. 88 (6), 1993–2023.
- Hay, D & Knechel, W. R. (2010). The Effects of Advertising and Solicitation on Audit Fees. *Journal of Accounting and Public Policy*. 29(1), 60-81.
- Hurley, P. J., & Mayhew, B. W. (2019). Market reactions to a high-quality auditor and managerial preference for audit quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*., 38(4), 131-149.
- Johnstone, K. M.; Bedard, J. C., & Ettredge, M. L. (2004). The Effect of Competitive Bidding on Engagement Planning and Pricing. *Contemporary Accounting Research*. 21(1), 25–53.
- Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*. 29, 193–228.
- Keller, G., & Warrack, B. (2003). *Statistics for management and economics* (6th ed.). Pacific Grove, CA: Duxbury Press.
- Khani, Z., Rajabdari, H. & Sadri, N., (2020). Does Audit Quality Mediate the Effect of Auditor Tenure, Abnormal Audit Fee and Auditor's Reputation on Giving Going Concern. *Journal of Audit Science*, 20 (79) , 241-258. (In Persian).
- Knechel, W. R.; V. Naiker, & G. Pacheco. (2007). Does auditor industry specialization matter? Evidence from market reaction to auditor switches. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*. 26 (1), 19–45.
- Knechel, W, R., G. V. Krishnan, M. Pevzner, L. B. Shefchik, & U. K. Velury. (2013) audit quality: insights from the academic literature, *auditing: A journal of practice & theory*. 32(special issue): 385-421
- Lee, B. & Roden, D. (2007). Have the Big accounting firms lost their audit quality advantage: evidence from the returns earnings relation, *Journal of Forensic Accounting*, 64(1), 66-73.
- Lee, K.K., Levine, C.B. Audit partner identification and audit quality. *Review of Accounting Studies*. 25, 778–809 (2020).
- Minnis, M. (2011). The value of financial statement verification in debt financing: Evidence from private U.S. firms. *Journal of Accounting Research*, 49 (2): 457–506.
- Nichols, D. R.; D. B. Smith. (1990). The market for audit services, *journal of accounting and economics*. 12(2), 281-308
- Qiang, Q. (2003). Corporate governance and state-owned shares in China listed companies. *Journal of Asian Economics*, 14, 771–783.
- Sajadi, S., Kavyani, M., Rashidibaghi, M , & Sabrjoo, J. , (2017). Audit partner Rotation and Auditing Quality, *Journal of Audit Science*, 22 (69)., 50-89. (in Persian).
- Taylor, Mark H; D. T. Simon, & F. Greg Burton. (1999). A Survey of Audit Service Pricing in South Korea, *Research in Accounting Regulation*. 13, 201-207.
- Teoh, S. H., & T. J. Wong. (1993). Perceived auditor quality and the earnings response coefficient. *The Accounting Review*. 68 (2), 346–366.

- Titman, S., & B. Trueman. (1986). Information quality and the value of new issues. *Journal of Accounting and Economics*. 8 (2): 199–229.
- Teoh, S. H. & T. J. Wong. (1993). Structure: price competition, advertising and the evolution, *The accounting review*. 68(2). 346-366.
- U.S. Senate. (1977). Subcommittee on Reports, Accounting and Management of the Commission on Government Operations. *The Accounting Establishment: A Staff Study*. Washington DC. Government Printing Office.
- Vaez, S. , Ramazan Ahmadi, M. & Rashidibaghi, M. (2014). The effect of audit fees on audit quality in Companies Listed in Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 1 (1) , 87-107. (In Persian)
- Vadiee, M. , kardan, B. ,& Houahmand Zaferanie, R. (2018). Audit Quality and Earnings Forecast Error: As an Auditor Ranking Criterion. *Empirical Research in Accounting*, 8 (2) , 135-152. doi: 10. 22051/jera. 2017. 10987. 1367. (In Persian)
- Vaus, D. (2002). *Analyzing social science data* (1st Ed.). London: SAGE Publications Ltd.
- Vogt, S., C & Vu, J., (2000). Free cash flow and long run firm value: Evidence from the Value Line Investment Survey. *Journal of Managerial*. 7(2),188-207.
- Watts, R. L., & J. L. Zimmerman. (1986). *Positive Accounting Theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall, Inc.
- Xiaodong XU; Xia Wang & Nina Han. (2013). Accounting Conservatism, Ultimate Ownership and Investment Efficiency, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2103957>.
- Zamani, Z. & Sohrabi, Z. , (2018). The Effect of Corporate Governance and Audit Quality on Bank Loan Financing in Private Companies. , *Journal of Asset Management and Financing*, 6 (3) , 133-146. (In Persian).
- Zerni, M (2012). Audit partner specialization and audit fees: Some evidence from Sweden. *Contemporary Accounting Research*. 29 (1), 312–340.

شاخصه‌های حسابداری سرمایه انسانی مبتنی بر رویکرد ارزش‌گذاری غیرپولی (مورد مطالعه: بانک ملی ایران)

داریوش دموری^۱، مهدی سبک‌رو^۲، سیدمحمدناصر رضوی حیدری^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۰۹

مقاله پژوهشی

چکیده

در عصر حاضر نگاه جامعه و به‌ویژه متخصصان اداره سازمان‌ها به کارکنان خود نسبت به دهه‌های گذشته تغییر چشمگیری داشته است. نیروی انسانی در سازمان‌ها عامل کلیدی تحقق اهداف سازمانی است و برای دستیابی به این هدف چاره‌ای جز به حساب آوردن سرمایه انسانی نمی‌باشد. حسابداری سرمایه انسانی که دارای دو رویکرد هزینه‌یابی و ارزش‌گذاری است ابزاری برای این منظور می‌باشد. به دلیل فقدان شاخصه‌های ارزش‌آفرین سرمایه‌های انسانی در صنعت بانکداری، این مقاله در صدد آن است تا با کمک رویکرد ارزش‌گذاری به شناسایی شاخصه‌های ارزش‌آفرین سرمایه‌های انسانی بانک ملی ایران مبتنی بر معیارهای غیرپولی پردازد و سپس آنها را اولویت‌بندی کند. برای این منظور نظرات متخصصان و خبرگان منابع انسانی بانک ملی اخذ و با روش دلفی فازی تحلیل گردید. در این راستا از میان ۲۱۸ شاخصه، ۱۰۵ شاخصه در قالب ۱۷ بعد اصلی جزو شاخصه‌های ضروری در ارزش‌گذاری سرمایه‌های انسانی بانک شناسایی گردید. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که برای کارکنان بانک، مشتریان را سرمایه واقعی بانک دانستن، تمایل به بقای سازمان، امانت‌داری در کار و پرهیز از خیانت به ترتیب مهم‌ترین شاخصه‌های ارزش‌گذاری سرمایه انسانی است. همچنین آشنایی به زبان خارجی، گردش شغلی و امتیازات ارزیابی عملکرد از کم‌اهمیت‌ترین شاخصه‌های مزبور می‌باشد. ضروری است مدیریت بانک برای توسعه و بهبود عملکرد کارکنان به تقویت شاخصه‌های موجود اقدام و آنها را ملاکی برای ارتقاء سرمایه‌های انسانی خود در نظر گیرد.

واژه‌های کلیدی: حسابداری سرمایه انسانی، بانک ملی ایران، دلفی فازی، ارزش‌گذاری غیرپولی.

طبقه‌بندی موضوعی: J24 , C52 , M41.

10.22051/jera.2019.24673.2355:DOI

^۱ استادیار، دانشکده اقتصاد مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد، ایران، (نویسنده مسئول)، (d.damoori@yazd.ac.ir).

^۲ استادیار، دانشکده اقتصاد مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد، ایران، (msabokro@yazd.ac.ir).

^۳ دکتری مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی، دانشکده اقتصاد مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد، ایران، (razavi@sgvt.ir).

مقدمه

سرمایه‌های انسانی یکی از مهم‌ترین عوامل پشتیبانی و عملکردی در هر سازمان تجاری و غیرتجاری هستند. مهارت‌ها، خلاقیت‌ها، و توانایی انسانی آنها را نمی‌توان با ماشین آلات مختلف جایگزین کرد. انسان می‌تواند بدون ماشین کار کند ولی ماشین نمی‌تواند بدون انسان کار کند. برای مثال در صنعت تبلیغ و بازاریابی مستقیم، استعداد افراد با ارزش تر از چیزهای دیگر است. ماشین بدون داده‌های انسانی نمی‌تواند حتی یک طرح تبلیغاتی را ارائه کند (پاندورانگارو، ۲۰۱۳). سرمایه انسانی مهم‌ترین دارایی و سرمایه سازمان است و افراد برای بنگاه‌های تجاری، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، سازمان‌های دولتی، بانک‌ها و بطور قطع برای کلیه سازمان‌ها ارزشمند هستند. منابع انسانی در واقع، انرژی، مهارت، استعداد و دانش کارکنان بطور بالقوه است که می‌توان از آنها برای تولید کالا و ارائه خدمات مفید استفاده کرد. از این رو ارزش گذاری این منبع خیلی ضروری است و اطلاعات مربوط به ارزش گذاری باید در اختیار سرمایه گذار، مدیریت، و حتی کارکنان امور مالی قرار گیرد. صنایع دانش محور مانند فناوری اطلاعات (IT)، بانک‌داری، سرویس‌های ارتباطی، و دیگر توانایی‌ها و دارایی‌های ناملموس انسانی بطور ویژه‌ای با به کارگیری ارزش سهام ارتباط دارد. از این رو نوآوری و توانایی فکری کلید موفقیت آینده یک شرکت است (پاندورانگارو، ۲۰۱۳). در مقایسه با دیگر بخش‌های خدماتی (مانند نرم‌افزاری، بانکداری، مشاور مدیریت و غیره) کارکنان با ارزش‌ترین منابع هستند. شبیه همه منابع دیگر شرکت‌ها، کارکنان خیلی با ارزش‌اند زیرا آنها هستند که خدمات آینده را فراهم می‌کنند. عدم توجه به ارزش منابع انسانی شرکت‌ها در فرآیند ارزیابی عملکرد آنها، فرصت اتخاذ تصمیم‌های منطقی و داشتن درکی جامع از وضعیت مالی و عملیاتی سازمان‌ها را از استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌گیرد (سهل آبادی، مهدوی، ۱۳۹۱).

حسابداری سرمایه انسانی روند شناسایی و اندازه‌گیری داده‌هایی درباره منابع انسانی است که اطلاعات حاصل از آن را در اختیار علاقه‌مندان و ذینفعان خود قرار می‌دهد. حسابداری یا محاسبه سرمایه انسانی، کوششی است برای تشخیص و گزارش سرمایه گذاری انجام شده در منابع سازمان که تحت حسابداری متعارف و سنتی ارائه نشده و حسابداری سنتی قادر به محاسبه ارزش واقعی شرکت‌ها نمی‌باشد و تنها به اندازه‌گیری ترازنامه مالی و دارایی‌های

ملموس اکتفا می‌کند. لذا تمایل به سنجش و لحاظ کردن ارزش واقعی دارایی‌های نامشهود، فکری و انسانی در صورت‌های مالی شرکت‌ها بیش از پیش افزایش یافته است. با ملاحظه صورت‌های مالی سازمان‌ها، در می‌یابیم که در حسابداری سنتی به عامل مؤثر تولید، دارایی و یا سرمایه، هیچ اشاره‌ای نشده است. متأسفانه تاکنون قاعده و رویکردی در حسابداری متداول طراحی نشده تا بتواند اهمیت این دارایی غیر ملموس را در نظر بگیرد (عوض زاده فتح، رایشکر، ۲۰۱۲).

یکی از الزامات کسب مزیت رقابتی برای سازمان‌ها، توجه به درون است. منابعی که سازمان‌ها در اختیار دارند عبارتند از منابع فیزیکی، منابع مالی، منابع سازمانی و منابع انسانی. منابع و قابلیت‌های یک شرکت شامل همه دارایی‌های استفاده شده توسط یک شرکت برای توسعه، ساخت، و ارائه محصولات و یا خدمات به مشتریان است (بارنی، ۱۹۹۵). سرمایه انسانی یکی از مهم‌ترین منابع سازمان‌ها در عصر حاضر به‌شمار می‌رود برای همین توجه به این منبع و لزوم تغییر نگاه به آن منجر به بهبود عملکرد آن می‌شود. علی‌رغم این اهمیت وافر، متأسفانه در ترازنامه سازمان و حسابداری‌های متداول کمترین توجهی به این منبع نمی‌شود و ذینفعان سازمان همواره نگاه هزینه‌ای به آن دارند. در کشور ما نیز صنعت بانکداری جزو اصلی‌ترین صنایع خدماتی بوده و سهم بسزایی در چرخه اقتصادی ایفا می‌کند و به حساب آوردن نیروی کار آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بانک ملی ایران به عنوان بزرگ‌ترین بانک جهان اسلام با در اختیار داشتن بالاترین سرمایه در بین بانک‌های کشور و نیز دارا بودن بیشترین تنوع سرمایه انسانی (بالغ بر ۲۰,۰۰۰ نفر) در نظام بانکی، نقش و اهمیت سرمایه انسانی در آن از برجستگی برخوردار است. لذا هدف این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر در سرمایه انسانی و ارزش‌گذاری این منبع مهم در بانک ملی ایران است.

اصطلاح سرمایه انسانی در سطح کلان، بیانگر مجموعه‌ای از ویژگی‌ها مانند توانایی، ابتکار، مهارت، تجربه و ... است. سازمان‌ها حتی با منابع فیزیکی فراوان، ممکن است دچار رکود، بحران و یا شکست شوند، مگر آن‌که کارکنان و نیروهای انسانی توانمند در اختیار داشته و آنان بتوانند امور سازمان را مدیریت کنند. پس نمی‌توان به راحتی از اهمیت نیروی انسانی چشم‌پوشی کرد (سث، ۲۰۰۹).

در ادبیات اقتصادی، سرمایه انسانی به توانایی‌ها و استعداد‌های مفید و سودمند افراد بر می‌گردد (بکر، ۱۹۶۴). همانند دارایی‌های دیگر، سرمایه انسانی در بازار دارای ارزش است، اما برخلاف دارایی‌های دیگر، ارزش بالقوه سرمایه انسانی تنها با همکاری فرد قابل تحقق است. بنابراین، تمام هزینه‌های مربوط به ایجاد رفتارهای تولیدی و افزایش کارایی کارکنان، شامل ایجاد انگیزه، نظارت و حفظ آنها، صرف بروز رفتارهایی که می‌تواند سودمند باشد می‌شوند. لذا سرمایه‌گذاری روی سرمایه انسانی موجب افزایش بازدهی آینده سازمان می‌شود (فلامهولتز، لیس، ۱۹۸۱). بسیاری از مدیران، متخصصین منابع انسانی، مدیران مالی و بطور کلی ذینفعان سازمان معتقدند منابع انسانی سازمان باید اندازه‌گیری شود (تیک، ۲۰۰۵).

موضوع اصلی در بحث حسابداری سرمایه انسانی تبدیل دارایی نام‌شهود (سرمایه انسانی سازمان) به دارایی مشهود و قابل اندازه‌گیری است تا مدیران سازمان امکان برنامه‌ریزی استراتژیک پیدا کنند. به کمک حسابداری سرمایه انسانی می‌توان حتی هزینه‌هایی که برای ایجاد انگیزه و حفظ کارکنان در سازمان انجام می‌شود به عنوان یک سرمایه‌گذاری بلندمدت در نظر گرفت. شایان ذکر است اگر مدیران سازمان به ارزش نیروی انسانی خود واقف باشند و سرمایه‌گذاری که سازمان تاکنون برای کارکنان خود انجام داده را بصورت ارقام ریالی بدانند، شاید در تصمیم‌گیری‌های خود در مورد تعدیل، جابجایی، اخراج، اعلام ورشکستگی بنگاه و ... محتاطانه‌تر عمل کرده و تبعات آنرا مشاهده کنند.

مفهوم حسابداری سرمایه انسانی

حسابداری سرمایه انسانی روش به رسمیت شناختن و سنجش سرمایه انسانی شرکت است و هدف آن تأمین اطلاعات منابع انسانی سازمان به عنوان داده‌هایی است که ذینفعان به این اطلاعات نیاز دارند. تئوری حسابداری سرمایه انسانی از دو نظریه سرمایه انسانی و مدیریت افراد نشأت گرفته است (شیانگ، ۲۰۱۴).

در تئوری سرمایه انسانی زمین مادر ثروت و کارگر پدر ثروت است. این نظریه در سال ۱۹۶۰ توسط دو اقتصاددان آمریکایی به نام شولتز و بکر بیان شده و خود به دو سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی اشاره می‌کند. سرمایه فیزیکی اشاره به کالاهای سرمایه‌ای مانند کارخانه، تجهیزات، مواد، زمین، پول، و ... دارد اما سرمایه انسانی در سرمایه‌گذاری کارگران منعکس

می‌شود؛ که برای آموزش کارگران، تربیت آنها و هزینه‌های دیگر در نظر گرفته می‌شود. در تئوری سرمایه انسانی، سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی جدا از یکدیگر هستند و این به خاطر تفاوت در ذات آنها است. این تفاوت در تئوری حسابداری بر اساس این دیدگاه است که سرمایه را فقط سرمایه فیزیکی می‌داند. نقد وارده به این دیدگاه این است که به موقعیت منحصر به فرد سرمایه انسانی در شرکت توجهی ندارد.

تئوری مدیریت افراد به مدل مدیریت مردم‌دار تأکید می‌کند. منابع مواد و سرمایه شامل مهم‌ترین‌های شرکتی نمی‌باشند بلکه منابع مهم رقابت اصلی بین کارگران در توسعه شرکت است. با ایجاد فرهنگ کارمند محور، کارکنان در جهت بهبود کیفیت خود و نیازهای خود آموزی تلاش می‌کنند؛ به طوری که اجازه می‌دهد هر کارمند ابتکار خود را به منظور بهبود بهره‌وری و به دست آوردن حداکثر ارزش شرکت به حداکثر برساند. ساخت سرمایه انسانی، حفظ و نگهداری و دیگر جنبه‌های انسانی از اطلاعات منابع انسانی اگرچه باعث کسب درآمد نیستند اما باید افشاء شوند. از این نقطه نظر تئوری مدیریت افراد بدون شک برای توسعه حسابداری منابع انسانی نقش مهمی ایفا می‌کند.

ویلیام پتی (۱۶۹۱) نیروی کار را؛ پدر ثروت می‌داند که باید در هر گونه ارزیابی ثروت ملی در نظر گرفته شود. تلاش‌های بیشتری در این زمینه توسط ویلیام فار پس از ۱۸۵۳ و ارنست انگل در سال ۱۸۸۳ صورت گرفته است (کیکر، ۱۹۶۶). اسکات (۱۹۲۵) معتقد است مالکیت یک نیروی آموزش دیده باید به نحوی در ترازنامه یک سازمان ارزش گذاری شود (اسکات، ۱۹۲۵).

از نظر وودراف و باری (۱۹۶۹)، حسابداری منابع انسانی تلاشی است در جهت تعیین و گزارش سرمایه گذاری‌های صورت گرفته روی منابع انسانی یک سازمان که لزوماً با رویه‌های حسابداری سنتی بکار گرفته نمی‌شود (گانا، گدم، ۲۰۱۴). فلام هولتز (۱۹۷۱) که از مهمترین پژوهشگران این عرصه می‌باشد معتقد است حسابداری سرمایه انسانی، فرآیند اندازه‌گیری ارزش‌های حاصله توسط یک کارمند در مقابل هزینه‌ها از زمان استخدام وی تا بعد از بازنشستگی را شامل می‌شود (فلام هولتز، ۱۹۷۱).

حسابداری سرمایه انسانی به تعبیر انجمن حسابداری آمریکا (۱۹۷۳)، فرآیند شناسایی و اندازه‌گیری داده‌ها در خصوص منابع انسانی و انتقال این اطلاعات به اشخاص ذینفع است (ناندکومار و پریا، ۲۰۱۶). اولوواتوین (۲۰۱۴) در پژوهش‌های خود حسابداری سرمایه

انسانی را هنر ارزش‌گذاری، ثبت و ارائه سیستماتیک ارزش منابع انسانی در دفاتر حسابداری یک سازمان می‌داند (اولوواتوین، ۲۰۱۴).

الگوها و روش‌های حسابداری منابع انسانی

حسابداران و اقتصاددانان دنیا به این حقیقت رسیده‌اند که لازم است روش‌ها و رویه‌هایی برای یافتن هزینه و ارزش افراد در سازمان‌ها توسعه یابد. شماری از متخصصان روی این موضوع کار کرده و الگوهایی برای ارزیابی سرمایه انسانی ارائه داده‌اند. از میان این افراد می‌توان به شوالتز (۱۹۶۰)، ویلیام (۱۹۶۷)، فلامهولتز (۱۹۷۱)، مورس (۱۹۷۳)، لاو و شوارتز (۱۹۷۱)، جگی و لائو (۱۹۷۴)، کنت (۱۹۷۸) اشاره نمود.

حسابداری منابع انسانی را می‌توان از دو روش بررسی کرد: تجزیه و تحلیل مبتنی بر هزینه؛ تجزیه و تحلیل مبتنی بر ارزش.

روش مبتنی بر هزینه بر عوامل هزینه‌ای تأکید دارد که مرتبط با هزینه‌های اولیه، هزینه‌های جایگزینی یا هزینه فرصت است.

روش مبتنی بر ارزش فرض می‌کند که ارزش سرمایه انسانی به توانایی آنها در کسب درآمد بستگی دارد و این روش را می‌توان به دو شاخه پولی و غیر پولی تقسیم کرد (طبرسا، همت، ۱۳۸۷). دو رویکرد حسابداری سرمایه انسانی در شکل (۱) وجود دارد (اولوواتوین، ۲۰۱۴):

۱- رویکرد هزینه تاریخی			
۲- رویکرد هزینه جایگزینی	رویکرد اول -		
۳- رویکرد هزینه فرصت	هزینه یابی سرمایه	رویکردهای	
۴- رویکرد هزینه های استاندارد	انسانی	حسابداری	
۱- رویکرد ارزش فعلی عایدات آینده		سرمایه انسانی	
۲- مدل ارزش گذاری پاداش	رویکرد دوم -		
۳- مدل سود خالص	ارزش گذاری سرمایه		
۴- مدل قطعیت معادل سود خالص	انسانی		
۵- مدل هزینه کل			
۶- مدل پرداخت انبوه (کل)			

شکل (۱): رویکردهای حسابداری سرمایه انسانی (فلامهولتز و بولن، ۱۹۸۹) و سادرسا، سوروار و مار (۲۰۰۳)

رویکرد ارزش گذاری سرمایه انسانی

تمرکز ما در این پژوهش بر روی رویکرد ارزش گذاری است چراکه حسابداری سرمایه انسانی بیشتر از هزینه یابی نیازمند ارزش گذاری است. مفهوم ارزش منابع انسانی مبتنی بر نظریه ارزش در اقتصاد عمومی است. با توجه به اینکه انسان قادر به ایجاد منافع بالقوه آتی است، می توان ارزش انسان را مانند سایر منابع به عنوان ارزش فعلی خدمات آتی مورد انتظار تعریف کرد. بنابراین ارزش فرد عبارتست از ارزش فعلی مجموعه ای از خدمات که انتظار می رود فرد در طول دوره خدمت خود در سازمان ایجاد کند.

با توجه به رویکرد ارزش گذاری، حوزه حسابداری سرمایه انسانی گسترده شده و علاوه بر مباحث حسابداری و مدیریت سرمایه انسانی، حوزه رفتار سازمانی را نیز شامل می شود. رویکرد رفتار بر مهارت های انسانی بیشتر از مهارت های فنی تأکید دارد. همچنین این رویکرد بر نقشی که مهارت های انسانی در افزایش ارزش سرمایه انسانی و به تبع آن ارزش سازمان دارد تأکید می کند. پیشگامان این عرصه مازلو، دراگر، آرجریس، مک گریگور و هرزبرگ بوده اند که بر حوزه های رفتاری، بویژه انگیزش و رضایت کارکنان تأکید داشتند و آنها را نیروی محرکه ی سازمان برای موفقیت می دانند (ساوینو، ۲۰۱۲).

نحوه تعیین ارزش سرمایه انسانی - رویکردهای پولی و غیر پولی

برای تعیین ارزش سرمایه انسانی سازمان دو رویکرد غیرپولی و پولی در نظر گرفته می‌شود. پس از مشخص کردن معیارهای سنجش غیرپولی سرمایه انسانی، می‌توان از طریق مفهوم سازی، ارزش سرمایه انسانی را به طور کمی بیان کرد (سلطانی، شیخ، ۱۳۹۳).

اگر چه در نحوه عمل حسابداری متداول، پول واحد اصلی اندازه‌گیری است، لیکن کمیته انجمن حسابداران آمریکا پیشنهاد کرده است دلیلی وجود ندارد که تنها معیار اندازه‌گیری ارزش بر حسب واحد پول باشد و این کمیته تأکید کرد که در آینده به احتمال زیاد معیارهای غیرپولی نیز به اندازه معیارهای پولی با اهمیت و معیاری برای اندازه‌گیری ارزش تلقی خواهند شد. معیارهای اندازه‌گیری مجموعه مهارت‌ها، روش‌های ارزیابی عملکرد، ارزیابی توانایی‌های بالقوه و گرایش‌ها همگی ابزاری آشنا در مدیریت پرسنلی هستند و هر یک از آنها می‌تواند به عنوان بخشی از یک سیستم حسابداری سرمایه انسانی قابل استفاده باشد (فلام هولتس، اریک، ۱۳۹۰).

روش دلفی فازی

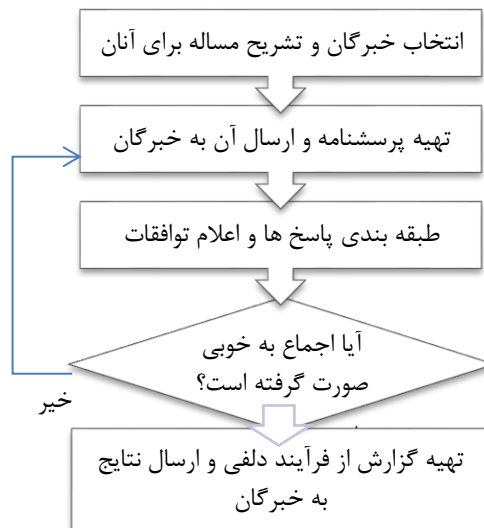
نام تکنیک دلفی از افسانه معبد آپولو (ارباب دلفی) در جزیره دلفی یونان گرفته شده که به پیش‌بینی و پیش‌گویی آینده مشهور بوده است. تکنیک در ابتدا بر مبنای حدس، قضاوت و الهام افراد مطرح شد و اما به تدریج شکل علمی گرفت و اولین بار در اواخر ۱۹۵۰ توسط کمپانی رند برای بررسی علمی نظرات کارشناسان در پروژه دفاعی ارتش طراحی و توسعه یافت اما به دلایل امنیتی تا ۱۲ سال بعد منتشر نگردید. اولین کاربرد غیرنظامی آن نیز در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی است (لینستون، تیوراف، ۱۹۷۵).

یکی از روش‌های کسب دانش جمعی، تکنیک دلفی است که فرآیندی ساختارمند برای پیش‌بینی و کمک به تصمیم‌گیری در طی مراحل پیمایشی، جمع‌آوری اطلاعات و در نهایت، اجماع گروهی است (کندی، ۲۰۰۴). دلفی رویکرد یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرات از یک گروه متخصصان در مورد یک موضوع یا یک سؤال و یا رسیدن به اجماع گروهی از طریق یک سری از راندهای پرسشنامه‌ای با حفظ گمنامی پاسخ‌دهندگان، و بازخورد نظرات به اعضای پانل است. درخواست قضاوت‌های حرفه‌ای از متخصص مستقل در

مورد یک موضوع ویژه در سطح بزرگ جغرافیایی با استفاده از پرسشنامه‌ها است که تا زمان دستیابی به اجماع نظرات بطور مداوم تکرار می‌شود (پاول، ۲۰۰۳). این روش، از نیمه دهه ۱۹۶۰ به عنوان یک روش مهم علمی شناخته شد و اکنون برای طیف گسترده‌ای از سؤالات آینده محور و پیچیده استفاده می‌شود.

مهم‌ترین دلایل و شرایط استفاده از روش دلفی، نیاز به قضاوت متخصصان، دستیابی به توافق گروهی در نتایج، وجود پیچیدگی در مساله، بین رشته‌ای بودن موضوع، کامل نبودن دانش در زمینه تحقیق، در دسترس بودن متخصصین، لزوم گمنامی در جمع‌آوری داده‌ها، عدم محدودیت زمانی و عدم وجود روش هزینه-منفعت است (لانداتا، ۲۰۰۶).

مراحل اجرایی روش دلفی فازی ترکیبی از اجرای روش دلفی و انجام تحلیل‌ها بر روی اطلاعات با استفاده از تعاریف نظریه مجموعه‌های فازی است. الگوریتم اجرای روش دلفی فازی در شکل (۲) نمایش داده شده است.



شکل (۲): الگوریتم اجرای روش دلفی فازی

پیشینه پژوهش

در ادامه بخشی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در زمینه حسابداری سرمایه انسانی صورت گرفته مرور می‌شود.

سلطانی و شیخ در سال ۱۳۹۳ با هدف شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های نیروی انسانی بر اساس رویکرد ارزش‌گذاری پژوهشی را در صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی انجام داده که در این راستا در شاخص قابلیت، ابعاد خلاقیت، نوآوری، توانایی تطبیق و قابلیت‌های کار تیمی، در شاخص عملکرد، ابعاد وظیفه‌شناسی، مشارکت‌جویی، اطاعت و وجدان‌کاری، در شاخص پتانسیل؛ ابعاد سن، سلامت، استعداد و تجربه؛ و در شاخص نگرش، ابعاد توفیق‌طلبی، خوش‌بینی، صداقت، نوع دوستی و فداکاری به عنوان معیارهایی برای تعیین ارزش‌داری انسانی در سازمان مورد تأیید مدیران است. ابعاد مهارت، وظیفه‌شناسی، استعداد و توفیق‌طلبی در شاخص‌های چهارگانه بالاترین اولویت را کسب کردند.

امیری، میرسپاسی و رهنمایی (۱۳۹۶) در پژوهشی به طراحی الگوی مناسب حسابداری منابع انسانی در دانشگاه آزاد اسلامی پرداخته‌اند به گونه‌ای که این الگو بتواند در قالب چهار نظام مدیریت منابع انسانی شامل ۱- نظام جذب، تأمین و تعدیل ۲- نظام آموزش و بهسازی ۳- نظام حفظ و نگهداری ۴- نظام کاربرد و استفاده مؤثر، پیاده‌سازی و ابزار لازم را برای تصمیم‌گیرندگان منابع انسانی در دانشگاه آزاد فراهم سازد.

حسینی آذر داریانی و همکارانش (۱۳۹۸) با هدف شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در ارزش‌گذاری منابع انسانی تحقیقی را در شرکت ملی نفت ایران انجام دادند. آنها ۱۰۱ مؤلفه را در قالب ۱۵ بعد مؤثر در ارزش‌گذاری کارکنان شناسایی و برای هر فرد سقف ۱۰۰ امتیازی در نظر گرفته و بر اساس آن ارزش ریالی افراد را مشخص کردند. همچنین آنها گزارشگری ریالی در صورت‌های مالی را به عنوان بهترین روش گزارشگری ارزش‌گذاری منابع انسانی پیشنهاد داده‌اند.

شواهدی که نشان می‌دهد ارزیابی سرمایه انسانی با توجه به عملکرد، مهارت، انگیزه و کمک به سازمان و همچنین ملاحظه فرآیند سازمانی مثل استخدام، انتخاب، آموزش و غیره ...

بستگی دارد در سال ۲۰۱۰ توسط نارایان صورت گرفت. وی ارزش منابع انسانی را با رویکرد پولی اندازه‌گیری کرد.

پاندورانگاری و همکاری‌ها که از طرفداران حسابداری سرمایه انسانی هستند در پژوهش خود در سال ۲۰۱۳ مدل مزایای حسابداری منابع انسانی را ارائه کردند. هزینه توسعه منابع انسانی، سرمایه‌گذاری مناسب، طرح و اجرای سیاست‌های شخصی، بهبود بهره‌وری کارکنان، محاسبه بازگشت سرمایه تأکید دارند.

پژوهش‌های جاگادش و همکاری‌ها (۲۰۱۳) بر روی حسابداری سرمایه انسانی و بخش‌های تولیدی تمرکز کرده که نتایج آن منجر به مفهوم سرمایه انسانی، هزینه جایگزینی، و ارزش اقتصادی افراد در سازمان شد.

باوعلی و جوکار (۲۰۱۴) به اهمیت شناسایی شایستگی‌های منابع انسانی در سازمان‌ها براساس مدل گلن (۱۹۸۸) در دانشگاه‌ها پرداخته و شایستگی‌های فردی، سازمانی و اجتماعی را به عنوان شاخصه‌های شایستگی کارکنان برشمرد.

تأثیر حسابداری منابع انسانی بر عملکرد بانک‌ها در نیجریه در پژوهش ایکپفان و همکاری‌ها (۲۰۱۵) مورد بررسی قرار گرفت. به اعتقاد آنها برای سرمایه‌گذاری در خصوص نیروی انسانی منابع مالی مناسب باید در نظر گرفته شود و این هزینه‌ها باید به سرمایه تبدیل شوند نه اینکه فقط بعنوان مقادیر سود و زیان نوشته شوند. آنان دریافتند ارزش توسعه سرمایه انسانی به‌طور چشم‌گیری بر عملکرد کلی و بقاء بانک‌های مالی خرد تأثیر دارد. سرمایه‌گذاری در دارایی‌های انسانی از طریق پرداخت دستمزد، تأثیر مثبت و به‌سزایی بر بقاء بانک‌های مالی خرد دارد. بنابراین طبق نظر ایکپفان، پرداخت دستمزد مناسب ضامن بقاء و ادامه کار کارکنان می‌گردد و اثر بسیار خوبی بر روی آنها دارد که این خود باعث بالا رفتن راندمان کاری بانک می‌شود. از طرف دیگر سرمایه‌گذاری در آموزش و توسعه تخصص مدیریتی اثر چشمگیر و مثبت بر روی بقاء بانک دارد.

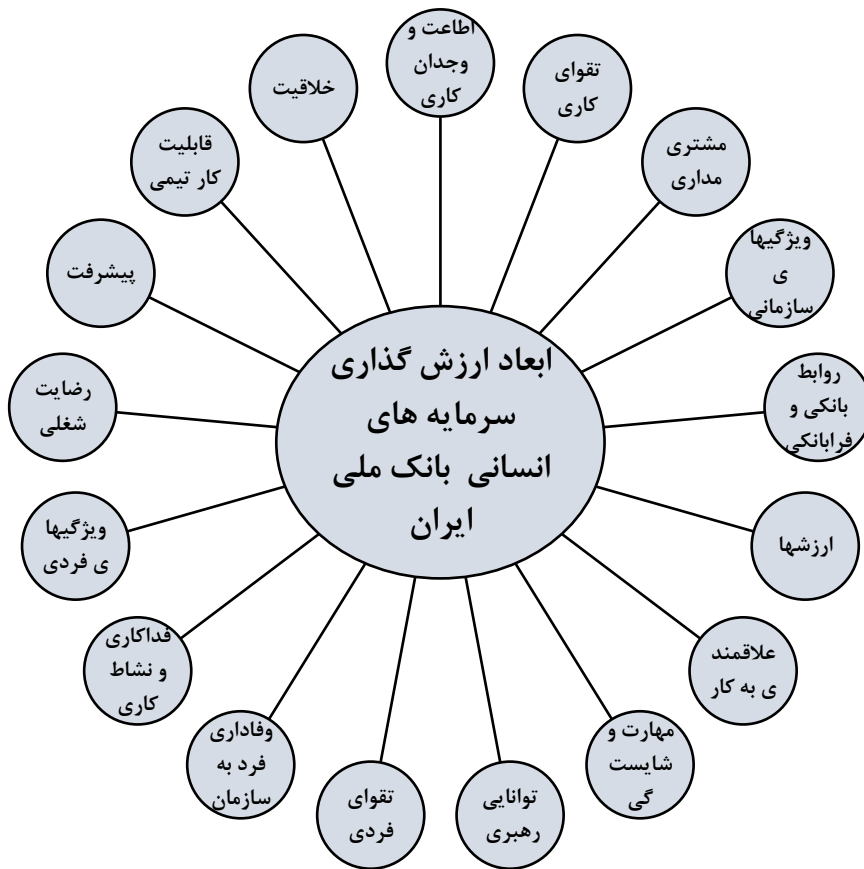
نتیجه پژوهشی که توسط پاکی و آذر فخمی (۲۰۱۵) انجام شده حاکی از آن است که مسایل مالی، انسانی، فنی، مدیریتی و سازمانی از موانع پیاده‌سازی حسابداری منابع انسانی است.

در تحقیقات صورت گرفته بوسیله ولانکار و پاهوجا در سال ۲۰۱۹ در بین ۱۰ بانک خصوصی هند براساس اندازه ساختار سرمایه مشخص شد هزینه‌های سرمایه انسانی تأثیر عمده‌ای بر عملکرد مالی بانک‌های خصوصی هند دارد.

اذکان (۲۰۱۹) به منظور تحلیل روش‌های به کار رفته در حسابداری منابع انسانی، ۲۸۸ گزارش عملیاتی بانک‌های استانبول را مورد تحلیل قرار داده و تأیید کرد روند فرآیندهای در افشای سرمایه انسانی توسط بانک‌ها در استانبول بین دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ وجود دارد و این مبین این است که بانک‌ها نسبت به اهمیت سرمایه انسانی آگاهی بیشتری دارند.

باتوجه به مبنای نظری و پژوهش‌های صورت گرفته مشخص گردید حسابداری سرمایه انسانی از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو پژوهش حاضر سعی دارد این موضوع را در صنعت بانکداری ایران با استفاده از رویکرد ارزش‌گذاری بیان کند.

لذا مدل مفهومی پژوهش مطابق شکل (۳) بدست آمد.



شکل (۳): مدل مفهومی پژوهش

سوالات پژوهش

- ۱- شاخصه‌های حسابداری سرمایه انسانی بانک ملی ایران مبتنی بر رویکرد ارزش گذاری غیر پولی چیست؟
- ۲- اولویت شاخصه‌های حسابداری سرمایه انسانی بانک ملی چیست؟

روش پژوهش

بدلیل عدم وجود مدل مناسب و کاربردی در تحقیقات گذشته برای ارزش گذاری سرمایه‌های انسانی در بانک‌ها، این تحقیق در صدد کشف ابعاد ارزش گذاری سرمایه‌های انسانی در سازمان‌ها با کارکرد خدماتی بر حسب معیارهای غیر پولی است. برای این منظور براساس ادبیات تحقیق، پژوهش‌های گذشته، منشور اخلاقی بانک ملی و مصاحبه با برخی مدیران شعب با حداقل ۱۵ سال سابقه مدیریت در بانک ملی، ۲۱۸ شاخصه‌ای که برای کارکنان موجب ارزش می‌شود شناسایی گردید. قبل از اجرای تکنیک دلفی فازی، تمامی شاخصه‌ها به منظور تأیید روایی به کمک ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) بین ۸ نفر از متخصصان و کارشناسان اداره سرمایه انسانی بانک ملی خراسان رضوی توزیع گردید.

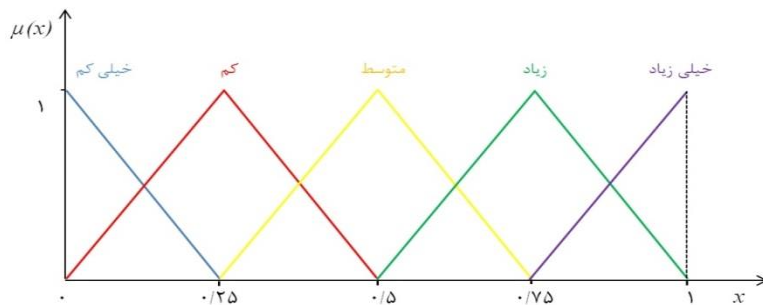
$$CVR = \frac{\frac{\text{تعداد کل متخصصین}}{2} - \text{تعداد متخصصینی که گزینه ضروری را انتخاب کرده‌اند}}{\frac{\text{تعداد کل متخصصین}}{2}} \quad (1)$$

پس از جمع آوری نظرات و بحث و بررسی، شاخص‌ها مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفت. نظر برخی متخصصان بیانگر تعداد زیاد شاخصه‌ها، داشتن ابهام و همچنین همپوشانی بعضی از شاخصه‌ها بود. بنابراین ضمن اصلاح عبارات مفهومی شاخصه‌ها، مواردی که دارای همپوشانی بودند ادغام گردید. همچنین در این مرحله، تعداد ۳ شاخصه که طبق نظر خبرگان از شاخصه‌های حسابداری سرمایه انسانی در بانک بوده و در هیچ یک از مدل‌های موجود ذکر نشده بود نیز به پرسشنامه افزوده شد و در نهایت ۱۰۵ شاخص موثر و لازم تشخیص داده شد و پرسشنامه نهایی برای اجرای مرحله دلفی فازی تهیه گردید. پرسشنامه نهایی نیز میان ۲۰ نفر از خبرگان بانکی که سابقه مدیریت در شعب بانکی داشتند با معرفی اداره آموزش و اداره مطالعات سازمانی مدیریت شعب بانک ملی خراسان رضوی توزیع شد.

تحلیل داده‌ها

پرسشنامه نهایی با هدف کسب نظر خبرگان راجع به شاخصه‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی بانک ملی طراحی شده و خبرگان باید از طریق متغیرهایی، این شاخصه‌ها را بیان کنند. از آنجا که سوال‌های طرح شده بسیار کلان بوده و عوامل متعددی بر سوال‌ها و پاسخ‌های آنها

دخیل است، لذا استفاده از متغیرهایی با ارزش‌های قطعی، خبرگان را در اظهار نظر دچار مشکل خواهد کرد. به همین دلیل واضح است که متغیرهای کیفی، آزادی عمل بیشتری را به خبرگان می‌دهد. استفاده از متغیرهای کیفی مانند؛ خیلی کم، کم، متوسط و ... مشکلات فوق را تا حدود زیادی حل خواهد کرد. لیکن مشکل دیگری را ایجاد می‌کند چرا که ذهنیت افراد نسبت به متغیرهای کیفی مانند کم یا زیاد، یکسان نیست، مانند اینکه برخی افراد نگرش سخت‌گیرانه و برخی نگرش آسان‌گیرانه دارند، برخی از افراد خوش‌بین و برخی دیگر بدبین هستند. در نتیجه تجزیه و تحلیل بر روی متغیرهای منتج از ذهنیت و تعابیر مختلف، فاقد ارزش خواهد بود. به همین دلیل با تعریف دامنه متغیرهای کیفی، خبرگان با ذهنیت یکسان به سوال‌ها پاسخ خواهند داد. لذا متغیرهای کیفی به صورت اعداد فازی مثلثی شکل (۴) تعریف شد:



شکل (۴): نمودار تبدیل متغیرهای کلامی به اعداد فازی مثلثی

بنابراین متغیرهای کلامی جهت اجرای دلفی فازی بشرح نگاره (۱) تعریف گردید:

نگاره (۱): اعداد فازی مثلثی

اعداد دیفازی	اعداد فازی مثلثی (m, α, β)			متغیرهای کلامی
۰/۰۶۲۵	۰	۰	۰/۲۵	خیلی کم
۰/۰۶۲۵	۰	۰/۲۵	۰/۵	کم
۰/۳۱۲۵	۰/۲۵	۰/۵	۰/۷۵	متوسط
۰/۵۶۲۵	۰/۵	۰/۷۵	۱	زیاد
۰/۷۵	۰/۷۵	۱	۱	خیلی زیاد

برای اجرای روش دلفی فازی ابتدا نظرات خبرگان و متخصصین موضوع جمع‌آوری می‌شود و سپس عدد فازی مثلثی با توجه به متغیرهای کلامی انتخاب شده از سوی آنان به شاخصه مورد نظر تخصیص داده می‌شود. یک عدد فازی مثلثی معیار مفیدی به منظور مدل

کردن سیستم در شرایط عدم قطعیت و غیر دقیق بودن داده‌ها است. ارزش ارزیابی از عدد فازی مثلثی هر معیار که از سوی خبرگان به آن شاخصه داده شده است محاسبه می‌گردد.

$$A^{(i)} = (a_1^i, a_2^i, a_3^i) \quad i = 1, 2, 3, \dots, n \quad (2)$$

$$A_m = (a_{m1}^i, a_{m2}^i, a_{m3}^i) = \left(\frac{1}{n} \sum a_1^{(i)}, \frac{1}{n} \sum a_2^{(i)}, \frac{1}{n} \sum a_3^{(i)} \right) \quad (3)$$

در این رابطه A_i بیانگر دیدگاه خبره i ام و A_m بیانگر میانگین نظرات متخصصان است. نتایج این محاسبات در نگاره (۲) آمده است.

نگاره (۲): نتایج اجرای مرحله اول دلفی فازی

ردیف	شاخص‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی	اعداد فازی مثلثی		
		α	β	m
۱	اعتقاد به بیت المال	۰/۸۷۵	۰/۹۷۵	۰/۶۳۷۵
۲	تسلط بر خشم و پرهیز از عصبانیت	۰/۸	۰/۹۶۲۵	۰/۵۹۰۶۲۵
۳	صداقت و راستگویی	۰/۸۳۷۵	۰/۹۷۵	۰/۶۲۱۸۷۵
۴	صبر و بردباری	۰/۸۷۵	۱	۰/۶۵۶۲۵
۵	داشتن عفت کلام	۰/۹۱۲۵	۱	۰/۶۸۴۳۷۵
۶	پذیرش نقاط قوت و ضعف خود	۰/۸۱۲۵	۰/۹۷۵	۰/۶۰۳۱۲۵
۷	عدالت و انصاف	۰/۸۲۵	۰/۹۷۵	۰/۶۱۲۵
۸	داشتن نظم و حضور بموقع سرکار	۰/۹	۱	۰/۶۷۵
۹	تبعیت و احترام به قوانین و مقررات بانک	۰/۹	۱	۰/۶۷۵
۱۰	وظیفه شناسی و اعتقاد به انجام صحیح کار	۰/۸۱۷۵	۱	۰/۶۶۵۶۲۵
۱۱	خودداری از انجام تخلفات	۰/۹۲۵	۱	۰/۶۹۳۷۵
۱۲	پاسخگو بودن به مقام مافوق	۰/۸۲۵	۰/۹۸۷۵	۰/۶۱۵۶۲۵
۱۳	پذیرای کامل نظام ارشدیت و اطاعت از رؤسا و مدیران مافوق	۰/۸۵	۰/۹۸۷۵	۰/۶۳۴۳۷۵
۱۴	عجین شدن با کار	۰/۸	۰/۹۸۷۵	۰/۵۹۶۸۷۵
۱۵	سودمند بودن	۰/۸	۰/۹۷۵	۰/۵۹۳۷۵
۱۶	خودکنترلی	۰/۷۷۵	۰/۹۳۵۷	۰/۵۶۵۶۲۵
۱۷	رعایت صداقت و شفافیت در ارائه گزارش به مافوق	۰/۸۲۵	۰/۹۵	۰/۶۰۶۲۵
۱۸	تلاش برای بهبود قابلیت‌ها و افزایش ارزش خود	۰/۷۷۵	۰/۹۲۵	۰/۵۶۲۵

اعداد دیفازی	اعداد فازی مثلثی			شاخص‌های ارزش‌گذاری سرمایه انسانی	ردیف
	m	α	β		
۰/۵۵۶۲۵	۰/۵۱۲۵	۰/۷۶۲۵	۰/۹۳۷۵	یادگیری برای افزایش بهره‌وری با وسایل و امکانات جدید	۱۹
۰/۵۲۵	۰/۴۷۵	۰/۷۲۵	۰/۹۲۵	داشتن احساس مالکیت بر کار	۲۰
۰/۵۶۸۷۵	۰/۵۲۵	۰/۷۷۵	۰/۹۵	شرکت در کلاسها و دوره‌های مختلف	۲۱
۰/۵۰۳۱۲۵	۰/۴۶۲۵	۰/۷۱۲۵	۰/۸۷۵	ارتقاء سطح علمی از طریق مطالعه و آموزش در تمامی اوقات	۲۲
۰/۶۸۴۳۷۵	۰/۶۶۲۵	۰/۹۱۲۵	۱	حفظ اطلاعات و اسرار مشتریان و بانک	۲۳
۰/۶۴۰۶۲۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۶۲۵	۰/۹۷۵	داشتن سعه صدر در برابر رفتار مشتری	۲۴
۰/۶۴۳۷۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۶۲۵	۰/۹۸۷۵	عدم منت‌گذاری در برابر ارائه خدمت به مشتری	۲۵
۰/۶۰۶۲۵	۰/۵۶۲۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۸۷۵	راضی نگهداشتن خدا و مردم	۲۶
۰/۷	۰/۶۸۷۵	۰/۹۳۷۵	۰/۹۸۷۵	خواهان کسب روزی حلال برای خانواده	۲۷
۰/۶۹۰۶۲۵	۰/۶۷۵	۰/۹۲۵	۰/۹۸۷۵	امانتداری در کار و پرهیز از خیانت	۲۸
۰/۶۵	۰/۶۲۵	۰/۸۷۵	۰/۹۷۵	خدا ترسی و گرفتار نشدن در دام آلودگیها و پیشنهادات و سوسه انگیز	۲۹
۰/۶۴۳۷۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۶۲۵	۰/۹۸۷۵	مسئولیتی که به او محول شده را میپذیرد و سعی میکند که با اخلاقی انسانی و رفتاری صحیح عمل کند.	۳۰
۰/۶۵۳۱۲۵	۰/۶۲۵	۰/۸۷۵	۰/۹۸۷۵	وفاداری و پایبند بودن به تعهدات	۳۱
۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۵۶۲۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۷۵	منضبط بودن و در هر روز وظیفه و کار همان روز انجام دادن	۳۲
۰/۶۲۱۸۷۵	۰/۵۸۷۵	۰/۸۳۷۵	۰/۹۷۵	تلاش حداکثری و دقیق انجام دادن وظایف و پرهیز از اهمال کاری	۳۳
۰/۵۹۰۶۲۵	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۶۲۵	از بدگویی دیگران اجتناب ورزد.	۳۴
۰/۵۸۱۲۵	۰/۵۳۷۵	۰/۷۸۷۵	۰/۹۶۲۵	پذیرش مسئولیت کارها و اشتباهات خود و پاسخگو بودن در قبال آن	۳۵
۰/۵۵۹۳۷۵	۰/۵۱۲۵	۰/۷۶۲۵	۰/۹۵	مدیریت زمان و اولویت بندی کارها براساس اهمیت	۳۶
۰/۵۹۰۶۲۵	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۶۲۵	انگیزه نیل به هدف	۳۷

اعداد دیفازی	اعداد فازی مثلثی			شاخص‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی	ردیف
	m	α	β		
۰/۶۱۲۵	۰/۵۷۵	۰/۸۲۵	۰/۹۷۵	به نتیجه رساندن کارها	۳۸
۰/۵۸۴۳۷۵	۰/۵۳۷۵	۰/۷۸۷۵	۰/۹۷۵	ارتباطات قوی	۳۹
۰/۶۲۸۱۲۵	۰/۶	۰/۸۳۷۵	۰/۹۵	علاقه به انتقال اطلاعات و دانش بانکی به دیگران	۴۰
۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۰۶	۰/۸۵	۰/۹۸۷۵	برجستگی های شخصیتی مثل خودباوری، هوش، ثبات رفتاری، راست گویی، عدالت و انصاف	۴۱
۰/۵۸۷۵	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۵	محیط کار خود را تمیز و مرتب نگهداشتن	۴۲
۰/۵۸۴۳۷۵	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۳۷۵	به فکر بهتر کردن محیط کاری خود است	۴۳
۰/۶۰۹۳۷۵	۰/۵۷۵	۰/۸۲۵	۰/۹۶۲۵	برخورداری از سلامت فکر و روان	۴۴
۰/۵۵	۰/۵۱۲۵	۰/۷۶۲۵	۰/۹۱۲۵	داشتن انرژی مثبت در محیط کاری	۴۵
۰/۶۲۸۱۲۵	۰/۶	۰/۸۵	۰/۹۶۲۵	تعلق سازمانی	۴۶
۰/۶۸۷۵	۰/۶۷۵	۰/۹۲۵	۰/۹۷۵	تمایل به بقای سازمان	۴۷
۰/۶۴۳۷۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۶۲۵	۰/۹۸۷۵	احساس برخورد عادلانه با وی	۴۸
۰/۴۹۰۶۲۵	۰/۴۳۷۵	۰/۶۸۷۵	۰/۹	احساس رضایت از میزان حقوق و دستمزد	۴۹
۰/۶۱۸۷۵	۰/۵۸۷۵	۰/۸۳۷۵	۰/۹۶۲۵	همواره در پی صلاح و عزت بانک و جامعه است	۵۰
۰/۵۹۰۶۲۵	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۶۲۵	رعایت قوانین و مقررات بانک مرکزی و تحویل بموقع گزارشات	۵۱
۰/۵۸۷۵	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۵	آشنایی با آثار زیانبار اقتصادی، اجتماعی و ... پولشویی و تامین مالی تروریسم	۵۲
۰/۶۳۷۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۶۲۵	۰/۹۶۲۵	عدم ارائه خدمات بانکی به فعالیتهای غیرقانونی و تامین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی	۵۳
۰/۶۵۶۲۵	۰/۶۳۷۵	۰/۸۸۷۵	۰/۹۶۲۵	پرهیز از به مخاطره انداختن ثبات و امنیت اقتصادی کشور	۵۴
۰/۶۳۱۲۵	۰/۶	۰/۸۵	۰/۹۷۵	پرهیز از ایجاد اثرات منفی در فرهنگ و رفتارهای اسلامی جامعه	۵۵
۰/۷	۰/۶۸۷۵	۰/۹۳۷۵	۰/۹۸۷۵	حفظ و ارتقای خوش نامی و اعتبار نظام بانکی	۵۶
۰/۵۵	۰/۵۱۲۵	۰/۷۶۲۵	۰/۹۱۲۵	داشتن انگیزه در کار	۵۷

اعداد دیفازی	اعداد فازی مثلثی			شاخص‌های ارزش‌گذاری سرمایه انسانی	ردیف
	m	α	β		
۰/۶	۰/۵۶۲۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۶۲۵	داشتن اطمینان به حسن انجام کار	۵۸
۰/۵۹۳۷۵	۰/۵۶۲۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۳۷۵	اعتماد به نفس داشته و از پذیرفتن کارهای جدید نمی‌هراسند	۵۹
۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۵۷۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۲۵	علاقه شدید به یادگیری مطالب جدید	۶۰
۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۵۷۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۲۵	انعطاف پذیر بوده و تغییرات را می‌پذیرند	۶۱
۰/۶۱۵۶۲۵	۰/۵۸۷۵	۰/۸۲۵	۰/۹۳۷۵	داشتن پشتکار، خستگی ناپذیری، دوری از تنبلی و مداومت در کار	۶۲
۰/۵۸۷۵	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۵	فقط بر روی پول در آوردن تمرکز نکند	۶۳
۰/۶۰۹۳۷۵	۰/۵۷۵	۰/۸۲۵	۰/۹۶۲۵	گشاده رویی و مهربانی	۶۴
۰/۶۴۳۷۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۶۲۵	۰/۹۸۷۵	اهمیت دادن به ظاهر، بهداشت و مرتب بودن	۶۵
۰/۵۵۳۱۲۵	۰/۵۱۲۵	۰/۷۶۲۵	۰/۹۲۵	با لحن دلپز صحت می‌کنند و بی‌انگیزه‌گی و بی‌حوصلگی در چهره شان نیست	۶۶
۰/۶۹۰۶۲۵	۰/۶۷۵	۰/۹۲۵	۰/۹۸۷۵	ذلت و حقارت را برای دیگران نمی‌خواهد	۶۷
۰/۶۸۱۲۵	۰/۶۶۲۵	۰/۶۱۲۵	۰/۹۸۷۵	به همکاران خود با احترام برخورد نماید.	۶۸
۰/۷	۰/۶۸۷۵	۰/۹۳۷۵	۰/۹۸۷۵	قابل اعتماد بودن	۶۹
۰/۶۲۱۸۷۵	۰/۵۸۷۵	۰/۸۳۷۵	۰/۹۷۵	علاقه‌مند به همکاری و کمک به کسانی که مسایل کاری مرتبط دارند	۷۰
۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۵	۰/۹۳۷۵	متعهد بودن به تیم و اعضا	۷۱
۰/۶۴۶۸۷۵	۰/۶۲۵	۰/۸۷۵	۰/۹۶۲۵	داشتن برخورد مناسب و محترمانه با مشتری و تکریم آنان	۷۲
۰/۵۶۵۶۲۵	۰/۵۲۵	۰/۷۷۵	۰/۹۳۷۵	درک نیاز مشتریان	۷۳
۰/۶۴۰۶۲۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۶۲۵	۰/۹۷۵	پاسخگویی و ارائه اطلاعات مفید به مشتری	۷۴
۰/۶۴۰۶۲۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۶۲۵	۰/۹۷۵	از روابط عمومی خوبی برخوردار باشد.	۷۵
۰/۷۰۹۳۷۵	۰/۰۷	۰/۹۵	۰/۹۸۷۵	مشتریان را سرمایه واقعی بانک بداند	۷۶
۰/۶۶۲۵	۰/۶۳۷۵	۰/۸۸۷۵	۰/۹۸۷۵	ارباب رجوع، مشتری و یا هر عامل بیرونی را ارج بگذارد.	۷۷
۰/۵۸۷۵	۰/۵۵	۰/۷۸۷۵	۰/۹۳۷۵	نقدپذیری از مشتریان و دریافت نظرات آنان	۷۸
۰/۶۲۱۸۷۵	۰/۵۸۷۵	۰/۸۲۵	۰/۹۶۲۵	سرعت در اجابت خواسته مشتری	۷۹
۰/۶۳۱۲۵	۰/۶	۰/۸۵	۰/۹۷۵	توانایی انجام کار	۸۰

اعداد دیفازی	اعداد فازی مثلثی			شاخص‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی	ردیف
	m	α	β		
۰/۶۴۳۷۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۶۲۵	۰/۹۸۷۵	تمرکز کامل روی هدف تا اتمام کار	۸۱
۰/۶۱۸۷۵	۰/۵۸۷۵	۰/۸۲۵	۰/۹۵	داشتن تمرکز و دقت در حین انجام وظایف	۸۲
۰/۵۸۴۳۷۵	۰/۵۳۷۵	۰/۷۸۷۵	۰/۹۷۵	به کارهای تخصصی و غیر تخصصی خود احاطه کامل داشته باشد.	۸۳
۰/۵۷۸۱۲۵	۰/۵۲۵	۰/۷۷۵	۰/۹۸۷۵	مهارت در استفاده از رایانه و فناوریهای روز	۸۴
۰/۵۵	۰/۵	۰/۷۳۷۵	۰/۹۳۷۵	انجام کار با ضایعات کم	۸۵
۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۵۷۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۲۵	باور به آینده بانک	۸۶
۰/۶۷۵	۰/۶۶۲۵	۰/۹	۰/۹۵	حسن نیت و تعصب نسبت به بانک و حمایت و دفاع از اهداف بانک	۸۷
۰/۶۳۷۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۵	۰/۹۵	ترجیح منافع بانک به منافع شخصی	۸۸
۰/۶۴۶۸۷۵	۰/۶۲۵	۰/۸۶۲۵	۰/۹۵	نگرش مثبت نسبت به انجام کار و وظایف	۸۹
۰/۵۹۰۶۲۵	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۶۲۵	عملکرد شغلی	۹۰
۰/۵۵	۰/۵	۰/۷۵	۰/۹۵	آگاهی به مسائل جاری بانک	۹۱
۰/۵۶۸۷۵	۰/۵۲۵	۰/۷۶۲۵	۰/۹۳۷۵	حضور در جلسات کاری	۹۲
۰/۵۳۴۳۷۵	۰/۴۸۷۵	۰/۷۲۵	۰/۹۱۲۵	آگاهی از آخرین دستورالعملها و بخش نامه های بانکی	۹۳
۰/۵۳۷۵	۰/۴۸۷۵	۰/۷۲۵	۰/۹۲۵	آگاهی و داشتن اطلاعات فنی	۹۴
۰/۵۱۵۶۲۵	۰/۴۶۲۵	۰/۷۱۲۵	۰/۹۲۵	امتیازات ارزیابی عملکرد توسط مدیریت	۹۵
۰/۵۰۶۲۵	۰/۴۵	۰/۷	۰/۹۲۵	امتیازات سنجش میزان رضایت مشتریان	۹۶
۰/۵۶۲۵	۰/۵۱۲۵	۰/۷۶۲۵	۰/۹۶۲۵	دوره های آموزشی حین خدمت	۹۷
۰/۴۹۶۸۷۵	۰/۴۶۲۵	۰/۶۷۵	۰/۸۱۲۵	تعداد تخلفات اداری ثبت شده (هرچه کمتر بهتر)	۹۸
۰/۴۳۷۵	۰/۳۸۷۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۱۲۵	گردش شغلی	۹۹
۰/۵۶۵۶۲۵	۰/۵۲۵	۰/۷۷۵	۰/۹۳۷۵	رشته تحصیلی مرتبط	۱۰۰
۰/۵۶۸۷۵	۰/۵۲۵	۰/۷۷۵	۰/۹۵	سطح تحصیلات	۱۰۱
۰/۵۴۰۶۲۵	۰/۴۸۷۵	۰/۷۳۷۵	۰/۹۵	سابقه کار (سنوات خدمتی)	۱۰۲
۰/۵۸۴۳۷۵	۰/۵۳۷۵	۰/۷۸۷۵	۰/۹۷۵	توانایی و سرعت یادگیری	۱۰۳
۰/۳۶۲۵	۰/۳۱۲۵	۰/۵	۰/۷	آشنایی به زبان خارجی بویژه در شعب ارزی	۱۰۴
۰/۵۵	۰/۵	۰/۷۳۷۵	۰/۹۳۷۵	فهم سریع مسائل کاری	۱۰۵

اعداد فازی بدست آمده به کمک رابطه مینکووسکی به اعداد دیفازی تبدیل می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵):

$$x = m + \frac{b-a}{4} \quad (۴)$$

در رابطه (۴)، m کمترین، b بیشترین و a مقدار میانی فازی است. لذا پرسشنامه جهت انجام روش دلفی فازی در اختیار ۲۰ نفر از مدیران و روسای حوزه‌های شعب بانک ملی خراسان رضوی که با سرمایه‌های انسانی بانک سروکار دارند توزیع گردید. در روش دلفی هیچ قانون محکم و صریحی در مورد نحوه انتخاب و تعداد متخصصین وجود ندارد و با توجه به هدف دلفی یا وسعت مساله، کیفیت تصمیم، توانایی تیم تحقیق، اعتبار داخلی و خارجی، زمان جمع آوری داده‌ها و منابع در دسترس و دیگر عوامل، تعداد شرکت کنندگان معمولاً ۱۵ تا ۲۰ نفر می‌باشد.

دلفی فازی طی ۲ مرحله انجام و چون اختلاف اعداد دیفازی مرحله ۱ و ۲ کمتر از ۰/۱ شد، فرآیند دلفی متوقف گردید. به کمک نتایج مرحله (۲) دلفی فازی مدل تحقیق به شکل (۳) حاصل شد.

برای شناسایی شاخصه‌های ارزش‌گذاری سرمایه‌های انسانی بانک ملی با استفاده از روش دلفی فازی پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها در مرحله اول، میانگین فازی محاسبه گردید. پرسشنامه برای اجرای مرحله دوم دلفی فازی به مدیران و روسای حوزه‌های بانک ارسال گردید تا در صورت لزوم نظر قبلی خود را با توجه به میانگین نظرات افراد اصلاح نمایند. نتایج مرحله دوم دلفی فازی در نگاره (۳) آمده است.

نگاره (۳): نتایج اجرای مرحله دوم دلفی فازی

اعداد دیفازی	اعداد فازی مثلثی			شاخصه‌های ارزش‌گذاری سرمایه انسانی	ردیف
	m	α	β		
۰/۶۸۱۲۵	۰/۶۶۲۵	۰/۹۱۲۵	۰/۹۸۷۵	اعتقاد به بیت المال	۱
۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۵۶۲۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۸۷۵	تسلط بر خشم و پرهیز از عصبانیت	۲
۰/۶۵۶۲۵	۰/۶۲۵	۰/۸۷۵	۱	صداقت و راستگویی	۳
۰/۶۵۶۲۵	۰/۶۲۵	۰/۸۷۵	۱	صبر و بردباری	۴
۰/۶۹۳۷۵	۰/۶۷۵	۰/۹۲۵	۱	داشتن عفت کلام	۵

ردیف	شاخصه‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی	اعداد فازی مثلثی			اعداد دیفازی
		m	α	β	
۶	پذیرش نقاط قوت و ضعف خود	۰/۵۷۵	۰/۸۲۵	۰/۹۸۷۵	۰/۶۲۵۶۲۵
۷	عدالت و انصاف	۰/۵۸۷۵	۰/۸۳۷۵	۰/۹۸۷۵	۰/۶۲۵
۸	داشتن نظم و حضور بموقع سرکار	۰/۶۵	۰/۹	۱	۰/۶۷۵
۹	تبعیت و احترام به قوانین و مقررات بانک	۰/۶۶۲۵	۰/۹۱۲۵	۱	۰/۶۸۴۳۷۵
۱۰	وظیفه شناسی و اعتقاد به انجام صحیح کار	۰/۶۵	۰/۹	۱	۰/۶۷۵
۱۱	خودداری از انجام تخلفات	۰/۶۷۵	۰/۹۲۵	۱	۰/۶۹۳۷۵
۱۲	پاسخگو بودن به مقام مافوق	۰/۶	۰/۸۵	۱	۰/۶۳۷۵
۱۳	پذیرای کامل نظام ارشدیت و اطاعت از رؤسا و مدیران مافوق	۰/۶۳۷۵	۰/۸۸۷۵	۱	۰/۶۶۵۶۲۵
۱۴	عجین شدن با کار	۰/۵۶۲۵	۰/۸۱۲۵	۱	۰/۶۰۹۳۷۵
۱۵	سودمند بودن	۰/۵۶۲۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۸۷۵	۰/۶۰۶۲۵
۱۶	خودکنترلی (بطور مستقل کار میکنند و نیازی به کنترل توسط مدیران ندارند)	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۶۲۵	۰/۵۹۶۲۵
۱۷	رعایت صداقت و شفافیت در ارائه گزارش به مافوق	۰/۶۵	۰/۹	۱	۰/۶۷۵
۱۸	تلاش برای بهبود قابلیت‌ها و افزایش ارزش خود	۰/۵۶۲۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۵	۰/۵۹۶۸۷۵
۱۹	یادگیری برای افزایش بهره وری با وسایل و امکانات جدید	۰/۵۷۵	۰/۸۲۵	۰/۹۷۵	۰/۶۱۲۵
۲۰	داشتن احساس مالکیت بر کار	۰/۵۲۵	۰/۷۷۵	۰/۹۷۵	۰/۵۷۵
۲۱	شرکت در کلاسها و دوره های مختلف	۰/۵۶۲۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۷۵	۰/۶۰۳۱۲۵
۲۲	ارتقاء سطح علمی از طریق مطالعه و آموزش در تمامی اوقات	۰/۴۸۷۵	۰/۷۳۷۵	۰/۹	۰/۵۲۸۱۲۵
۲۳	حفظ اطلاعات و اسرار مشتریان و بانک	۰/۶۸۷۵	۰/۹۳۷۵	۱	۰/۷۰۳۱۲۵
۲۴	داشتن سعه صدر در برابر رفتار مشتری	۰/۶۶۲۵	۰/۹۱۲۵	۱	۰/۶۸۴۳۷۵
۲۵	عدم منت گذاری در برابر ارائه خدمت به مشتری	۰/۶۲۵	۰/۸۷۵	۱	۰/۶۵۶۲۵
۲۶	راضی نگهداشتن خدا و مردم	۰/۵۷۵	۰/۸۲۵	۱	۰/۶۱۸۷۵
۲۷	خواهان کسب روزی حلال برای خانواده	۰/۷۱۲۵	۰/۹۶۲۵	۱	۰/۷۲۱۸۷۵
۲۸	امانتداری در کار و پرهیز از خیانت	۰/۷۱۲۵	۰/۹۶۲۵	۱	۰/۷۲۱۸۷۵

اعداد دیفازی	اعداد فازی مثلثی			شاخصه‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی	ردیف
	m	α	β		
۰/۶۹۳۷۵	۰/۶۷۵	۰/۹۲۵	۱	خدا ترسی و گرفتار نشدن در دام آلودگیها و پیشنهادات و سوسه انگیز	۲۹
۰/۶۶۵۶۲۵	۰/۶۳۷۵	۰/۸۸۷۵	۱	مسئولیتی که به او محول شده را میپذیرد و سعی میکند که با اخلاقی انسانی و رفتاری صحیح عمل کند.	۳۰
۰/۶۷۵	۰/۶۵	۰/۹	۱	وفاداری و پایبند بودن به تعهدات	۳۱
۰/۶۲۸۱۲۵	۰/۵۸۷۵	۰/۸۳۷۵	۱	منضبط بودن و در هر روز وظیفه و کار همان روز انجام دادن	۳۲
۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۶	۰/۸۵	۰/۹۸۷۵	تلاش حداکثری و دقیق انجام دادن وظایف و پرهیز از اهمال کاری	۳۳
۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۵۶۲۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۷۵	از بدگویی دیگران اجتناب ورزد.	۳۴
۰/۵۹۳۷۵	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۷۵	پذیرش مسئولیت کارها و اشتباهات خود و پاسخگو بودن در قبال آن	۳۵
۰/۵۷۱۸۷۵	۰/۵۲۵	۰/۷۷۵	۰/۹۶۲۵	مدیریت زمان و اولویت بندی کارها براساس اهمیت	۳۶
۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۵۶۲۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۷۵	انگیزه نیل به هدف	۳۷
۰/۶۲۵	۰/۵۸۷۵	۰/۸۳۷۵	۰/۹۸۷۵	به نتیجه رساندن کارها	۳۸
۰/۵۸۴۳۷۵	۰/۵۳۷۵	۰/۷۸۷۵	۰/۹۷۵	ارتباطات قوی	۳۹
۰/۶۴۰۶۲۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۶۲۵	۰/۹۷۵	علاقه به انتقال اطلاعات و دانش بانکی به دیگران	۴۰
۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۶	۰/۸۵	۰/۹۸۷۵	برجستگی های شخصیتی مثل خودباوری، هوش، ثبات رفتاری، راست گویی، عدالت و انصاف	۴۱
۶۱۲۵۸۰	۰/۵۷۵	۰/۸۲۵	۰/۹۷۵	محیط کار خود را تمیز و مرتب نگهداشتن	۴۲
۰/۶۱۸۷۵	۰/۵۸۷۵	۰/۸۳۷۵	۰/۹۶۲۵	به فکر بهتر کردن محیط کاری خود است	۴۳
۰/۶۰۹۳۷۵	۰/۵۷۵	۰/۸۲۵	۰/۹۶۲۵	برخورداری از سلامت فکر و روان	۴۴
۰/۵۸۴۳۷۵	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۳۷۵	داشتن انرژی مثبت در محیط کاری	۴۵
۰/۶۸۴۳۷۵	۰/۶۶۲۵	۰/۹۱۲۵	۱	تعلق سازمانی	۴۶
۰/۷۲۱۸۷۵	۰/۷۱۲۵	۰/۹۶۲۵	۱	تمایل به بقای سازمان	۴۷

اعداد دیفازی	اعداد فازی مثلثی			شاخصه‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی	ردیف
	m	α	β		
۰/۶۵۶۲۵	۰/۶۲۵	۰/۸۷۵	۱	احساس برخورد عادلانه با وی	۴۸
۰/۵۱۵۶۲۵	۰/۴۶۲۵	۰/۷۱۲۵	۰/۹۲۵	احساس رضایت از میزان حقوق و دستمزد	۴۹
۰/۶۶۵۶۲۵	۰/۶۳۷۵	۰/۸۱۷۵	۱	همواره در پی صلاح و عزت بانک و جامعه است	۵۰
۰/۶۳۷۵	۰/۶	۰/۸۵	۱	رعایت قوانین و مقررات بانک مرکزی و تحویل بموقع گزارشات	۵۱
۰/۶۱۲۵	۰/۵۷۵	۰/۸۲۵	۰/۹۷۵	آشنایی با آثار زیانبار اقتصادی، اجتماعی و ... پولشویی و تامین مالی تروریسم	۵۲
۰/۶۵۹۳۷۵	۰/۶۳۷۵	۰/۸۱۷۵	۰/۹۷۵	عدم ارائه خدمات بانکی به فعالیتهای غیرقانونی و تامین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی	۵۳
۰/۶۷۸۱۲۵	۰/۶۶۲۵	۰/۹۱۲۵	۰/۹۷۵	پرهیز از به مخاطره انداختن ثبات و امنیت اقتصادی کشور	۵۴
۰/۶۵۳۱۲۵	۰/۶۲۵	۰/۸۷۵	۰/۹۸۷۵	پرهیز از ایجاد اثرات منفی در فرهنگ و رفتارهای اسلامی جامعه	۵۵
۰/۷۰۹۳۷۵	۰/۷	۰/۹۵	۰/۹۸۷۵	حفظ و ارتقای خوش نامی و اعتبار نظام بانکی	۵۶
۰/۶۱۸۷۵	۰/۵۸۷۵	۰/۸۳۷۵	۰/۹۶۲۵	داشتن انگیزه در کار	۵۷
۰/۶۲۵	۰/۵۸۷۵	۰/۸۳۷۵	۰/۹۸۷۵	داشتن اطمینان به حسن انجام کار	۵۸
۰/۶	۰/۵۷۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۱۲۵	اعتماد به نفس داشته و از پذیرفتن کارهای جدید نمی هراسند	۵۹
۰/۶۲۸۱۲۵	۰/۶	۰/۸۳۷۵	۰/۹۵	علاقه شدید به یادگیری مطالب جدید	۶۰
۰/۶۱۵۶۲۵	۰/۵۸۷۵	۰/۸۳۷۵	۰/۹۵	انعطاف پذیر بوده و تغییرات را می پذیرند	۶۱
۰/۶۴۰۶۲۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۶۲۵	۰/۹۷۵	داشتن پشتکار، خستگی ناپذیری، دوری از تنبلی و مداومت در کار	۶۲
۰/۶۱۲۵	۰/۵۷۵	۰/۸۲۵	۰/۹۷۵	فقط بر روی پول در آوردن تمرکز نکند	۶۳
۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۶	۰/۸۵	۰/۹۸۷۵	گشاده رویی و مهربانی	۶۴
۰/۶۶۵۶۲۵	۰/۶۳۷۵	۰/۸۱۷۵	۱	اهمیت دادن به ظاهر، بهداشت و مرتب بودن	۶۵
۰/۵۷۸۱۲۵	۰/۵۳۷۵	۰/۷۸۷۵	۰/۹۵	با لحن دلپذیری صحبت می کنند و بی انگیزه گی و بی حوصلگی در چهره شان نیست	۶۶
۰/۶۹۰۶۲۵	۰/۶۷۵	۰/۹۲۵	۰/۹۸۷۵	ذلت و حقارت را برای دیگران نمی خواهد	۶۷

اعداد دیفازی	اعداد فازی مثلثی			شاخصه‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی	ردیف
	m	α	β		
۰/۶۸۱۲۵	۰/۶۶۲۵	۰/۹۱۲۵	۰/۹۸۷۵	به همکاران خود با احترام برخورد نماید.	۶۸
۰/۷	۰/۶۸۷۵	۰/۹۳۷۵	۰/۹۸۷۵	قابل اعتماد بودن	۶۹
۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۶	۰/۸۵	۰/۹۸۷۵	علاقمند به همکاری و کمک به کسانیکه مسایل کاری مرتبط دارند	۷۰
۰/۶۴۶۸۷۵	۰/۶۲۵	۰/۸۷۵	۰/۹۶۲۵	متعهد بودن به تیم و اعضا	۷۱
۰/۶۸۱۲۵	۰/۶۶۲۵	۰/۹۱۲۵	۰/۹۸۷۵	داشتن برخورد مناسب و محترمانه با مشتری و تکریم آنان	۷۲
۰/۶	۰/۵۶۲۵	۰/۸۱۲۵	۰/۹۶۲۵	درک نیاز مشتریان	۷۳
۰/۶۶۵۶۲۵	۰/۶۳۷۵	۰/۸۸۷۵	۱	پاسخگویی و ارائه اطلاعات مفید به مشتری	۷۴
۰/۶۴۰۶۲۵	۰/۶۱۲۵	۰/۸۶۲۵	۰/۹۷۵	از روابط عمومی خوبی برخوردار باشد.	۷۵
۰/۷۳۱۲۵	۰/۷۲۵	۰/۹۷۵	۱	مشتریان را سرمایه واقعی بانک بداند	۷۶
۰/۶۶۲۵	۰/۶۳۷۵	۰/۸۸۷۵	۰/۹۸۷۵	ارباب رجوع، مشتری و یا هر عامل بیرونی را ارج بگذارد.	۷۷
۰/۵۸۷۵	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۵	نقدپذیری از مشتریان و دریافت نظرات آنان	۷۸
۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۶	۰/۸۵	۰/۹۸۷۵	سرعت در اجابت خواسته مشتری	۷۹
۰/۶۳۱۲۵	۰/۶	۰/۸۵	۰/۹۷۵	توانایی انجام کار	۸۰
۰/۶۵۶۲۵	۰/۶۲۵	۰/۸۷۵	۱	تمرکز کامل روی هدف تا اتمام کار	۸۱
۰/۶۳۱۲۵	۰/۶	۰/۸۵	۰/۹۷۵	داشتن تمرکز و دقت در حین انجام وظایف	۸۲
۰/۶۰۹۳۷۵	۰/۵۶۲۵	۰/۸۱۲۵	۱	به کارهای تخصصی و غیر تخصصی خود احاطه کامل داشته باشد.	۸۳
۰/۵۹۰۶۲۵	۰/۵۳۷۵	۰/۷۸۷۵	۱	مهارت در استفاده از رایانه و فناوریهای روز	۸۴
۰/۵۶۲۵	۰/۵۱۲۵	۰/۷۶۲۵	۰/۹۶۲۵	انجام کار با ضایعات کم	۸۵
۰/۶۷۱۸۷۵	۰/۶۵	۰/۹	۰/۹۸۷۵	باور به آینده بانک	۸۶
۰/۷۱۲۵	۰/۷	۰/۹۵	۱	حسن نیت و تعصب نسبت به بانک و حمایت و دفاع از اهداف بانک	۸۷
۰/۶۸۴۳۷۵	۰/۶۶۲۵	۰/۹۱۲۵	۱	ترجیح منافع بانک به منافع شخصی	۸۸
۰/۶۵۹۳۷۵	۰/۶۳۷۵	۰/۸۸۷۵	۰/۹۷۵	نگرش مثبت نسبت به انجام کار و وظایف	۸۹
۰/۵۹۰۶۲۵	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۶۲۵	عملکرد شغلی	۹۰
۰/۵۸۴۳۷۵	۰/۵۳۷۵	۰/۷۸۷۵	۰/۹۷۵	آگاهی به مسائل جاری بانک	۹۱

ردیف	شاخصه‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی	اعداد فازی مثلثی		
		m	α	β
۹۲	حضور در جلسات کاری	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۷۵
۹۳	آگاهی از آخرین دستورالعملها و بخش نامه های بانکی	۰/۵۱۲۵	۰/۷۶۲۵	۰/۹۵
۹۴	آگاهی و داشتن اطلاعات فنی	۰/۴۸۷۵	۰/۷۳۷۵	۰/۹۵
۹۵	امتیازات ارزیابی عملکرد توسط مدیریت	۰/۴۶۲۵	۰/۷۱۲۵	۰/۹۲۵
۹۶	امتیازات سنجش میزان رضایت مشتریان	۰/۴۷۵	۰/۷۲۵	۰/۹۵
۹۷	دوره های آموزشی حین خدمت	۰/۵۱۲۵	۰/۷۶۲۵	۰/۹۶۲۵
۹۸	تعداد تخلفات اداری ثبت شده (هرچه کمتر بهتر)	۰/۵۳۷۵	۰/۷۶۲۵	۰/۸۷۵
۹۹	گردش شغلی	۰/۴	۰/۶۳۷۵	۰/۸۳۷۵
۱۰۰	رشته تحصیلی مرتبط	۰/۵۳۷۵	۰/۷۸۷۵	۰/۹۵
۱۰۱	سطح تحصیلات	۰/۵۵	۰/۸	۰/۹۷۵
۱۰۲	سابقه کار (سنوات خدمتی)	۰/۴۸۷۵	۰/۷۳۷۵	۰/۹۵
۱۰۳	توانایی و سرعت یادگیری	۰/۵۳۷۵	۰/۷۸۷۵	۰/۹۷۵
۱۰۴	آشنایی به زبان خارجی بویژه در شعب ارزی	۰/۳۶۲۵	۰/۳۱۲۵	۰/۷
۱۰۵	فهم سریع مسائل کاری	۰/۵۷۵	۰/۷۷۵	۰/۹۷۵

از نتایج نگاره (۳) می‌توان استفاده کرد که بیشترین شاخصه‌های با اهمیت از نظر خبرگان در مرحله دوم اجرای تکنیک دلفی فازی به ترتیب به شرح ذیل است:

- ۱- مشتریان را سرمایه واقعی بانک بدانند با میانگین ۰/۷۳۱۲۵
 - ۲- خواهان کسب روزی حلال برای خانواده با میانگین ۰/۷۲۱۸۷۵
 - ۳- امانتداری در کار و پرهیز از خیانت با میانگین ۰/۷۲۱۸۷۵
 - ۴- تمایل به بقای سازمان با میانگین ۰/۷۲۱۸۷۵
 - ۵- حسن نیت و تعصب نسبت به بانک و حمایت و دفاع از اهداف بانک با میانگین ۰/۷۱۲۵
- در مقایسه با نتایج مرحله اول ملاحظه می‌شود که خبرگان در مرحله دوم همچنان "مشتریان را سرمایه واقعی بانک دانستن" بعنوان با اهمیت‌ترین شاخصه در مقام نخست حفظ کرده‌اند.

شاخص "خواهان کسب روزی حلال برای خانواده" با ۲ پله صعود در مقام دوم، شاخصه "امانتداری در کار و پرهیز از خیانت" با ۳ پله صعود در مقام سوم، شاخصه "تمایل به بقای سازمان" با ۴ پله صعود در مقام چهارم شاخصهای با اهمیت قرار گرفته است.

همچنین کم اهمیت‌ترین شاخص‌ها به ترتیب عبارتند از:

۱- آشنایی به زبان خارجی بویژه در شعب ارزی با میانگین ۰/۳۶۲۵

۲- گردش شغلی با میانگین ۰/۴۵

۳- امتیازات ارزیابی عملکرد توسط مدیریت با میانگین ۰/۵۱۵۶۲۵

۴- احساس رضایت از میزان حقوق و دستمزد با میانگین ۰/۵۱۵۶۲۵

۵- ارتقاء سطح علمی از طریق مطالعه و آموزش در تمامی اوقات با میانگین ۰/۵۲۸۱۲۵

در مقایسه با نتایج مرحله اول ملاحظه می‌شود که مقام‌های اول، دوم و پنجم شاخص‌ها از لحاظ کم‌اهمیتی بدون تغییر به ترتیب مربوط به "آشنایی به زبان خارجی بویژه در شعب ارزی"، "گردش شغلی" و "ارتقاء سطح علمی از طریق مطالعه و آموزش در تمامی اوقات" است. اهمیت شاخص "احساس رضایت از میزان حقوق و دستمزد" نیز در مرحله دوم نسبت به مرحله اول بهبود یافته و یک پله ارتقاء پیدا کرده است. شاخصه "امتیازات ارزیابی عملکرد توسط مدیریت" با ۴ پله نزول در مقام سوم کم‌اهمیتی قرار گرفته است.

پس از انجام مرحله دوم اجرای تکنیک دلفی فازی و محاسبه میانگین نظرات خبرگان در پرسشنامه دوم، وقت آن است که میزان اجماع نظر خبرگان یا اختلاف میانگین نظرات خبرگان از طریق مقایسه اعداد دیفازی مرحله اول و دوم محاسبه شود. با توجه به اینکه اختلاف اعداد دیفازی مراحل (۱) و (۲) کمتر از ۰/۱ شد لذا ادامه فرآیند دلفی متوقف گردید.

تگاره (۴): محاسبه اختلاف دیفازی مراحل اول و دوم دلفی فازی

ردیف	شاخصه‌های ارزش‌گذاری سرمایه انسانی	دیفازی مرحله اول	دیفازی مرحله دوم	اختلاف دیفازی
۱	اعتقاد به بیت‌المال	۰/۶۵۹۳۷۵	۰/۶۸۱۲۵	۰/۲۱۸۷۵
۲	تسلط بر خشم و پرهیز از عصبانیت	۰/۵۹۰۶۲۵	۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۰۱۲۵
۳	صداقت و راستگویی	۰/۶۲۱۸۷۵	۰/۶۵۶۲۵	۰/۰۳۴۳۷۵

ردیف	شاخصه‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی	دیفازی مرحله اول	دیفازی مرحله دوم	اختلاف دیفازی
۴	صبر و بردباری	۰/۶۵۶۲۵	۰/۶۵۶۲۵	۰
۵	داشتن عفت کلام	۰/۶۸۴۳۷۵	۰/۶۹۳۷۵	۰/۰۰۹۳۷۵
۶	پذیرش نقاط قوت و ضعف خود	۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۶۱۵۶۲۵	۰/۰۱۲۵
۷	عدالت و انصاف	۰/۶۱۲۵	۰/۶۲۵	۰/۰۱۲۵
۸	داشتن نظم و حضور بموقع سرکار	۰/۶۷۵	۰/۶۷۵	۰
۹	تبعیت و احترام به قوانین و مقررات بانک	۰/۶۷۵	۰/۶۸۴۳۷۵	۰/۰۰۹۳۷۵
۱۰	وظیفه شناسی و اعتقاد به انجام صحیح کار	۰/۶۶۵۶۲۵	۰/۶۷۵	۰/۰۰۹۳۷۵
۱۱	خودداری از انجام تخلفات	۰/۶۹۳۷۵	۰/۶۹۳۷۵	۰
۱۲	پاسخگو بودن به مقام مافوق	۰/۶۱۵۶۲۵	۰/۶۳۷۵	۰/۰۲۱۸۷۵
۱۳	پذیرای کامل نظام ارشدیت و اطاعت از رؤسا و مدیران مافوق	۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۶۶۵۶۲۵	۰/۰۳۱۲۵
۱۴	عجین شدن با کار	۰/۵۹۶۸۷۵	۰/۶۰۹۳۷۵	۰/۰۱۲۵
۱۵	سودمند بودن	۰/۵۹۳۷۵	۰/۶۰۶۲۵	۰/۰۱۲۵
۱۶	خودکنترلی (بطور مستقل کار میکنند و نیازی به کنترل توسط مدیران ندارند)	۰/۵۶۵۶۲۵	۰/۵۹۰۶۲۵	۰/۰۲۵
۱۷	رعایت صداقت و شفافیت در ارائه گزارش به مافوق	۰/۶۰۶۲۵	۰/۶۷۵	۰/۰۶۸۷۵
۱۸	تلاش برای بهبود قابلیت‌ها و افزایش ارزش خود	۰/۵۶۲۵	۰/۵۹۶۸۷۵	۰/۰۳۴۳۷۵
۱۹	یادگیری برای افزایش بهره وری با وسایل و امکانات جدید	۰/۵۵۶۲۵	۰/۶۱۲۵	۰/۰۵۶۲۵
۲۰	داشتن احساس مالکیت بر کار	۰/۵۲۵	۰/۵۷۵	۰/۰۵
۲۱	شرکت در کلاسها و دوره های مختلف	۰/۵۶۷۸۵	۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۰۳۴۳۷۵
۲۲	ارتقاء سطح علمی از طریق مطالعه و آموزش در تمامی اوقات	۰/۵۰۳۱۲۵	۰/۵۲۸۱۲۵	۰/۰۲۵
۲۳	حفظ اطلاعات و اسرار مشتریان و بانک	۰/۶۸۴۳۷۵	۰/۷۰۳۱۲۵	۰/۰۱۸۷۵
۲۴	داشتن سعه صدر در برابر رفتار مشتری	۰/۶۴۰۶۲۵	۰/۶۸۴۳۷۵	۰/۰۴۳۷۵
۲۵	عدم منت گذاری در برابر ارائه خدمت به مشتری	۰/۶۴۳۷۵	۰/۶۵۶۲۵	۰/۰۱۲۵
۲۶	راضی نگهداشتن خدا و مردم	۰/۶۰۶۲۵	۰/۶۱۸۷۵	۰/۰۱۲۵

ردیف	شاخصه‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی	دیفازی مرحله اول	دیفازی مرحله دوم	اختلاف دیفازی
۲۷	خواهان کسب روزی حلال برای خانواده	۰/۷	۰/۷۲۱۸۷۵	۰/۰۲۱۸۷۵
۲۸	امانتداری در کار و پرهیز از خیانت	۰/۶۹۰۶۲۵	۰/۷۲۱۸۷۵	۰/۰۳۱۲۵
۲۹	خدا ترسی و گرفتار نشدن در دام آلودگیها و پیشنهادات و سوسه انگیز	۰/۶۵	۰/۶۹۳۷۵	۰/۰۴۳۷۵
۳۰	مسئولیتی که به او محول شده را میپذیرد و سعی میکند که با اخلاقی انسانی و رفتاری صحیح عمل کند.	۰/۶۴۳۷۵	۰/۶۶۵۶۲۵	۰/۰۲۱۸۷۵
۳۱	وفاداری و پایبند بودن به تعهدات	۰/۶۵۳۱۲۵	۰/۶۷۵	۰/۰۲۱۸۷۵
۳۲	منضبط بودن و در هر روز وظیفه و کار همان روز انجام دادن	۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۶۲۸۱۲۵	۰/۰۲۵
۳۳	تلاش حداکثری و دقیق انجام دادن وظایف و پرهیز از اهمال کاری	۰/۶۲۸۱۲۵	۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۰۱۲۵
۳۴	از بدگوئی دیگران اجتناب ورزد.	۰/۵۹۰۶۲۵	۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۰۱۲۵
۳۵	پذیرش مسئولیت کارها و اشتباهات خود و پاسخگو بودن در قبال آن	۰/۵۸۱۲۵	۰/۵۹۳۷۵	۰/۰۱۲۵
۳۶	مدیریت زمان و اولویت بندی کارها براساس اهمیت	۰/۵۵۹۳۷۵	۰/۵۷۱۸۷۵	۰/۰۱۲۵
۳۷	انگیزه نیل به هدف	۰/۵۹۰۶۲۵	۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۰۱۲۵
۳۸	به نتیجه رساندن کارها	۰/۶۱۲۵	۰/۶۲۵	۰/۰۱۲۵
۳۹	ارتباطات قوی	۰/۵۸۴۳۷۵	۰/۵۸۴۳۷۵	۰
۴۰	علاقه به انتقال اطلاعات و دانش بانکی به دیگران	۰/۶۲۸۱۲۵	۰/۶۴۰۶۲۵	۰/۰۱۲۵
۴۱	برجستگی های شخصیتی مثل خودباوری، هوش، ثبات رفتاری، راست گویی، عدالت و انصاف	۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۶۳۴۳۷۵	۰
۴۲	محیط کار خود را تمیز و مرتب نگهداشتن	۰/۵۸۷۵	۰/۶۱۲۵	۰/۰۲۵
۴۳	به فکر بهتر کردن محیط کاری خود است	۰/۵۸۴۳۷۵	۰/۶۱۸۷۵	۰/۰۳۴۳۷۵
۴۴	برخورداری از سلامت فکر و روان	۰/۶۰۹۳۷۵	۰/۶۰۹۳۷۵	۰
۴۵	داشتن انرژی مثبت در محیط کاری	۰/۵۵	۰/۵۸۴۳۷۵	۰/۰۳۴۳۷۵

ردیف	شاخصه‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی	دیفازی مرحله اول	دیفازی مرحله دوم	اختلاف دیفازی
۴۶	تعلق سازمانی	۰/۶۲۸۱۲۵	۰/۶۸۴۳۷۵	۰/۰۵۶۲۵
۴۷	تمایل به بقای سازمان	۰/۶۸۷۵	۰/۷۲۱۸۷۵	۰/۰۳۴۳۷۵
۴۸	احساس برخورد عادلانه با وی	۰/۶۴۳۷۵	۰/۶۵۶۲۵	۰/۰۱۲۵
۴۹	احساس رضایت از میزان حقوق و دستمزد	۰/۴۹۰۶۲۵	۰/۵۲۵۶۲۵	۰/۰۲۵
۵۰	همواره در پی صلاح و عزت بانک و جامعه است	۰/۶۱۸۷۵	۰/۶۶۵۶۲۵	۰/۰۴۶۸۷۵
۵۱	رعایت قوانین و مقررات بانک مرکزی و تحویل بموقع گزارشات	۰/۵۹۰۶۲۵	۰/۶۳۷۵	۰/۰۴۶۸۷۵
۵۲	آشنایی با آثار زیانبار اقتصادی، اجتماعی و ... پولشویی و تامین مالی تروریسم	۰/۵۸۷۵	۰/۶۱۲۵	۰/۰۲۵
۵۳	عدم ارائه خدمات بانکی به فعالیتهای غیرقانونی و تامین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی	۰/۶۳۷۵	۰/۶۵۹۳۷۵	۰/۰۲۱۸۷۵
۵۴	پرهیز از به مخاطره انداختن ثبات و امنیت اقتصادی کشور	۰/۶۵۶۲۵	۰/۶۷۸۱۲۵	۰/۰۲۱۸۷۵
۵۵	پرهیز از ایجاد اثرات منفی در فرهنگ و رفتارهای اسلامی جامعه	۰/۶۳۱۲۵	۰/۶۵۳۱۲۵	۰/۰۲۱۸۷۵
۵۶	حفظ و ارتقای خوش نامی و اعتبار نظام بانکی	۰/۷	۰/۷۰۹۳۷۵	۰/۰۰۹۳۷۵
۵۷	داشتن انگیزه در کار	۰/۵۵	۰/۶۱۸۷۵	۰/۰۶۸۷۵
۵۸	داشتن اطمینان به حسن انجام کار	۰/۶	۰/۶۲۵	۰/۰۲۵
۵۹	اعتماد به نفس داشته و از پذیرفتن کارهای جدید نمی هراسند	۰/۵۹۳۷۵	۰/۶	۰/۰۰۶۲۵
۶۰	علاقه شدید به یادگیری مطالب جدید	۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۶۲۸۱۲۵	۰/۰۲۵
۶۱	انعطاف پذیر بوده و تغییرات را می پذیرند	۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۶۱۵۶۲۵	۰/۰۱۲۵
۶۲	داشتن پشتکار، خستگی ناپذیری، دوری از تنبلی و مداومت در کار	۰/۶۱۵۶۲۵	۰/۶۴۰۶۲۵	۰/۰۲۵
۶۳	فقط بر روی پول در آوردن تمرکز نکند	۰/۵۸۷۵	۰/۶۱۲۵	۰/۰۲۵
۶۴	گشاده رویی و مهربانی	۰/۶۰۹۳۷۵	۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۰۲۵
۶۵	اهمیت دادن به ظاهر، بهداشت و مرتب بودن	۰/۶۴۳۷۵	۰/۶۶۵۶۲۵	۰/۰۲۱۸۷۵

ردیف	شاخصه‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی	دیفازی مرحله اول	دیفازی مرحله دوم	اختلاف دیفازی
۶۶	با لحن دلپز صحت می کنند و بی انگیزه گی و بی حوصلگی در چهره شان نیست	۰/۵۵۳۱۲۵	۰/۵۷۸۱۲۵	۰/۰۲۵
۶۷	ذلت و حقارت را برای دیگران نمی خواهد	۰/۶۹۰۶۲۵	۰/۶۹۰۶۲۵	۰
۶۸	به همکاران خود با احترام برخورد نماید.	۰/۶۸۱۲۵	۰/۶۸۱۲۵	۰
۶۹	قابل اعتماد بودن	۰/۷	۰/۷	۰
۷۰	علاقمند به همکاری و کمک به کسانی که مسایل کاری مرتبط دارند	۰/۶۲۱۸۷۵	۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۰۱۲۵
۷۱	متعهد بودن به تیم و اعضا	۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۶۴۶۸۷۵	۰/۰۱۲۵
۷۲	داشتن برخورد مناسب و محترمانه با مشتری و تکریم آنان	۰/۶۴۶۸۷۵	۰/۶۸۱۲۵	۰/۰۳۴۳۷۵
۷۳	درک نیاز مشتریان	۰/۵۶۲۵۵۶	۰/۶	۰/۰۳۴۳۷۵
۷۴	پاسخگویی و ارائه اطلاعات مفید به مشتری	۰/۶۴۰۶۲۵	۰/۶۶۵۶۲۵	۰/۰۲۵
۷۵	از روابط عمومی خوبی برخوردار باشد.	۰/۶۴۰۶۲۵	۰/۶۴۰۶۲۵	۰
۷۶	مشتریان را سرمایه واقعی بانک بدانند	۰/۷۰۹۳۷۵	۰/۷۳۱۲۵	۰/۰۲۱۸۷۵
۷۷	ارباب رجوع، مشتری و یا هر عامل بیرونی را ارج بگذارد.	۰/۶۶۲۵	۰/۶۶۲۵	۰
۷۸	تقدیر از مشتریان و دریافت نظرات آنان	۰/۵۸۷۵	۰/۵۸۷۵	۰
۷۹	سرعت در اجابت خواسته مشتری	۰/۶۲۱۸۷۵	۰/۶۳۴۳۷۵	۰/۰۱۲۵
۸۰	توانایی انجام کار	۰/۶۳۱۲۵	۰/۶۳۱۲۵	۰
۸۱	تمرکز کامل روی هدف تا اتمام کار	۰/۶۴۳۷۵	۰/۶۵۶۲۵	۰/۰۱۲۵
۸۲	داشتن تمرکز و دقت در حین انجام وظایف	۰/۶۱۸۷۵	۰/۶۳۱۲۵	۰/۰۱۲۵
۸۳	به کارهای تخصصی و غیر تخصصی خود احاطه کامل داشته باشد.	۰/۵۸۴۳۷۵	۰/۶۰۹۳۷۵	۰/۰۲۵
۸۴	مهارت در استفاده از رایانه و فناوریهای روز	۰/۵۷۸۱۲۵	۰/۵۹۰۶۲۵	۰/۰۱۲۵
۸۵	انجام کار با ضایعات کم	۰/۵۵	۰/۵۶۲۵	۰/۰۱۲۵
۸۶	باور به آینده بانک	۰/۶۰۳۱۲۵	۰/۶۷۱۷۸۵	۰/۰۶۸۷۵
۸۷	حسن نیت و تعصب نسبت به بانک و حمایت و دفاع از اهداف بانک	۰/۶۷۵	۰/۷۱۲۵	۰/۰۳۷۵
۸۸	ترجیح منافع بانک به منافع شخصی	۰/۶۳۷۵	۰/۶۸۴۳۷۵	۰/۰۴۶۸۷۵

ردیف	شاخصه‌های ارزش گذاری سرمایه انسانی	دیفازی مرحله اول	دیفازی مرحله دوم	اختلاف دیفازی
۸۹	نگرش مثبت نسبت به انجام کار و وظایف	۰/۶۴۶۸۷۵	۰/۶۵۹۳۷۵	۰/۰۱۲۵
۹۰	عملکرد شغلی	۰/۵۹۰۶۲۵	۰/۵۹۰۶۲۵	۰
۹۱	آگاهی به مسائل جاری بانک	۰/۵۵	۰/۵۸۴۳۷۵	۰/۰۳۴۳۷۵
۹۲	حضور در جلسات کاری	۰/۵۶۸۷۵	۰/۵۹۳۷۵	۰/۰۲۵
۹۳	آگاهی از آخرین دستورالعملها و بخش نامه های بانکی	۰/۵۳۴۳۷۵	۰/۵۵۹۳۷۵	۰/۰۲۵
۹۴	آگاهی و داشتن اطلاعات فنی	۰/۵۳۷۵	۰/۵۴۰۶۲۵	۰/۰۰۳۱۲۵
۹۵	امتیازات ارزیابی عملکرد توسط مدیریت	۰/۵۱۵۶۲۵	۰/۵۱۵۶۲۵	۰
۹۶	امتیازات سنجش میزان رضایت مشتریان	۰/۵۰۶۲۵	۰/۵۳۱۲۵	۰/۰۲۵
۹۷	دوره های آموزشی حین خدمت	۰/۵۶۲۵	۰/۵۶۲۵	۰
۹۸	تعداد تخلفات اداری ثبت شده (هرچه کمتر بهتر)	۰/۴۹۴۸۷۵	۰/۵۶۵۶۲۵	۰/۰۶۸۷۵
۹۹	گردش شغلی	۰/۴۳۷۵	۰/۴۵	۰/۰۱۲۵
۱۰۰	رشته تحصیلی مرتبط	۰/۵۶۵۶۲۵	۰/۵۷۸۱۲۵	۰/۰۱۲۵
۱۰۱	سطح تحصیلات	۰/۵۶۸۷۵	۰/۵۹۳۷۵	۰/۰۲۵
۱۰۲	سابقه کار (سنوات خدمتی)	۰/۵۴۰۶۲۵	۰/۵۴۰۶۲۵	۰
۱۰۳	توانایی و سرعت یادگیری	۰/۵۸۴۳۷۵	۰/۵۸۴۳۷۵	۰
۱۰۴	آشنایی به زبان خارجی بویژه در شعب ارزی	۰/۳۶۲۵	۰/۳۶۲۵	۰
۱۰۵	فهم سریع مسائل کاری	۰/۵۵	۰/۵۷۵	۰/۰۲۵

با عنایت به دیدگاه‌های ارائه شده در مراحل اول و دوم تکنیک دلفی فازی، چنانچه اختلاف دیفازی بین دو مرحله کمتر از حد آستانه ۰/۱ باشد، خبرگان به اجماع رسیده و فرآیند دلفی فازی متوقف شد. مقادیر نگاره (۴) بیانگر این است که خبرگان در پایان مرحله دوم به اجماع بسیار خوبی رسیده‌اند و اختلاف نظرات در تمامی شاخصه‌ها کمتر از ۰/۱ است و حتی در بعضی از شاخصه‌ها اختلاف دیفازی در حد صفر است. لذا فرآیند دلفی فازی در این مرحله متوقف شده و می‌توان نتیجه گرفت شاخص‌های حسابداری سرمایه انسانی مبتنی بر رویکرد ارزش گذاری در بانک ملی ایران با توجه به نظر خبرگان استخراج و میزان اهمیت آن تعیین شده است.

از نتایج دیفازی مرحله دوم وزن هر کدام از ابعاد به شرح نگاره (۵) مشخص شد.

نگاره (۵): رتبه‌بندی ابعاد مدل

رتبه ابعاد در مدل	میانگین دیفازی مرحله دوم سازه	مجموع دیفازی مرحله ۲	ابعاد مدل
۱	۰/۶۷۶۸۷۵	۳/۳۸۴۳۷۵	تقوای فردی
۲	۰/۶۶۳۷۵	۳/۳۱۸۷۵	وفاداری فرد به سازمان
۳	۰/۶۶۰۴۱۶۷	۱/۹۸۱۲۵	قابلیت کار تیمی
۴	۰/۶۵۹۳۷۵	۴/۶۱۵۶۲۵	روابط بانکی و فرابانکی
۵	۰/۶۵۱۹۵۳۱	۵/۲۱۵۶۲۵	تقوای کاری
۶	۰/۶۵۱۲۵	۶/۵۱۲۵	اطاعت و وجدان کاری
۷	۰/۶۵۰۳۹۰۶	۵/۲۰۳۱۲۵	مشتری مداری
۸	۰/۶۵	۳/۲۵	فداکاری و نشاط کاری
۹	۰/۶۴۷۳۲۱۴	۴/۵۳۱۲۵	ارزش‌ها
۱۰	۰/۶۳۲۵	۳/۱۶۲۵	رضایت شغلی
۱۱	۰/۶۲۰۰۸۹۳	۴/۳۴۰۶۲۵	علاقتمندی به کار
۱۲	۰/۶۱۳۶۳۳۳	۳/۶۸۱۲۵	مهارت و شایستگی
۱۳	۰/۶۱۳۵۴۱۷	۱/۸۴۰۶۲۵	خلاقیت
۱۴	۰/۶۰۹۸۹۵۸	۳/۶۵۹۳۷۵	توانایی رهبری و مربیگری
۱۵	۰/۵۸۳۱۲۵	۲/۹۱۵۶۲۵	پیشرفت
۱۶	۰/۵۴۴۷۹۱۷	۴/۹۰۳۱۲۵	ویژگی‌های سازمانی
۱۷	۰/۵۳۹۰۶۲۵	۳/۲۳۴۳۷۵	ویژگی‌های فردی

نتیجه‌گیری

حسابداری سرمایه انسانی موضوع بسیار با اهمیتی برای نشان دادن توجه به کارکنان سازمان‌ها است از همین رو رویکرد ارزش‌گذاری در مقایسه با رویکرد هزینه‌یابی از کارآمدی و انسان‌محوری بیشتری برخوردار می‌باشد. با توجه به نتایج تحقیق، برای سرمایه‌های انسانی بانک ۱۰۵ شاخصه بدست آمد که از میان آنها، مشتریان را سرمایه واقعی بانک بدانند با میانگین ۰/۷۳۱، خواهان کسب روزی حلال برای خانواده با میانگین ۰/۷۲۲، امانتداری در کار و پرهیز از خیانت با میانگین ۰/۷۲۲، تمایل به بقای سازمان با میانگین ۰/۷۲۲ و حسن نیت و تعصب نسبت به بانک و حمایت و دفاع از اهداف بانک با میانگین ۰/۷۱۲ به ترتیب ۵ شاخصه مهم

هستند. همچنین کم اهمیت‌ترین شاخصه‌ها به ترتیب عبارتند از آشنایی به زبان خارجی بویژه در شعب ارزی با میانگین ۰/۳۶۲، گردش شغلی با میانگین ۰/۴۵۰، امتیازات ارزیابی عملکرد توسط مدیریت با میانگین ۰/۵۱۶، احساس رضایت از میزان حقوق و دستمزد با میانگین ۰/۵۱۶ و ارتقاء سطح علمی از طریق مطالعه و آموزش در تمامی اوقات با میانگین ۰/۵۲۸.

در ادامه یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که به ترتیب تقوای فردی با میانگین دیفازی ۰/۶۷۷، وفاداری فرد به سازمان با میانگین ۰/۶۶۳، قابلیت کار تیمی با میانگین ۰/۶۶۰، روابط بانکی و فرابانکی با میانگین ۰/۶۵۹، تقوای کاری با میانگین ۰/۶۵۲، اطاعت و وجدان کاری با میانگین ۰/۶۵۱، مشتری مداری با میانگین ۰/۶۵۰، فداکاری و نشاط کاری با میانگین ۰/۶۵۰ و ارزش‌ها با میانگین ۰/۶۴۷، در میان ابعاد اصلی مدل در بالاترین اولویت و ویژگی‌های فردی با میانگین ۰/۵۳۹، ویژگی‌های سازمانی با میانگین ۰/۵۴۵، پیشرفت با میانگین ۰/۵۸۳ و توانایی مربیگری و رهبری با میانگین دیفازی ۰/۶۱۰ در پایین‌ترین اولویت ارزش‌گذاری قرار دارند.

لذا مدیریت سرمایه انسانی بانک به منظور تقویت سرمایه‌های انسانی خود ضروری است در جهت گسترش و توسعه شاخصه‌های با اهمیت تلاش بیشتری کرده و ارزیابی‌های خود را در این راستا انجام دهد. پیشنهاد می‌شود با توجه به جامعیت شاخصه‌های ارزش‌گذاری شده در پژوهش حاضر، هنگام استخدام نیروی کار جدید از این شاخصه‌ها در طراحی سوالات آزمون استخدامی استفاده گردد.

مدیریت بانک به منظور حفظ مزیت رقابتی ضروری است با برگزاری کلاس‌های آموزشی و اخلاقی نسبت به ایجاد و تقویت تقوای فردی در کارکنان خود همت گماشته و اخلاق را سرلوحه ارتقا و ارزیابی آنان قرار دهد. همچنین اصلاح منشور اخلاقی بانک بر اساس نتایج این تحقیق اقدامی پسندیده است.

بدلیل عدم وجود تحقیقات مشابه در نظام بانکی ایران، به علاقمندان این حوزه پیشنهاد می‌شود پس از شناسایی شاخصه‌های ارزش آفرین سرمایه انسانی در سایر بانک‌ها، رویکردهای ارزشی بانک‌ها نسبت به دارایی‌های انسانی مورد مقایسه قرار گیرد. همچنین پیشنهاد دیگر برای پژوهش‌های آتی، چگونگی انعکاس شاخصه‌های حسابداری سرمایه انسانی در ترازنامه بانک و تعیین روش استهلاك برای این دارایی است.

پی نوشت

- | | |
|----------------------------|-----------------------------------|
| ۱ motivating | ۲ monitoring |
| ۳ retaining | ۴ retaining |
| ۵ People management theory | ۶ American Accounting Association |
| ۷ Minkowski | |

منابع

- امیری، حسن؛ میرسپاسی، ناصر؛ رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۳۹۶). طراحی الگوی حسابداری منابع انسانی در دانشگاه آزاد اسلامی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۲۱(۶)، ۱۹-۳۲. (مقاله)
- حسنی آذر داریانی، الهام؛ مشایخ، شهناز؛ حجازی، رضوان. (۱۳۹۸). طراحی مدل ارزش‌گذاری منابع انسانی و گزارش‌گری آن در شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابع آن. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۲)، ۲۷۹-۳۰۰.
- سلطانی، مرتضی؛ شیخ، رحیمه. (۱۳۹۳). اولویت‌بندی شاخص‌های حسابداری منابع انسانی بر مبنای رویکرد ارزش‌گذاری در صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۱۲(۲)، ۲۱۳-۲۳۳.
- سهل آبادی، سعید؛ مهدوی، غلامحسین. (۱۳۹۱). بررسی تجربی رابطه بین ارزش منابع انسانی و نرخ بازده سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴(۴)، ۱۷-۳۳.
- طبرسا، غلامعلی؛ همت، موژان. (۱۳۸۷). حسابداری منابع انسانی، رویکردی نوین در حسابداری. *حسابدار*، ۲۳(۲)، ۳۸-۵۲.
- فلامهولتس، اریک. (۱۳۹۰). *حسابداری منابع انسانی* (ترجمه زهرا حسن قربان): انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- موسوی، سید نجم الدین؛ شریعت نژاد، علی؛ عارف نژاد، محسن. (۱۳۹۵). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل ایجادکننده آنومی سازمانی با استفاده از فن دلفی فازی. *فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت سازمان‌های دولتی*، ۴، ۱۱۵-۱۳۰.
- Amiri, Hassan; Mirsepasi, Nasser; Rahnama Roodpashti, Fereydoun. (2017). Designing a human resources accounting model in Islamic Azad University. *Management Accounting and Audit Knowledge*, 21 (6), 19-32. (in persian)
- Avazzadehfath, F., & Raiashekar, H. (2012). Decision-making based on human resource accounting information and its evaluation method. *Asian Journal of Finance & Accounting*, 3(1).
- Barney, J. B. (1995). Looking inside for competitive advantage. *The Academy of Management Executive*, 9(4), 49-61.

- Bavali, E., & Jokar, I. (2014). A new approach for measuring human resource accounting. *Management Science Letters*, 4(2), 335-340.
- Becker, G. (1964). Human capital national bureau of economic research. *New York*, 11.
- Flamholtz, E. G. (1971). Should Your Organization Attempt to Value Its Human Resources? *California Management Review*, 14(2), 40-45.
- Flamholtz, E., & Lacey, J. M. (1981). Personnel management, human capital theory, and human resource accounting: Institute of Industrial Relations. *University of California*.
- Flamolotz, Eric. (2013). Human Resources Accounting (Translated by Zahra Hasan Ghorban): *Azad Islamic University Press*. (in persian)
- Ganta, V. C., & Geddani, M. (2014). Human Resource Accounting. *International Journal of Academic Research*, 1, 54-61.
- Hasani Azar Daryani, E., Mashayekh, SH., & Hejazi, R. (2019). Designing Human Resources Valuation Model and its Reporting at the National Iranian Oil Company and its Subsidiary Companies. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 26(2), 279-300. (in persian)
- Ikpefan, O. A., Kazeem, B. L. O., & Taiwo, J. (2015). Human capital accounting and performance of microfinance banks (MFB) in Nigeria. *Research Journal of Finance and Accounting*, 6(1), 65-73.
- Jagadeesh, S., & Bharathi, K. (2013). Human resources accounting system in IT and manufacturing sector-A study. *International Journal of Marketing and Technology*, 3(12), 106.
- Kennedy, H. P. (2004). Enhancing Delphi research: methods and results. *Journal of advanced nursing*, 45(5), 504-511.
- Kiker, B. F. (1966). The historical roots of the concept of human capital. *Journal of Political Economy*, 74(5), 488-499.
- Landeta, J. (2006). Current validity of the Delphi method in social sciences. *Technological forecasting and social change*, 73(5), 467-482.
- Linstone, H. A., & Turoff, M. (1975). *The delphi method*: Addison-Wesley Reading, MA.
- Mousavi, Seyyednimeddin; Shariat Nezhad, Ali and Aref Nejad, Mohsen. (2016). Identifying and Prioritizing Organizational Anomie Creating Factors Using Fuzzy Delphi. *Journal of Management of Governmental Organizations*, 4, 115-130. (in persian)
- Nandkumar, R & ,Priya, R. K. (2016). Effect of Human Resource Accounting Cues on Stock Investment Decisions: an Experimental Study. *International Journal of Scientific Research*, 5(2).
- Narayan, R. (2010). Human resource accounting: A new paradigm in the era of globalization .
- Oluwatoyin, A. S. (2014). Human Resources Accounting and Disclosure in Financial Statement: Literature Review. *Research Journal of Finance and Accounting*, 5(22), 67-75.

- Özcan, A. (2019). The Role of Human Resource Accounting in the Business Environment. In *Global Perspectives on Human Capital-Intensive Firms*, 99-120. IGI Global.
- Paki, H., & Azar Fakhimi, S. (2015). Identification and Prioritization of Obstacles of Implementation of Human Resource Accounting System by TOPSIS. *Journal of Management Sciences*, 1(3), 23-31. (Journal)
- Pandurangarao, D., Basha, S., & Rajasekhar, D. (2013). A Study on Human Resource Accounting Methods and Practices in India. *International Journal of Social Science & Interdisciplinary Research*, 2(4), 95-102.
- Powell, C. (2003). The Delphi technique: myths and realities. *Journal of advanced nursing*, 41(4), 376-382.
- Sahle Abadi, Saeed and Mahdavi, Gholam Hossein. (2012). The empirical study of the relationship between human resource value and stock return rate of accepted companies in Tehran Stock Exchange. *Empirical Research in Accounting*, 1(4), 17-33. (in persian)
- Savino, D. M., McGuire, K. S., & White, K. M. (2012). Human asset measurement: A comparison of the artifact-based approach versus input methods. *Journal of Management Policy and Practice*, 13(1), 39.
- Scott, D. R. (1925). *Theory of accounts (Vol.1)*: New York: Henry Holt and Company.
- Seth, N. (2009). Human resource accounting practices adopted in Indian Industries. *ASBM Journal of Management*, 2(2), 103.
- Soltani, Morteza and Sheikh, Rahimah. (2015). Prioritization of Human Resources Accounting Indicators based on the valuation approach in the industrial machinery and equipment industry. *Management of Organizational Culture*, 12(2), 213-233. (in persian)
- Tabarsa, Gholamali and Hemmat, Mojan. (2009). Human Resource Accounting, A New Approach to Accounting. *Accountant*, 23(2), 38-52. (in persian)
- Theeke, H. A. (2005). A human resource accounting transmission: shifting from failure to a future. *Journal of Human Resource Costing & Accounting*, 9(1), 40-59.
- Velankar, N., & Pahuja, S. (2019). Measuring Human Capital as a Predictor of Financial Performance: An Evidence from Indian Private Sector Banks. Available at SSRN 3317400.
- Xiang, M. (2014). Application in China of human resource accounting. *Paper presented at the 2014 International Conference on Education Technology and Social Science*.

Human Capital Accounting Indicators based on the Non-monetary Valuation Approach (Case Study: Bank Melli of Iran)

Dariush Damoori¹, Mehdi Sabokro², Seyed Mohammad Naser
Razavi Heydari³

Received : 2019/03/02

Approved : 2019/07/20

Research Paper

Abstract

Today, the view of society and especially managing professionals of organizations to the employees has changed considerably, as compared to the past decades. To achieve organizational goals, human resources are key factors which may not be ignored. Human capital accounting, which has two costing and valuing approaches, is a tool for the purpose of considering human resources. Due to lack of value creation indices of human capital in the banking industry, this article is going to identify and prioritize the value indices of human capital in Melli Bank of Iran using the valuation approach and based on non-monetary criteria. To this end, the view of specialists and experts about human resources of the Bank Melli is obtained and analyzed using the Fuzzy Delphi method. In this regard, 105 indicators among 218 indicators are identified in 17 major dimensions as required indices in the Bank's human capital valuation. The findings of the research indicate that considering customers as the real capital of a bank, the desire to survive the organization, trust in the work, and avoiding betrayal, respectively are the most important indicators of human capital valuation. Also, foreign language acquaintance, job turnover, and performance evaluation rates are the least important indicators. It is essential for bank management to develop and improve the performance of employees through enhancing the existing indicators and considering them as criteria for improving their human capital.

Keywords: Human Capital Accounting, Bank Melli of Iran, Fuzzy Delphi, Non-monetary Valuation.

JEL Classification: J24 , C52 , M41

DOI: 10.22051/jera.2019.24673.2355

¹ Assistant Professor, Faculty of Economic, Management and Accounting, Yazd university, Yazd, Iran, (Corresponding Author), (d.damoori@yazd.ac.ir)

² Assistant Professor, Faculty of Economic, Management and Accounting, Yazd university, Yazd, Iran, (msabokro@yazd.ac.ir)

³ Phd of Human resource management and organizational behavior, Faculty of Economic, Management and Accounting, Yazd university, Yazd, Iran, (Mhd.meshki@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Market Responses to the Quality of Audit Partners Work

Masoud Taherinia¹, Mohsen Rashidi², Ayat Amozadeh³, Zahra Mansouri⁴

Received : 2020/01/11

Approved: 2020/04/25

Research Paper

Abstract

Agency problems are created as a result of the conflict of interests that exists between managers and shareholders. Auditing is considered as an effective way to limit the powers of managers in contractual relationships. In this paper, the aim is to test the market response to the quality of audit partners. For this purpose, the data of the listed companies in the Tehran Stock Exchange for the period 2009 to 2017 have been extracted and the regression model of cross-sectional data has been used to test the research hypothesis. The results of the first hypothesis of the research confirm that in companies with high quality audit partners, revenues have a higher reflection in stock prices. The high quality of the audit partner's work manages and controls the amount of information asymmetry and, therefore, the agency's problems related to the company's management decisions. The second hypothesis, entitled changing the auditor and selecting a higher quality auditor, leads to a positive market reaction has also been confirmed if the market believes that the information content of profits increases with the use of high quality auditors, as well as abnormal returns. The audit market response when changing auditors and selecting a higher quality auditing partner is closer to reality (predicted levels). Also, the results of the third hypothesis that auditing by high quality auditing partners has a significant impact on the amount of facilities received, has been confirmed. Because the quality of the audit partners' work has a significant impact on the creditors' view of the risk and timing of the repayment of receivables, the amount of facilities granted therefore increases. On the other hand, the stock price in these companies is a reflection of the real income of these companies.

Keywords: Audit quality, Market response, Audit Partners.

JEL Classification: M42,G41.

DOI: 10.22051/jera.2021.28470.2561

¹ Assistant Professor of Accounting, Faculty of Management and Economics, Lorestan University, Khoramabad, Iran, corresponding author, (taherinia.m@lu.ac.ir)

² Assistant Professor of Accounting, Faculty of Management and Economics, Lorestan University, Khoramabad, Iran, (rashidi.m@lu.ac.ir)

³ Ph.D. Student of Accounting, khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran, (amoozadeh1359@gmail.com)

⁴ MSc of Accounting, Faculty of Management and Economics, Lorestan University, Khoramabad, Iran, (mansourizahra66@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Financial and Non-Financial Risks of Pharmaceutical Industry: Identification and Continuous Monitoring Capability in Internal Audit

Javad Shekarkhah¹, Jafar Babajani², Ehsan Hamzeh³

Received : 2020/05/25

Approved: 2020/08/09

Research Paper

Abstract

As part of its consulting activities, internal audit provides management with advice on risk identification, assessment, and monitoring. Risk identification and continuous monitoring (CM) are vital aspects of risk management, being less studied in Iran. This study identifies five dimensions of risk (financial, strategic, operating, reporting, legal & compliance) including 25 risk components, through a comprehensive approach. Then, it assesses the significance and the CM capability of them. For this purpose, the opinions of 22 financial and non-financial experts in the pharmaceutical industry, including C-suits, board members, and Ministry of Health officials are applied using the Fuzzy Delphi method. The results indicate that among identified risks, 15 risks including funding & cash flow, product portfolio, legal changes, sales, procurement, macroeconomic, technology shift, production, governance, competitors, credit, human resources, reputation, resource allocation & budget, and inventory management are significant; 9 risks including inventory management, funding & cash flow, sales, product portfolio, credit, resource allocation & budgeting, purchase, asset protection, and production can be continuously monitored; and 8 risks including funding & cash flow, product portfolio, sales, procurement, production, credit, resource allocation & budgeting, and inventory management are significant and can be continuously monitored.

Keywords: Enterprise Risk Management (ERM), Continuous Risk Monitoring (CRM), Risk Assessment, Pharmaceutical Industry, Fuzzy Delphi.

JEL Classification: M42 ·D81 ·G30.

DOI: 10.22051/jera.2021.31198.2676

¹ Assistant Professor of Accounting, Management and Accounting Faculty, Allameh Tabataba'i university, Tehran, Iran, (j_shekarkhah@yahoo.com)

² Professor of Accounting, Management and Accounting Faculty, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, corresponding author, (jafar.babajani@gmail.com)

³ Phd student of Accounting, Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, (ehsanhamze@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Readability of Financial Statements and Auditor Strategies to deal with Audit Risk

Nazanin Bashirimanesh¹, Amin Samimi²

Received : 2020/05/05

Approved: 2020/08/03

Research Paper

Abstract

This study is aimed to investigate effects of ambiguity and complexity of financial statements on the type of auditor strategies for dealing with audit risk increase. Complexity of financial statements leads to an ambiguous and misunderstanding information for investors; also, it can be used as an approach for hiding information. Therefore, auditors should use appropriate mechanisms to assess desirability of financial information and protect themselves against audit risk increase. The sample consists of 832 observations (year-firm) during the period 2011 to 2018. The study examines effects of readability of financial statements on audits' fee, report lag, opinion and rotation. The findings show that more complexity and ambiguity of financial statements results in longer audit processes, more fees and more audit report lag. Findings also show that auditors use qualified opinions in a reaction to ambiguity in financial statements in order to reduce the risk of legal litigation. However, according to findings, financial statements complexity does not result in using client non-acceptance strategy by auditors.

Keywords: Readability of financial reporting, auditing fee, audit report lag, audit opinions, audit rotation.

JEL Classification: G11, M41

DOI: 10.22051/jera.2020.31275.2679

¹ Assistant Prof, Accounting Department, Payame nor university, Tehran, Iran, corresponding author, (bashirimanesh@gmail.com)

² MSc Auditing, Accounting Department, Payame nor university, Tehran, Iran, (a.tsamimi64@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

The Effectiveness of Competitive Measures of Firms Based on Strategic Management Accounting Techniques through Analysis CARD and Developed Theory of Rough (ERST)

Karim Nakhai¹, Hasan Yazdifar², Mehdi Faghani³

Received : 2019/02/04

Approved: 2019/06/01

Research Paper

Abstract

Today, strategic management accounting, as a well-known model for reforming the resource consumption pattern, provides financial analysts and managers with tools and methods for using accounting and financial information to raise the level of corporate competitive effectiveness. It helps financial analysts and policymakers to formulate long-term strategies for cost management and achieve long-term goals. Also, it promotes firms' competitive level. The purpose of this research is to promote effectiveness of competitive measures of firms based on strategic management accounting techniques through analysis CARD and developed theory of Rough (ERST). This research uses 17 Iranian and foreign management accounting experts. The method of this research is a combined one. In the qualitative section, this research identifies accounting techniques and the measures of firms' competitive effectiveness level based on content analysis and in the quantitative section, the measures desirability are determined based on Delphi analysis and gray hierarchy analysis. Then, the best strategic management accounting techniques to improve the effectiveness of competition are selected based on analysis CARD and the developed theory of Rough (ERST). The results show that among the five strategic management accounting techniques, dynamic pricing technique has a priority as an effective technique on firms' competitive effectiveness level and it can provide competitive advantages for firms through the gap between increasing the disclosure rating and reducing financial constraints.

Keywords: Effectiveness of Measures to Improve Competitiveness, Strategic Management Accounting Techniques, Analysis CARD, Developed Theory of Rough

JEL Classification: M41 · M4 · M49.

DOI: 10.22051/jera.2019.23809.2293

¹ PhD student, Department of Accounting, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran, (karim_nakhaei_1360@yahoo.com)

² Prof. of accounting and head of accounting department of finance and economics, Bournemouth university, England, Corresponding author, (hyazdifar@bournemouth.ac.uk)

³ Assistant Professor of Accounting, faculty of management and economic, Sistan Baluchestan University, Zahedan, Iran. (faghani@acc.usb.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Designing Auditor's Professional Maturity Model by Grounded Theory Approach

Mahmood Abolghasemi¹, MohammadReza Abdoli², Hasan
Valiyan³, Farhad Dehdar⁴

Received : 2018/11/30

Approved: 2019/04/09

Research Paper

Abstract:

The structure of every profession for employees is like a birth-to-death cycle, which results in a higher quality of job responsibilities and services, depending on individual job careers. An auditor's professional maturity has been ignored among all structural and imperative characteristics because many of ideologists in the profession have focused more on the formulation of rules and regulations than the profession employees' soul. The purpose of this research is designing auditor's professional maturity model by grounded theory approach. The methodology of this research is a development, exploratory and qualitative research in terms of result, objective and method, respectively. The statistical population consists of 14 accountants selected through theoretical sampling. The criteria for selecting interviewees is professional audit experience in terms of university education, financial statements review, and acquaintance with qualitative researches and the interviewing process. Then, data is collected through grounded data analysis (foundation data analysis) and interviews. Finally, the research model is designed based on the theoretical framework. The research results represent an element of underlying causes of professional maturity of auditors. According to results, professional maturity as a integrate process based on cognitive features including 3 types of psychological maturity, perceptual maturity and skillful maturity, multidimensional features including 2 types of structural maturity and occupational position and, ultimately, the promising feature of cultural maturity and social maturity, can help auditors to act more effectively in the professional path.

Keywords: Contextual Factors, Auditor's Professional Maturity, Grounded Theory Approach.

JEL classification: M42, M41.

DOI: 10.22051/jera.2019.23336.2261

¹ PhD student, Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran, (mahmoudabolghasemi@yahoo.com)

² Associate Professor, Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran, corresponding author, (MRAB830@yahoo.com)

³ Assistant Professor, Department of Management, Sari Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran, (Hasan.Valiyan@yahoo.com)

⁴ Assistant Professor Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran, (farhaddehdar@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Effects of Management Ingratiation, Earnings Management Incentives, and Audit Committee Communication with the External Auditor on Auditors' Judgment Quality

Mohammad Reza Nikbakht¹, Gholamreza Soleimani Amiri², Mansour Momeni³, Amir Hossein Hossein Pour⁴

Received : 2019/10/28

Approved: 2020/02/04

Research Paper

Abstract

In the last decade, Securities and Exchange Organization has required issuers listed in Tehran Stock Exchange and Iranian over the counter market to establish an audit committee (internal audit guidelines) having communication with an external auditor (audit committee charter) in order to improve firms' internal controls. Therefore, this study investigates effects of management ingratiation, earnings management incentives and audit committee communication with the external auditor on the quality of auditor's judgment. The statistical test method is MANCOVA. Results indicate that "management ingratiation", "earnings management incentives " and "audit committee communication with external auditors" have positive significant effects on auditors' judgment quality. In addition, interactions of "management ingratiation and earnings management incentives", "earnings management incentives and audit committee communication with external auditors", and "management ingratiation and earnings management incentives and audit committee communication with external auditors" have positive significant effects on auditors' judgment. Finally, results show that, according to the source credibility theory, when there is management ingratiation, high earnings management incentives result in positive significant effects of the audit committee communication with external auditor, on the quality of auditor's judgment.

Keywords: Management Ingratiation, Management Incentives on Earnings Management, Audit Committee Communication with the Independent Auditor, Auditor's Judgment Quality, Information Source Credibility.

JEL classification: M42.

DOI: 10.22051/jera.2020.28932.2581

¹ Associate Professor University Of Tehran, Faculty Of Management, Department Of Accounting, Tehran, Iran. corresponding author, (mnikbakht@ut.ac.ir)

² Associate Professor University Of Alzahra, Faculty Of Social Sciences And Economics, Department Of Accounting, Tehran, Iran, (gh.soleimany@alzahra.ac.ir)

³ Professor University Of Tehran, Faculty Of Management, Department Of Industrial Management, Tehran, Iran. (mmomeni@ut.ac.ir)

⁴ Ph.D Student Of Accounting, University Of Tehran, Faculty Of Management, Tehran, Iran, Corresponding Author, (amhosseinpour@Yahoo.Com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Effects of Individual Differences on Auditors' Organizational Commitment and Job Satisfaction

Seyed Mohammad Moshashaei¹, Seyed Abbas Hashemi²,
Dariush Foroughi³

Received : 2018/10/20

Approved: 2019/01/26

Research Paper

Abstract

According to the Social Cognitive Theory, human behavior is influenced by individual differences and environment. Auditors' Organizational Attitudes, that is, Organizational Commitment and Job Satisfaction can be effective on audit quality improvement. The purpose of this study is to examine the effect of auditors' individual differences on their organizational commitment and job satisfaction. For this purpose, according to the social cognitive theory, two criteria of internal locus of control and self-efficacy are used as auditors' individual differences. The study is based on a survey of 252 certified public accountants working in Audit Organization and audit firms. Research hypotheses are tested using ordinary least-squares regression. The results indicate that auditors' internal locus of control and self-efficacy has positive and significant effect on their organizational commitment and job satisfaction. These results reflect the importance of attention of authorities to individual differences of current auditors and applicants for recruitment in the Audit Organization and audit firms such as internal locus of control and self-efficacy.

Keywords: Internal Locus of Control, Self-Efficacy, Organizational Commitment, Job Satisfaction.

JEL classification: M42.

DOI: 10.22051/jera.2018.22649.2218

¹ Ph.D. Student in Accounting, Faculty of Administrative & Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran, (Mohammad.moshashae@gmail.com)

² Associate Prof. in Accounting, Faculty of Administrative & Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran, corresponding author, (hashemi@ase.ui.ac.ir)

³ Associate Prof. in Accounting, Faculty of Administrative & Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran, (foroghi@ase.ui.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Effects of Inflation Rate Risk and Firm-Specific Risk on A Firm Capital Structure Adjustment: GMM Approach

Mahdi Moradi¹, Seyedeh Esmat Parhizkar Malak Abad²

Received : 2018/06/26

Approved: 2018/11/17

Research Paper

Abstract

One of the most important duties of a firm's financial managers is to select an optimal capital structure for it. The research hypotheses are developed based on the effects of both internal (firm specific risk) and external (inflation rate risk) risks of a firm on the capital structure and the distance between real leverage and target leverage (capital structure adjustment speed), from the viewpoint of the dynamic balance theory. The generalized method-of-moments (GMM) dynamic panel estimator is used to estimate the models and test the hypotheses. The research data is collected from 121 firms listed in Tehran Stock Exchange from 2011 to 2018. The results of the first model indicate that the effect of both inflation rate risk and firm specific risk on the financial leverage of the company is significant. This effect on the financial leverage is negative for both variables. Meanwhile, the results of the second model indicate that the effects of both firm specific risk and inflation risk on the target leverage adjustment speed is significant. In other words, the influence of these two variables on the capital structure adjustment speed of firms is negative. Results also show that the speed of capital structure adjustment is 29% for firms, which decreases to %28 when a firm inflation rate risk occurs. Moreover, it drops to %25 during the periods a firm is exposed to a firm specific risk. Therefore, internal factors have a greater impact on the speed of capital structure adjustment of firms, as compared to external factors.

Keywords: inflation rate risk, Firm specific risk, capital structure, capital structure adjustment speed, generalized method-of-moments (GMM) estimation.

JEL classification: G32, E31, C23

DOI: 10.22051/jera.2020.20957.2077

¹ Professor of Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, corresponding author, (mhd_moradi@um.ac.ir)

² Msc. of Accounting ; Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran, (Parhizkar.asma@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Moderating Effect of Ownership Structure on the Relation between Financial Statement Comparability and Earnings Management

Mehdi Khazaie¹, Hasan Zalaghi², Abbas Aflatooni³

Received : 2018/02/25

Approved: 2018/06/20

Research Paper

Abstract

Comparability is among the key qualitative characteristics of accounting information, which can be affected by various factors like management motivation and earnings management. On the other hand, ownership structure is a corporate governance mechanism that can affect different aspects of an enterprise. The purpose of this study is to investigate the moderating effect of ownership structure on the relation between accounting comparability and earnings management. The population of this research includes all listed companies on Tehran Stock Exchange. The sample consists of 120 listed manufacturing firms from the period 2005 to 2016. This research uses panel data and multivariate regression methods (with controlled effects of years and industries) for data analysis and hypothesis testing. The empirical results from testing the first hypothesis imply a significant negative relation between comparability and earnings management. The findings from testing the second hypothesis show that any increase of institutional ownership may cushion the negative impact of earnings management on financial statement comparability. The results from testing the third hypothesis cannot find any significant impact of ownership concentration on the relation between financial statement comparability and earnings management.

Keyword: comparability, earnings management, ownership structure.

JEL Classification: M41, G14

DOI: 10.22051/jera.2018.19475.1968

¹ Assistant Professor of Accounting, Bualisina University, Hamedan, Iran, (m.khazaie@basu.ac.ir)

² Assistant Professor of Accounting, Bualisina University, Hamedan, Iran Corresponding Author, (zalaghi@basu.ac.ir)

³ Assistant Professor of Accounting, Bualisina University, Hamedan, Iran, (A.Aflatooni@basu.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Table of Content

Moderating Effect of Ownership Structure on the Relation between Financial Statement Comparability and Earnings Management.....	1
Mehdi Khazaie, Hasan Zalaghi , Abbas Aflatooni	
Effects of Inflation Rate Risk and Firm-Specific Risk on A Firm Capital Structure Adjustment: GMM Approach.....	23
Mahdi Moradi, Seyydeh Esmat Parhizkar Malak Abad	
Effects of Individual Differences on Auditors' Organizational Commitment and Job Satisfaction.....	53
Seyed Mohammad Moshashaei, Seyed Abbas Hashemi, Dariush Foroughi	
Effects of Management Ingratiation, Earnings Management Incentives, and Audit Committee Communication with the External Auditor on Auditors' Judgment Quality.....	75
Mohammad Reza Nikbakht, Gholamreza Soleimani Amiri, Mansour Momeni, Amir Hossein Hossein Pour	
Designing Auditor's Professional Maturity Model by Grounded Theory Approach.....	105
Mahmood Abolghasemi, MohammadReza Abdoli, Hasan Valiyan, Farhad Dehdar	
The Effectiveness of Competitive Measures of Firms Based on Strategic Management Accounting Techniques through Analysis CARD and Developed Theory of Rough (ERST).....	137
Karim Nakhai, Hasan Yazdifar, Mehdi Faghani	
Readability of Financial Statements and Auditor Strategies to deal with Audit Risk.....	169
Nazanin Bashirimanesh, Amin Samimi	
Financial and Non-Financial Risks of Pharmaceutical Industry: Identification and Continuous Monitoring Capability in Internal Audit.....	193
Javad Shekarkhah, Jafar Babajani, Ehsan Hamzeh	
Market Responses to the Quality of Audit Partners Work.....	217
Masoud Taherinia, Mohsen Rashidi, Ayat Amozadeh, Zahra Mansouri	
Human Capital Accounting Indicators based on the Non-monetary Valuation Approach (Case Study: Bank Melli of Iran).....	241
Dariush Damoori, Mehdi Sabokro, Seyed Mohammad Naser Razavi Heydari	

Licence Holder: Alzahra University
Director: Hoseini, Seyed Ali (Associate Prof. Alzahra University)
Editor in chief: Rahmani, Ali (Prof. Alzahra University)
Scientific and Literally Editor: Bashirimanesh, Nazanin
English Editor: Ebrahimi, Elaheh
Lay out editor: Esfandi, Khadijeh
Journal Expert: Azam, Pakkhesal
Print and Binding: Ramtin Publishing

Editorial Board

Pourheidari, Omid, Proffessor of Baahonar University
Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University, The USA
Hejazi, Rezvan, Proffessor of Alzahra University
Rahmani, Ali, Proffessor of Alzahra University
Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis University, The USA
Sajadi, Hosein, Proffessor of Shahid Beheshti University
Soleimani Amiri, Gholamreza, Associate Proffessor of Alzahra University
Mashayekhi, Bita, Associate Proffessor Tehran University
Mehrani, Sasan, Associate Proffessor of Tehran University
Homayoun Saeid, Associate Professor of Gavle University, Swed
Yazdifar Hassan, Professor of Salford University Business School, The UK

Address: Alzahra University, Vanak, Tehran-Iran. P. O Box 1993891176

Tel & Fax: (+9821) 88212578

Website: <http://journals.alzahra.ac.ir/jera>

Email: jera@alzahra.ac.ir

This journal is published in collaboration with the Iran Management Accounting Association.

In the Name of God



Alzahra university

Quarterly Journal of

Empirical Research in Accounting
“Scientific Journal”

Spring 2021, Vol 11, Number 39